

۳۹۰



KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۱۱ تا ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱ خورشیدی

سال سی و نهم - شماره ۱۸۵۶



# در حلقه تنگ انزوا



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۵۶ (۳۹۰)

جمعه ۱۱ تا ۱۷ آذرماه ۱۴۰۱

۲ تا ۸ دسامبر ۲۰۲۲



مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پیلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

**دارالترجمه بین المللی فریس**

زیر نظر و با مسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه) ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831 020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

[www.assot.co.uk](http://www.assot.co.uk) / Email: [assot@aol.com](mailto:assot@aol.com)

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

سر مقاله - نیروی محرکه دو انقلاب؛ هر نیرویی در جای خود بجاست! / ال‌ا‌هه بقرات ..... ۴

در حلقه تنگ انزوا... / احمد رأفت ..... ۴-۵

شاهزاده رضا پهلوی: تشکیل کمیته حقیقت یاب از سوی سازمان ملل در جریان ... / ..... ۵

شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی مهمان نشست ویژه مجلس سنای فرانسه ... / ..... ۶

توفان در ایران علیه رژیم بعثی جمهوری اسلامی... / مصطفی فحص (شرق الاوسط) ..... ۷

تشکیل کمیته حقیقت یاب سازمان ملل پیروزی بزرگ جنبش ... / احمد رأفت ..... ۸

آرسام محمودی فعال مشروطه خواه بازداشت شد؛ وریا غفوری با سپردن ... / ..... ۹

حسین رونقی آزاد شد؛ دادگستری اصفهان اتهام توماج صالحی را «افساد» ... / ..... ۱۰

نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۲) ... / احمد احرار ..... ۱۱

معمای بی‌نام هویدا (۱۲) ... / عباس میلانی ..... ۱۲-۱۳

یک کشور، یک ملت، یک پرچم ... / پویان ویستا ..... ۱۴

چراغ سبز مجتبی خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اصلاح طلبان ... / ..... ۱۵

افزایش شمار جانباختگان انقلاب ملی ایران؛ مدیری که اطلاعات دانش آموزان را ... / ..... ۱۶

یک منبع مطلع درباره آدم ربایی در قطر و برخی فایده‌ها و اطلاعات که ... / ..... ۱۷

اعتصاب هزاران کارگر در چند کارخانه بزرگ صنعتی ایران ... / ..... ۱۸

طرح حمایت از معترضان ایران در مجلس فرانسه بارأی اکثریت نمایندگان ... / ..... ۱۹

اصل «مساعی لازم» و قصور عاقدانه‌ی جمهوری اسلامی در ... / محمود مسائلی ..... ۲۰-۲۱

سکوت مقامات جمهوری اسلامی درباره تلفات سپاهی هادراو کر این ... / ..... ۲۲

بدهی سنگین دولت به نانوائی‌ها؛ ورشکستگی نانوائی‌ها و حذف ... / ..... ۲۳

«اعدام» راهکار جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب ملی ... / ..... ۲۴-۲۵

احضار سفیر آلمان در تهران؛ اعلام رسمی عدم همکاری جمهوری اسلامی با ... / ..... ۲۶

خودکشی یک نوجوان متهم به «عمامه پرانی» و افزایش آمار ... / ..... ۲۷

افزایش فشار بر روزنامه نگار در ایران ... / ..... ۲۸-۲۹

اعتصاب کامیونداران و تاکسیداران در بیش از ۲۰ شهر ایران ... / ..... ۲۹

گزارش ویژه؛ در کنار ریزش‌های امنیتی، نسلی که شیوه‌های مبارزه خیابانی را ... / ..... ۳۰-۳۱

اقدام وزیر خارجه آلمان برای صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی ... / ..... ۳۱

مبادله شهروندان غربی گروگان گرفته شده در ایران با اسرای سپاه ... / ..... ۳۲

هشدار اطلاعاتی به پرسنل نیروی انتظامی در مورد شناسایی منازل آنها ... / ..... ۳۲-۳۳

فرمانده ارتش جمهوری اسلامی: تفکر بسیجی توطئه دشمن را خنثی می‌کند! ... / ..... ۳۳

دو بال اصلاح طلب و اصولگرانه دنبال نجات نظام در برابر انقلاب ملی ایران ... / ..... ۳۴-۳۵

«سر هنگ پاسدار داود جعفری» در سوریه کشته شد یا او کر این؟! ... / ..... ۳۵

«تیم حکومتی» به آمریکا باخت؛ تدارکات جشن نظام در حال سقوط ... / ..... ۳۶-۳۷

در دو حه کپروش روی دست باز یکنان؛ در زاهدان پیکرهای تیر خورده ... / ..... ۳۷

شلیک به شادی مردم بعد از شکست «تیم حکومتی» در مقابل تیم آمریکا ... / ..... ۳۸

فرمانده سپاه: برای ما اهمیت ندارد جوانان بعد از شکست تیم فوتبال ... / ..... ۳۹

ایستادگی جنبش دانشجویی همگام با انقلاب ملی ... / ..... ۴۰-۴۱

ادعای علی خامنه‌ای علیه مردم: بسیجی‌ها جلوی یک مشت اغتشاشگر ... / ..... ۴۱

دیدگاه «بنیاد تونی بلر برای دگرگونی جهانی» ... / کسرا اعرابی و جمیاشلی ..... ۴۲-۴۷

پشت جلد - عکس هفته / مهران سماک ۲۷ ساله به جرم شادی به خاطر باخت تیم غیر ملی / ..... ۴۸

بازنشر  
بازنشر



## تیتراول

## در حلقه تنگ انزوا

## سرمقاله

## نیروی محرکه دو انقلاب

## هر نیرویی در جای خود بجاست!

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که نظام جمهوری اسلامی به کشور تحمیل کرده اینست که هیچکس و هیچ نیرویی در جای خود نیست! از بنیانگذار و دو رهبر و مقاماتش گرفته تا قشرهای وسیعی از مردم که در حرفه و شغل و نقشی که می‌بایست باشند، نیستند. پیامدهایی مانند مهاجرت و ناسامانی‌های اجتماعی و روحی و روانی از جمله به همین «نابجا» بودن افراد و موقعیت‌ها که خود ناشی از «ناهنگام» بودن نظام جمهوری اسلامی است برمی‌گردد.



مدرسه‌ای در اصفهان / آذر ۱۴۰۱

در فرهنگ و زبان فارسی امثال و حکم متعدد درباره نابجایی و بیجایی وجود دارد ولی عمدتاً معطوف به خواست و اراده خود افراد است و نه آنکه به آنها تحمیل شده باشد. کلاهی که می‌خواسته مثل کبک راه برود ولی راه رفتن خودش هم یادش رفت؛ یا خلق را تقلیدشان بر باد داد؛ و یا لاک‌پشتی که دهانش را بیجا باز می‌کند، همگی کنایه از در جای خود قرار نداشتن و سخن و رفتار نابجاست.

یکی از نکات شگفت‌انگیز انقلاب ملی ایران که اگرچه بذرای آن همواره در خاک این سرزمین نهفته بود اما نخستین نشانه‌های رویش و رشد آن از اعتراضات پاییز ۱۳۹۶ که در دی‌ماه به اوج خود رسید و در شعارهای بدیع و بی‌بدیل مردم نمود پیدا کرد، همین «بجا» و به عبارت ادیبانه «بهنگام» بودن رفتار و گفتار مردم معترض است. شعار تاریخی و معنادار «ما انقلاب کردیم چه اشتباه کردیم» که تعیین تکلیف و «نه به انقلاب ۵۷» بود و پیش از «نه به جمهوری اسلامی» از سوی جامعه ابراز شد، توسط مردم اصفهان در آذر ۹۶ بر زبان‌ها افتاد. «نه به انقلاب ۵۷» اما پیشینه‌ی دورتری دارد: نخستین بار زنان آزادخواه بودند که در تظاهرات ۱۷ اسفند ۵۷ برابر با ۸ مارس روز جهانی زن، یعنی کمتر از یک ماه پس از انقلاب ارتجاعی، در واکنش به زمزمه‌های حجاب اجباری توسط خمینی، به درستی ماهیت و مسیر آن انقلاب را تشخیص داده و شعار دادند: ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم! با اینهمه به علل مختلف، نه تنها زنان بلکه وضعیت کل جامعه با همه تنوع و تفاوت و تکرش توسط جمهوری اسلامی به عقب برگردانده شد! اکنون یکی از درس‌هایی که می‌بایست از چهل و اندی سال شرایط بیجا و ناهنگام جمهوری اسلامی در همه زمینه‌ها گرفت اینست که بجا و بهنگام بود! بجا و بهنگام گفت! بجا و بهنگام رفتار کرد! همچنین به اسم «اتحاد» یا «ائتلاف»، مشکلات و تناقضات را به «پس از سرنگونی» حواله نکرد! بی‌توجهی به نیروی محرکه‌ی «انقلاب» نیز خطای مهلکی است که در سال ۵۷ روی داد! آزمون ارتجاع و استبداد مذهبی علیه دستاوردهای مشروطه و پهلوی نیروی محرکه‌ی انقلاب اسلامی بود و اینزمان ترقی و آزادی عرفی و تداوم دستاوردهای مشروطه و پهلوی نیروی محرکه‌ی انقلاب ملی! جمع اعداد، یعنی مدافعان دو انقلاب، اگر هم ممکن باشد، در بهترین حالت خودش به هدف نمی‌رسد و در بدترین حالت نمی‌گذارد مردم به هدف برسند!



● اقدامات کم‌سابقه‌ی نهادهای حقوق بشری سازمان ملل در پیگیری سرکوب اعتراضات مردم ایران، حمایت مجلس ملی و سنای فرانسه از این اعتراضات و دیدار مقامات کشورهای غربی با فعالان سیاسی و مدنی ایرانی نشانگر حلقه‌ی انزواي جهانی هستند که بیش از پیش به دور جمهوری اسلامی تنگ می‌شود.

جنسیتی حاکم بر کشور مخالفت‌هایی صورت گرفت، ولی امروز با توجه به حرکت انقلابی که با قتل مهسا (ژینا) امینی آغاز شده است، بسیار بعید به نظر می‌رسد که این قطعنامه به تصویب نرسد و عضویت جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن لغو نشود.

مجلس ملی فرانسه نیز دوشنبه ۷ آذر در قطعنامه‌ای که با رای تمام ۱۴۹ نماینده حاضر در آن نشست به تصویب رسید، سرکوب اعتراضات در ایران را، که در این قطعنامه «بی‌رحمانه» خوانده شده است، محکوم کرده و از دولت این کشور و تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌خواهد که با فشار بر جمهوری اسلامی، مقامات آن را برای قتل مهسا (ژینا) امینی و دیگر معترضین، که شمار آنها تا زمان نگارش این گزارش به دست کم ۴۴۸ نفر، از جمله ۶۰ کودک رسیده، پاسخگو کند. اگرچه این قطعنامه برای دولت فرانسه الزام‌آور نیست، ولی بدون شک دولت امانوئل ماکرون نخواهد توانست آن را نادیده بگیرد.

در پاریس، در مجلس سنا نیز نشست با عنوان «زن، زندگی، آزادی، شورش یا انقلاب؟» برگزار شد که در آن برخی از سناتورهای فرانسوی و فعالان ایرانی رشته سخن به دست گرفتند. شهبانو فرح و شاهدخت نور پهلوی نیز به عنوان مهمانان ویژه در این نشست حضور داشتند. در پارلمان‌های بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله آلمان و ایتالیا نیز نشست‌های مشابهی در روزهای گذشته برگزار شد و برخی دیگر نیز قرار است در هفته‌های آینده جلساتی مشابه برگزار کنند.

گفتگوی سیاستمداران با فعالان مدنی و حقوق بشری فعالان مدنی و حقوق بشری ایرانی نیز اخیراً با رهبران و مقامات برخی کشورها دیدارهایی داشتند که نشان از تغییراتی در سیاست‌های غرب دارد. از جمله این

حلقه انزواي جمهوری اسلامی در جهان روز به روز تنگ‌تر می‌شود. در روزهای گذشته شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در اقدامی کم سابقه نشستی اضطراری جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی طی دو ماه و نیم گذشته پس از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» برگزار کرد. در این نشست که در پی درخواست رسمی نمایندگان کشورهای آلمان و ایسلند برگزار شد، با ۲۵ رای موافق، ۱۶ ممتنع و تنها ۶ مخالف قطعنامه‌ای به تصویب رسید که این شورا را موظف به تشکیل کمیته مستقل حقیقت‌یاب، نه تنها جهت بررسی موارد نقض فاحش حقوق بشر در جریان خیزش ملی کنونی می‌کند، بلکه از جمله دیگر وظایف آن شناسایی افرادیست که در قتل‌ها و سرکوب‌های اخیر نقش داشته‌اند. گامی بسیار مهم که راه را برای محاکمه این افراد به اتهام جنایت علیه بشریت باز می‌کند.

## مسلح و خشن اما منزوی

پرونده سیاه جمهوری اسلامی در دستور کار یکی دیگر از کمیسیون‌های سازمان ملل متحد نیز قرار دارد. کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد در نشست آینده خود که ۲۳ آذر برگزار خواهد شد قطعنامه‌ای را در دستور کار خود با خواست اخراج جمهوری اسلامی از این نهاد قرار داده است. پیش‌نویس این قطعنامه در روزهای گذشته توسط هیات نمایندگی آمریکا در این نهاد ارائه شده است. در این پیش‌نویس اشاره می‌شود که سیاست‌های جمهوری اسلامی «به شدت در تضاد با حقوق زنان و دختران و مأموریت این کمیسیون» قرار دارد.

جمهوری اسلامی در ابتدای سال جاری میلادی برای مدت ۴ سال به عضویت این کمیسیون که ۲۵ کشور عضو آن هستند درآمد. اگرچه از همان ابتدا با حضور جمهوری اسلامی در این کمیسیون به خاطر آپارتاید جنسی و

## شاهزاده رضا پهلوی: تشکیل کمیته حقیقت‌یاب از سوی سازمان ملل در جریان انقلاب ملی ایران یک پیروزی و زمینه‌ساز محاکمه جنایتکاران است



قطعنامه و تصویب آن نقش داشتند برای حمایت‌شان از مردم ایران قدرانی می‌کنم. ما نیازمند حمایت‌های بیشتر شما و همه آزادخواهان جهان هستیم.»

وی همچنین خطاب به کشورهایی که به این قطعنامه و تصمیم مهم رأی ممتنع دادند گفت: «از دولت‌هایی که رأی ممتنع دادند می‌خواهم که تردید و مصلحت‌های زودگذر را کنار بگذارند که منافع درازمدت آنها نیز در همراهی با مردم ایران است.»

شاهزاده رضا پهلوی به شش دولتی که به این قطعنامه رأی منفی دادند، شامل ارمنستان، جمهوری خلق چین، کوبا، اریتره، پاکستان و ونزوئلا، با قاطعیت چنین گفت: «و خطاب به شش دولتی که رأی منفی دادند: روی اسب بازنده شرط نبندید. جمهوری اسلامی رفتنی‌ست. به آینده روابط خود با ملت ایران ببینید.»

با آنتونیو تاپانی همتای ایتالیایی خود خواهد داشت! اما در تازه‌ترین خبر که در زمان تنظیم این گزارش به کیهان لندن رسیده است، این سفر به دلیل اعتراضات مردمی و انزوای بین‌المللی جمهوری اسلامی انجام نخواهد شد. بیشتر یک دیپلمات ایتالیایی به شرط آنکه نامی از وی برده نشود، در ارتباط با این سفر به کیهان لندن گفته بود «این سفر و این ملاقات با وزیر خارجه دولت راست‌گرای ایتالیا بهایی است که ما برای آزادی آلسیا پیپرو پرداختیم!»

آلسیا پیپرو جهانگرد ایتالیایی که ۲۹ سپتامبر در تهران دستگیر شده بود ۴۵ روز بعد در سکوت آزاد شد و به ایتالیا بازگشت. به نظر می‌رسد برخی دولت‌های اروپایی هنوز درک نکرده‌اند که پرداخت باج به جمهوری اسلامی برای آزادی شهروندان‌شان که در ایران به گروگان گرفته می‌شوند، راه را برای گروگانگیری‌های بعدی و باج‌خواهی بیشتر باز می‌کند. این دیپلمات ایتالیایی نیز در ادامه‌ی گفتگو با کیهان لندن گفته بود «ما می‌دانیم که این رفتار ما جمهوری اسلامی را تشویق به گروگانگیری و باج‌خواهی می‌کند، ولی با وجود این ما باید هر اقدامی که لازم باشد برای نجات جان شهروندان خود انجام دهیم، زیرا برخلاف دولت حاکم بر تهران که شهروندان‌ش را در خیابان‌ها به دلیل اعتراضات مسالمت‌آمیز می‌کشد و یا برای شرکت در تظاهرات به اعدام محکوم می‌کند، جان تک تک شهروندان ایتالیا برای دولت این کشور اهمیت دارد.»

حالا به نظر می‌رسد انزوای جمهوری اسلامی و پشتیبانی از جنبش اعتراضی مردم ایران بیش از آن برای دولت‌های اروپایی اهمیت دارد که بخواهند میزبان مقامات آن شوند. احمد رأفت

سه ماه اخیر، گفت: «تصمیم بی‌سابقه شورای حقوق بشر سازمان ملل برای ایجاد یک هیات حقیقت‌یاب با هدف تحقیق در خصوص جنایات رژیم علیه مردم ایران در جریان انقلاب ملی، یک پیروزی برای ملت ایران و جهان آزاد است. یافته‌های این هیات و حقایق ثبت‌شده، زمینه‌ساز محاکمه جنایتکاران در آینده نزدیک خواهد بود.»

نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد امروز پنجشنبه ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ برابر با ۳ آذر ۱۴۰۱ در شرایطی برگزار شد که انقلاب ملی ایران با ایستادگی و تداوم اعتراضات همچنان در جریان است.

شاهزاده رضا پهلوی با قدردانی از پیشنهاد دو کشور آلمان و ایسلند برای برگزاری این نشست و تهیه پیش‌نویس قطعنامه مربوطه گفت: «از آلمان و ایسلند که پیشنهاد تشکیل این جلسه ویژه را دادند و نیز از همه کشورهایی که در تهیه پیش‌نویس

ارشد جمهوری اسلامی را در فهرستی قرار داده که ورود آنها به این کشور را برای همیشه و بدون امکان تجدید نظر ممنوع اعلام کرده است.



### دیگر مباحث نمی‌توان کرد

البته برخی دولت‌های اروپایی هنوز سیاست مباحثات با جمهوری اسلامی را کنار نگذاشته‌اند. از جمله روز جمعه قرار بود پایتخت ایتالیا میزبان حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای شرکت در یک کنفرانس باشد. نه تنها این، بلکه گفته شد در حالی که دو ماه و نیم از آغاز خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» می‌گذرد، وی ملاقاتی نیز

«از آلمان و ایسلند که پیشنهاد تشکیل این جلسه ویژه را دادند و نیز از همه کشورهایی که در تهیه پیش‌نویس قطعنامه و تصویب آن نقش داشتند برای حمایت‌شان از مردم ایران قدرانی می‌کنم. ما نیازمند حمایت‌های بیشتر شما و همه آزادخواهان جهان هستیم.»

«از دولت‌هایی که رأی ممتنع دادند می‌خواهم که تردید و مصلحت‌های زودگذر را کنار بگذارند که منافع درازمدت آنها نیز در همراهی با مردم ایران است.»

«و خطاب به شش دولتی که رأی منفی دادند: روی اسب بازنده شرط نبندید. جمهوری اسلامی رفتنی‌ست. به آینده روابط خود با ملت ایران ببینید.»

شاهزاده رضا پهلوی در واکنش به تصمیم نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد مبنی بر تشکیل یک کمیته حقیقت‌یاب جهت بررسی جنایات جمهوری اسلامی در

دیدارها می‌توان به دیدار نازنین بنیادی هنرپیشه و فعال حقوق بشر و رویا حکاکیان نویسنده ایرانی-آمریکایی با کاملا هریس معاون رئیس‌جمهور آمریکا اشاره کرد. مسیح علینژاد، لادن برومند، شیما بابائی و رویا پیرائی فعالان مدنی و حقوق بشری نیز در کاخ الیزه با امانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه دیدار داشتند.

مینو مجیدی مادر رویا پیرائی، ۲۹ شهریور در جریان اعتراضات خیابانی در کرمانشاه به ضرب گلوله یگان ویژه به قتل رسید. ابراهیم بابایی پدر شیما بابایی و زندانی سیاسی سابق در دی ۱۴۰۱، زمانی که قصد داشت به صورت مخفیانه از ایران خارج شود، در مرز ناپدید شد و هنوز اطلاعاتی از سرنوشت او در دست نیست، اگرچه گفته می‌شود که توسط مامورین جمهوری اسلامی بازداشت شده است. عبدالرحمان برومند پدر رویا نیز که از نزدیکان شاپور بختیار بود، ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۰ در مقابل آسانسور منزل مسکونی خود در پاریس با ضربات کاره به قتل رسید.

کارزار جهانی برای انزوای جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. تلاش‌هایی نیز برای کاهش سطح دیپلماتیک با جمهوری اسلامی در کشورهای غربی در جریان است. در بسیاری از پارلمان‌های کشورهای غربی شماری از احزاب و نمایندگان خواهان فراخواندن سفرای کشور خود از ایران و اخراج سفرای جمهوری اسلامی هستند. کارزار دیگری نیز برای قرارداد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی شکل گرفته است. در روزهای گذشته دادگاه ایالتی انتاریو در کانادا کلیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را یک نهاد تروریستی اعلام کرد. دولت کانادا چندی پیش تصمیم گرفت حدود ده هزار نفر از مقامات

# شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی مهمان نشست ویژه مجلس سنای فرانسه؛ پیام حمایت نمایندگان از مردم ایران



● در این نشست سنا کنفرانسی با موضوع «زن، زندگی، آزادی ایران، شورش یا انقلاب؟» برگزار شد و نمایندگان سنای فرانسه از انقلاب ملی ایران علیه جمهوری اسلامی حمایت کردند.

● سناتور برونو روتایو خطاب به شهبانو فرح و شاهدخت نور گفت: حضور شما وزن بیشتری به پیام حمایت آمیزی می‌دهد که از طریق این کنفرانس می‌خواهیم به مردم ایران و همه کسانی که قدرت و عظمت تمدنشان را تجسم بخشیدند یعنی زنان ایرانی که توفان آزادی را در ایران بپا کرده‌اند بفرستیم.

شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی روز سه‌شنبه مهمان نمایندگان مجلس سنای فرانسه بودند. در این نشست کنفرانسی با موضوع «زن، زندگی، آزادی! ایران، شورش یا انقلاب؟» برگزار شد.

شهبانو فرح پهلوی و شاهدخت نور پهلوی فرزند ارشد شاهزاده رضا پهلوی روز سه‌شنبه ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲ برابر با ۸ آذر ۱۴۰۱ مهمان نمایندگان مجلس در کاخ سنا فرانسه بودند.

در این نشست کنفرانسی با موضوع «زن، زندگی، آزادی ایران، شورش یا انقلاب؟» برگزار شد و نمایندگان سنای فرانسه از انقلاب ملی ایران علیه جمهوری اسلامی حمایت کردند. سناتور برونو روتایو طی سخنانی در این نشست گفت که «علیحضرت فرح پهلوی، شاهدخت نور پهلوی، می‌خواهم بگویم چقدر مفتخریم این عصر در مجلس سنا میزبان شما هستیم. حضور شما مایه افتخار است. خیلی مایه افتخار است.»

سناتور برونو روتایو در ادامه خطاب به شهبانو فرح و شاهدخت نور گفت که «حضور شما وزن بیشتری به پیام حمایت آمیزی می‌دهد که از طریق این کنفرانس می‌خواهیم به مردم ایران و همه کسانی که قدرت و عظمت تمدنشان را تجسم بخشیدند یعنی زنان ایرانی که توفان آزادی را در ایران بپا کرده‌اند بفرستیم.»

نمایندگان مجلس سنای فرانسه پیشتر نیز از خیزش ملی در ایران حمایت کرده بودند. آنها اوایل ماه نوامبر شعار «زن، زندگی، آزادی» را که به نماد جنبش اعتراضی ایران بدل شده در صحن مجلس و در حمایت از معترضان ایرانی سر دادند. نمایندگان مجلس سنا فرانسه همزمان در نشستی ویژه به

درباره قتل مهسا ژینا امینی از سوی اتحادیه اروپا را دنبال کند. همچنین از دولت خواسته شده قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی را در چارچوب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و در راستای ایجاد یک مکانیسم تحقیقاتی در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران، از سوی کشور فرانسه به این سازمان ارائه کند.

از سوی دیگر این مصوبه خواستار آزادی فوری شهروندان فرانسوی که بطور خودسرانه توسط جمهوری اسلامی بازداشت و زندانی شدند را داشته و از دولت تقاضا کرده که شهروندان فرانسوی به سرعت و با توجه به تعهدات بین‌المللی امضا شده توسط جمهوری اسلامی از حق حفاظت کنسولی خود برخوردار شوند.

آدریان قمی نماینده مجلس ملی فرانسه از گروه «رنسانس» از جمله نمایندگان ایرانی‌تبار در کشورهای مختلف اروپایی است که از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی، وقایع ایران را دنبال و با مردم ابراز همدردی و همراهی کرده است.

شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز هفته گذشته قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر کرد. پیش‌نویس این قطعنامه را نمایندگان دائم دو کشور آلمان (به عنوان عضو شورا) و ایسلند (به عنوان عضو ناظر) در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۲ به مقر سازمان ملل در ژنو ارائه کرده بودند.

این پیش‌نویس در نشست فوری شورای حقوق بشر سازمان ملل در روز ۲۴ نوامبر مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ۲۵ رأی موافق، شش رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع به عنوان قطعنامه تصویب شد.

تشکیل یک هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی از طرف رئیس شورای حقوق بشر برای «بررسی کامل و مستقل موارد نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات اخیر در ایران از جمله ابعاد جنسیتی آن» یکی از بخش‌های این قطعنامه بود. بر این اساس هیئت حقیقت‌یاب باید تمامی «شواهد مربوط به نقض حقوق بشر» را «جمع آوری، تجمیع و تجزیه و تحلیل» کند تا در دادگاه‌های دارای صلاحیت ملی، منطقه ای یا بین‌المللی رسیدگی شوند.

مصادف با تصویب طرح حمایت از مردم ایران در مجلس ملی فرانسه اعلام شد که روز ۱۴ دسامبر درباره‌ی اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تصمیم گرفته خواهد شد.

بحث و گفتگو درباره اعتراضات گسترده و «نقض حقوق زنان و حقوق بشر» در ایران پرداختند. به گزارش یورونیوز فارسی آلن ریشار سناتور فرانسوی و نماینده حزب «جمهوری به پیش» که ریاست این نشست ویژه را بر عهده داشت در سخنانی یاد مهسا امینی دختر جوانی را که «شانزده سپتامبر گذشته پس از دستگیری توسط گشت ارشاد به دلیل بیرون بودن چند تار مو از روسری» جان باخت، گرامی داشت.

آلن ریشار همچنین از حدیث نجفی یاد کرد که به گفته او به دلیل آنکه «به عنوان یک زن و یک فرد ایرانی، آزادی خود را می‌خواست» به دست پلیس جمهوری اسلامی کشته شد. آنیک بیون از نمایندگان جریان میانه و رئیس «هیئت حقوق زنان» در مجلس سنای فرانسه دیگر سخنان این نشست ویژه بود. او طی سخنانی گفت که ما همگی باید به شعار «زنان، زندگی، آزادی» بپیوندیم و سپس خواستار آن شد که «جامعه جهانی با واکنشی قوی و یکپارچه از این اعتراض‌های تاریخی حمایت کند».

ملانی وژل سناتور نزدیک به جریان حامیان محیط زیست نیز دست به کاری غیرمعمول در مجلس سنا زد و در انتهای سخنان خود اقدام به پخش گزیده‌ای از ترانه «برای...» شروین حاجی‌پور کرد که این روزها به سرود غیررسمی جنبش اعتراضی در ایران تبدیل شده است. او همچنین گفت آنچه امروز در ایران می‌گذرد «شورش نیست، انقلاب است، انقلابی برای دموکراسی، برای عدالت، علیه استبداد مذهبی، انقلابی برای زنان، برای زندگی و برای آزادی».

پارلمان ملی فرانسه نیز در نشست روز دوشنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۲۲ برابر با ۷ آذرماه ۱۴۰۱ طرح حمایت از معترضان ایران را مورد بررسی قرار داد و نمایندگان آن را با اکثریت مطلق آرا به تصویب رساندند.

شاهزاده رضا پهلوی همزمان با تصویب این طرح با انتشار ویدئوی سخنرانی آدریان قمی در پارلمان فرانسه، نوشت: «ما از همه کسانی که از مردم ایران حمایت می‌کنند و در کنار آنها هستند قدردانی و تشکر می‌کنیم.»

بر اساس مصوبه نمایندگان پارلمان ملی فرانسه، از دولت خواسته شده تا در حوزه سیاست خارجی و در جهت اخراج رژیم ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تلاش کند. همچنین بکوشد تا تحریم‌های شدیدتری علیه جمهوری اسلامی و به دلیل سرکوب مردم و نقض حقوق بشر وضع شود. این مصوبه دولت را موظف کرده تا تحقیقات مستقل

شاید هشدار احمد منتظری فرزند حسینعلی منتظری یکی از بنیانگذاران رژیم اسلامی، مبنی بر اینکه در صورت ادامه وضعیت به همین منوال ایران با خطر جنگ داخلی مواجه است، واضح‌ترین شرح برای این صحنه باشد. در این سیل خروشان که نزدیک به سه ماه از آغاز آن می‌گذرد، معترضان روز به روز انسجام بیشتری پیدا می‌کنند و رژیم بیش از پیش سردرگم و درمانده می‌شود. سردرگمی و درماندگی رژیم آن را واداشته تا روی سیاست تفرقه بیندازد و حکومت کن و ایجاد درگیری‌های طبقاتی و منطقه‌ای برای جدایی و ضربه به همبستگی مردم حساب باز کند تا یا به برچیدن بساط اعتراضات موفق شود یا اگر یک منطقه‌ای را به شدت سرکوب کند، دیگر مناطق بتسند و در ادامه اعتراضات خود تجدید نظر خواهند کرد.

اما آنچه رهبر معنوی بلوچستان ملا عبدالحمید اسماعیل زهی در مورد کردها گفت که آنها رنج تبعیض قومی، فشار فرقه‌ای و فقر را تحمل کرده‌اند، آیا منصفانه است که به اعتراضات مسالمت‌آمیز آنها با گلوله‌های جنگی پاسخ داده شود، این اقدامات فرصت‌ها و شرط‌بندی‌های رژیم برای خاموش کردن خیزش مردم را می‌سوزاند. توفانی که علیه رژیم و رهبرش به راه افتاده و صحنه‌هایی که معترضان شجاع در داخل ایران به تصویر می‌کشند نشان می‌دهد که اوضاع در ایران تحت حاکمیت خامنه‌ای به کجا رسیده است.

همانگونه که کارگردان فقید عمر امیرالای و دوستانش توانستند فاجعه و تراژدی بزرگ سوری‌ها تحت فرمانروایی اسد پدر و اسد پسر را در فیلم «توفان در کشور بعث» مستندسازی کنند، معترضان مبتکر و جوانان شجاع ایران نیز با ضبط و نشر فیلم‌ها و تصاویر خیزش سراسری خود، فاجعه‌ای را که طی ۴۳ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی بر ملت ایران رفته است مستند می‌کنند.

\*منبع: شرق الاوسط

\*نویسنده: مصطفی فحس

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

\*عمر امیرالای کارگردان و فیلمساز از فعالان جامعه مدنی و منتقد سوری ۶ فوریه ۲۰۱۱ در سن ۶۷ سالگی بر اثر سکته قلبی در دمشق درگذشت. بیشتر فیلم‌های عمر امیرالای در سوریه ممنوع شده و به نمایش در نیامدند. این فیلمساز از معروف‌ترین کارگردانان جهان عرب به شمار می‌رود. امیرالای سازنده فیلم‌هایی است که در آن به شدت از حزب بعث یعنی حزب حاکم سوریه که پنج دهه پیش در این کشور به قدرت رسیده، انتقاد شده است. او بارها حزب بعث و رهبران آن را به خاموش کردن شعله‌های خلاقیت متهم کرده و گفته است آنها سینما رفتن به عنوان یک سرگرمی برای مردم این کشور را تقریباً از بین برده‌اند. این فیلمساز یک هفته قبل از مرگ، بیانیه‌ای در حمایت از معترضان مصری علیه رژیم مبارک امضا کرده بود. او از جمله ده‌ها روشنفکر سوری است که در سال ۲۰۰۰ بیانیه‌ای را امضا کردند و در آن خواهان پایان یافتن وضعیت اضطراری در این کشور، آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی و آزادی فعالیت احزاب سیاسی و سازمان‌های غیر دولتی شدند. پس از ترور رفیق حریری نخست‌وزیر پیشین لبنان در سال ۲۰۰۵ امیرالای خواهان خروج نیروهای سوریه از لبنان شد. او همچنین سازنده فیلمی درباره ریاض ترک از رهبران مخالف حافظ اسد رئیس جمهوری سابق سوریه و پدر بشار اسد است. ریاض ترک در زمان دیکتاتوری حافظ اسد بیش از هفده سال در زندان انفرادی حبس بود.

## توفان در ایران علیه رژیم بعثی جمهوری اسلامی



هنرمندان و پدران و مادرانی که هم‌صدا در برابر رژیم جمهوری اسلامی نافرمانی و اعتراض کرده و مانند توفانی نه از نظر اندازه و حجم بلکه از حیث معنای حقیقی آن در همه عرصه‌ها به راه انداخته و به رژیم و سردمداران آن «نه بزرگ» گفته و قیام کرده‌اند. اکثریت ملت ایران به اپوزیسیون تبدیل شده و اقلیتی با زور اسلحه بر کشور مسلط هستند و نمی‌خواهند شجاعانه اقرار کنند که باعث همه مشکلات و بدبختی‌های مردم هستند. گویی که بیماری بعث سوریه به جمهوری اسلامی در ایران هم سرایت کرده است.

رژیم جمهوری اسلامی به خوبی می‌داند که بطور ذاتی اصلاح‌پذیر نیست و نمی‌تواند هم به خواسته‌های مردم بپاخواسته در خیابان‌ها پاسخ دهد و اگر هم اصلاحاتی با شکل و شمایل اصلاحات بعث عربی یا بعث خودش انجام دهد، مانند کسی خواهد بود که گورش را با دستان خودش می‌کند. رژیم تهران نمی‌تواند با فرستادن سربازان سرتاپا مسلح خود به شهرها و روستاهای فقیرنشین کردستان، بلوچستان و اهواز از مشروعیت خود دفاع کند یا آن را حفظ کند چنانکه نمی‌تواند یک ایرانی را صرف نظر از قوم و فرقه و مذهب و دین متقاعد کند که دوباره به رژیم اسلامی اعتماد کند در حالی که این رژیم بطور قانونی آنها را کشتار، آزار و اذیت و سرکوب می‌کند.

از نظر اکثریت مردم ایران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دولت، دیگر پاسداران وطن و ملت و کشور نیستند آنها اکنون پاسداران رژیم هستند که در خیابان‌ها، محله‌ها و کوچه‌های مه‌آلود، پیرانشهر، جوانرود، کرمانشاه، ارومیه، زاهدان، ایذه، اهواز، مردم را با گلوله می‌کشد. چگونه رژیمی می‌تواند دوباره اعتماد مردم را به دست بیاورد وقتی که در میدان و خیابان‌های شیراز، تبریز، یزد، اصفهان و تهران به معترضان مسالمت‌جو تیراندازی می‌کند و آنها را به قتل می‌رساند؟! وضعیت چنین رژیمی هرگز نمی‌تواند بهبود یابد. بین اصرار معترضان برای تغییر رژیم و لجاجت رهبران جمهوری اسلامی، ایران به لبه هرج و مرج و مرز جنگ داخلی میان ملت و دولت حاکم نزدیک می‌شود.

● گفتمان بعثی‌مآبانه دیگر منحصر به کشورهای عربی یا دولت دیکتاتور شرق مدیترانه (سوریه) نیست، بلکه یک رژیم بعثی نیز در ایران به نام جمهوری اسلامی وجود دارد که بیش از چهار دهه دولت، قدرت، فرهنگ، هنر و ورزش را به انحصار خود درآورده است.

● در این سیل خروشان که نزدیک به سه ماه از آغاز آن می‌گذرد، معترضان روز به روز انسجام بیشتری پیدا می‌کنند و رژیم بیش از پیش سردرگم و درمانده می‌شود.

**مصطفی فحس (شرق الاوسط) -** وضعیت خیزش انقلابی ایرانیان را می‌توان تا حدودی با قیام سوری‌ها مقایسه کرد. شباهت در اینجا صحنه‌ای است که رنگی هنرمندانه و سینمایی دارد. صحنه‌ها و تصاویری که به شاهدهی برای اوضاع حال و آینده تبدیل شده است.

عکس‌ها، تصاویر و صحنه‌های منتشر شده توسط معترضان ایرانی از توفانی که علیه رژیم جمهوری اسلامی و رهبر آن به راه افتاده است، چنان برای مستندسازی وقایع مهم‌اند که اهمیت آن مشابه اهمیت فیلم معروف «توفان در کشور بعث» به کارگردانی هنرمند فقید سوری عمر امیرالای\* است. اهمیت این صحنه‌ها و تصاویر ضبط شده توسط ایرانیان بپاخواسته از آن جهت مهم است که گفتمان بعثی‌مآبانه دیگر منحصر به کشورهای عربی یا دولت دیکتاتور شرق مدیترانه (سوریه) نیست، بلکه یک رژیم بعثی نیز در ایران به نام جمهوری اسلامی وجود دارد که بیش از چهار دهه دولت، قدرت، فرهنگ، هنر و ورزش را به انحصار خود درآورده است.

به نظر می‌رسد که اکنون این رژیم بعثی دیگر نمی‌تواند تصاویر و صحنه‌ها را در انحصار بگیرد یا متون باورهایش را به دیگران تحمیل کند و این هنرمندان و نقش‌آفرینان یعنی مردم هستند که گزینش‌های تحمیلی کارگردان را به انقیاد خود درآورده‌اند.

در «توفان مردم ایران علیه جمهوری اسلامی» نقش‌آفرینان زیادی نافرمانی کرده و بر شهادت‌های دروغ خط بطلان کشیدند. فوتبالیست‌های ایران در قطر با سکوت‌شان و همخوانی نکردن با سرود جمهوری اسلامی در نخستین مسابقه‌ی خود در برابر تیم انگلیس پیام مهمی فرستادند که مضمون و معنای آن این است که سرود جمهوری اسلامی سرود ملی ایرانیان و ملت ایران نیست بلکه تنها رژیم را نمایندگی می‌کند. ورزشکاران ایرانی مانند زنان شجاع ایرانی که حاضر نشدند به زور مقنعه خمینی را به سر کنند و مانند دانشجویانی که با محدود کردن آزادی خود مخالفت می‌کنند و همچون کارگرانی که به دلیل بدی اوضاع معیشتی خود دست به اعتصاب می‌زنند، با سکوت به رژیم بعثی اعتراض کردند.

رژیم جمهوری اسلامی دیگر کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها، لرها و آذربایجانی و دیگر قومیت‌های ایرانی را که تبعیض قومی، فرقه‌ای و دینی و مذهبی را علیه آنها اعمال کرده نیز نمایندگی نمی‌کند. این اقوام مانند کشاورز کرمانی، خراسانی، قزوینی و کسبه تهرانی هستند که در برابر کمبودها صبر کردند و همواره برای کشورشان فداکاری کردند اما رژیم اقتدارگرای حاکم بر آنها، در برابر خواسته‌های اندک‌شان برای داشتن یک زندگی آبرومندانه نیز تاب نیاورده و آنها را سرکوب می‌کند، این اقشار مخالف رژیم کنونی ایران هستند که به دلیل حاکمیت ۴۳ ساله‌اش، مردم گذشته و حال خود را از دست داده و آینده فرزندانشان را در معرض تهدید و نابودی می‌بینند.

ایران امروز ایرانی منسجم و متشکل از مردان و زنان، جوانان دانش‌آموز و دانشجو، کشاورزان، کارگران، معلمان،

# تشکیل کمیته حقیقت یاب سازمان ملل پیروزی بزرگ جنبش دادخواهی در ایران



نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل / ژنو / ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲ / ۳ آذر ۱۴۰۱

نشست تکرار شد و این نشان می‌دهد که صدای مردم ایران به گوش جهانیان رسیده است. مردم ایران با شجاعت‌شان دنیا را وادار کردند بی‌تفاوتی را کنار بگذارند و به رفتار جمهوری اسلامی واکنش نشان دهند.

اگرچه چند کشور مانند روسیه، سوریه، کره شمالی، نیکاراگوئه و یا ونزوئلا با تشکیل کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب ابراز مخالفت کردند، ولی مدافع اصلی جمهوری اسلامی، حتی بیش از نماینده اعزامی از تهران، سفیر جمهوری خلق چین بود. چین در میانه بحث در رابطه با این قطعنامه با ارائه اصلاحیه‌ای خواهان حذف پاراگراف هفتم این قطعنامه یعنی تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب شد. اصلاحیه‌ای که البته تنها توانست ۶ رای موافق به دست آورد. نماینده دولت پکن در صحبت‌هایش گفت «در این قطعنامه به شرایط خاص ایران و پیشینه تاریخی و مذهبی این کشور اشاره نمی‌شود!» و همچنین «به رنج بلندمدت مردم ایران در پیامد تحریم‌های یکجانبه توجه نشده است.» نمایندگان آلمان، آمریکا و بریتانیا در مخالفت با اصلاحیه پیشنهادی چین صحبت کردند. نماینده آمریکا این اصلاحیه را «مشمزکننده» خواند و گفت «این داستان را به فرهنگ ربط ندهید زیرا در هیچ فرهنگی از کشتن دختران و زنان حمایت نمی‌کنند.» نماینده بریتانیا در مخالف با پیشنهاد چین گفت «این اصلاحیه حق خانواده‌های قربانیان برای رسیدن به عدالت را نفی می‌کند.» نماینده آلمان نیز پیشنهاد نماینده پکن را «غیر قابل قبول» دانست و گفت «چین با حذف هدف اصلی این قطعنامه که تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب است، می‌خواهد آنرا از محتوا خالی کند.»

ریاست هیات اعزامی از تهران که از چند روز قبل از نشست برای لابیگری به ژنو سفر کرده بود با خدیجه کریمی مدیرکل امور بین‌المللی معاونت زنان و خانواده ابراهیم رئیسی معروف به «قاضی مرگ» بود. خدیجه کریمی این قطعنامه را «شرم‌آور و وحشتناک» خواند و کشورهای غربی را متهم به «استفاده ابزاری از حقوق بشر برای اهداف سیاسی» کرد. نماینده جمهوری اسلامی ادعا کرد که «میلیون‌ها ایرانی از جمهوری اسلامی و رهبرانش حمایت می‌کنند.»

حقوق بشر کرد.»  
آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان که برای حضور در این نشست اضطراری به ژنو سفر کرده بود پرسید «چرا جمهوری اسلامی که پانزده هزار نفر را بازداشت کرده است، معترضان را تهدید به مجازات اعدام می‌کند؟» وی سپس در پاسخ به پرسش خود افزود زیرا «زنان، کودکان و مردان ایرانی تنها می‌خواهند بدون ترس در آزادی زندگی کنند.» وزیر خارجه آلمان سپس افزود «ما بارها از جمهوری اسلامی خواسته‌ایم که اقدامات سرکوبگرانه را متوقف کند، ولی هر بار پاسخ آنها سرکوب بیشتر و شدیدتر بوده است.» آنالنا بربوک در خاتمه گفت «دقیقا به همین علت است که ما پیشنهاد یک کمیسیون مستقل را برای جلوگیری از ادامه این خشونت‌ها دادیم.» بر اساس آخرین آمار که توسط «سازمان حقوق بشر ایران» در آستانه این نشست منتشر شد دست‌کم ۴۱۶ نفر در ده هفته گذشته در خیابان‌ها و یا در جریان بازداشت کشته شده‌اند که ۵۱ نفر از آنها زیر ۱۸ سال سن داشتند و بر مبنای استانداردهای بین‌المللی کودک به حساب می‌آیند.

در قطعنامه پیشنهادی آلمان و ایسلند که به تصویب رسید، از جمهوری اسلامی خواسته می‌شود به تبعیض مستمر علیه زنان و دختران در زندگی عمومی و خصوصی، چه در چارچوب قانون و چه در عمل پایان دهد و آزادی بیان و عقیده شهروندان را تضمین کند. نماینده ایسلند در اشاره به این قطعنامه گفت «این اولین گام است تا کسانی که مسئول هستند پاسخگو باشند.» نماینده ایسلند در ادامه افزود «ما با این قطعنامه نشان می‌دهیم که این شورا با همه کسانی همراه است که برای دستیابی به حقوق خود تلاش می‌کنند.»

محمود امیری مقدم مدیر «سازمان حقوق بشر ایران» که یکی از چندین سخنرانانی بود که به نمایندگی از سازمان‌های غیردولتی و حقوق بشری ایرانی در این نشست صحبت کردند، به کیهان لندن می‌گوید «این یک پیروزی بزرگ برای تمام زنان و مردان ایرانی و نقطه عطفی برای جنبش دادخواهی در ایران است.» مدیر «سازمان حقوق بشر ایران» در ادامه می‌افزاید «نام مهسا بیش از صد بار در این

نشست اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد روز پنجشنبه سوم آذر با ۲۵ رای موافق، ۱۶ ممتنع و تنها ۶ مخالف قطعنامه‌ای را که این نهاد را موظف به تشکیل کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب جهت رسیدگی به موارد نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی در جریان قیام مردمی «زن، زندگی، آزادی» می‌کند، به تصویب رساند.

فولکر تورک کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد وضعیت کنونی حقوق بشر در جمهوری اسلامی را «یک بحران تمام‌عیار» خواند و از زمامداران ایران خواست هرچه زودتر «استفاده غیرضروری از زور علیه معترضان را پایان دهند.»

آنالنا بربوک وزیر خارجه آلمان پرسید «چرا جمهوری اسلامی پانزده هزار نفر را بازداشت کرده و معترضان را تهدید به مجازات اعدام می‌کند؟» و در پاسخ به این پرسش خود افزود زیرا «زنان، کودکان و مردان ایرانی تنها می‌خواهند بدون ترس در آزادی زندگی کنند.»

بر اساس آخرین آمار که توسط «سازمان حقوق بشر ایران» منتشر شده است، دست‌کم ۴۱۶ نفر در ده هفته گذشته در خیابان‌ها و یا در جریان بازداشت کشته شده‌اند که ۵۱ نفر از آنها زیر ۱۸ سال سن داشتند.

محمود امیری مقدم مدیر «سازمان حقوق بشر ایران» به کیهان لندن می‌گوید «این یک پیروزی بزرگ برای تمام زنان و مردان ایرانی و نقطه عطفی برای جنبش دادخواهی در ایران است.»

مدافع اصلی جمهوری اسلامی در این نشست مهم، حتی پیش از نماینده اعزامی از تهران، سفیر جمهوری خلق چین بود. چین در میانه بحث در رابطه با این قطعنامه با ارائه اصلاحیه‌ای خواهان حذف پاراگراف هفتم این قطعنامه یعنی تشکیل کمیسیون حقیقت‌یاب شد!

احمد رأفت - نشست اضطراری شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد روز پنجشنبه سوم آذر با ۲۵ رای موافق، ۱۶ ممتنع و تنها ۶ مخالف قطعنامه‌ای را که آلمان و ایسلند تهیه کرده بودند و این نهاد را موظف به تشکیل کمیسیون مستقل حقیقت‌یاب جهت رسیدگی به به موارد نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی در جریان قیام مردمی «زن، زندگی، آزادی» می‌کند، به تصویب رساند.

در آغاز این نشست، فولکر تورک کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد وضعیت کنونی حقوق بشر در جمهوری اسلامی را «یک بحران تمام‌عیار» خواند و از زمامداران ایران خواست هرچه زودتر «استفاده غیرضروری از زور علیه معترضان را پایان دهند.» کمیسار عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد در ادامه سخنان خود، بازداشت حداقل ۱۴ هزار نفر را در جریان اعتراضات اخیر «بهت‌آور» خواند و افزایش اعدام‌ها در جمهوری اسلامی از زمان روی کار آمدن دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» را «نگران‌کننده» اعلام کرد.

سخنران بعدی در این نشست اضطراری، جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد جهت بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی بود که گفت «مقامات این کشور حتی بکبار نیز حاضر نشدند با معترضان به گفتگو بنشینند.» این حقوق‌دان پاکستانی-بریتانیایی ضمن حمایت از پیشنهاد تشکیل یک کمیسیون حقیقت‌یاب گفت «باید جمهوری اسلامی را وادار به مسئولیت‌پذیری در زمینه نقض

## آرسام محمودی فعال مشروطه خواه بازداشت شد؛ وریا غفوری با سپردن وثیقه آزاد شد

اتهام «افساد فی الارض» روبرو شده است. تعداد افراد مشهور از هنرمندان، ورزشکاران، نویسندگان و مترجمانی که در هفته‌های گذشته پس از ابزار همراهی با اعتراضات مردم بازداشت شده‌اند کم نیست. خانه سینما پیشتر اعلام کرده بود دست‌کم ۱۰۰ سینماگر در ایران طی هفته‌های گذشته احضار، بازداشت، ممنوع‌الخروج یا ممنوع‌الکار شده‌اند.

وریا غفوری فوتبالیست و یکی از مشهورترین چهره‌هایی است که هفته گذشته به اتهام «توهین و تخریب تیم ملی فوتبال ایران و تبلیغ علیه نظام» بازداشت شد. وریا غفوری صبح امروز با اعزام از زندان به دادسرا و انجام آخرین تحقیقات قضایی و با قرار وثیقه بطور موقت و تا زمان صدور حکم دادگاه آزاد شد.

سرکوب شهروندان معترض در ایران نه تنها با گلوله جنگی در خیابان بلکه با بازداشت و تهدید و احضار و حتی آزار و اذیت و دستگیری خانواده‌های آنان پیش می‌رود اما مردم همچنان بیش از ۷۰ روز است خیزش انقلابی خود را ادامه می‌دهند. طی این مدت دست‌کم ۴۵۱ نفر از جمله ۶۲ کودک جان باخته و هزاران نفر مجروح شدند.

انقلاب ملی ایران در حالی سومین ماه خود را پشت سر می‌گذارد که در این مدت پایداری مردم در خیابان و دانشگاه با وجود انواع سرکوب‌های بی‌رحمانه و خشن

آرسام محمودی فعال ملی‌گرا و مشروطه خواه، متولد ۱۳۷۰ است. او دانش‌آموخته کارشناسی و کارشناسی ارشد مهندسی عمران از دانشگاه «محقق اردبیلی» شهر اردبیل است.

آرسام محمودی از سن ۲۰ سالگی فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را آغاز کرده و مطالب تحلیلی در رابطه با مسائل ملی از او منتشر شده است. او همچنین در شبکه‌های اجتماعی فعال بود و یکی از مأمورانی که برای بازداشت او به خانه پدرش آمده بود به فعالیت‌های او در شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از دلایل بازداشت وی اشاره کرده است.

چند روز پیش نیز آرش کیخسروی فعال مشروطه‌خواه و وکیل حقوق بشری در منزلش در کرج بازداشت شد. هنوز از علت بازداشت این وکیل دادگستری خبری در دست نیست. منابع مطلع به کیهان لندن گفته‌اند در نتیجه پیگیری وکیل آرش کیخسروی، او به بند امنیتی زندان «کجویی» کرج منتقل شده و بازپرس با تبدیل قرار بازداشت و پذیرش وکیل وی در پرونده مخالفت کرده است.

موج بازداشت مخالفان و منتقدان جمهوری اسلامی در روزهای گذشته گسترده شده است. خیرگزاری ایلنا نیز از فشار شدید بر خبرنگاران و بازداشت شماری از روزنامه‌نگاران این خیرگزاری در تهران و شهرستان‌ها خبر داده است.

● بجز هشت مأموری که برای بازداشت آرسام محمودی وارد خانه شدند، چندین مأمور و اتومبیل متعلق به نهادهای امنیتی در کوچه و بیرون از خانه مستقر شده بودند. ● وریا غفوری صبح امروز با اعزام از زندان به دادسرا و انجام آخرین تحقیقات قضایی و با قرار وثیقه آزاد شد. ● به گزارش هرانا از ۲۶ شهریور تا روز دوشنبه ۷ آذر، دست‌کم ۱۸ هزار و ۱۸۳ نفر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شده‌اند.

موج بازداشت‌های گسترده برای سرکوب خیزش ملی ایران ادامه دارد. آرسام محمودی فعال مشروطه‌خواه صبح امروز در تهران بازداشت شد. وریا غفوری که هفته گذشته به اتهام «توهین و تخریب تیم ملی فوتبال ایران و تبلیغ علیه نظام» بازداشت شده بود، صبح امروز با سپردن وثیقه بطور موقت از زندان آزاد شد.

آرسام محمودی فعال ملی‌گرا و مشروطه‌خواه صبح امروز سه‌شنبه ۸ آذر ۱۴۰۱ با یورش مأموران امنیتی جمهوری اسلامی به خانه پدری‌اش در تهران بازداشت شد.

یک منبع آگاه به کیهان لندن گفته که «مأموران حدود ساعت ۹ صبح با در دست داشتن حکم قضایی برای بازداشت آرسام وارد خانه شدند و با تفتیش خانه، وسایل الکترونیکی آرسام از جمله دو تلفن همراه و فلش مموری



وریا غفوری



آرسام محمودی

جمهوری اسلامی، جهان را به شگفتی وا داشته و حالا سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها به دنبال راه‌هایی برای حمایت از انقلاب آزادیخواهانه‌ی مردم ایران هستند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد طی نشستی در سوم آذر، تشکیل یک «کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی» درباره سرکوب و نقض سیستماتیک حقوق شهروندان طی اعتراضات سراسری جاری در ایران را تصویب کرد. پارلمان ملی فرانسه نیز روز گذشته با رأی مثبت اکثریت مطلق نمایندگان طرحی را تصویب کرد که دولت این کشور را موظف می‌کند راه‌های حمایت از مردم معترض ایران و زیر فشار قرار دادن جمهوری اسلامی را پیش ببرد. همچنین اعلام شده است که ۱۴ دسامبر درباره اخراج رژیم جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن در سازمان ملل تصمیم گرفته می‌شود.

بر اساس آخرین گزارش آماری ارگان خبری فعالان حقوق بشر ایران (هرانا) از آغاز خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی در ۲۶ شهریور تا روز دوشنبه ۷ آذر، دست‌کم ۱۸ هزار و ۱۸۳ نفر در شهرهای مختلف ایران بازداشت شدند.

شماری از افرادی که در طی دو ماه و نیم گذشته بازداشت شدند با احکام قضایی و در روند دادرسی غیرقانونی به زندان و شلاق و حتی اعدام محکوم شدند. شماری از معترضان که در خیابان بازداشت شدند با اتهام قتل نیروهای بسیجی یا انتظامی در درگیری‌های خیابانی به اعدام محکوم شدند. بر اساس گزارش نهادهای حقوق بشری حدود ۲۰ نفر با اتهامات سنگین «محرابه» یا «افساد فی الارض» روبرو هستند که دست قاضی برای صدور حکم اعدام را باز می‌گذارد. توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ نیز در دادگستری اصفهان با

را ضبط کردند. آنها همچنین تلفن همراه خواهر آرسام را کنترل کردند.»

این منبع آگاه افزوده که «بجز هشت مأموری که برای بازداشت آرسام محمودی وارد خانه شدند، چندین مأمور و اتومبیل متعلق به نهادهای امنیتی در کوچه و بیرون از خانه مستقر شده بودند. مأموران از مادر و پدر آرسام خواسته بودند که سر و صدا نکنند. به نظر می‌آید مأموران نگران جمع شدن همسایه‌ها و ایجاد مانع بر سر راه بازداشت آرسام بوده‌اند.»

به گفته مأموران امنیتی، آرسام محمودی به اوین منتقل شده اما هنوز وکیل او و خانواده از درستی این ادعا مطمئن نیستند و با مقامات قضایی دادرسی اوین گفتگویی نداشته‌اند.

## حسین رونقی آزاد شد؛ دادگستری اصفهان اتهام توماج صالحی را «افساد فی الارض» عنوان کرد

● حسین رونقی فعال مدنی که دوم مهرماه و چند روز پس از آغاز خیزش ملی در مقابل دادسرای اوین بازداشت و به زندان منتقل شده بود، روز شنبه پنجم آزاد با سپردن وثیقه آزاد شد.

● رئیس دادگستری استان اصفهان یکی از اتهامات توماج صالحی را «افساد فی الارض» از طریق نشر اکاذیب به صورت گسترده، فعالیت تبلیغی علیه نظام، تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور» اعلام کرده است.

حسین رونقی فعال مدنی با قرار وثیقه پس از حدود دو ماه از زندان آزاد شد. در این میان، بر اساس گزارشها از پروندهسازی دادگستری اصفهان علیه توماج صالحی اتهام وی «افساد فی الارض» عنوان شده است.

حسین رونقی فعال مدنی که دوم مهرماه و چند روز پس از آغاز خیزش ملی در مقابل دادسرای اوین بازداشت و به زندان منتقل شده بود، روز شنبه پنجم آذر با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد. حسین رونقی به همراه وکلایش سعید جلیلیان و میلاد پناهی پور بازداشت شده بودند. این دو وکیل دادگستری نیز هفته‌های گذشته با سپردن وثیقه آزاد شدند.

خبرگزاری ایسنا آزادی حسین رونقی را مرتبط با خواسته رئیس قوه قضاییه برای آزادی بخشی از زندانیانی که «شرایط بهره‌مندی از ارفاقات قانونی را دارا می‌باشند» دانسته است. بر اساس این گزارش، غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه به مراجع و مراکز ذیربط قضایی دستور داد «به شکرانه عنایت پروردگار و مسرت و سرور ملی حاصل از ظفرمندی تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران، نسبت به آن دسته از زندانیان که شرایط بهره‌مندی از ارفاقات قانونی را دارا می‌باشند، نهایت مساعدت و معاضدت انجام گیرد و مقدمات آزادی و بازگشت آنها به آغوش گرم خانواده‌هایشان در اولین فرصت ممکن فراهم شود.»

حسن رونقی برادر حسین رونقی فعال سیاسی نیز دیسب شنبه ۵ آذر خبر داد که «حسین امشب با قرار وثیقه آزاد شد تا تحت درمان قرار گیرد. با تشکر از همراهی و مصلحتی هموطنان عزیزم که صدای ما بودند.»

همچنین صبح امروز یکشنبه ششم آذرماه اسدالله جعفری رئیس دادگستری استان اصفهان اتهامات توماج



توماج صالحی و حسین رونقی

اغتاشاشرگان و برهم‌زنندگان امنیت در دادگاه انقلاب تهران صادر شد.

قوه قضائیه مدعی شده که یکی از متهمان «به صورت عمد و با قصد جان‌مأمورین نیروی انتظامی، با خودرو سواری خود به سرعت به مأمورین هجوم برده و در اثر برخورد با آنها یک پلیس را به شهادت رسانده و تعدادی را نیز مجروح کرده.»

خانواده پرهام پروری مهندس جوانی که در جریان اعتراضات در حال برگشت از شرکت محل کارش به تظاهرات و شلوغی خیابان حضور پیدا کرد و بازداشت شد، از جمله کسانی است که حکم اعدام به اتهام «محاربه» برای او صادر شده است.

پدر پرهام روز یکشنبه ۲۲ آبان در پیامی ویدئویی اعلام کرد که فرزندش در حال بازگشت از محل کار «به شلوغی‌ها» برخورد کرده و بازداشت شده است. او اتهام «محاربه» را سزاوار فرزندش ندانسته و از سازمان‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی حقوق بشری کمک خواسته است. پرهام پروری تک‌فرزند خانواده دانش‌آموخته رشته مهندسی و شاغل در یک شرکت فنی در تهران و همچنین قهرمان و مربی شنا است.

پیش از این، کانون حقوق بشر ایران هشدار داده بود که ۹ تن از دستگیرشدگان اعتراضات سراسری که روز شنبه ۷ آبان اولین جلسه دادگاهشان برگزار شد، در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. این نهاد نام این افراد را محمد قبادلو، سامان صیدی، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهری، حسین حاجیلو، منوچهر مهمان‌نواز و سهیل خوشدل اعلام کرده است.

حسین فاضلی هریکندی رئیس کل دادگستری استان البرز نیز روز شنبه ۲۱ آبان ۱۴۰۱ از صدور کیفرخواست برای ۱۱ شهروند شامل ۱۰ مرد و یک زن خبر داده بود. این شهروندان در ارتباط با پرونده کشته شدن یک بسیجی با اتهاماتی همچون «فساد فی الارض» روبرو شده‌اند.

آمارها نشان می‌دهد بیش از ۱۸ هزار نفر طی دو ماه و نیم گذشته و در شهرهای مختلف بازداشت شدند. بسیاری از این افراد هنوز تفهیم اتهام نشدند و گزارش‌های پراکنده برای متهم کردن ده‌ها شهروند معترض به نفاذ فی الارض» و «محاربه» تنها شامل آندسته از بازداشت‌شدگانی است که برای آنها کیفرخواست صادر شده است.

صالحی هنرمند و خواننده رپ را «افساد فی الارض» از طریق نشر اکاذیب به صورت گسترده، فعالیت تبلیغی علیه نظام، تشکیل و اداره دستجات غیرقانونی به قصد برهم زدن امنیت کشور» اعلام کرده است.

رئیس دادگستری اصفهان افزوده که توماج صالحی به همکاری با «دولت متخاصم علیه جمهوری اسلامی» و «نشر اکاذیب و تشویش اذهان عمومی از طریق فضای مجازی و تحریک و ترغیب افراد به اعمال خشونت آمیز» هم متهم شده است.

رئیس کل دادگستری اصفهان از قطعی بودن اتهامات خبر داده و گفته که کیفرخواست او صادر و پرونده به دادگاه ارسال شده اما هنوز جلسه دادگاه برگزار نشده است.

روز گذشته اکانت توئیتری توماج صالحی که در نبود او، گفته می‌شود توسط اعضای خانواده‌اش اداره می‌شود خبر داد که جلسه دادگاه توماج با اتهاماتی چون «افساد فی الارض» و «محاربه» برگزار شده اما ساعاتی بعد همین حساب توئیتری نوشت که توماج برای تشریفات قضایی به دادگستری اصفهان برده شده و هنوز دادگاهی برگزار نشده است. توماج صالحی هشتم آبان بازداشت شد و ساعاتی بعد از بازداشت ویدئویی از سوی نهادهای امنیتی منتشر شد که در آن فردی که ادعا شده توماج صالحی است از گفته‌های خود درباره جمهوری اسلامی ابراز پشیمانی می‌کرد. برخی نزدیکان به توماج معتقدند این فرد توماج نبوده است.

بازداشت توماج صالحی با واکنش‌های زیادی روبرو شد؛ از جمله ۱۲۶ نویسنده، هنرمند و فعال مدنی در ۲۳ آبان ماه با انتشار نامه‌ای در حمایت از توماج صالحی او را «صدای مردم» دانستند که «خاموش نمی‌شود.»

با اینهمه کیفرخواست‌های دادستانی انقلاب با اتهامات «افساد فی الارض» و «محاربه» علیه چندتن از بازداشت‌شدگان خیزش انقلابی تنظیم شده است. این دو اتهام سنگین دست قاضی را برای صدور حکم اعدام علیه معترضان باز خواهد گذاشت.

پیش از این ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی طی بیانیه‌ای خواستار برخورد با معترضان و صدور «حکم اعدام» برای آنها شده بودند.

خبرگزاری میزان، مرکز رسانه قوه قضاییه، روز چهارشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در گزارشی اعلام کرد که «حکم بدوی سه نفر دیگر از اغتشاشگران در ادامه رسیدگی به پرونده

## نگاهی دوباره به انقلاب مشروطیت ایران (۲)

(کیهان لندن شماره ۱۱۳۸-۱۱۳۴) آذر تا دی ۱۳۸۵

احمد احرار



ورود مظفرالدین شاه به پاریس

بی پروا. به کاروانسرا رفت، حکم کرد از دکان سید هاشم و سید حسن، قندی که بود بیرون بریزند و به مردم تقسیم کنند. نرخ روی قند گذاشتند. تا اینجا شاید بهانه برای آشوب نمی‌شد. زدن سید هاشم و سید حسن رشته به دست مدعیان داد. بلوا بالا گرفت. سید عبدالحمید نامی طلبه مقتول شد، سلطان عبدالمجید مخدول...»

بر اثر این وقایع بود که پای علما به میان آمد. علما به قم و سپس به حضرت عبدالعظیم رفتند و بست نشستند. تجار در سفارت انگلیس متحصن شدند. عین‌الدوله استعفا کرد و میرزا نصرالله خان مشیرالدوله به صدارت رسید. به قول مخبرالسلطنه «مردی نرم با دمی گرم».

روز ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری (۵ اوت ۱۹۰۶) دستخط مظفرالدین شاه مبنی بر تشکیل «مجلسی از منتخبین شاهزادگان و علماء و قاجاریه و اعیان و اشراف و ملاکین و تجار و اصناف به انتخاب طبقات مرقومه» صادر شد.

به موجب دستخط ملوکانه، این مجلس طبقاتی وظیفه داشت «در موارد لازمه، در مهام امور دولتی و مملکتی و مصالح عامه مشاوره و مذاقه لازمه را به عمل آورده و به هیأت وزرای ما در اصلاحاتی که برای سعادت و خوشبختی ایران خواهد شد اعانت و کمک لازم را بنماید و در کمال امنیت و اطمینان عقاید خودشان را در خیر دولت و ملت و مصالح عامه و احتیاجات مهمه قاطبه اهالی مملکت بتوسط شخص اول دولت به عرض برسانند که به صحه مبارک موشح و به موقع اجرا گذارده شود».

احتشام السلطنه، اما از علل و اسباب شورش که به صدور فرمان و تاسیس حکومت مشروطه منجر شد، یک روایت «پدوفیلی» یا آمرد بازی به دست می‌دهد.

دنباله دارد

نرساندم، بلکه سئوالاتی را که ذات مبارک ملوکانه فرمودند معروض داشتم. حضرت والا فراموش فرموده‌اید که هرکس مطلبی را از پادشاه مخفی کند و ذهن مبارک را منحرف نماید مرتکب خیانت شده است. صحبت و فرمایشات تمام شد و شاه بنده را مرخص فرمودند، تا اینجا شاه شاهد و ناظر گفتگو و محاکای من و عین‌الدوله بود و با عصبانیت از ما دور شد.»

این گفتگو در جریان سومین سفر مظفرالدین شاه به فرنگ صورت گرفته است. یعنی سال ۱۹۰۵ که به دنبال شکست روسیه از ژاپن، حکومت تضعیف شده و اعتراضات عمومی در آن کشور اوج گرفته بود. حرکت اعتراضی که در اواخر قرن نوزدهم آغاز شده بود در نخستین سالهای قرن بیستم تبدیل به حرکت انقلابی شد و به سقوط رژیم تزاری و روی کارآمدن رژیم سوسیالیستی در ۱۹۱۷ انجامید.

انقلاب مشروطه ایران، اندکی پس از مراجعت مظفرالدین شاه به تهران و در دوران صدارت عبدالمجید میرزا عین‌الدوله جرقه زد. می‌دانیم که انقلابات عموماً محصول جرقه‌ایست در مخزن باروت. در انقلاب اسلامی ایران، انتشار مقاله کذابی به امضای احمد رشیدی مطلق جرقه‌ای بود در فضای مستعد انفجار. انقلاب فرانسه با یک درگیری در بازار کاغذ فروشها جرقه زد. انقلاب مشروطه نیز جرقه‌اش چوب زدن تجار قند توسط حاکم تهران بود.

مخبرالسلطنه هدایت در «خاطرات و خطرات» می‌نویسد «ملت حکم آکومولاتور را دارد که بتدریج قوه برق در آن جمع می‌شود، بالاخره آتش می‌گیرد. امساک عین‌الدوله دست به دست با تفرعن، تند و لجاج، مقدمات آشوب را ایجاد کرد. اخگری می‌خواست که آتش روشن شود. قند در تهران گران شد. علاءالدوله حاکم تهران است و مردی

## شاه ایران، نگران اوضاع روسیه

احتشام السلطنه می‌نویسد: «بعد از آمدن شاه به پاریس و اقامت در کنترسویل برای استفاده از حمامهای معدنی فرانسه، مرا احضار کردند، عذر آوردم و نوشتم: اگر فرمایشی باشد ممکن است کتاب بفرومائید، زیرا در اینجا کسی را ندارم که امور سفارت را اداره کند و سفارتخانه را نمی‌توان خالی گذارد. حقیقت این بود که نمی‌خواستم داخل آن محیط ملوث و آن دربار پر از هزینه کاری که ملتزم رکاب بودند، رفته باشم.»

امر شد حتما بروم و بیش از یک یا دو شب نخواهم ماند و بلافاصله می‌توانم برگردم. مقاومت ممکن نبود و باید اطاعت امر می‌کردم، رفتم در کنترسویل به حضور شاه رسیدم.

شاه جلو در هتل، با پالتوی سفید روی صندلی نشسته و عین‌الدوله صدراعظم و دیگر حضرات به صف، در برابر شاه ایستاده‌اند. این عادت هر روزه شاه بود و در واقع در میان کوچه می‌نشستند و ملتزمین رکاب هم به عادت ایران از ده جا تعظیم و سر فرود آورده، یک قدم جلوتر رفته و مجدداً تعظیم می‌کردند. تا به چند قدیمی رسیده و فرمایشات ملوکانه را اصغاء می‌نمودند.

بله قربان. بله قربان. قربانین آلم. قربانین آلم بود که گوش همه را کر می‌کرد، قدری دورتر در پشت یک نرده آهنی، مردم از زن و مرد و بچه و غیره اجتماع کرده‌اند و صدای خنده و استهزاء آنها که درضمن یکی بعد از دیگری با صدای بلند «صدای گریه!!» نموده و لفظ گریه، گریه (chat, chat) را که در زبان فرانسه اشاره به لفظ شاه است تکرار می‌نمودند. این منظره مایه شرمندگی و خجلت هر ایرانی رهگذری بود. در حالی که شاه و همراهان پرمدعای او که صاحبان مقامات و عناوین و القاب بودند ایدا توجهی بدان نداشتند.

بالجمله، در چنان موقعیتی، شرفیاب حضور با هرنور! شدم و پس از اصغای فرمایشات ملوکانه، شاه به گوشه‌ای رفت، بنده و عین‌الدوله را احضار کرد، از من پرسید: حالت روسیه چطور است؟ خیلی تعجب کردم، من از برلن می‌آیم و سئوالات مربوط به آلمان را از من باید بنمایند، نه روسیه! وانگهی، اول سئوال از حالت روسیه چه مناسبت دارد؟ معذالک عرض کردم چنانچه خاطر مبارک مستحضر است، خوب نیست.

فرمودند، مردم چه می‌گویند و از جان امپراطور چه می‌خواهند؟ عرض کردم: مردم می‌خواهند ملت روس هم مثل سایر ملل فرنگ دارای پارلمان مستقل و حکومت مشروطه باشد و در این عصر دیگر سلطنت استبدادی خارج از موقع بوده و قابل دوام نیست، خوشبخت سلاطینی هستند که به این مسأله به موقع پی‌برده و همیشه پیشرو ملت خود باشند نه اینکه ملت آنها را به زور به دنبال خود بکشاند.

شاه دیگر کلمه‌ای حرف نزد و جواب نداد. اما عین‌الدوله به من گفت: به نظرم می‌آید دیوانه شده‌ای، اینها چه عرایضی است که می‌کنی؟! گفتم: حضرت والا دیوانه نیستم و دنیا را آن طور که هست می‌بینم، وانگهی مسأله راجع به روسیه است و شما قربانی با امپراطور روس ندارید، مثل اینکه توجه نفرمودید، که من اوضاع روسیه را به عرض

## معمايي به نام هویدا (۱۲)



نوشته دکتر عباس میلانی

رئیس دادگاه با لحنی پرخاشجویانه تر از دادستان،  
متهم را به چالش می‌طلبید!

هویدا: در چنین شرایطی چگونه می‌توانم به کیفرخواست پاسخ بگویم؟  
خلخالی: دادگاه، دادگاه انقلاب است و انقلابی عمل می‌کند، سریع و شبانه روزی!

(تاریخ نشر در کیهان لندن: خرداد تا مهرماه ۱۳۸۰ شماره‌های ۸۷۷-۸۶۱)

بازنشده

دکتر عباس میلانی، متن انگلیسی کتاب خود را با عنوان Persian Sphinx انتشار داد.

«اسفنکس» در اساطیر نام يك موجود افسانه‌ایست با کله انسان و اندام شیر که بر دروازه شهری نشسته بود و هر کس می‌خواست وارد شهر شود مجبور بود به معمايي که او مطرح می‌کرد پاسخ دهد. اگر پاسخ صحیح بود، اجازه ورود می‌یافت و الا سرش به باد می‌رفت.

این کلمه اما به معنی شخص پیچیده و مرموز وارد زبانهای اروپایی شده و به کسانی اطلاق می‌شود که نمی‌توان از اسرار و افکارشان سر درآورد.

آیا هویدا واقعا چنین پدیده‌ای بود و باقی ماندن او در مقام نخست وزیری به مدت سیزده سال يك معماست؟ قضاوت در این مورد با خواننده کتاب است که به لطف شش سال کار نویسنده و گفتگوی او با دوستان و دشمنان و مخالفان و موافقان هویدا، با شخصیت وی از زوایای مختلف آشنایی پیدا می‌کند.

چنان که قبلا نوشتیم، هرآینه آگاهان و صاحبانظران در باره این کتاب و مندرجات آن نظری داشته باشند ما استقبال می‌کنیم به شرط آن که هدف، روشن شدن موضوعات و کمک به تصحیح و تکمیل تاریخ باشد.

به تعبیر دکتر عباس میلانی، نویسنده کتاب «معمای هویدا»، بازی روزگار چنین پیش آورده بود که یکی از فرهیخته‌ترین دولتمردان رژیم پیشین با یکی از بی‌کله‌ترین افراد بر آمده از موج انقلاب، در دادگاهی عجیب روبروی یکدیگر قرار گیرند: امیرعباس هویدا و شیخ صادق خلخالی!

حتی در زمان خود دادگاه حاج سید جوادی نیک می‌دانست که هدفی جز سوءاستفاده از «اعلام جرم» او ندارند. به همین خاطر هم از او دعوت کرده بودند که در جلسات دادگاه شرکت کند. اما حاج سید جوادی زیر بار نرفت. می‌گفت سبک کار دادگاهها را نمی‌پسندیدم. به علاوه، شکی نیست که وقتی او، با جرأت و جسارت تمام، ترس و واهمه از ساواک را واگذاشت و چنین نامه شجاعانه‌ای نوشت، گمان نداشت که چند سال بعد، مضمون همین «اعلام جرم» مستند دادگاهی خواهد شد که هدفی جز کشتن هویدا نداشت.

از قضا در همین «اعلام جرم خصوصی» مساله مسئولیت قانونی و سیاسی هویدا و وزرای کابینه‌اش به مراتب دقیقتر و مفصلتر از متن کیفرخواست دادگاه انقلاب بررسی شده بود. حاج سید جوادی «آقای هویدا و همه وزرایش» را به نقض دستکم پنجاه و شش ماده از قانون اساسی ایران متهم می‌کرد. می‌گفت هویدا و همکارانش مواد قانون اساسی مربوط به آزادی تجمع و حزب و استقلال قوه قضائیه را زیر پا گذاشتند. از شکنجه و سانسور نوشته بود و هویدا را متهم می‌کرد که همواره با قاطعیت وجود خفقان را در ایران انکار می‌کرد. می‌گفت در متمم قانون اساسی تصریح شده که شاه باید سلطنت کند نه حکومت. تصریح داشت که وزرا در قبال



امیرعباس هویدا در قدرت، و روحانیون به انتظار نوبت!

مصاحبه مطبوعاتی واداشتند. در طول آن مصاحبه، او حالتی سرکش داشت. حتی به یکی از پرسش کنندگان پرخاش کرد که، «این جا يك مصاحبه مطبوعاتی است، نه دادگاه». ولی وقتی در دادگاه آغاز به سخن کرد از گزندگی کلامش کاسته شده بود. انگار می‌دانست که فرجام کارش چیست و یأس و هراس بر جان و کلامش سایه انداخته بود. می‌گفت، «من این کیفرخواست را هرگز ندیده و نخوانده‌ام». پرسید مگر طبق قانون نباید به او فرصت داده می‌شد تا کیفرخواست را بیشتر بخواند و مدافعات خود را تدارک کند. به زمان شروع دادگاه هم اعتراض کرد. تذکر داد که عصر همان روز با دادستان دیدار کرده بود و در این دیدار، دادستان بیست سؤال مختلف طرح کرد، «و قرار شد که ارقام و اطلاعاتی که در باره آن سئوالها و این اتهامات لازم بود، جمع آوری شود». بی‌پروا گفت که پیش از آنکه که از خواب بیدارش کنند و به دادگاهش بکشند، قرص خواب خورده بود. می‌گفت قرصها را دکتر زندان تجویز کرده بود. پرسید: «در چنین شرایطی چگونه می‌توانم به چنین کیفرخواستی پاسخ بگویم». جواب خلخالی به این اعتراضات به راستی حیرت آور بود. به نظر هم نمی‌رسید که غرضش طنز و هزل باشد. می‌گفت زمان نامتعارف شروع کار دادگاه و روز نمی‌شناسد. کارش را «به سرعت و شبانه‌روزی» انجام می‌دهد، همانطور که از اسمش پیداست، انقلابی است. هویدا پس از اعتراض به سبک کار دادگاه و زمان آغاز آن به مضمون مفاد کیفرخواست حمله کرد. لحن گفتارش سخت دقیق بود. پرخاش نمی‌کرد، اما با صراحت سخن

مجلس مسئولند، نه در قبال شاه. می‌گفت طبق قانون اساسی ایران هیچ فرمان شاه، چه کتبی، چه شفاهی، از وزیر سلب مسئولیت قانونی نمی‌کند. از مسئولیت مشترک هیات دولت سخن می‌گفت و به این نتیجه می‌رسید که يك وزیر، در مقابل همه اعمال ساواک مسئولند.

وایسین بخش «اعلام جرم» به مسأله حق تجمع و حزب تخصیص داشت. آنجا حاج سیدجوادی آن دسته از ماده‌های قانون اساسی ایران و نیز اعلامیه حقوق بشر را که به مساله آزادی تشکل و حزب مربوط می‌شد بر شمرده و آنگاه به این نتیجه رسیده بود که تشکیل حزب رستاخیز این حق مهم را از مردم ایران سلب کرده است. می‌گفت این تنها باری نیست که حق حزب ملت ایران لگدمال شده. در عین حال، تأکید می‌کرد که بسیاری دیگر از مواد قانونی نیز در نتیجه خودسریهای دولت زیر پا گذاشته شده است.

حاج سید جوادی تصریح داشت که در ایران قوه قضائیه مستقلی در کار نیست، با این حال هویدا را دعوت کرد که دادگاهی را در همین قوه قضائیه کنونی، برای رسیدگی و داوری در باره اتهامات مذکور در اعلام جرم تعیین کند. هویدا البته هرگز این دعوت را نپذیرفت. در مرداد ۱۳۵۶ به یکی از معتمدانش گفته بود: «ریشه تظاهرات اخیر و نامه پراکنی‌ها و اعلامیه نویسی‌های جدید در ایران نیست». ریشه اعلامیه هر کجا که بود، این بار در کیفرخواست دادگاه انقلاب رخ نموده بود و هویدا به دقت به مفاد آن گوش می‌داد. قرائت کیفرخواست تمام نشده بود که هویدا اعتراض خود را آغاز کرد. روز بعد از انقلاب، او را به شرکت در يك

می‌گفت. دوباره به رئیس دادگاه یادآور شد که، «با توجه به تفاهمی که با دادستان شده بود، قرار بود که ما اطلاعات را در اختیار ایشان بگذاریم.» به راستی هم هویدا از خانواده‌اش برای یافتن ارقام و آماری که برای دفاع از خود به آنها نیاز داشت کمک طلبیده بود. بیش از هر چیز در طلب آماری بود که میزان رشد اقتصادی ایران را در دوران صدارتش نشان می‌داد. خلخال می‌گفت از زمان بازداشت تا کنون فرصت کافی برای تدارک مدافعات خود داشتید. هویدا به مخالفت برخاست و گفت از زمان انقلاب تا به حال تنها دو بار با یکی از مقامات رسمی نظام اسلامی صحبت کرده و فرصت کافی برای گردآوری ارقام و آمار نداشته. جوابی که خلخال به این اعتراض هویدا داد به گمان من حتی در تاریخ دادگاههای فرمایشی نیز بی‌سابقه است. رئیس دادگاه انقلاب می‌گفت، «بیشتر بندهای کیفرخواست مسایل کلی و اتهاماتی است که احتیاج به مدرک و سند ندارد.»

### قاچاق ارز و هروئین!

به تدریج روشن شد که قواعد و ضوابط مألوف و رایج یک دادگاه - از ضرورت شواهد محکمه پسند و بیگناهی متهم پیش از اثبات جرم گرفته تا بی طرفی و عدالتخواهی رئیس دادگاه - هیچکدام برای خلخال و دادگاهش محلی از اعراب ندارند. او در مقام رئیس دادگاه حتی بیش از دادستان به متهم ایراد می‌گرفت؛ به زبانی حتی پرخاصیویانه‌تر از دادستان متهم را خطاب و عتاب می‌کرد. در دادگاهش نه هیات منصفه‌ای در کار بود، نه وکیل مدافعی. شایعات به اندازه حقایق اعتبار داشت و بارزترین مصداق این واقعیت را می‌توان در ماده ۱۵ کیفرخواست سراغ کرد. آنجا هویدا به قاچاق هروئین متهم شده و می‌دانیم که شایعه در اصل، او را به قاچاق ارز متهم می‌کرد و در عین حال می‌دانیم که اسناد وزارت امور خارجه فرانسه آشکارا نشان می‌دهد که هویدا به هیچ روی گنهکار نبود. اما نزد خلخال همین شایعه بی اساس چون حقیقتی مطلق انگاشته می‌شد. در واقع خلخال خود بعدها در خاطراتش بی‌پروا به این واقعیت می‌باید که در دادگاه هویدا را بی محابا مورد حمله قرار داد. می‌گفت، «او تقریباً گیج شده بود مانند کسی که سرسام گرفته باشد.» خلخال از این بابت عین حقیقت را گفته بود. رفتارش در دادگاه به راستی متهم را مستأصل کرد. هویدا به زودی دریافته بود که این دادگاه از لون آنچه او خود در انتظارش بود نیست. می‌دانست که سرنوشتش از پیش تعیین شده؛ می‌دانست که کیفرخواست و گفتگوهای دادگاه چیزی جز ظاهر سازی نیست. با این حال از حمله به کیفرخواست و دفاع از خود هم یکسره دست نکشید. گاه به ظرایف زبانشناسی توسل می‌جست و می‌پرسید که آیا به راستی انسانی فانی و عارضی چون او می‌تواند با قدرت بی‌بکران خداوند محاربه کند. می‌گفت من مسلمان زاده‌ام و مادرم زنی مؤمن بود و می‌پرسید انسانی چون من چگونه ممکن است به فکر حرب با خدا بیفتد.

هویدا اذعان کرد که اهدای حق کاپیتولاسیون به آمریکاییها در سال ۱۳۴۳ خطا بود. ولی بر سبیل دفاع از خود می‌گفت در آن زمان هنوز نخست وزیر نشده بود. می‌گفت تنها وزیر دارایی بود و به علاوه هنگام تصویب لایحه در خارج از ایران به سر می‌برد. پای استدلالش در این زمینه البته سخن جویین بود. بی شک او خود خوب می‌دانست که بر اساس قانون اساسی ایران، اعضای هیات دولت در قبال تصمیمات و اقدامات کابینه مسئولیت مشترک دارند. در مورد اتهام قاچاق هروئین در پاریس، هویدا توضیح داد که منشأ اصلی این اتهام بی‌اساس، مندرجات یک روزنامه چپی بدنام بود. حق هم داشت. می‌گفت اگر دادگاه بخواهد به هر شایعه بی‌اساس اعتنا کند و آن را مدرک و سند بداند، او هم یکسره در مقابل دادگاه سکوت اختیار خواهد کرد. در واقع در رد همین ماده از کیفرخواست بود که هویدا، با دلیری و درایت خود دادگاه را زیر سؤال

برد. می‌گفت، «آقای رئیس، این کیفرخواست ضعیف است. دادگاه باید این کیفرخواست را پس بگیرد.» می‌گفت اگر به راستی درکار قاچاق دست داشتیم، پس اسناد این ماجرا حتماً در وزارت امورخارجه و پلیس بین‌الملل مضبوط‌اند. می‌گفت اگر کوچکترین نشانی از گناه من در این زمینه پیدا شد، من هم در مقابل، تمام موارد دیگر کیفرخواست را می‌پذیرم. رئیس دادگاه البته شرط هویدا را نپذیرفت و صرفاً به ذکر این نکته بسنده کرد که هویدا بهتر است مدافعات خود را ادامه دهد. در مورد اتهامات کلی‌تر چون خیانت و جاسوسی، هویدا برخوردی متفاوت پیش گرفت. در این موارد بار مسئولیتها را بر دوش سیستم می‌گذاشت. می‌گفت فرد در آن نظام مسئولیت چندانی نداشت. می‌گفت نظام سابق را من ایجاد نکردم؛ من فقط خادم آن نظام بودم. تأکید داشت که میزان مسئولیت او در حد مسئولیت تمام کسانی است که به حکومت شاه گردن گذاشتند. معتقد بود اکثر کسانی که در دادگاه حضور داشتند چون او جزئی از نظام پیشین بودند. می‌گفت من تنها پره‌ای در چرخ این ماشین عظیم بودم.

می‌پذیرفت که در دوران صدارتش حتماً اشتباهاتی هم صورت گرفته، اما بلافاصله می‌افزود که در همان دوران دستاوردهای عظیمی نصیب ایران شد. آشکارا مصمم بود که از کارنامه دوره حکومتش دفاع کند. می‌گفت در مورد من اگر داوری می‌کنید، جنبه‌های مثبت را باید در کنار جنبه‌های منفی در نظر بگیرید. تأکید داشت که در اداره ساواک هیچ دخالتی نداشت و همه شواهد البته نشان می‌دهد که ادعای او در این باب درست بود. در عین حال منکر شد که نوجه‌های خود را به سردبیری مطبوعات کشور گمارده بود. به دادگاه یادآوری کرد که مسایل مربوط به سیاست خارجی، ارتش، و سیاست نفتی ایران همه در انحصار کامل شاه بود. می‌گفت از حمله ایران به ظفار هیچ خبر و اطلاعی نداشت و یک ماه پس از آغاز مداخله ایران در آن جنگ، او، آن هم از طریق مطبوعات، از این ماجرا خبردار شد. وقتی این جملات را می‌گفت، خشم و ناخرسندی در صدایش موج می‌زد. بی پروا ادعا کرد که حتی اعضای دادگاه نیز نمی‌توانند در قبال رژیم سابق یکسره از خود سلب مسئولیت کنند، چون در هر حال آنها نیز در آن دوران در ایران می‌زیستند و زیر نگیں نظام حاکم بودند. چرا استعفا ندادید؟ خلخال در این جا سئوالی طرح کرد که بارها از سوی دوستان و اقوام هویدا هم با او در میان گذاشته شده بود. پرسید چرا وقتی فهمیدید کاری از دست شما بر نمی‌آید، استعفا ندادید. هویدا از زیر این سئوال در رفت، پاسخ دقیقی نداد. تنها به ذکر این نکته بسنده کرد که گناهش در این زمینه، صرفاً این بود که در دوران صدارتش از همه قدرت قانونی نخست وزیر استفاده نکرده است.

این پرسش خلخال را در حقیقت می‌توان مصداقی از یک واقعیت کلی‌تر دانست. گرچه خلخال حتی در مقام رئیس دادگاه به بی طرفی تظاهر هم نمی‌کرد، اما با این حال، و شاید حتی به رغم خواست خود، پرسشهایی طرح کرد که هر کدام برای ارزیابی جدی از جایگاه تاریخی هویدا اساسی و اجتناب ناپذیرند. برای مثال، آیا هویدا به راستی تنها قربانی نظام استبدادی حاکم بود یا در پدید آوردن این نظام و صیقل دادن آن نقشی اساسی داشت؟ آیا به راستی، آنچنان که او خود بارها ادعا کرده بود، در دوران شاه هیچکس جرأت استعفا دادن نداشت؟ آیا میان همکاری یک نخست وزیر با شاه و فعالیت مثلا معلمی که از همان رژیم حقوق می‌گرفت تفاوتی وجود نداشت؟ جالب این است که خلخال تنها کسی نبود که ادعای هویدا را دایر بر این که او صرفاً قربانی رژیم شاه بود انکار می‌کرد. از قضا برخی از اعضای خاندان سلطنت و شمار قابل ملاحظه‌ای از طرفداران سلطنت هویدا را نه یک قربانی که مهره‌ای مهم و

خطاکار می‌دانند. چند روزی پس از خروج شاه از ایران، ادوارد سابلیه در مراکش با او مصاحبه کرد. سابلیه در باره سرنوشت هویدا پرسید. می‌خواست بداند که آیا شاه نمی‌بایستی پیش از خروج از ایران هویدا را نیز از زندان آزاد می‌کرد. شاه در حالی که چهره‌ای برافروخته و عصبانی داشت، جواب داد که، «او به ما دروغ گفت» شاهدخت اشرف پهلوی هم بخش قابل ملاحظه‌ای از گناه سقوط رژیم پهلوی را بر دوش هویدا می‌گذارد. گویا به یکی از معتمدانش گفته بود، «هویدا برای چهارده سال به برادرم دروغ می‌گفت. هرگز هم قدمی در راه بازداشت دزدها برداشت.» نه ادعای شاه و نه حرف شاهدخت را جدی نمی‌توان گرفت. حقیقت این است که شاه اصولاً گوش شنوایی برای اخبار بد و انتقاد از رژیمش نداشت. اگر خاطرات علم را به جَد بگیریم، آنگاه باید بپذیریم که هفته‌ای نبود که در آن علم مطلبی در باب ابعاد ناراضی مردم به شاه نگوید. به علاوه، در طول سالهای آخر سلطنتش، شاه به کرات از شخصیت‌های سیاسی گزارشهایی در باره وخامت اوضاع می‌شنید و عملاً همه را یا نادیده یا به سخره می‌گرفت. نه تنها علم، در مرداد ۱۳۵۶، هنگامی که با سرطان دست و پنجه نرم می‌کرد و در فرانسه در آستانه مرگ بود، نامه‌ای به شاه نوشت و در باب آینده مملکت اظهار نگرانی کرد، بلکه منوچهر اقبال نیز پس از استعفا از ریاست هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران، در نامه‌ای خطاب به شاه به صراحت اعلام کرد که «مردم کشور از اوضاع ناراضی‌اند». شاه این هشدارها را به پیشیزی نمی‌گرفت. در جواب اقبال گفته بود که او در «جریان امور» نیست و خود شاه اوضاع مملکت را بهتر از هر کس می‌شناسد. البته اگر دادگاهی که هویدا را محاکمه کرد در فضائی آرام و

با حوصله برگزار می‌شد، چه بسا می‌توانست پرسشهای مهمی از قبیل آن چه بیشتر به آنها اشاره کردم را مورد بحث و حل‌الحاقی قرار دهد و با غور دقیق در ابعاد اخلاقی و حقوقی و تاریخی هر یک، داوری در باره آنها را آسانتر کند. اما در عوض، رئیس دادگاه دایم شعار می‌داد، کلی بافی می‌کرد و وقتی بالاخره کار دادگاه به بن بست کشید، هویدا هم مدافعات خود را با اشاره به زندگی خصوصی خود به پایان رساند. می‌گفت، «دستان من نه به خون کسی آلوده است و نه به بیت المال.» تأکید داشت که «کینه هیچکس را به دل ندارم.» می‌گفت اگر من هم به راستی گناهکار بودم فرار می‌کردم و امروز، مانند پنج نخست وزیر دیگر ایران در خیابانهای اروپا یا امریکا گردش می‌کردم. تأکید داشت که، «ماندم چون مملکت را دوست می‌داشتم و یقین داشتم که گناهکار نیستم.» آنگاه از زندگی ساده‌اش گفت. می‌گفت از مال دنیا، فقط یک آپارتمان داشتم که آن هم به تصرف کمیته انقلاب درآمد. از دل‌بستگی‌اش به مادر پیرش سخن راند. می‌گفت، «هشتاد ساله است و من او را سخت دوست می‌داشتم.» به استعفا از دادگاه خواست که مادرش را به دادگاه نیاورند. می‌گفت، «بهتر است که این اوضاع را ببیند و با خاطرات گذشته دلخوش باشد.» یاد مادرش هویدا را ظاهراً سخت بر آشفتم. دستمالی از جیب بیرون کشید و قطره‌های اشک را از چهره‌اش زدود. آنگاه با صدایی که احساسات در آن لرزه انداخته بود، از رئیس دادگاه خواست که جلسه را تعطیل کند و به او فرصت دهد تا مدافعات خود را سر فرصت فراهم آورد. ساعت نزدیک سه صبح بود. خلخال پیشنهاد هویدا را پذیرفت. قاعدتاً عوامل مختلفی به این تعطیل موقت کار دادگاه کمک کرد. سوای آنچه در آن شب در دادگاه گذشته بود، دولت بازرگان هم، در پشت پرده، به شدت با کار دادگاههای انقلاب مخالفت می‌ورزید. به ویژه می‌خواست ترتیبی فراهم کند تا هویدا را در یک دادگاه علنی محاکمه کنند. در هر حال، تعطیل موقتی دادگاه، به هر علت و انگیزه که بود، جان هویدا را نیز، دست کم برای مدتی، نجات داد.

# یک کشور، یک ملت، یک پرچم



تظاهرات ایرانیان در میدان ترافالگار لندن / ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲

بلوچی حضور می‌یابید، هویت شما که بخش مهمی از هویت ایرانی ست به زیبایی می‌درخشد و شما را بی‌نیاز به آوردن پرچم قومی می‌کند.

۷. اگر باور دارید هر قومی یا استانی حق دارد پرچم خودش را داشته باشد، فارغ از اینکه این باور چقدر منطقی است، مطرح کردن آن در فدای ایران آزاد و با انجام رفتارندوم معنادار است؛ نه در این شرایط بحرانی که تمرکز روی هر چیز بجز «ایران»، نتیجه‌اش نفاق بین ما و خوشحالی جمهوری سلامی است.

و در ادامه چند نکته:

۱. شکی نیست که همه ما از سراسر ایران قربانی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی هستیم؛ یکی کمتر، یکی بیشتر. پس در بازی عبارات ساختگی مانند «استعمارگرایی و مرکزگرایی فارس» نفیتم! در بازی اقلیت و اکثریت نفیتم! چون در ساختار خود رژیم جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از بی‌شرف‌ها و خائنان از تمام اقوام ایرانی وجود دارد که اتفاقاً به این تفرقه دامن می‌زنند تا همچنان در قدرت بمانند.

۲. مراقب احزاب گُردی و چپ‌گرای خارج‌نشین که به نام حقوق بشر برایتان نسخه «فدرالیسم» و «خودمختاری» می‌پیچند باشید. هر شکل جدایی از مادر میهن، هویت واقعی شما را تضعیف و قدرت شما را وابسته به قدرت‌های منطقه و خارجی می‌کند. نگاهی به سرنوشت آذربایجان علی‌اف و کردستان باززانی بیاندازید.

۳. این احزاب اگر دلشان برای اقوام ایرانی می‌سوزد، چرا به دنبال بازگرداندن سرزمین‌های از دست رفته به ایران نیستند تا بر اساس ادعای خودشان در یک کشور متحد شوند؟! چرا خواب تجزیه‌ی کشوری متحد را می‌بینند تا این مردم را از قدرت ایران محروم کنند؟!

من و شما در کنار هم می‌توانیم در برابر دشمنان قدرتمندتر باشیم. می‌توانیم خوشبخت و پیشرو باشیم. مطمئن باشید «اگر باهم یکی نشویم، یکی یکی کم می‌شویم.»

۴. حضورتان در کنار پرچم شیروخورشید، نماد وحدت است نه تبلیغ پادشاهی! هیچکس پادشاهی را بدون انجام رفتارندوم و حمایت مردمی نمی‌خواهد.

بی‌شک شما و جمهوریخواهان میهن‌دوست هم باور دارید که خواسته‌های سیاسی‌تان فقط از درچه گفتگو و رفتارندوم می‌گذرد نه با زور و دسیسه و اتکا به قدرت‌های منطقه‌ای و خارجی! به امید آنکه به زودی در کنار هم آزادی ایران را جشن بگیریم و برای بازگرداندن شکوه و سربلندی آن و تأمین و تضمین حقوق انسانی و شهروندی مردم سراسر کشور تلاش کنیم.

ایران دنبال می‌کند، مرا واداشت که هم‌میهنان و به خاطر حفاظت از جان مردم عزیز این استان‌ها در داخل ایران که به اتهام تجزیه‌طلبی توسط سرکوبگران حکومت به خاک و خون کشیده می‌شوند، خواهش کنم از آوردن پرچم‌های قومی به گردهمایی‌های اعتراضی ملی خارج کشور که سبب تقویت بهانه‌ی حکومت برای سرکوب مردم در داخل می‌شود، خودداری کنید.

دلایل خود را برمی‌شمارم:

۱. این گردهمایی‌ها در ارتباط با یک قوم یا اقلیت خاص نیست بلکه برای حمایت از ایران و شهروند ایرانی در سراسر ایران است. تمرکز ایراندوستان روی حقوق شهروندی یک ایرانی به معنای نادیده گرفتن هویت اقوام ایرانی نیست.

۲. وقتی هیچکدام از هموطنان تهرانی، مشهدی، تبریزی، ارومیه‌ای، اهوازی، آبادانی، رشتی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی، زنجان‌ی ... پرچمی نمی‌آورند، محترمانه و منصفانه است که شما هم پرچمی را که نه مربوط به استان‌های ایران بلکه مرتبط با منطقه و تحت حاکمیت حکومت و دولت دیگریست، بیاورید.

۳. ایراندوستان اما هرگز مثل بعضی‌ها نمی‌گویند که «بروید و تظاهرات خود را برگزار کنید!» زیرا این برخلاف همبستگی ملی است و از حضور فعال همه‌ی شهروندان ایرانی از سراسر ایران در تجمعات ملی خود استقبال می‌کنند و همانطور که در ایران شعار داده می‌شود، مردم استان‌های تحت سرکوب جمهوری اسلامی را چشم و چراغ خود می‌دانند. اما اتحاد برای پایان دادن به این وضعیت خونبار و کشتار مردم ایران، در عمل، زیر یک پرچم ملی و فراگیر امکان‌پذیر است چرا که تشدید سرکوب در استان‌های غربی کشور و استان سیستان و بلوچستان در خدمت سرکوب و خاموش کردن یک ملت و «جمع» کردن اعتراضات در سراسر ایران است!

۴. در شرایط حساس کنونی، وجود پرچم‌های رنگارنگ قومی و اقلیتی و حزبی در تظاهرات‌ها جز اینکه آب در آسیاب بدخواهان ایران بریزد، بی‌بانه‌ای برای سرکوب هم‌میهنان به دست جمهوری اسلامی بدهد و یا به امر تجزیه‌طلبی مشروعیت بخشد و آن را عادی‌نمایی کند، کمکی نمی‌کند.

۵. از شما انتظار می‌رود از گُردهای عراقی که در تظاهرات‌های «ایرانیان» شرکت می‌کنند بخواهید بدون پرچم اقلیم کردستان، احزاب گُرد عراق و تصویر عبدالله اوجلان حضور یابند. حتی اگر نیت‌شان پاک است و برای حمایت از من و شما و مردم ایران می‌آیند، باید به اصول ما که هموطن هستیم احترام بگذارند.

۶. وقتی شما در این گردهمایی‌ها با لباس زیبای گُردی یا

● امروز بر ماست که از این خیزش میهنی مراقبت کنیم و چراغ آن را روشن نگه داریم تا به انحراف کشیده نشود. ما به عنوان یک ایرانی در برابر آیندگان مسئولیم آنچه را صلاح مملکت است به کمک هم پیش ببریم.

● گردهمایی‌های خارج کشور در ارتباط با یک قوم یا اقلیت خاص نیست بلکه برای حمایت از ایران و شهروند ایرانی در سراسر ایران است. تمرکز ایراندوستان روی حقوق شهروندی یک ایرانی به معنای نادیده گرفتن هویت اقوام ایرانی نیست. در ساختار خود رژیم جمهوری اسلامی مجموعه‌ای از بی‌شرف‌ها و خائنان از تمام اقوام ایرانی وجود دارد که اتفاقاً به این تفرقه دامن می‌زنند تا همچنان در قدرت بمانند.

● وقتی هیچکدام از هموطنان تهرانی، مشهدی، تبریزی، ارومیه‌ای، اهوازی، آبادانی، رشتی، اصفهانی، شیرازی، کرمانی، زنجان‌ی ... پرچمی نمی‌آورند، محترمانه و منصفانه است که شما هم پرچمی را که نه مربوط به استان‌های ایران بلکه مرتبط با منطقه و تحت حاکمیت حکومت و دولت دیگریست، بیاورید.

● ایراندوستان هرگز مثل بعضی‌ها نمی‌گویند که «بروید و تظاهرات خود را برگزار کنید!» زیرا این برخلاف همبستگی ملی است و از حضور فعال همه‌ی شهروندان ایرانی از سراسر ایران در تجمعات ملی خود استقبال می‌کنند و همانطور که در ایران شعار داده می‌شود، مردم استان‌های تحت سرکوب جمهوری اسلامی را چشم و چراغ خود می‌دانند. اما اتحاد برای پایان دادن به این وضعیت خونبار و کشتار مردم ایران، در عمل، زیر یک پرچم ملی و فراگیر امکان‌پذیر است چرا که تشدید سرکوب در استان‌های غربی کشور و استان سیستان و بلوچستان در خدمت سرکوب و خاموش کردن یک ملت و «جمع» کردن اعتراضات در سراسر ایران است!

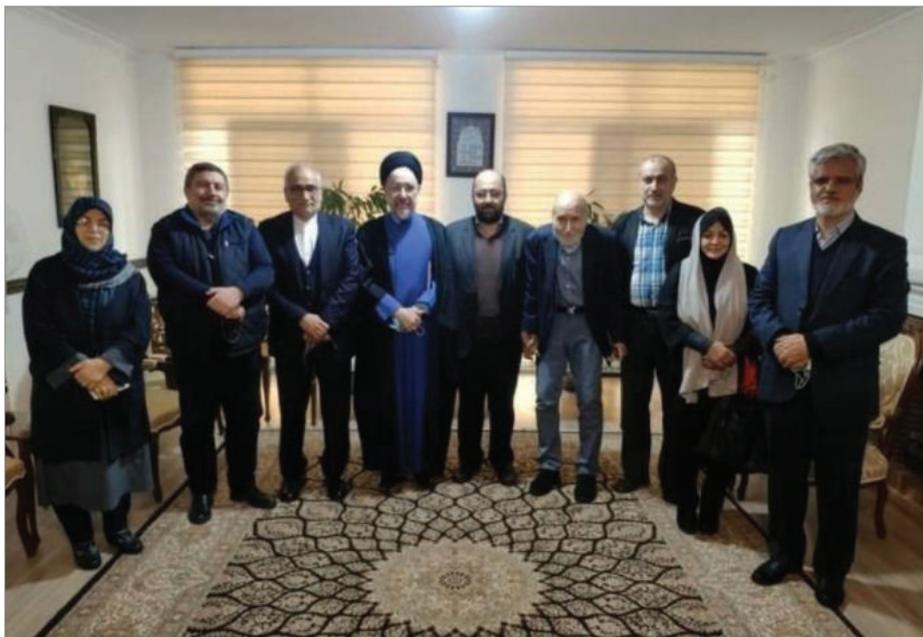
پویان ویستا - وظیفه انسانی و میهنی من و بسیاری در سال‌های متممادی این بوده که تلاش کنیم قطار مردم را در ریل بی‌بازگشت یک انقلاب ملی بیاندازیم. بالاخره این تلاش‌های ریز و درشت و جانفشانی‌های آزادیخواهان پس از ۴۳ سال به بار نشست است.

امروز بر ماست که از این خیزش میهنی مراقبت کنیم و چراغ آن را روشن نگه داریم تا به انحراف کشیده نشود. ما به عنوان یک ایرانی در برابر آیندگان مسئولیم آنچه را صلاح مملکت است به کمک هم پیش ببریم.

در همین راستا به عنوان سرباز کوچک ایران که همیشه سعی کرده صدای مردم ایران در خارج کشور باشد، خواهش دلسوزانه‌ای از برخی هموطنان بلوچ و گُرد ایرانی خارج کشور دارم. در دو ماه گذشته بعضی از شما گرامیان به دلایل و اهداف مختلف، پرچم‌های قومی را، فرای اینکه با هویت شما میانه‌ای دارند یا نه، به تظاهرات‌های ملی ایرانیان آورده‌اید. ایراندوستان در اینباره به احترام آزادی بیان، دموکراسی و حفظ همبستگی همیشه مدارا و سکوت کرده‌اند.

اما الان سرکوب شدیدی که جمهوری سلامی در استان‌های غربی کشور از آذربایجان غربی و کردستان تا کرمانشاه و ایلام در پیش گرفته و سودجویی‌هایی که تجزیه‌طلبان و دشمنان

# چراغ سبز مجتبی خامنه‌ای و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به اصلاح‌طلبان با خیال نجات نظام!



از دیدارهای گذشته اصلاح‌طلبان با محمد خاتمی رئیس دولت موشوم به «اصلاحات»

«براندازی نه مطلوب است و نه ممکن» این مواضع را مصداق «مرزبندی» با «دشمن و براندازان» برشمرده و خواستار به میدان آمدن خاتمی برای «ایجاد زمینه گفتگو» شده است!

دیدارهای اصلاح‌طلبان با عوامل نظام واکنش‌های مختلفی در پی داشت. کاربری می‌نویسد «حکومت دست به دامن بیت‌رفسنجانی و بیت‌خمینی و اصلاح‌طلبان شده است.» همزمان با تداوم خیزش انقلابی مردم، ریزش‌ها در حکومت نیز سرعت گرفته است. محمد سرافراز رئیس سابق صداوسیما جمهوری اسلامی در توییتهای خطاب به نیروهای امنیتی نوشته: «مأموران حکومتی که مردم بی‌سلاح و زنان و کودکان بی‌دفاع را می‌کشند و آمرانی که فرمان می‌دهند، قاتل هستند. آنها هم در این دنیا و هم در دادگاه عدل الهی به سزای عملشان خواهند رسید.»

در دو ماه گذشته رهبران غرب در بیانیه‌های مختلف با محکوم کردن سرکوب اعتراضات در ایران اعلام کردند از «آرمان اساسی مردم ایران» برای دستیابی به امنیت انسانی و حقوق بشر پشتیبانی خواهند کرد.

در این میان، روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی که بیشتر شبیه رپرتاژ آگهی است نوشته علی شمخانی از نمایندگان خانواده خمینی و رفسنجانی درخواست کرده صحبت کنند تا اعتراض‌ها فروکش کند اما آنها نپذیرفتند.

در گزارش وال‌استریت ژورنال آمده است شمخانی در این جلسه از پابرجایی جمهوری اسلامی ابراز اطمینان کرده و گفته است بر اساس اطلاعاتی که به دستش رسیده، آمریکا در پی تغییر رژیم در ایران نیست. او به خانواده خمینی و رفسنجانی گفته اگر از معترضان درخواست کنند به اعتراض‌ها پایان دهند، می‌شود اصلاحات و آزادی‌های مد نظر اصلاح‌طلبان را اعمال کرد.

این ادعای «وال‌استریت ژورنال» در حالیست که هر دو خانواده به عنوان بنیانگذاران جمهوری اسلامی و غارتگران کشور وقتان مردم، طرد شده و منقرض هستند!

حضور داشتند. برخی منابع غیررسمی می‌گویند حمیدرضا جلائی‌پور هم در این دیدارها حضور داشته است. طبق آنچه «اقتصاد نیوز» نوشته علی شکوری راد سخنگوی «جبهه اصلاحات» به تحلیل از وقایع پرداخته و خواستار پرهیز از برخوردهای خشن با معترضان شده و در مورد به کار گرفتن نیروهای لباس شخصی هشدار داده است. او تأکید کرده «برخورد با معترضان باید قانونی و دموکراتیک باشد نه خشن!»

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، «در این جلسه کار اصلاح‌طلبان امتیازگیری از حکومت بود... محور بحث هم کمک به نظام برای عبور از بحران بود... راهکار اولشان آزاد کردن مصطفی تاجزاده از زندان و رفع حصر موسوی و کروبی! آنها ادعا کردند محمد خاتمی ظرفیت جمع کردن اوضاع را دارد و از شمخانی و اژه‌ای خواستند به خاتمی میدان دهند.»

همزمان گزارش شد فاطمه رفسنجانی دختر اکبر هاشمی رفسنجانی با مجتبی خامنه‌ای پسر علی خامنه‌ای جلسه داشته است. بعد از چند روز تکذیب در نهایت پایگاه خبری وابسته به خانواده رفسنجانی مجبور شد این خبر را تأیید کند اما ادعا کرد «بیشتر نقل قول‌ها و موضوعات در مورد جزئیات این دیدار خلاف واقع و کذب است!»

نشست اصلاح‌طلبان که خود را در راه آرمان‌های خمینی می‌دانند با پسر خامنه‌ای و شمخانی و اژه‌ای یعنی دو نفر از عوامل اصلی سرکوب‌ها و بازداشت‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که در خیابان‌ها مردم نظر و هدف خود را با صدای بلند فریاد زده‌اند: «خامنه‌ای خمینی دیگره، این یکی از اون یکی ک... تره»

جمهوری اسلامی در تنگنای سرنوشت‌سازی گیر افتاده و روشن است که اصلاح‌طلبان را که سوپاپ‌های اطمینان همیشگی نظام و بال دوم آن هستند به کمک گرفته است. حتا «صبح صادق» نشریه داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با اشاره به مواضع خاتمی که اخیراً گفته بود

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید، «در این جلسه کار اصلاح‌طلبان امتیازگیری از حکومت بود... محور بحث هم کمک به نظام برای عبور از بحران بود... راهکار اولشان آزاد کردن مصطفی تاجزاده از زندان و رفع حصر موسوی و کروبی! آنها ادعا کردند محمد خاتمی ظرفیت جمع کردن اوضاع را دارد و از شمخانی و اژه‌ای خواستند به خاتمی میدان دهند.»

● نشست اصلاح‌طلبان که خود را در راه آرمان‌های خمینی می‌دانند با پسر خامنه‌ای و شمخانی و اژه‌ای، یعنی دو نفر از عوامل اصلی سرکوب‌ها و بازداشت‌ها، در شرایطی صورت می‌گیرد که در خیابان‌ها مردم نظر و هدف خود را با صدای بلند فریاد زده‌اند: «خامنه‌ای خمینی دیگره، این یکی از اون یکی ک... تره»

● روزنامه «وال‌استریت ژورنال» در گزارشی که بیشتر شبیه رپرتاژ آگهی است نوشته علی شمخانی از نمایندگان خانواده خمینی و رفسنجانی درخواست کرده صحبت کنند تا اعتراض‌ها فروکش کند اما آنها نپذیرفتند!

در اوج سرکوب‌ها در شرایطی که ۱۰ هفته پس از آغاز خیزش انقلابی شمار جانباختگان به بیش از ۴۱۰ نفر رسیده است شماری از اصلاح‌طلبان در دیدار با مقامات ارشد امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی راهکارهایی برای خاموش کردن اعتراضات و نجات حکومت از بحران ارائه داده‌اند.

خبرگزاری «برنا» روز دوشنبه ۳۰ آبان خبری درباره نشست شماری از اصلاح‌طلبان از اعضای تشکیلاتی موسوم به «جبهه اصلاحات» با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی و غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی منتشر کرده بود. جزئیات آن دیدار مشخص نبود اما اشاره شد مربوط به وضعیت بحرانی حکومت و تداوم خیزش انقلابی در ایران است.

در این نشست بهزاد نبوی، سیدحسین مرعشی، علی شکوری‌راد، فاطمه راکعی، علی باقری و محمود صادقی

## افزایش شمار جانباختگان انقلاب ملی ایران؛ مدیری که اطلاعات دانش آموزان را به مأموران نداد زیر فشارهای امنیتی جان باخت



می شود که بیانگر ابعاد فاجعه‌ای است که جمهوری اسلامی در ایران رقم زده است.

مرضیه آدینه‌زاده خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده نوجوان جانباخته در مشهد با انتشار یک استوری در اینستاگرامش جزئیاتی از مجروح شدن و جان باختن برادرش منتشر کرده است. بر اساس اطلاعاتی که مرضیه آدینه‌زاده منتشر کرده برادرش دانش‌آموز سال آخر هنرستان الکترونیک بود و شاگردی بسیار باهوش بود.

خواهر ابوالفضل آدینه‌زاده توضیح داده که صبح روز ۱۶ مهر پدرش ابوالفضل را به مدرسه رساند و قرار بود تا ساعت ۲ بعد از ظهر مدرسه باشد، اما حوالی ساعت ۱۱ صبح مقابل در ورودی دانشگاه فردوسی مشهد نزدیک به ۷۰ گلوله ساچمه‌ای از فاصله کمتر از یک متر به پهلویش راستش شلیک شد. او افتان و خیزان خود را به زیر گذر پارک ملت رساند و تا حدود ساعت ۱۱:۳۰ آنجا افتاده بود. یک دختر دانشجوی سال آخر پزشکی به همراه خانواده‌اش به او کمک کردند و ابوالفضل را حدود ساعت ۱۲:۳۰ به بیمارستان رساندند. بیمارستان «فارابی» که در نزدیک محل مجروح شدن ابوالفضل بوده از پذیرش معترضان خودداری کرده و در نتیجه ابوالفضل را به بیمارستان «امام رضا» رساندند. او در طول مسیر بهوش بود و مدام می‌گفت: «مامان دوستت دارم... مرا ببخش.»

مرضیه آدینه‌زاده در ادامه نوشته که در این فاصله، پدر ابوالفضل آدینه‌زاده که از شلوغی شهر مطلع بوده به مدرسه زنگ زده بود و مسئول مربوطه به او گفته بود که پسرش «سر کلاس» است و «خیالتان راحت!» ابوالفضل در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گرفت، اما کادر درمان فقط توانستند ۲۷ گلوله را از شکمش خارج کنند و او در نهایت تاب نیاورد و حوالی ساعت ۵ بعد از ظهر جان باخت. به گفته مرضیه آدینه‌زاده، شاید اگر بیمارستان فارابی که نزدیک دانشگاه فردوسی است ابوالفضل را قبول می‌کرد، او الان زنده می‌بود، ولی آنها مجروحان را قبول نکردند.

پس از یک شب بی‌خبری و نگرانی خانواده، حراست آموزش و پرورش روز ۱۷ مهر با آنها تماس گرفت و گفت که وثیقه بیاورند و او را ببرند. ولی پس از مراجعه پدر و مادرش به مدرسه، آنها را به اداره آگاهی بردند، پیکر ابوالفضل را به آنها نشان دادند، و به دروغ گفتند که باسه گلوله ساچمه‌ای کشته شده است. بر اساس آخرین گزارشی که ارگان خبری فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) منتشر کرده در فاصله ۲۶ شهریور تا ۷ آذر دست کم ۴۵۱ نفر در جریان اعتراضات توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شده‌اند. از این تعداد ۶۲ تن کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال بوده‌اند.

اعتراضات حضور داشته و بعد از هشت روز ناپدید شدن، پیکر بی‌جان وی در بالکن خانه‌اش و طی یک صحنه‌سازی خودکشی پیدا شد!

بر اساس گزارش‌ها پیکر بی‌جان عاطفه نعیمی که در اعتراضات کرج بازداشت شده بود ۵ آذر در آپارتمانش در کرج پیدا شد. گفته شده که نیروهای حکومتی پس از آزار و قتل عاطفه نعیمی در بازداشت، پیکر بی‌جان او را به خانه‌ای که تنها در آن زندگی می‌کرده آورده و خودکشی با باز کردن شیر گاز را صحنه‌سازی کرده‌اند. خانواده او پس از ۷ روز در پی بی‌خبری از عاطفه به خانه مراجعه کرده و متوجه می‌شوند که او جان باخته است. این زن جوان با فشار مأموران امنیتی به خانواده به اهواز منتقل و در آنجا به خاک سپرده شده است.

کانون حقوق بشر ایران با طرح این پرسش که «رژیم چه بلایی سر عاطفه نعیمی آورد؟» نوشته که عاطفه در چند هفته گذشته در اعتراضات حضور داشته و از «هشت روز پیش بطور ناگهان ناپدید و بعد از هشت روز جنازه‌اش در خانه پیدا شد.» کانون حقوق بشر همچنین با اشاره به اینکه پیکر او امروز دوشنبه «به صورت مخفیانه و به‌رغم مخالفت خانواده در اهواز دفن شد» نوشت: «با این‌که آثار ضرب و شتم و جراحت روی پیکر خانم نعیمی پیدا بوده است، ولی با دستور نهادهای امنیتی دستور دفن فوری وی صادر شد.» در فایل صوتی منتشر شده از سوی کانون حقوق بشر ایران، محمدمامین نعیمی برادر عاطفه در توضیحاتی درباره خواهرش گفته که «عاطفه در اعتراضات بسیار فعال بود و یکبار هم بازداشت شد. خواهرانش در اروپا به او گفتند عاطفه مراقب باش اما او گفت که خون من از دیگران رنگین‌تر نیست.»

امیرمهدی حسنی جوان دیگری است که در شهر قوچان توسط مأموران آتش زده شده و پس از دو هفته بستری بودن در بیمارستان جان باخته است.

بر اساس خبری که حساب توئیتری ۱۵۰۰ تصویر منتشر کرده، امیرمهدی حسنی ۲۳ ساله، ۳۰ شهریور در جریان اعتراضات قوچان لباسش به بنزین آغشته می‌شود. نیروهای جمهوری اسلامی با علم به این موضوع، او را دنبال و با شوکر به او حمله می‌کنند. امیرمهدی آتش می‌گیرد. نیروهای جمهوری اسلامی اجازه نمی‌دهند کسی به او کمک و آتش را خاموش کند. امیرمهدی دو هفته در بیمارستان بستری می‌شود و سرانجام بر اثر سوختگی ناشی از آتشی که مأموران جمهوری اسلامی به پیکر وی انداختند جان می‌بازد. از سوی دیگر برخی اطلاعات درباره جانباختگان دو ماه و نیم گذشته نیز به مرور از سوی خانواده و منابع آگاه منتشر

● «خانم دکتر زهرا لری مدیر مدرسه حاضر نشد اسامی و دوربین‌ها را تحویل بدهد. فیلم دوربین‌ها را پاک کرد و زیر بار حرف زور نرفت. بعد به اداره احضار و از سمت مدیر عزل شد و در مدت کوتاهی فوت کرد.»

● امیرمهدی حسنی جوان دیگری است که در شهر قوچان توسط مأموران آتش زده شده و پس از دو هفته بستری بودن در بیمارستان جان باخته است.

● به گفته مرضیه آدینه‌زاده، شاید اگر بیمارستان فارابی که نزدیک دانشگاه فردوسی است ابوالفضل را قبول می‌کرد، او الان زنده می‌بود، ولی آنها مجروحان را قبول نکردند.

شمار جانباختگان خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی به ۴۵۱ تن رسیده است. برخی از جانباختگان با شلیک مستقیم یا ضربات باتوم مأموران تحت فرمان جمهوری اسلامی در اعتراضات خیابانی جان می‌بازند و برخی دیگر در بازداشتگاه‌ها؛ در برخی موارد مانند عاطفه نعیمی نیز پیکر جانباخته را به خانه می‌آورند و رها می‌کنند. گزارش تأسف‌بار دیگری از جان باختن مدیر مدرسه‌ای حکایت دارد که حاضر به همکاری با مأموران امنیتی نشده بود و بر اثر فشارهای همین مأموران درگذشته است.

زهرا لری مدیر مدرسه رضوانی نژاد شهر کرمان که با هجوم مأموران امنیتی برای کنترل دوربین‌های مدار بسته با هدف شناسایی و بازداشت دانش‌آموزان معترضی که تحصن کرده و شعار سر داده بودند، ویدئوها و حافظه دوربین‌ها را پاک کرده و بازداشت شده بود، بر اثر سکنه ناشی از فشارهای نهادهای امنیتی جان باخته است. او پس از خودداری از همکاری با نهادهای امنیتی بازداشت و به تازگی آزاد شده بود. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در خبر کوتاهی نوشته که «حدود یک ماه پیش دانش‌آموزان مدرسه رضوانی‌نژاد کرمان شعار دادند و تحصن کردند. خانم دکتر زهرا لری مدیر مدرسه حاضر نشد اسامی و دوربین‌ها را تحویل بدهد. فیلم دوربین‌ها را پاک کرد و زیر بار حرف زور نرفت. بعد به اداره احضار و از سمت مدیر عزل شد و در مدت کوتاهی فوت کرد.»

زهرا لری متولد ۱۳۴۵ دارای دو فرزند و فوق‌لیسانس جامعه‌شناسی و دکترای مدیریت شهری و اولین زن راه یافته به شورای اسلامی شهر کرمان بود.

درگذشت این مدیر مدرسه که در هفته‌های گذشته به دلیل همراهی و محافظت از دانش‌آموزانش مورد توجه مردم قرار گرفته بود، با واکنش‌های زیادی در شبکه‌های اجتماعی روبرو شد. خبر دیگری از جان باختن زن جوانی حکایت دارد که در

# یک منبع مطلع درباره آدم‌ربایی در قطر و برخی فایل‌ها و اطلاعات که توسط اتاق فکر نظام و اصلاح‌طلبان منتشر می‌شود

گفت که این شهروندان را از قطر دزدیدیم چون هم وجهه سیاسی حکومت قطر زیر سؤال می‌رود و هم به آدم‌ربایی دولتی متهم می‌شوند بنابراین خواهند گفت این افراد به صورت قاچاقی و غیرقانونی برای جاسوسی وارد خاک یا آب‌های ایران شده بودند. بیشتر هم روی شهروندان اروپایی تمرکز دارند تا ضمن فشار به جامعه جهانی بتوانند از طریق فشار اروپا بر زلینسکی، پاسدارهای اسیر شده در اوکراین را آزاد کنند.»

## می‌خواهند اصلاح‌طلبان را از دست بدهند

به گفته‌ی این منبع آگاه، حکومت نمی‌خواهد بدنه اصلاح‌طلبان را از دست بدهد به همین دلیل اعلام کرده‌اند که مجتبی‌خامنه‌ای کاره‌ای نیست! وی می‌افزاید «کسانی هم که مباحثی نظیر ملت‌های گُرد و تُرک را راه می‌اندازند و ناگهان یاد احزاب کرد افتاده‌اند و آنها را مطرح می‌کنند، بیشترشان وابسته به جمهوری اسلامی هستند و طرح این موضوعات از اتاق فکر جمهوری اسلامی بیرون می‌آید. تجزیه‌طلب واقعی خود جمهوری اسلامی است و

است که جمهوری اسلامی در حال حاضر توان مقابله با مردم و نیروی سرکوبگر کافی هم به دلیل اعزام به اوکراین و جاهای دیگر و هم به دلیل تهدید و مخالفت خانواده‌های این نیروها با سرکوب مردم ندارد و با انتشار چنین چیزهایی توجه را از مبارزات و اعتراضات مردم منحرف می‌کند و برخی رسانه‌ها در خارج هم روی آنها مانور می‌دهند!»

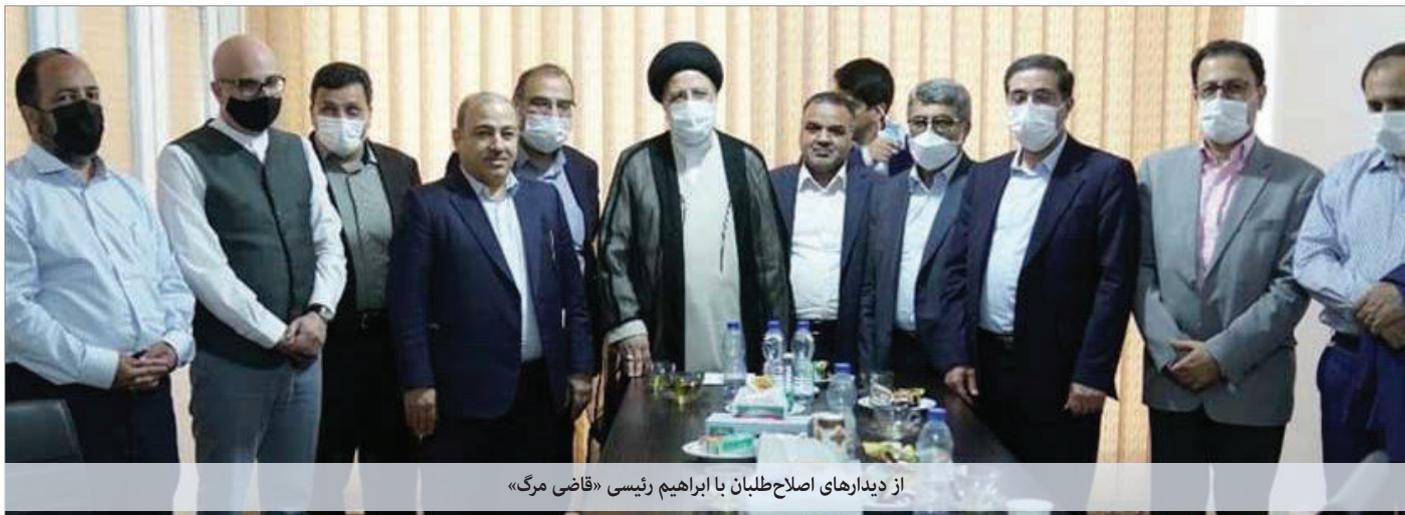
این فرد مطلع معتقد است که جمهوری اسلامی اگر نیروی کافی برای سرکوب مردم می‌داشت عین آبان ۹۸ قتل عام می‌کرد و به کسی هم جوابگو نبود!

وی در مورد فایل صوتی جانشین سازمان بسیج می‌افزاید: «آن فایل صوتی لو نرفته بلکه خودشان عمداً این جلسه صوتی را تشکیل دادند، ضبط کردند و برای رسانه‌های مربوطه فرستادند. اگر مردم دور برخی رسانه‌های خارج کشور را خط بکشند جمهوری اسلامی یک شبکه جدید دیگر ایجاد می‌کند تا سیاست خودش را پیش ببرد. با توجه به اینکه در ایران مردم بی‌بسی و صداوسیما را دنبال نمی‌کنند و از طرفی دور یکی از رسانه‌های مطرح خارج کشور را هم خط

● یک منبع مطلع به «کیهان لندن» می‌گوید فایل صوتی که ادعا شد مربوط به سخنرانی جانشین سازمان بسیج است «لو نرفته بلکه خودشان عمداً این جلسه صوتی را تشکیل دادند، ضبط کردند و برای رسانه‌ی مربوطه فرستادند.»

● همین منبع در مورد گروه‌انگیزی شهروندان اروپایی از سوی جمهوری اسلامی می‌گوید «در این فایل صوتی منتشر شده جمهوری اسلامی می‌خواهد ایرانی‌ها را بترساند اما حکومت همین الان در حال گروهان گرفتن تعدادی از شهروندان کشورهای دیگر و انتقال آنها از طریق دریا از قطر به ایران است. ایرانیان دوتابعیتی و شناخته شده اگر در قطر هستند می‌بایست آنجا را ترک کنند!»

● به گفته‌ی این منبع آگاه، حکومت نمی‌خواهد بدنه اصلاح‌طلبان را از دست بدهد به همین دلیل اعلام کرده‌اند که مجتبی‌خامنه‌ای کاره‌ای نیست! وی می‌افزاید «کسانی هم که مباحثی نظیر ملت‌های گُرد و تُرک را راه می‌اندازند و ناگهان یاد احزاب کرد افتاده‌اند و آنها را مطرح می‌کنند، بیشترشان وابسته به جمهوری اسلامی هستند و



از دیدارهای اصلاح‌طلبان با ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ»

نوپه‌هایش وظیفه دارند مسئله پرنرگ کردن این احزاب و هراس مستقیم و غیرمستقیم از تجزیه را به اشکال مختلف پیش ببرند.» وی می‌گوید «اگر جمهوری اسلامی برود ما دیگر هیچوقت حرفی از تجزیه ایران نمی‌شنویم چون مطرح‌کننده این بحث هم نابود شده است.»

این منبع ادامه می‌دهد: «اینهمه زندانی در ایران در حبس هستند چرا فایل‌های مثلاً لو رفته و دوربین‌های هک شده، فقط یکسری افراد خاص را نشانه می‌گیرند و به رسانه مورد نظر می‌فرستند؟!»

وی همچنین معتقد است از آنجا که برخی «زندانیان سیاسی» به دلیل امتناع مخاطبان نتوانستند جایگاهی پیدا کنند، اتاق فکر امنیتی رژیم در پی آن است که افراد و زندانیان دیگری را که مورد توجه مخاطبان هستند، جایگزین آنها کند. افراد و زندانیانی که از سوی مخالفان رژیم مورد استقبال هستند و از سوی جریان اصلاح‌طلب رژیم و امکانات پیدا و پنهان آنها در داخل و خارج برجسته و تبلیغ می‌شوند.»

کشیده‌اند، سیاست‌های خود را از طریق یک شبکه دیگر با گرد هم آوردن تعدادی از کارمندان مورد نظر خودشان پیش می‌برند.»

## آدم‌ربایی در قطر

این منبع مطلع در ادامه موضوع گروه‌انگیزی شهروندان اروپایی از سوی جمهوری اسلامی را مطرح کرده و می‌گوید: «در این فایل صوتی منتشر شده جمهوری اسلامی می‌خواهد ایرانی‌ها را بترساند اما حکومت همین الان در حال گروهان گرفتن تعدادی از شهروندان کشورهای دیگر و انتقال آنها از طریق دریا از قطر به ایران است. ایرانیان دوتابعیتی و شناخته شده اگر در قطر هستند می‌بایست آنجا را ترک کنند!»

او تأکید می‌کند «حالا خواهید دید که بعد از مسابقات جام جهانی به صورت گسترده اخبار بازداشت شهروندان اروپایی یا دوتابعیتی منتشر می‌شود که مثلاً فلان شهروند فرانسوی که به صورت غیرقانونی به ایران آمده به اتهام جاسوسی شناسایی و بازداشت شده! البته قطعاً نخواهند

طرح این موضوعات از اتاق فکر جمهوری اسلامی بیرون می‌آید. تجزیه‌طلب واقعی خود جمهوری اسلامی است و نوپه‌هایش وظیفه دارند مسئله پرنرگ کردن این احزاب و هراس مستقیم و غیرمستقیم از تجزیه را به اشکال مختلف پیش ببرند.»

یک منبع مطلع در گفتگو با کیهان لندن عنوان می‌کند فایل‌های صوتی به اصطلاح «افشا شده» بطور هدفمند و با مدیریت اتاق‌های فکر نظام و توسط اصلاح‌طلبان منتشر می‌شود.

این منبع می‌گوید: «گزارش منتشر شده از نشست فاطمه هاشمی رفسنجانی و مجتبی‌خامنه‌ای و فایل صوتی به اصطلاح لو رفته از نشست قاسم قریشی جانشین سازمان بسیج با مدیران رسانه‌های بسیج و همین‌طور برجسته شدن اخبار داخل زندان برای ترساندن مردم، شُل‌گرفت حجاب و انتشار آن از سوی رسانه‌های تندرو همه از اتاق فکر جمهوری اسلامی با اجرای اصلاح‌طلبان بیرون آمده است.»

وی توضیح می‌دهد: «پخش این چیزها تنها به این دلیل



## اعتصاب هزاران کارگر در چند کارخانه بزرگ صنعتی ایران؛ کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن!

● در اعتصاب امروز کارگران ذوب آهن، خط‌های بارگیری مختل شد چون کارگران واگن‌ها را تخلیه نکردند و جرثقیل‌ها را هم خاموش کردند و رانندگان بخش حمل و نقل نیز با کارگران اعتصابی همراهی کردند.

● کارگران شرکت لوازم خانگی پارس در شهرک صنعتی البرز قزوین با تجمع در محوطه کارخانه شعارهایی از جمله «کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن» سر دادند.

● کارگران شرکت «سراماقرین» که از بزرگترین کارخانه‌های تولید دستگاه‌های تهویه مطبوع است نیز صبح امروز شنبه پنجم آذر دست به اعتصاب زدند.

● کارگران شرکت قطعه‌سازی اتومبیل «سیف خودرو» هم اعتصاب کردند. این کارگران با ۵ تا ۹ ماه حقوق عقب‌افتاده روبرو هستند.

● کارگران جوشکار مجتمع فولاد بافق در اعتراض به عدم رعایت موارد ایمنی که منجر به انفجار و کشته شدن دو نفر از همکارانشان شد نیز به اعتصاب پیوستند.

کارگران در چند کارخانه بزرگ صنعتی ایران از صبح امروز شنبه پنجم آذرماه دست به اعتصاب زدند. در کارخانه ذوب آهن اصفهان اعتصاب سراسری برقرار است و چهار هزار کارگر شاغل در نوبت صبح این کارخانه دست از کار کشیدند. کارگران در چند کارخانه بزرگ صنعتی از بامداد امروز شنبه ۵ آذرماه ۱۴۰۱ در اقدامی هماهنگ دست از کار کشیده و اعتصاب کردند.

یکی از بزرگترین اعتصابات در کارخانه ذوب آهن اصفهان صورت گرفته بطوری که همه ۴۰۰۰ کارگری که در شیفت صبح این کارخانه کار می‌کنند دست از کار کشیدند. این اعتصاب سراسری با جوّ شدید امنیتی و تلاش مأموران حکومتی و حراست کارخانه برای بازگرداندن کارگران به کار و با تهدید به بازداشت و اخراج صورت گرفت.

کارگران ذوب آهن اصفهان خواستار افزایش دستمزد و رسیدن به دیگر خواسته‌های صنفی هستند. آنها پیشتر نیز در روزهای ۲۴ و ۲۵ آبان اعتصاب گسترده‌ای را با حضور هزاران کارگر برگزار کردند.

در دور پیشین اعتصاب کارگران ذوب آهن، مدیر شرکت و نماینده وزارت کار با حضور در میان کارگران وعده تحقق خواسته آنان در روزهای آینده را داده بودند، اما پس از گذشت بیش از ۱۰ روز به هیچ یک از وعده‌ها عمل نشده و در نتیجه کارگران بار دیگر دست به اعتصاب زدند.

از آغاز خیزش ملی مردم علیه جمهوری اسلامی که از ۲۶ شهریور امسال با جانباختن مهسا امینی در پی ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شد، کارگران در صنایع مختلف در چند نوبت دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارگران در حالیست که نهادهای امنیتی همه تلاش خود را برای جلوگیری از شکلگیری اعتصاب به ویژه در صنایع مادر و کارخانه‌های بزرگ انجام داده‌اند.

تهدید تلفنی و احضار و پرونده‌سازی قضایی از یکسو، و تهدید و اقدام به اخراج کارگران در این شرایط طاقت‌فرسا از جمله ابزارهای جمهوری اسلامی برای سرکوب اعتصابات است. با اینهمه کارگران توانستند در چند نوبت از جمله در سه روز اعتراضاتی که از ۲۴ تا ۲۶ آبان‌ماه در سالگرد جانباختگان اعتراضات آبان ۹۸ برگزار شد دست به اعتصاب بزنند و پیام همراهی خود را با انقلاب ملی علیه جمهوری اسلامی اعلام کنند.

بخش دیگری از اعتصابات از سوی بازاریان در جریان است. بازاریان نیز با تهدیدهای امنیتی و قضایی، مشابه با کارگران، روبرو هستند. ضمن اینکه اداره اماکن در کلانشهرها نیز مغازه‌هایی که با فراخوان‌های اعتصاب همراهی کنند را پلمپ و حتی مجوز آنها را لغو و صاحبان کسب و کار را به قوه قضاییه معرفی می‌کند.

اینهمه در حالیست که با سه ماه پایداری مردم در خیابان با وجود سرکوب گسترده مسلحانه و قضایی، به نظر می‌رسد پتانسیل اعتصابات سراسری در میان کارگران نیز افزایش یافته است. به ویژه آنکه کسری بودجه دولت در نیمه دوم سال اثرات خود را بیشتر نمایان می‌کند و یکی از آثار آن تأخیر در پرداخت حقوق‌هاست. شرکت‌های پیمانکاری و کارخانه‌های تولیدی نیز در نیمه دوم سال برای دریافت مطالبات از دولت با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند. همین موضوع سبب عقب افتادن حقوق و مزایای کارگران در هفته‌های منتهی به تعطیلات نوروز شده و در نتیجه از این جنبه نیز احتمال گستردگی اعتصابات در هفته‌های پیش رو زیاد است.

کارگران ذوب آهن اصفهان می‌گویند دستمزدهای آنان کمتر از سایر شرکت‌های فولاد در ایران است و با توجه به تورم و گرانی‌ها دیگر امکان ادامه این شرایط دستمزدی را ندارند.

در اعتصاب امروز کارگران ذوب آهن، خط‌های بارگیری مختل شد چون کارگران واگن‌ها را تخلیه نکردند و جرثقیل‌ها را هم خاموش کردند. گفته می‌شود رانندگان شاغل در بخش حمل و نقل کارخانه نیز به جمع کارگران اعتصابی پیوستند.

کارگران شرکت «سراماقرین» که از بزرگترین کارخانه‌های تولید دستگاه‌های تهویه مطبوع است نیز صبح امروز شنبه پنجم آذر دست به اعتصاب زدند. دفتر مرکزی این شرکت در تهران و کارخانه آن در شهرک صنعتی البرز در استان قزوین قرار دارد. همچنین کارگران شرکت لوازم خانگی پارس در شهرک صنعتی البرز قزوین نیز همزمان اعتصاب کردند.

این کارگران با تجمع در محوطه کارخانه شعارهایی از جمله «کارگر داد بزن، حق تو فریاد بزن» سر دادند.

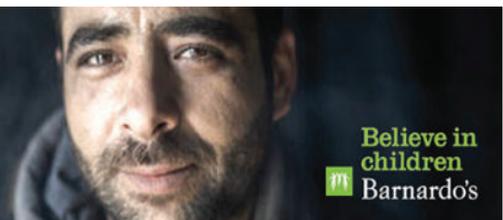
در استان البرز و در نزدیکی کرج نیز کارگران شرکت قطعه‌سازی اتومبیل «سیف خودرو» به اعتصابات کارگری پیوستند. این کارگران با ۵ تا ۹ ماه حقوق عقب‌افتاده روبرو هستند و می‌گویند در شرایطی که خط فقر به ۲۰ میلیون تومان رسیده آنها از ابتدای سال هیچ حقوقی دریافت نکردند و دیگر حتی در تأمین نان خالی هم دچار مشکل هستند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز گزارش داده که امروز شنبه ۵ آذرماه کارگران جوشکار مجتمع فولاد بافق (فولاد ابویی) در اعتراض به عدم رعایت موارد ایمنی که منجر به انفجار و کشته شدن دو نفر از همکارانشان شد، دست به اعتصاب زده‌اند.

روز گذشته جمعه ۴ آذرماه، سه کارگر جوشکار شاغل در فولاد تکنیک (فولاد ابویی) واقع در مجتمع فولاد بافق که روی کمپرسور ۷۱ مشغول جوشکاری بوده‌اند به علت نشت گاز و انفجار لوله گاز تخلیه نشده در آتش سوختند. میثم اسماعیلی همانجا جان باخت و داریوش عرب‌زاده هم بعد از چند ساعت جان خود را از دست داد. وضعیت جسمی موسی یزدان‌پرست هم با ۷۰ درصد سوختگی چندان مناسب نیست.

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



Believe in  
children  
Barnardo's



# طرح حمایت از معترضان ایران در مجلس فرانسه با رأی اکثریت نمایندگان تصویب شد

در این مبارزه و محکوم کردن رژیم دارید؟» همزمان با برگزاری نشست پارلمان برای رأی‌گیری درباره این طرح، شماری از ایرانیان مقیم پاریس در مقابل پارلمان تجمع کرده و با سردادن شعار و سخنانی از نمایندگان خواستند از خیزش ملی مردم ایران حمایت و ابزارهایی برای مهار جمهوری اسلامی در سرکوب را به کار بگیرند. بیش از دو ماه و نیم که از آغاز خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی و پایداری مردم در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها با وجود سرکوب مسلحانه معترضان می‌گذرد، واکنش‌های جهانی در حمایت از مردم ایران افزایش می‌یابد. شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز هفته گذشته قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر کرد. پیش‌نویس این قطعنامه را نمایندگان دائم دو کشور آلمان (به عنوان عضو شورا) و ایسلند (به عنوان عضو ناظر) در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۲ با مقر سازمان ملل در ژنو ارائه کرده بود. این پیش‌نویس در نشست فوری شورای حقوق بشر سازمان ملل در روز ۲۴ نوامبر مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت با ۲۵ رأی موافق، شش رأی مخالف و ۱۶ رأی ممتنع، قطعنامه‌ای درباره وضعیت حقوق بشر در ایران تصویب شد. تشکیل یک هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی از طرف رئیس شورای حقوق بشر برای «بررسی کامل و مستقل موارد نقض حقوق بشر در ارتباط با اعتراضات اخیر در ایران از جمله ابعاد جنسیتی آن» یکی از بخش‌های این قطعنامه بود. بر این اساس هیئت حقیقت‌یاب باید تمامی «شواهد مربوط به نقض حقوق بشر» را «جمع‌آوری، تجمیع و تجزیه و تحلیل» کند تا در دادگاه‌های دارای صلاحیت ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی رسیدگی شوند. مصادف با تصویب طرح حمایت از مردم ایران در مجلس ملی فرانسه اعلام شد که روز ۱۴ دسامبر درباره‌ی اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تصمیم گرفته خواهد شد. بر اساس آخرین آماری که روز گذشته از سوی ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) منتشر شده شمار جانب‌باختگان خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تا چهارم آذرماه به ۴۵۰ تن رسیده که از این تعداد ۶۳ تن کودک هستند. همچنین بیش از ۱۸ هزار نفر در هفته‌های گذشته در جریان اعتراضات بازداشت شدند که از این تعداد ۵۵۵ نفر دانشجو بودند.

شهروندان را خدشه‌دار می‌کند، و حبس خودسرانه و همچنین فرستادن زنان و مردان ایرانی که در خیابان‌ها اعتراضات مسالمت‌آمیز انجام داده‌اند به مراکز بازپروری را اعلام کرده است. بر اساس این مصوبه از دولت خواسته شده تا در حوزه سیاست خارجی و در جهت اخراج رژیم ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تلاش کند. همچنین بکوشد تا تحریم‌های شدیدتری علیه جمهوری اسلامی و به دلیل سرکوب مردم و نقض حقوق بشر وضع شود. این مصوبه دولت را موظف کرده تا تحقیقات مستقل درباره قتل مهسا زینا امینی از سوی اتحادیه اروپا را دنبال کند. همچنین از دولت خواسته شده قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی را در چارچوب شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و در راستای ایجاد یک مکانیسم تحقیقاتی در رابطه با نقض حقوق بشر در ایران، از سوی کشور فرانسه به این سازمان ارائه کند. از سوی دیگر این مصوبه خواستار آزادی فوری شهروندان فرانسوی که بطور خودسرانه توسط جمهوری اسلامی بازداشت و زندانی شدند را داشته و از دولت تقاضا کرده که شهروندان فرانسوی به سرعت و با توجه به تعهدات بین‌المللی امضا شده توسط جمهوری اسلامی از حق حفاظت کنسولی خود برخوردار شوند. شاهزاده رضا پهلوی همزمان با تصویب این طرح با انتشار ویدئوی سخنرانی امروز آدریان قمی در پارلمان فرانسه، نوشت: «ما از همه کسانی که از مردم ایران حمایت می‌کنند و در کنار آنها هستند قدردانی و تشکر می‌کنیم.» آدریان قمی نماینده مجلس ملی فرانسه از گروه «رنسانس» از جمله نمایندگان ایرانی‌تبار در کشورهای مختلف اروپایی است که از ابتدای خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی، وقایع ایران را دنبال و با مردم ابراز همدردی و همراهی کرده بود. آدریان قمی به همراه چند تن از دیگر نمایندگان پارلمان ملی فرانسه نیمه مه‌ماه در سومین هفته از خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی، در دیدار با وزیر امور خارجه فرانسه از او پرسیده بود که دولت این کشور چه برنامه‌ای برای حمایت از مردم ایران دارد: «با وجود قطع اینترنت و سانسور، تصاویر وحشتناکی از سرکوب‌ها در ایران به دست ما رسیده است. کشورهای غربی در مواجهه با سرکوب خشونت‌آمیز دستگاه امنیتی ایران تدابیر مختلفی را اتخاذ کرده‌اند، خانم وزیر، چه برنامه‌ای برای حمایت از ایرانیان

● مخالفت با سرکوب خشن و سازمانیافته معترضان، شکنجه و دیگر روش‌های بدرفتاری متداول در زندان‌های جمهوری اسلامی که کرامت انسانی شهروندان را خدشه‌دار می‌کند، و حبس خودسرانه و فرستادن شهروندانی که در خیابان‌ها اعتراضات مسالمت‌آمیز انجام داده‌اند به مراکز بازپروری از محورهای این مصوبه است. ● در این مصوبه از دولت خواسته شده تا در حوزه سیاست خارجی و در جهت اخراج رژیم ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تلاش کند. ● شاهزاده رضا پهلوی همزمان با تصویب این طرح در توئیتر نوشت: ما از همه کسانی که از مردم ایران حمایت می‌کنند و در کنار آنها هستند قدردانی و تشکر می‌کنیم. ● همچنین مصادف با تصویب طرح حمایت از مردم ایران در مجلس ملی فرانسه اعلام شد که روز ۱۴ دسامبر درباره‌ی اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل تصمیم گرفته خواهد شد. ● بیش از دو ماه و نیم که از آغاز خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی و پایداری مردم در خیابان‌ها و دانشگاه‌ها و با وجود سرکوب مسلحانه معترضان می‌گذرد، واکنش‌های جهانی در حمایت از مردم ایران افزایش می‌یابد. طرح پیشنهادی مجلس ملی فرانسه برای حمایت از خیزش مردم ایران علیه جمهوری اسلامی با اکثریت مطلق آرای نمایندگان به تصویب رسید. بر اساس این مصوبه دولت فرانسه موظف به حمایت از معترضان ایرانی، پیشبرد تحقیقات مستقل درباره قتل مهسا امینی و اقداماتی در سطح اتحادیه اروپا برای بازدارندگی جمهوری اسلامی از سرکوب معترضان شده است. پارلمان ملی فرانسه در نشست روز دوشنبه ۲۸ نوامبر ۲۰۲۲ برابر با ۷ آذرماه ۱۴۰۱ طرح حمایت از معترضان ایران را، با حضور سه شهروند ایرانی-فرانسوی مورد بررسی قرار داد و نمایندگان آن را با اکثریت مطلق آرا به تصویب رساندند. همه ۱۴۹ نماینده حاضر در پارلمان به این طرح رأی مثبت دادند و هیچ رأی منفی به آن داده نشد. این طرح توسط نمایندگان حزب رنسانس، حزب امانوئل ماکرون تدوین شده و به امضای احزاب ائتلافی ریاست جمهوری، حزب رنسانس، حزب مودم و حزب هوریزون رسیده است. امضاکنندگان مخالفت صریح خود را با سرکوب خشن و سازمانیافته معترضان، شکنجه و دیگر روش‌های بدرفتاری متداول در زندان‌های جمهوری اسلامی که کرامت انسانی

# اصل «مساعی لازم» و قصور عامدانه‌ی جمهوری اسلامی در انجام تعهدات بین‌المللی (بخش یک)



اسلحه‌ای که لوله‌اش گره خورده، به نشانه‌ی صلح، در برابر ساختمان سازمان ملل متحد در نیویورک

پیدا کنند، ابعاد اخلاقی و هنجاری شایان با اهمیتی نیز به منشور ملل متحد اعطا می‌کند که به موجب آن نظم بین‌المللی از ویژگی‌های حقوقی فراتر رفته و با اخلاق انسانی و ارزش‌های مورد احترام جامعه بین‌الملل ارتباط پیدا می‌کند.

ماده ۴ منشور ملل متحد وظیفه مهم کشورها در انجام «اهتمام لازم» برای تعهدات بین‌المللی خویش را با دقت بیشتری توضیح داده است. به موجب این ماده کشورهایی می‌توانند به عضویت سازمان ملل متحد درآیند که نه تنها مایل به انجام این تعهدات باشند، بلکه توانایی لازم را نیز برای انجام آنها داشته باشند. در اینجا اصل «مساعی لازم» و همچنین «حسن نیت» با تمایل به انجام تعهدات بین‌المللی و توانایی یک کشور پیوند یافته و در واقع چهار ستون و پایه نگهدارنده بنای حقوق بین‌الملل، و به ویژه حقوق بشر بین‌المللی را بنیان می‌نهد.

منشور حقوق بشر بین‌المللی به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۲ اصل «مساعی لازم» را از معنای این اصل در منشور حقوق بشر بین‌المللی، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی اخلاقی محدود مندرج در منشور ملل متحد فراتر برده و دولت‌ها را به تعهداتی حقوقی و قراردادی جهت انجام تمهیدات ضروری برای احترام، اجرا، و پیشبرد، حقوق بشر متعهد می‌سازد.

برای انجام تعهدات بین‌المللی می‌بایست معیار قضاوت پیرامون رفتار آن کشور در جامعه بین‌المللی قرار گیرد. بنابراین کوتاهی در انجام «مساعی لازم» و دقت کافی برای انجام تعهدات بین‌المللی سبب مسئولیت بین‌المللی برای آن کشور می‌شود. این اصل در مرکز تعهدات کشورهای عضو به موجب منشور ملل متحد قرار دارد. بخش اول مقدمه این منشور اعضای ملل متحد را به اعلام تعهد خویش به احترام و پیشبرد حقوق ذاتی همه انسان‌ها و نیز برابری آنها فراخوانده و از کشورهای عضو ملل متحد می‌خواهد تا برای توسعه اجتماعی و نیز ارتقاء شرایط زندگی مردم خود همراه با آزادی‌های بیشتر تلاش کنند.

منظور از تأکید بر تعهد کشورهای عضو این است که بدون داشتن حسن نیت در انجام تعهدات بین‌المللی، اساسا اصل «مساعی لازم» امکان تحقق ندارد. در این ارتباط، بند دوم از ماده ۲ منشور بیان می‌دارد که همه کشورهای عضو باید تعهداتی را که طبق این منشور بر عهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام دهند. طبق ماده یک منشور ملل متحد، در مرکز آن تعهدات تلاش برای ترویج و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض و تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب قرار گرفته است. این تعهدات که می‌بایست با «اهتمام لازم» کشورها برای حفاظت و پیشبرد حقوق بشر همراه باشد تا امکان تحقق

● دقت و اهتمام لازم یک کشور برای انجام تعهدات بین‌المللی می‌بایست معیار قضاوت پیرامون رفتار آن کشور در جامعه بین‌المللی قرار گیرد. بنابراین کوتاهی در انجام «مساعی لازم» و دقت کافی برای انجام تعهدات بین‌المللی سبب مسئولیت بین‌المللی برای آن کشور می‌شود.

● چرا جمهوری اسلامی ایران از انجام «مساعی لازم» برای تعهدات بین‌المللی خویش همواره طفره می‌رود؟ هدف این نوشتار توضیح این فرضیه است که از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران، این حکومت هرگز تمایلی به رعایت این اصل مهم نداشته است. بنابراین نمی‌تواند تعهدات خود را به موجب منشور ملل متحد و نیز اسناد حقوق بشری با حسن نیت انجام دهد. این قصور ذاتی نظام سیاسی حاکم بر ایران امروز نه تنها می‌بایست برای جامعه دانشگاهی و مدنی روشن شود، همچنین می‌بایست در مرکز توجهات بین‌المللی نیز قرار گیرد.

دکتر محمود مسائل - به اصل «مساعی یا اهتمام لازم» در انجام تعهدات بین‌المللی در جامعه دانشگاهی و به ویژه جامعه مدنی ایران کمتر پرداخته شده و در نتیجه اهمیت آن برای احترام و پیشبرد موثر حقوق بشر به روشنی توضیح داده نشده است. اصل موضوع این است که دقت و اهتمام لازم یک کشور

تواند این تعریف را برای اقدامات خود ارائه و تثبیت نماید، و همچنین قادر نبوده، و یا مایل نباشد که دقت و مراقبت کافی «اهتمام لازم» را برای رعایت این اصل حقوقی بین‌المللی به عمل آورد، آن دولت در قبال قصور خود در این تعهد بین‌المللی مسئول است.

«اهتمام لازم» ممکن است به عنوان فرآیندی اجرایی برای اجرای یک قاعده و یا یک اصل، و یا شرط تضمین‌کننده تعهدات، نیز تعریف شود. در اینجا «اهتمام لازم» بیشتر در حقوق اقتصاد بین‌الملل و یا تعهدات تجاری بین‌المللی کاربرد و مصداق دارد. اما می‌توان آنرا برای حقوق بین‌الملل و به ویژه حقوق بشر بین‌المللی نیز توصیف کرده و به اجرا گذاشت. این تعریف و کاربرد فرآیندی و حتی اداری «اهتمام لازم» نیاز به توصیف بیشتری دارد. در حوزه حقوق بطور اعم، و در حیطه حقوق بشر بین‌المللی بطور اخص، این شکل فرآیندی اهتمام لازم در برگزیده بررسی‌های دقیق و سنجیده، تحقیق و مطالعه، و ارزیابی برای تشخیص نقاط قوت و ضعف اجرایی قواعد و اصول و یا تعهدات است. در اینجا، اهتمام لازم ابزاری کمکی و تکمیلی، و یا احتیاطی و همچنین انجام بررسی‌های محتاطانه برای انجام صحیح تعهدات است.

باز نگاهی داشته باشیم به همان میثاق حقوق مدنی و سیاسی که در جمله پنجم و پایانی مقدمه این فراخوان را به نمایش می‌گذارد: «هر فرد نسبت به افراد دیگر و نیز نسبت به اجتماعی که بدان تعلق دارد عهده‌دار وظایفی است و مکلف است به اینکه در ترویج و رعایت حقوق شناخته شده به موجب این میثاق اهتمام نماید.» در این بیانیه، انجام اهتمام لازم ماهیتی تکمیلی برای تقویت فرآیندهایی دارد که به موجب آن تعهدات کشورها نسبت به احترام و پیشبرد حقوق مدنی و سیاسی به خوبی انجام گیرد. اما روشن‌ترین تعریف این معنای اهتمام لازم در بند دو از ماده ۲ همان میثاق ارائه شده است: «هر دولت طرف این میثاق متعهد می‌شود که طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر هنوز اجرایی نشده غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که پیشتر به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر هنوز اجرایی نشده‌اند، به عمل آورد.»

در حقیقت دولت‌ها نه تنها موظف هستند اهتمام لازم برای انجام تعهدات خود را به عنوان یک قاعده حقوقی (مانند وفای به عهد) و یا به عنوان یک اصل (مانند عدم تبعیض) به کار برند، آنها همچنین متعهد هستند تا از نقطه نظر فرآیندی و اجرای اداری نیز اقداماتی را انجام دهند که آن قواعد و اصول به بهترین شکل ممکن به اجرا درآیند.

این موارد نشان می‌دهد که «اهتمام لازم» و یا «مساعی لازم» به منزله دقت و مراقبتی است که همه اعضای جامعه بین‌المللی باید برای اجرای تعهدات خویش به کار گیرند و از این بابت چنین دقت نظری بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق بین‌الملل به حساب می‌آید. اهمیت مساعی و کوشش لازم در اجرای تعهدات می‌تواند معیار سنجش خوبی برای قضاوت پیرامون رفتار دولت‌ها (یا کشورهای)

برای احترام به ارزش‌های مورد توافق خانواده بین‌المللی باشد. بنابراین باید یکبار دیگر خاطر نشان ساخت که قصور یک دولت/ حکومت در انجام مراقبت و مساعی لازم برای انجام تعهدات، به ویژه تعهدات قراردادی، نشان از بی‌اعتنایی آن دولت به جامعه بین‌المللی جهت همزیستی صلح‌آمیز در خانواده بشری دار و به نوعی قانون‌شکنی به شمار می‌رود.

حقوقی جهانشمول، به بهترین شکل ممکن اجرا شود. «اهتمام لازم» ممکن است به عنوان یک اصل حقوقی بین‌المللی تعریف و توضیح داده شود. برای روشن شدن این موضوع نیز یک مثال از حقوق بشر بین‌المللی ضروری به نظر می‌رسد. احترام به اصل عدم تبعیض و تعهد به پیشبرد آن در حقوق بشر بین‌المللی جایگاه والایی دارد. این اصل در منشور ملل متحد در بند ۳ از بخش دوم از بند ۱ از



دکتر محمود مسائلی

ماده ۱۳، بخش سوم از ماده ۵۵، و ماده ۷۶ مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین کشورهای عضو سازمان ملل متحد موظف هستند اصل عدم تبعیض و تعهد به پیشبرد آن را با حسن نیت به عهده گیرند. همین اصل در اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲ و ماده ۷ مورد تأکید قرار گرفته است. به همین شکل، میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶ در بند اول از ماده ۲ و همچنین ماده ۲۶، و یا در در ماده ۲، تعهد به عدم تبعیض را به عنوان یک اصل حقوقی بین‌المللی در مقاله‌نامه حقوق کودک مصوبه سال ۱۹۸۹ مورد تأکید قرار داده است. افزون بر این، اسناد حقوقی الزام‌آور دیگر حقوق بشر بین‌المللی مانند مقاله‌نامه بین‌المللی رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی و مقاله‌نامه بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان و یا مقاله‌نامه یونسکو در مورد عدم تبعیض در آموزش، آن اصل حقوقی غیرقابل تردید و نقض را تأیید کرده‌اند. این اسناد الزام‌آور بین‌المللی دولت‌های متعهد را ملزم می‌سازند تا عدم تبعیض را به عنوان یک اصل حقوقی بین‌المللی مورد توجه قرار داده و همه «اهتمام لازم» و مراقبت کافی و ضروری را برای اجرای آن به کار گیرند. عدم تبعیض به عنوان یک اصل شامل خودداری از هرگونه تمایز، محرومیت، و یا برقراری ترجیح و امتیازات ویژه در قانون یا در اقدامات اداری، یا میان افراد و گروه‌های نژادی، مذهبی، عقیدتی، سیاسی و غیره است.

همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر اصل عدم تبعیض را اینگونه توضیح می‌دهد: «طبق رویه قضایی تثبیت شده دادگاه، اقدامات در برگزیده تمایز در صورتی تبعیض‌آمیز تلقی می‌شود که توجیه عینی و معقول نداشته باشد، یعنی اینکه بر اساس هدف مشروع انجام نشود، و یا رابطه معقول متناسبی میان ابزار به کار گرفته شده و هدف مورد نظر وجود نداشته باشد.» حال در نظر بگیریم که دولتی

در عین حال، طبق ماده ۲۸ همان میثاق که ناظر بر تشکیل کمیته حقوق بشر نیز هست، کشورهای طرف میثاق می‌پذیرند که به نظرات و توصیه‌های این کمیته احترام گذاشته و همه کوشش‌های لازم را برای پیشبرد حقوق بشر مردمان خود انجام دهند. در نتیجه این الزامات حقوقی، هرگاه دولتی در انجام مساعی لازم برای تعهدات بین‌المللی قصور ورزد، آن دولت متخلف از قواعد پذیرفته شده بین‌المللی حقوق بشر محسوب شده و باید مسئولیت حاصل از کوتاهی خود را به عهده گیرد.

این نوشتار با قرار دادن اصل «مساعی لازم» در قانون مرکزی حقوق بشر بین‌المللی، این پرسش را به بحث می‌گذارد که چرا جمهوری اسلامی ایران از انجام «مساعی لازم» برای تعهدات بین‌المللی خویش همواره طفره می‌رود؟ هدف این نوشتار توضیح این فرضیه است که از آغاز شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران، این حکومت هرگز تمایلی به رعایت این اصل مهم نداشته است. بنابراین نمی‌تواند تعهدات خود را به موجب منشور ملل متحد و نیز اسناد حقوق بشری با حسن نیت انجام دهد. این قصور ذاتی نظام سیاسی حاکم بر ایران امروز نه تنها می‌بایست برای جامعه دانشگاهی و مدنی روشن شود، همچنین می‌بایست در مرکز توجهات بین‌المللی نیز قرار گیرد.

#### کلیدواژگان

اصل اهتمام لازم، حسن نیت، تعهدات بین‌المللی، نقض حقوق بشر، ارزش‌های جامعه بین‌المللی، تعهدات جهانشمول.

#### مقدمه

«اهتمام لازم» اصلی حقوقی است همراه با فرآیندی اجرایی. تعریف حقوقی «اهتمام لازم» در نگاه اول، مشکلاتی را پیش روی قرار می‌دهد. اگر اهتمام لازم به معنی سعی و مراقبت ضروری برای اجرای تعهدات، خواه ملی و خواه بین‌المللی و در همه حوزه‌های حقوقی باشد، این واژه را می‌توان به عنوان یک قاعده حقوقی، یک اصل حقوقی بین‌المللی، فرآیندی اجرایی برای یک قاعده و یا یک اصل، و یا شرط، تضمین‌کننده تعهدات به کار برد و برای آن تعاریفی متناسب با کاربرد واژه فراهم آورد. یک مثال می‌تواند این نکته مقدماتی را بهتر روشن سازد. ماده ۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۹ تصریح می‌دارد که «دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده در این میثاق تأمین کنند.» این تعهد دولت‌های عضو بی‌تردید بر پایه یک قاعده حقوقی بین‌المللی قرار گرفته است که به قاعده جهانشمول «وفای به عهد» مشهور است. به دلیل این ویژگی جهانشمول، طرفین متعهد در میثاق یادشده بر اساس تعهدی که وفای به عهد به موجب ماده ۳ آن پذیرفته و خود را به اجرای آن موظف ساخته‌اند، باید صرف نظر از هر نوع نظام سیاسی که بر کشور آنان حاکم است، برابری زن و مرد را محترم بشمارند. قصور در اطاعت از این قاعده نقض تعهدات بین‌المللی به موجب ماده ۲۶ مقاله‌نامه حقوق معاهدات مصوب سال ۱۹۶۹ است: «هر معاهده لازم‌الاجرا برای طرفین متعهدین تعهدآور بوده و باید توسط آنها با حسن نیت اجرا گردد.» بنابراین همه دولت‌های متعهدین میثاق یادشده باید به موجب مقاله‌نامه حقوق معاهدات همه سعی و مساعی لازم را برای آن تعهدی که پذیرفته‌اند، به کار گیرند. آنها باید با هشیاری و حسن نیت مراقبت لازم و ضروری را به عمل آورند تا مفاد ماده ۳ میثاق، به عنوان یک قاعده

بالا بگیرد آنها را بازداشت می‌کند.»

وی اضافه می‌کند: «جمهوری اسلامی مایل نیست اعلام کند که نیروهای ایرانی به صورت گسترده مثل مدافعان بشار اسد (مدافعان حرم) در اوکراین کشته می‌شوند چون دیگر کمتر کسی حاضر می‌شود اینبار به فرمان ارباب پوتین، از ایران به میدان جنگ اوکراین برود. از طرفی بحث مداخله مستقیم ایران در تجاوز روسیه به اوکراین مطرح است. جمهوری اسلامی دست و پا می‌زند که بگوید پهباد نفرستادیم یا اگر فرستادیم برای قبل از زمان جنگ بوده، حالا هم نمی‌خواهند مدام جنازه پاسداران خودشان را وارد کشور کنند و علنی مثل مدافعان بشار اسد برای آنها هم مراسم افتخار برگزار کنند.»

این منبع مطلع در توضیح اینکه چرا ولودیمیر زلینسکی رئیس جمهوری اوکراین دست به افشاری و رسوا کردن جمهوری اسلامی نمی‌زند می‌گوید: «زلینسکی با همفکری بریتانیا بازی سیاست را پیاده می‌کند و لازم می‌داند که همه مسائل را مطرح نکند تا بتواند از این طریق، امتیازهایی از ایران یا حتی روسیه بگیرد. مثلاً همین موضوع مبادله اسرای ایرانی در اوکراین با اروپایی‌های گروگان گرفته شده در ایران، به نفع اوکراین است که البته آن را پررنگ نکرده تا بتواند از کشورهای اروپایی حمایت تسلیحاتی بیشتری بگیرد.» به گفته وی، یکسری از خانواده‌های نیروهای سپاه و بسیج که مخلص و شیفته نظام هستند از کشته شدن همسران و فرزندان‌شان به عنوان «شهید» یاد می‌کنند تا از خدمات بنیاد شهید هم استفاده کنند. این خانواده‌ها در دیداری که خامنه‌ای با خانواده کشته‌شدگان شاهچراغ داشت هم حاضر بودند و خامنه‌ای در آن دیدار، بیشتر این خانواده‌ها را مخاطب صحبت‌های خود قرار داد تا خانواده‌های کشته شده‌های شاهچراغ.

او اضافه می‌کند: «سپاه به این نیروها قول یکی دو ماهه داده بود که پشت جبهه در روسیه می‌مانند، اما آنها را فریب داد و ماه‌هاست که آنها در آنجا هستند و جسد کسانی که کشته شدند هم آنجا مانده و خانواده‌هایشان هیچ خبری از آنها ندارند.»

### تعداد تلفات و اسراء جمهوری اسلامی در اوکراین مشخص نیست

این منبع آگاه با بیان اینکه تعداد زیادی از نیروهای تحت امر جمهوری اسلامی توسط اوکراین اسیر شده‌اند و عده‌ای هم کشته شده‌اند توضیح داد: «از تعداد دقیق کشته‌شده‌ها فعلاً آمار دقیقی تا این لحظه وجود ندارد چون جنازه‌ها همانجا باقی مانده و برخی هم ناپدید هستند؛ نه جمهوری اسلامی درخواست کرده که جنازه‌ها را برگردانند نه اوکراین تمایلی دارد که برای این اجساد هزینه و وقت بگذارد؛ روسیه هم که کلاً اهمیتی نمی‌دهد و همه را یکبار مصرف می‌بیند! نتیجه اینکه در داخل ایران نیروهای سرکوبگر خیلی کم هستند. جمهوری اسلامی هم نمی‌تواند عراق و لبنان را خالی کند و کل نیروهای حشدالشعبی و حزب‌الله را برای سرکوب مردم به ایران بفرستد، چون لبنان و عراق را از دست می‌دهد، نیروهای افغان هم که بیشترشان در اوکراین هستند.»

وی تأکید می‌کند: «مردم ایران اگر مطلع شوند که جمهوری اسلامی قدرت سرکوب مردم را ندارد، حتماً به خیابان می‌آیند و کار جمهوری اسلامی را تمام می‌کنند، اگر روسیه از اوکراین فارغ شود و حضورش در اوکراین به پایان برسد، محکم پشت جمهوری اسلامی خواهد ماند تا مردم را قتل‌عام کند و به عاقبت سوریه دچار خواهیم شد یا الان یا هیچوقت! این مهم است که مردم بدانند الان جمهوری اسلامی ضعف بزرگی در سرکوب مردم دارد.»



یک نیروی ارتش اوکراین در حال بررسی بقایای پهباد «شاهد ۱۳۶»

خبرگزاری‌های حکومتی در ایران چهارشنبه دوم آذر ماه درباره جعفری گزارش داده بودند که وی عضو ارشد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. نکته قابل توجه اینکه این افسر در سال ۱۳۹۴ وقتی درجه‌اش ستوان یکم بود در نیروی دریایی سپاه پاسداران خدمت می‌کرد و یکی از آنهایی بود که بعد از گروگانگیری تفنگداران دریایی آمریکا در خلیج فارس از دست خامنه‌ای نشان «فتح» دریافت کرد. همچنین کیهان لندن پنجشنبه ۳ آذر در گزارشی نوشت که در هفته‌های اخیر دست‌کم ۱۸ نفر از اعضای سپاه پاسداران اعزامی به اوکراین که ایرانی بودند پس از عقب‌نشینی روسیه از خرسون کشته شدند.

در همین ارتباط، یک منبع مطلع گفته بود در پی شکست و عقب‌نشینی روسیه از شهر خرسون در جنوب اوکراین، شمار زیادی نیروی نظامی اسیر شدند اما نیروهای روسیه به صورت عمدی ساختمانی را که این اسیران در آنها نگهداری می‌شدند هدف شلیک موشک قرار دادند و همگی این افراد کشته شدند.

وی در ادامه صحبت‌هایش گفت که اوکراین این خبر را برای افکار عمومی با چند هدف اعلام کرده است؛ یکی اینکه مزدوران جمهوری اسلامی را در کریمه کشته و به این ترتیب در این نیروها ایجاد رعب و وحشت کند؛ دیگر اینکه فضای سیاسی را بیش از این به ضرر پوتین متشنج نکند تا بتواند بر سر نیروگاه‌های اتمی به نتیجه مطلوب برسد.

به گفته وی، با توجه به اینکه سه تن دیگر از کشته‌شدگان از آن ۱۸ نفر، مثل داود جعفری، از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران هستند و نبودن آنها کاملاً مشهود است و نمی‌توانند مثل بقیه نیروهای کشته شده به راحتی و بدون اطلاع‌رسانی آنها را دفن کنند پس مهم است که یکی یکی اعلام کنند که به چه دلیل کشته شده‌اند. وی تأکید می‌کند «دقت کنید که همگی این افراد را به اسم «مستشار» معرفی می‌کنند که دروغ محض است! روسیه خودش به این افراد آموزش می‌دهد و همگی این افراد در عمل گوشت دم توپ هستند و پوتین بجای پشت جبهه آنها را مقابل توپ و صف مقدم قرار داده است.»

این منبع آگاه ادامه می‌دهد: «بسیاری از خانواده‌های این نیروهای ایرانی که به روسیه رفته‌اند و از آنها خبری ندارند، در دفاتر نمایندگی خامنه‌ای مدام تجمع می‌کنند و منتظر دریافت خبر از همسران و فرزندان‌شان هستند، جمهوری اسلامی هم هر بار آنها را فریب می‌دهد و اگر اعتراض‌شان

## سکوت مقامات جمهوری اسلامی درباره تلفات سپاهی‌ها در اوکراین یک منبع مطلع: «ادعای اینکه در سوریه کشته شدند دروغ است!»

● یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید «اجساد ۱۸ سپاهی کشته شده در اوکراین به دست نیروهای روسیه همگی به ایران منتقل شده که ۱۴ نفر از این نیروها که از نظر سازمانی رده بالایی نداشتند و اسم‌شان مطرح نبودند بی‌سر و صدا دفن شدند.»

● «به دروغ گفتند سرهنگ داود جعفری در سوریه به خاطر انفجار مپ کنار جاده کشته شده حالا می‌خواهند کم‌کم اعلام کنند که سه فرمانده دیگر هم به دلیل وقوع حوادثی چون انفجار در سوریه کشته شدند.»

● «همگی این افراد را به اسم «مستشار» معرفی می‌کنند که دروغ محض است! روسیه خودش به این افراد آموزش می‌دهد و همگی این افراد در عمل گوشت دم توپ هستند و پوتین بجای پشت جبهه آنها را مقابل توپ و صف مقدم قرار داده است.»

بر اساس اطلاعات یک منبع آگاه که در اختیار کیهان لندن گذاشته است، «اجساد ۱۸ سپاهی کشته شده در اوکراین به دست نیروهای روسیه همگی به ایران منتقل شده است.» طبق این اطلاعات، ۱۴ نفر از این نیروها که از نظر سازمانی رده بالایی نداشتند و اسم‌شان مطرح نبود بی‌سر و صدا دفن شدند. این منبع می‌گوید: «موضوع کشته شدن سرهنگ داود جعفری را مطرح کردند و می‌خواهند کم‌کم اعلام کنند که سه فرمانده دیگر هم به دلیل وقوع حوادثی چون انفجار در سوریه مثل داود جعفری کشته شده‌اند.»

کیهان لندن پیش از این در گزارشی نسبت به اینکه داود جعفری بنا به ادعای مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی در نزدیکی دمشق کشته شده ابراز تردید کرده بود و از آنجا که جسد وی با تأخیر از محل دیگری به دمشق منتقل و سپس به ایران برده شد، مطرح کرد که وی به احتمال زیاد جزو پاسدارانی است که در اوکراین کشته شده است.

در همین ارتباط یک منبع مطلع دیگر به کیهان لندن گفته بود که سرهنگ پاسدار داود جعفری که ادعا شد در سوریه در اثر انفجار مپ کنار جاده‌های حوالی دمشق کشته شده یکی از فرماندهان اعزامی سپاه به اوکراین بود که در کریمه کشته شده است. به گفته این منبع مطلع، جسد جعفری ابتدا از محل دیگری به دمشق و سپس از آنجا پنجشنبه صبح سوم آذرماه به تهران منتقل گردید. این هواپیما سه چهار ساعت در فرودگاه دمشق معطل بود تا جنازه‌ی این «سرهنگ پاسدار» برسد. همین موضوع احتمال این را که جسد وی از جای دیگری به سوریه منتقل شده تقویت می‌کند.

ماه گذشته را در نظر نمی‌گیرد». این فعال صنفی همچنین گفته که «متأسفانه ما یک متولی مشخص برای پیگیری این مشکلات نداریم. در حال حاضر ما نانواها را با وعده‌های سر خرمن نگه‌داشته‌ایم و همواره به نانواها می‌گویم که قرار است یکسری اقدامات صورت بگیرد. در واقع اتحادیه در نزد نانواها چوپان دروغگو شده است.»

در آنسو اما دولت مدعی است که ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یارانه نان پرداخت می‌کند اما نه تنها نانوائی‌ها از عدم پرداخت بدهی دولت به نانوائی‌ها شکایت دارند و برخی ناچار به تعطیلی نانوائی خود شدند بلکه هزینه تولید در نانوائی‌ها هم طی یک سال گذشته ۲۰۰ درصد افزایش یافته است. در چنین شرایطی کیفیت نان به شدت کاهش یافته و برخی نانوائی‌ها حتی میزان پخت نان را هم کاهش داده‌اند. اینهمه در حالیست که گزارش‌ها نشان می‌دهد گرانی و تورم سبب شده مردم توان خرید بسیاری از مواد غذایی مانند برنج و حتی ماکارونی را نداشته باشند و به همین دلیل تقاضا به سمت نان کشیده شده است.

داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در مهرماه امسال از ۵۳ قلم کالای خوراکی، ۲۸ قلم افزایش قیمتی بالاتر از میانگین نرخ تورم عمومی نقطه‌ای داشته‌اند، اما نکته نگران‌کننده‌تر، کاهش مصرف برخی کالاها و جایگزینی آن با چیزی است که در ادبیات اقتصادی به «کالای پست» معروف است. قیمت یک کیلو برنج ایرانی در اردیبهشت امسال حدود ۸۲ هزار تومان بوده که در مهرماه به ۱۱۵ هزار تومان رسیده است. این به معنای افزایش ۴۰ درصدی قیمت یک کیلو برنج ایرانی و همزمان به معنای از «دسترس خارج شدن برنج ایرانی برای بسیاری از مصرف‌کنندگان» هم هست. قیمت برنج خارجی در مهرماه امسال نسبت به مهرماه سال گذشته، ۵۱ درصد رشد کرده که نشان می‌دهد تقاضا برای این کالا افزایش یافته است. برنج، محصولی است که در چرخه غذایی به کربوهیدرات‌ها تعلق دارد. گروهی از مواد غذایی که حاوی نشاسته هستند و پس از خورده شدن در بدن تولید قند و انرژی بالایی دارد.

در مقابل، بخش تقاضا به دلیل گران‌تر شدن قیمت برنج، به سمت دو کالای جایگزین رفته است: سیب‌زمینی و ماکارونی. قیمت ماکارونی بعد از آزادسازی نرخ آرد و نان، به شدت بالا رفته است و در نتیجه حتی این کالای جایگزین برنج نیز از سفره خانوارهای فقیر حذف شده است.

یک بسته نیم‌کیلویی ماکارونی در آبان‌ماه سال گذشته ۷۴۰۰ تومان بوده که در اردیبهشت‌ماه و پس از «جراحی اقتصادی» به ۱۱ هزار تومان افزایش پیدا کرد و البته با گذشت شش ماه، باز هم تیم اقتصادی بی‌خاصیت اما مدعی دولت سیزدهم نتوانست اقدامی برای مهار قیمت این کالا انجام دهد و یک بسته نیم‌کیلویی ماکارونی در مهرماه به ۱۷.۵ هزار تومان برسد. سیب‌زمینی به عنوان دیگر منبع کربوهیدرات در بازار خوراکی‌ها با وجود تولید فراوان در داخل از ۷۴۰۰ تومان برای هر کیلو در آبان ۱۴۰۰ به ۲۰ هزار تومان برای هر کیلو در آبان ۱۴۰۱ افزایش قیمت پیدا کرد. این روند در نهایت سبب شد تقاضا از بازار برنج و ماکارونی و برنج، در مجموع به سمت بازار نان کشیده شود. از آنجایی که یارانه نان فانتزی در طرح «جراحی اقتصادی» حذف و قیمت نان فانتزی با آزادسازی قیمت آرد افزایش یافت، اقشار کم‌درآمد توان خرید این را ندارند و در نتیجه به سمت خرید نان سنتی که همچنان زیرمجموعه یارانه دولتی قرار دارند هدایت می‌شوند. اکنون با مشکلاتی که در نانوائی‌های سنتی بوجود آمده، احتمالاً نان سنتی با افزایش قیمت روبرو شده و در نتیجه از سفره بخشی از فقرا حذف خواهد شد.

## بدهی سنگین دولت به نانوائی‌ها؛ ورشکستگی نانوائی‌ها و حذف «نان خالی» از سفره تنگ‌دستان



برخی مدعی هستند که خمیرمایه در بازار آزاد توسط افرادی رانت‌خوار انبار شده و به‌صورت غیرقانونی در حال عرضه هستند به قیمت گزافی به فروش می‌رسد. بیژن نوروزمقدم رئیس اتحادیه نانوائیان سنتی استان تهران درباره کمبود خمیرمایه گفته که «مدتی بود که توزیع خمیرمایه با موانع مختلفی توزیع می‌شد. همین محدودیت منجر به افزایش قیمت خمیرمایه شد.» بیژن نوروز مقدم اما تأکید می‌کند که مهمترین مشکل نانوائی‌ها عدم پرداخت بدهی از سوی دولت است. او گفته که «متأسفانه با گذشت هشت ماه از طرح اصلاح یارانه نان فقط ۱۵ درصد هزینه‌های نانوائی‌ها را دولت تقبل کرده است. در حالی که این میزان پاسخگوی هزینه‌های این واحدها نیست.»

نوروزمقدم با بیان اینکه «این ۱۵ درصد مابه‌التفاوت در مقابل تورم شدید، هزینه بالای حمل‌ونقل، حقوق و دستمزد، اجاره بالای ملک و ... دردی را از نانوائی‌ها دوا نمی‌کند» گفته که «حتی از آنجایی که حمل آرد برای شرکت‌های حمل‌ونقل به‌صرفه نبود، آرد با تأخیر به دست نانوائی‌ها می‌رسید. به همین دلیل برای اینکه مشکلی در تأمین آرد مردم صورت نگیرد، کیلویی ۲۰۰۰ تومان روی هزینه حمل آرد گذاشتیم. اما دولت اقدامی برای پرداخت مابه‌التفاوت هزینه تولید نان تا به امروز نکرده است.»

رئیس اتحادیه نانوائیان سنتی استان تهران گفته که «هر مبلغی که امروز بخواهند برای نانوائی‌ها در نظر بگیرند، به دلیل اینکه هشت ماه از سال گذشته، دو-سوم آن از بین رفته است. با اینکه نانواها یک قشر ضعیف هستند، اما دولت هر زمان تصمیم به پرداخت این مابه‌التفاوت بگیرد از همان تاریخ اقدام به پرداخت می‌کند و هشت

● هنوز دولت تفاوت هزینه تولید نان را به نانوائیان پرداخت نکرده و اصلی‌ترین علت بحران در نانوائی‌ها همین بدهی تلنبار شده دولت است که برای نانوائی‌ها مشکل نقدینگی ایجاد کرده است.

● گزارش‌ها نشان می‌دهد گرانی و تورم سبب شده مردم توان خرید بسیاری از مواد غذایی مانند برنج و حتی ماکارونی را نداشته باشند و به همین دلیل تقاضا به سمت نان کشیده شده است. حالا نان خالی هم از سفره آنها ناپدید می‌شود!

در شرایطی که گرانی و کاهش قدرت خرید سبب شده تقاضا برای خرید نان افزایش پیدا کند، فعالان صنفی از عدم پرداخت بدهی نانوائی‌ها از سوی دولت و ورشکستگی و تعطیلی نانوائی‌ها خبر می‌دهند. تعطیلی نانوائی‌ها و بحران تأمین آرد و تولید نان، سبب افزایش قیمت نان و تحمیل فشار بیشتر بر مردم تنگ‌دست و فقیر خواهد بود.

بیژن نوروزمقدم رئیس اتحادیه صنف نانوائیان سنتی تهران می‌گوید در اغلب نانوائی‌ها بحران تأمین آرد وجود دارد و شماری از نانوائی‌ها در آستانه ورشکستگی قرار گرفته و شماری نیز مغازه خود را تعطیل کردند.

همچنین دولت از ابتدای سال طرحی برای فروش نان یارانه‌ای را آغاز کرد که بر اساس آن نانوا نان را با قیمت دولتی به مردم می‌فروشد و دولت تفاوت قیمت نان آزاد و یارانه‌ای را به نانوا پرداخت می‌کند. دولت مدعی بود که وقتی یارانه به آرد تعلق می‌گرفت برخی نانوائی‌ها آرد توزیع شده را ارزان خریده و به صورت آزاد گرانتر می‌فروختند و در نتیجه یارانه نان، بطور مستقیم به مردم نمی‌رسید اما اصلاح یارانه نان مستقیماً یارانه را به مردم می‌دهد.

در اجرای این طرح قیمت فروش گندم دولتی از کیلویی ۲۷۰۰ تومان به کیلویی ۱۲ هزار تومان افزایش پیدا کرد که به معنای تقریباً پنج برابر شدن قیمت گندم در کشور است! در شرایطی که بیش از ۹۰ درصد نانوائی‌های سنتی تهران مجهز به کارتخوان شده و ماه‌هاست به فروش نان یارانه‌ای مشغولند اما هنوز دولت تفاوت هزینه تولید نان را به نانوائیان پرداخت نکرده و اصلی‌ترین علت وجود بحران در نانوائی‌ها همین بدهی تلنبار شده دولت است که برای نانوائی‌ها مشکل نقدینگی ایجاد کرده است.

دولت اما بجای پرداخت بدهی به نانوائی‌ها، طبق معمول، در حال فرافکنی است؛ جلال محمودزاده نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی مدعی شده که برخی از واحدهای نانوائی نسبت به نصب دستگاه کارت‌خوان مقاومت دارد.

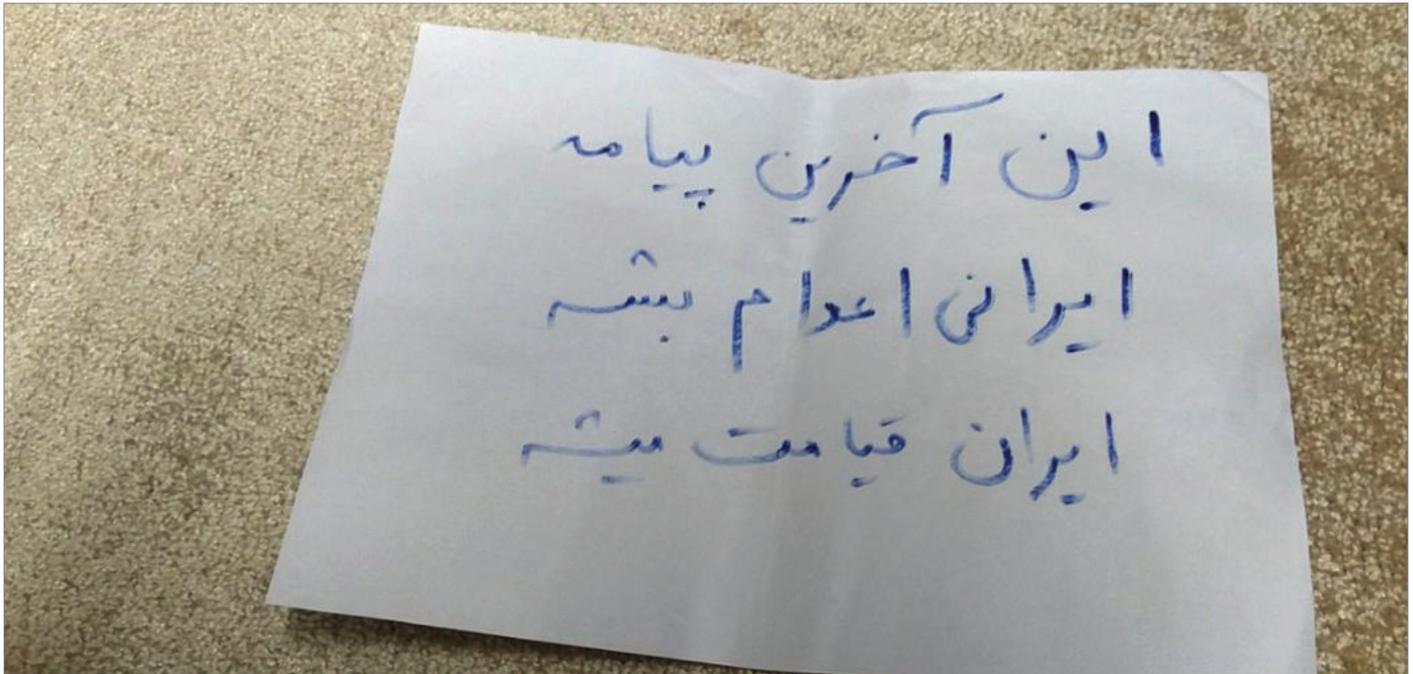
بیژن نوروز مقدم در واکنش به سخنان نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس گفته که هم‌اکنون فقط ۱۰ درصد واحدها به کارتخوان مجهز نشده و مشکلات در نانوائی‌ها ارتباطی به امتناع نانوائیان ندارد.

رئیس اتحادیه صنف نانوائیان سنتی تهران افزوده که «بسیاری از واحدها که به کارتخوان مجهز شدند، پس از آنکه دستگاهشان دچار ایراد می‌شود، پشتیبانی بسیار ضعیف است. علاوه بر اینکه بنابر گزارش‌های اعلامی نانوائیان، برخی کارتخوان‌ها به‌رغم گذشت ۱۰ تا ۱۵ روز از قطعی دستگاه، هنوز وصل نشده‌اند.»

نانوائی‌ها اما مشکلات دیگری هم دارند؛ سهمیه آرد نانوائی‌ها کاهش یافته و حتی در برخی شهرها بحران تأمین خمیرمایه هم وجود دارد.

بر اساس گزارش‌ها، سندیکای خمیرمایه ایران مدتی در توزیع خمیرمایه محدودیت ایجاد کرده بود که این موضوع باعث افزایش قیمت خمیرمایه شد بطوری که قیمت هر کیسه خمیرمایه از ۵۰۰ هزار تومان به ۷۰۰ هزار تومان رسیده است.

## «اعدام» راهکار جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب ملی؛ مردم: این آخرین پیامه، اعدام کنید قیامه!



اجتماعی خبری درباره اعدام مهدی کرمی یکی از متهمان این پرونده منتشر شده که هنوز از سوی مقامات جمهوری اسلامی یا منابع نزدیک به خانواده این جوان تأیید نشده است.

روح‌الله عجمیان متولد ۲۰ بهمن ۱۳۷۳ و از بسیجیان حوزه ۴۱۷ کمالشهر کرج پنجمین ۱۲ آبان در جریان بسته شدن آزادراه کرج - قزوین به دلیل حضور گسترده مردم معترض در مراسم چهلمین روز درگذشت حدیث نجفی در محدوده «بهشت سکینه» کرج، کشته شد.

دو روز بعد از این حادثه، حسین فاضلی هریکندی رییس کل دادگستری استان البرز مدعی شد که تعدادی از عوامل کشته شدن این بسیجی دستگیر شدند. وی گفت که این اشخاص با استفاده از «چاقو، قمه، پنجه‌بوکس و سنگ» این قتل را مرتکب شدند. او چند روز بعد در بیست و یکم آبان بعد اعلام کرد که برای ۱۱ نفر از جمله یک زن با اتهام افساد فی‌الارض کیفرخواست صادر شده است. این پرونده محاکمه شدند و توضیحی درباره چهار متهم جدید پرونده داده نشد!

دادگاهی که روز گذشته در کرج برگزار شد تنها یکی از دادگاه‌هایی است که در شهرهای مختلف برای بازداشت‌شدگان اعتراضات هفته‌های گذشته برگزار شده و در برخی از آنها، متهمان با اتهامات سنگین «محرابه» و «افساد فی‌الارض» روبرو هستند.

ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) در آخرین آمار به‌روز شده شمار جانباختگان خیزش ملی را ۴۵۹ نفر اعلام کرد. این تعداد شامل ۶۴ کودک و نوجوان (کمتر از ۱۸ سال) و ۶۱ نیروی انتظامی، بسیجی و امنیتی است.

روز گذشته دادگاه رسیدگی به پرونده ۱۵ معترض خیزش ملی هفته‌های گذشته را به اتهام قتل و همکاری در قتل یک بسیجی در شهر کرج برگزار شد. متهمان به دلیل اتهاماتی چون «افساد فی‌الارض» در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند و در میان آنها ۳ نوجوان ۱۷ ساله دیده می‌شود.

خبرگزاری‌های حکومتی در ایران روز چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱ از برگزاری نخستین جلسه محاکمه ۱۵ تن از معترضان در کرج خبر دادند که متهم به همکاری در کشتن یک بسیجی به نام روح‌الله عجمیان شده‌اند. سه تن از ۱۵ متهم این پرونده نوجوانان ۱۷ ساله هستند. این دادگاه در شعبه اول دادگاه انقلاب استان البرز به ریاست موسی آصف‌الحسینی برگزار شد.

رئیس کل دادگستری استان البرز اتهام این افراد را «افساد فی‌الارض از طریق ارتکاب جرائم متعدد علیه امنیت کشور»، «حمله به ماموران نیروی مقاومت بسیج و فراجا» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرایم علیه امنیت کشور» اعلام کرد.

نماینده دادستان در جلسه دادگاه با قرائت کیفرخواست صادر شده علیه ۱۵ متهم این پرونده، با ادعای اینکه این رأی بر اساس «گواهی پزشکی قانونی، بازسازی صحنه جرم، اظهارات و اقرار صریح متهمان مبنی بر ارتکاب جرایم، کشف آلات و ادوات جرم از متهمان، بازبینی تلفن همراه متهمان و کشف مطالب مجرمانه در آنها» صادر شده است، از ریاست دادگاه برای متهمان، تقاضای اعمال اشد مجازات کرد.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی، اشد مجازات برای اتهام «افساد فی‌الارض» که تنها یکی از اتهامات این ۱۵ نفر است، مرگ و «اعدام» است. همچنین در شبکه‌های

● ۱۵ متهم در کرج به دلیل اتهاماتی چون «افساد فی‌الارض» در خطر صدور حکم اعدام قرار دارند و در میان آنها ۳ نوجوان ۱۷ ساله دیده می‌شود.

● عیش اعدام در جمهوری اسلامی آنقدر شدید است که حتی ۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در واقع نمایندگان نظام هستند، با انتشار بیانیه‌ای از قوه قضائیه خواستار اعدام معترضان بازداشتی شدند.

● سازمان حقوق بشر ایران درباره خطر اعدام دست‌کم ۲۶ نفر از معترضان در آینده نزدیک هشدار داده است.

● چهار نفر نیز به جرم «همکاری اطلاعاتی» با اسرائیل و «آدم‌ربایی» محکوم به اعدام شده‌اند. آنها در حالی که جمهوری اسلامی افرادی را به عنوان «جاسوس» برای کشورهای دیگر مورد اتهام قرار داده و حتا اعدام کرده است بدون آنکه از جزییات پرونده آنها و یا اینکه آیا واقعا این افراد در این قضایا دخیل بوده‌اند، اطلاعات دقیقی وجود داشته باشد. دستگیری و کشتن افراد بی‌گناه توسط دستگاه‌های امنیتی رژیم و قوه قضائیه سابقه دارد و «راهکار» نظام برای بستن هم دهان هوادارانش و هم پرونده‌هایی است که قادر به پیگیری آنها نیست.

ماشین «اعدام» جمهوری اسلامی علیه شهروندان معترض که در خیزش ملی هفته‌های گذشته بازداشت شده‌اند به کار افتاده است. برای دهها متهم کیفرخواست سنگین «محرابه» و «افساد فی‌الارض» تنظیم شده که دست قاضی را برای صدور حکم اعدام باز می‌گذارد. شماری از متهمان که با چنین اتهاماتی در خطر اعدام قرار دارند نوجوانان زیر ۱۸ سال هستند. مردم نیز هوشیارانه شعار «این آخرین پیامه، اعدام کنید قیامه» را به شعارهای انقلابی و ضد نظام جمهوری اسلامی افزوده‌اند.

پرونده جمهوری اسلامی را به شورای امنیت کشاند و زمینه محاکمه زمامداران این رژیم ضدبشری را فراهم آورد.

سازمان حقوق بشر ایران نیز با صدور بیانیه‌ای با اشاره به سابقه جمهوری اسلامی در استفاده از احکام اعدام به عنوان ابزار سرکوب و ارباب، درباره خطر اعدام دست‌کم ۲۶ نفر از معترضان در آینده نزدیک هشدار داده است.

سازمان حقوق بشر ایران در عین حال از تمامی کشورهای که با جمهوری اسلامی روابط دیپلماتیک دارند، خواسته است، برای جلوگیری از اعدام معترضان تلاش کنند.

محمود امیری‌مقدم مدیر سازمان حقوق بشر ایران با اعلام اینکه معترضان طی محاکمه‌های فحاشی در دادگاه‌های انقلاب به اعدام محکوم شده‌اند، گفت: «این احکام هیچ وجهت قانونی ندارند. مردم ایران و جامعه جهانی باید این پیام را به جمهوری اسلامی بدهند که اعدام معترضان را تحمل نخواهند کرد.»

همچنین سازمان حقوق بشر ایران اسامی ۱۱ تن از معترضانی را که در اعتراضات سراسری در ایران دستگیر و در حال حاضر در معرض خطر اعدام هستند منتشر کرده است: ماهان صدرات مدنی، سامان یاسین، محمد قبادلو، محسن رضازاده قراقلو، سعید شیرازی، محمد بروغنی، ابوالفضل مهري-حسین حاجی‌لو، منوچهر مهمان‌نواز، سهند نورمحمدزاده، مجیدرضا رهنورد پایین‌ده و توماج صالحی. وحشت‌آفرینی جمهوری اسلامی با «اعدام» سبب شده که دیگر پرونده‌های امنیتی که پیشتر تشکیل شده بود در همین روزها با صدور حکم، خرساز شوند. قوه قضائیه جمهوری اسلامی اعلام کرده است که دیوان عالی کشور حکم اعدام چهار شهروند این کشور را که خردادماه سال جاری بازداشت شده بودند، به اتهام همکاری با اسرائیل، تأیید کرده است.

بر اساس این گزارش با تأیید دیوان عالی کشور، حسین اردوخانزاده، شاهین ایمانی محمودآباد، میلاد اشرفی آبتانان و منوچهر شهیندی بجندی، به اتهام «همکاری اطلاعاتی» با اسرائیل و «آدم‌ربایی» به اعدام محکوم شده‌اند.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نوشته اتهام این افراد «سرق و تخریب اموال شخصی و عمومی، آدم‌ربایی و اخذ اعترافات ساختگی از طریق شبکه اراذل و اوباش» است که «با همکاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات دستگیر شدند». گفته می‌شود این پرونده مربوط به بازجویی از «منصور رسولی» است که بازجویی از وی در منزلش در ایران انجام شد و به ماموران موساد اعتراف کرد که برای هدف قرار دادن دیپلمات اسرائیلی و همچنین یک ژنرال آمریکایی مستقر در آلمان و یک روزنامه‌نگار در فرانسه مأموریت داشته است.

تا کنون جمهوری اسلامی افرادی را به عنوان «جاسوس» برای کشورهای دیگر مورد اتهام قرار داده و حتا اعدام کرده است بدون آنکه از جزییات پرونده آنها و یا اینکه آیا واقعا این افراد در این قضایا دخیل بوده‌اند، اطلاعات دقیقی وجود داشته باشد. دستگیری و کشتن افراد بی‌گناه توسط دستگاه‌های امنیتی رژیم و قوه قضائیه سابقه دارد و «راهکار» نظام برای بستن هم دهان هواداران و هم پرونده‌هایی است که قادر به پیگیری آنها نیست.

بر اساس گزارش رسانه‌های ایران، به نقل از قوه قضائیه، به غیر از این چهار نفر، سه متهم دیگر بر اساس اتهام‌هایی از جمله «ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، معاونت در آدم‌ربایی و نگهداری سلاح به پنج تا ده سال حبس محکوم شدند». نام این سه نفر اعلام نشده است.

فرهنگی مجلس شورای اسلامی چنین اقدامی از سوی نمایندگان را تأیید کرد و گفت در این نامه از قوه قضائیه خواسته شده تا با کسانی که در اعتراضات اخیر به گفته او «قتل نفس» انجام داده‌اند، بر اساس «قوانین اسلام» با آنها برخورد و «قصاص» شوند. از همین رو نیز چنانکه در سال‌های گذشته نیز در پرونده‌های دیگر که یکی از مشهورترین آنها مربوط به اعدام نوید افکاری کشتی‌گیر



۲۷ ساله است، دادستانی دست‌کم اتهام یک قتل را در پرونده معترضین مطرح می‌کند تا صدور حکم اعدام از نظر شرعی و قوانین مجازات اسلامی نیز به علت «قتل نفس» توجیه شود.

اینهمه در حالیست که مردم نیز بلافاصله پس از چنین ترفند رذیلانه و ضدبشری از سوی دستگاه‌های حکومت هوشیارانه نظام را به چالش گرفته و از جمله در اعتراضات شب گذشته، ۹ آذرماه، در شهرک اکباتان تهران نیز شعار «این آخرین پیامه، اعدام کنی قیامه» سر دادند.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور نقض حقوق بشر ایران نیز از تشدید سرکوب اعتراضات ابراز نگرانی کرده و گفته است که مقامات جمهوری اسلامی «کارزار» صدور حکم اعدام برای معترضان به راه انداخته‌اند.

جاوید رحمان با اشاره به تصمیم شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در رابطه با نقض حقوق شهروندان معترض در هفته‌های گذشته به خبرگزاری رویترز گفته که «نگران هستم رژیم ایران نسبت به قطعنامه شورای حقوق بشر واکنش خشونت‌آمیزی نشان دهد و این ممکن است باعث خشونت و سرکوب بیشتر از طرف آنان شود.»

او افزوده که در حال حاضر، ۲۱ نفر از دستگیرشدگان اعتراضات جاری، از جمله یک زن متهم به «جرایم کیفری مبهم و گسترده»، با مجازات اعدام روبرو هستند.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد پنجشنبه گذشته در نشست ویژه‌ای درباره ایران، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که بر اساس آن، یک کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی درباره نقض حقوق بشر در جریان اعتراضات ایران تشکیل می‌شود. کمیته‌ای که نتیجه‌ی تحقیقاتش می‌تواند

جمهوری اسلامی اما آمار رسمی درباره کشته‌شدگان، مجروحان و بازداشت‌شدگان ارائه نمی‌دهد. با اینهمه امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اعلام کرده که تا کنون «بیش از ۳۰۰ جانباخته و شهید» که به نظر می‌رسد منظور او مردم معترض و نیروهای امنیتی با هم است، در اعتراضات کشته شده‌اند.

از قرار معلوم جمهوری اسلامی «اعدام معترضان» را به عنوان ابزار وحشت‌آفرینی در میان مردم و ترساندن آنها برای حضور در تظاهرات به کار گرفته است. یک جنایت دولتی که از آغاز روی کار آمدن این رژیم صورت گرفته و همچنان ادامه دارد.

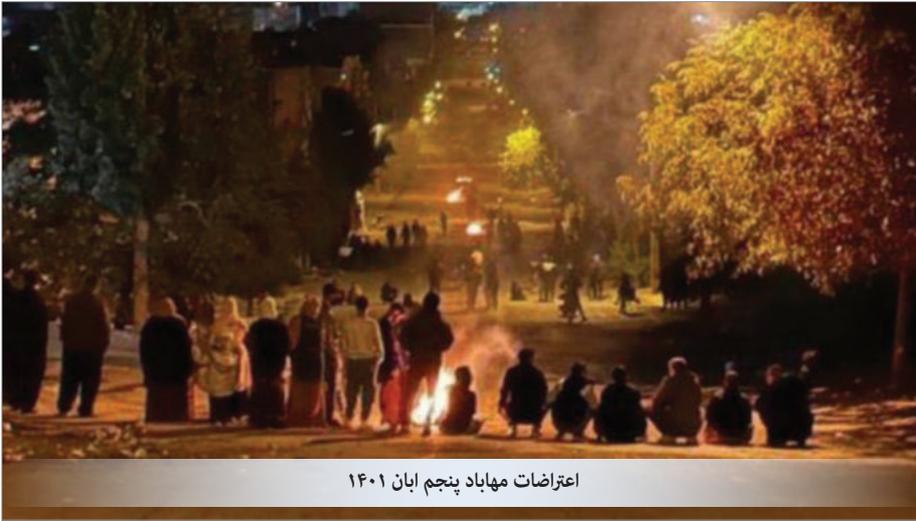
بجز ۱۵ نفری که در کرج در خطر اعدام قرار دارند، چند معترض دیگر نیز با اتهامات سنگینی که زمینه‌ساز صدور و اجرای حکم اعدام هستند روبرو هستند. توماج صالحی هنرمند و خواننده رپ در دادگاه انقلاب اصفهان، امیررضا رهنورد در دادگاه انقلاب مشهد و پرهام پروری در دادگاه انقلاب تهران با اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» روبرو هستند.

مرکز رسانه قوه قضائیه نیز ۲۵ آبان از صدور حکم اعدام برای سه تن از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری اخیر خبر داد. پیشتر نیز صدور اتهاماتی چون «محرابه» و «فساد فی الارض» برای بازداشت‌شدگان از خطر صدور احکام اعدام برای شهروندان معترض حکایت داشت.

بر اساس گزارش‌های حقوق بشری تا کنون دستگاه قضایی شهرستان‌ها در ایران برای دست‌کم ۲۰ معترض حکم اعدام صادر کرده‌اند. صدور احکام اعدام پس از آن صورت گرفته که در نامه ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی که درواقع نمایندگان نظام هستند از دستگاه قضایی خواسته شد تا اشد مجازات و اعدام را علیه معترضان در نظر بگیرد.

عطش اعدام در جمهوری اسلامی آنقدر شدید است که این ۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اواسط آبان با انتشار بیانیه‌ای، با «محراب» خواندن معترضان در ایران، از قوه قضائیه خواستند آنها را اعدام کنند. با انتشار خبرهایی درباره این نامه هولناک، نمایندگان در پی تکذیب آن برآمدند اما در نهایت حسین جلالی عضو کمیسیون

## احضار سفیر آلمان در تهران؛ اعلام رسمی عدم همکاری جمهوری اسلامی با «کمیته حقیقت یاب» سازمان ملل: خودمان بررسی می‌کنیم!



اعتراضات مهاباد پنجم آبان ۱۴۰۱

روند قانونی)، ناپدید شدن‌های قهری (سر به نیست کردن‌ها)، خشونت‌های جنسی و جنسیتی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه، و شکنجه علیه معترضان مسالمت‌جو» و «تبعیض مستمر علیه زنان و دختران در زندگی عمومی و خصوصی» کلیه اقدامات لازم را انجام دهد.

همچنین طی این قطعنامه از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده تا تضمین کند که قربانیان و بازماندگان به «عدالت» و جبران «خسارت» و حتا دریافت «غرامت» دسترسی خواهند داشت و عاملان سرکوب «تحت قوانین بین‌المللی حقوق بشر، در مقام پاسخگویی قرار خواهند گرفت.» در نهایت این قطعنامه از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته تا امکان «دسترسی بدون مانع به کشور را بدون هیچ تأخیری» فراهم کند «و کلیه اطلاعات لازم را در اختیار اعضای هیأت حقیقت‌یاب قرار دهد.»

درخواستی که اکنون از سوی جمهوری اسلامی بطور رسمی رد شده است.

مقامات جمهوری اسلامی هرگونه سرکوب معترضان را انکار می‌کنند و ادعا دارند صدور چنین قطعنامه‌ای استفاده ابزاری از حقوق بشر است! در تمام دو ماه گذشته که از شروع اعتراضات گذشته رژیم حتا برای نمونه مسئولیت کشته شدن یک نفر را هم به عهده نگرفته است و نهادهای امنیتی مدام می‌گویند از سلاح جنگی استفاده نمی‌کنند و تیراندازی‌ها را به «تروریست‌ها» و «داعشی‌ها» نسبت می‌دهند!

### پیامد تشکیل کمیته حقیقت‌یاب حقوق بشر

مکانیسم گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل وقتی فعال می‌شود که یک رژیم سیاسی دست به نقض گسترده حقوق بشر و سرکوب سیستماتیک مردم می‌زند.

تحلیلگران حکومتی در ایران می‌گویند حتی اگر نتایج تحقیقات این کمیته به شورای امنیت ارجاع شود با توجه به روند تصمیم‌گیری‌ها در آن شورا اگر هم قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی صادر شود، احتمالاً روسیه یا چین آن را وتو خواهند کرد. اما شماری از حقوق‌دانان می‌گویند، اگر در گزارش یک ارگان بین‌المللی، حکومت ایران به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم شود- که با توجه به گزارش‌ها و شواهد منابع غربی چنین امری محتمل است- دو پرونده جدید و خطرناک علیه رژیم گشوده خواهد شد که حتا می‌تواند منتهی به دخالت نظامی خارجی شود. در این حالت، موضوع ارجاع پرونده به به دیوان کیفری بین‌الملل به اتهام ارتکاب جنایت علیه بشریت یا نسل‌کشی مطرح شده و شورای امنیت پس از تأیید از سوی آن دادگاه می‌تواند از گزینه توسل به دکترین حمایت برای مداخله نظامی استفاده کند.

صاحب‌نظران و حقوق‌دانان و نمایندگان رسمی و غیررسمی کرده به این معنا که معتقد به مسئولیت ذاتی و ملی خودش است و در این ارتباط در حال انجام وظایف مسئولانه و بررسی و تحقیق همه‌جانبه هستیم.»

کنعانی ادعا کرد «استفاده عجولانه از ساز و کارهای حقوق بشری مردود است و هیچ کمکی به مفهوم حقوق بشر نخواهد کرد.»

در وزارت خارجه جمهوری اسلامی به سفیر آلمان گفته‌اند «نشست ویژه شورای حقوق بشر گامی اشتباه بر اساس رویکردی کاملاً سیاسی و ابزاری نسبت به حقوق است و جمهوری اسلامی همکاری نخواهد کرد و این تصمیمات فاقد هرگونه وجهت است.»

این در حالیست که بخشی از صحبت‌های ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی مربوط به تداوم خیزش انقلابی بود.

کنعانی ادعا کرد: «اطلاعات دقیق در مورد دخالت دولت‌های غربی را به سفارتخانه‌های آنها و حافظ منافع آمریکا ارائه دادیم... تعدادی از شهروندان و اتباع کشورهای مختلف در اغتشاشات حضور داشتند که شواهد زیادی در این خصوص وجود دارد که در اختیار دولت‌های متبوع آنها گذاشته شده است.»

در خیزش سراسری مردم ایران که از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ پس از قتل حکومتی مهسا امینی توسط گشت وزارت ارشاد و پلیس امنیت اخلاقی آغاز شد و همچنان ادامه دارد، حدود ۴۵۰ شهروند جان باختند که ده‌ها تن از آنان کودک بوده‌اند. صدها نفر زخمی و بیش از ۱۴ هزار نفر در بازداشت بسر می‌برند. برخی افراد نیز ناپدید شده و خانواده‌یشان از وضعیت آنها بی‌خبرند. جمهوری اسلامی نه تنها از تحویل پیکر کشته‌شدگان به خانواده‌های آنها خودداری کرده و در بسیاری موارد آنها را مخفیانه به خاک سپرده است بلکه خانواده‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند تا اطلاع‌رسانی نکنند، مراسم یادبود بگیرند و پیگیر اینکه چرا عزیزانشان کشته شده‌اند نشوند!

در این میان تصویب قطعنامه پیشنهادی آلمان و ایسلند برای تشکیل کمیته حقیقت‌یاب در خصوص اعتراضات ایران و سرکوب مردم توسط انواع نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روز پنجشنبه ۳ آذر برابر با ۲۴ نوامبر ۲۵ رای مثبت، ۱۶ ممتنع و ۶ منفی به تصویب رسید. یک اقدام مهم حقوقی که زمینه را برای محاکمه زامداران جمهوری اسلامی می‌تواند فراهم کند. در این قطعنامه با اشاره به تعداد کشته‌شدگان و دستگیری خودسرانه بسیاری از معترضان از دولت جمهوری اسلامی خواسته شده تا «برای جلوگیری از قتل‌های فراقانونی (خارج از

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید کمیته حقیقت‌یاب حقوق بشر سازمان ملل یک «کمیته سیاسی» است و ایران هیچ‌گونه همکاری با آن نمی‌کند.

● ناصر کنعانی ادعا کرد «استفاده عجولانه از ساز و کارهای حقوق بشری مردود است و هیچ کمکی به مفهوم حقوق بشر نخواهد کرد.»

● در وزارت خارجه جمهوری اسلامی به سفیر آلمان گفته‌اند «نشست ویژه شورای حقوق بشر گامی اشتباه بر اساس رویکردی کاملاً سیاسی و ابزاری نسبت به حقوق است و جمهوری اسلامی همکاری نخواهد کرد و این تصمیمات فاقد هرگونه وجهت است.»

● در خیزش سراسری مردم ایران که از اواخر شهریور ۱۴۰۱ آغاز شد و همچنان ادامه دارد حدود ۴۵۰ نفر جان باختند که ده‌ها تن از آنها کودک بوده‌اند. صدها نفر زخمی و بیش از ۱۴ هزار نفر بازداشت بسر می‌برند. برخی افراد نیز ناپدید شده و خانواده‌یشان از وضعیت آنها بی‌خبرند. جمهوری اسلامی نه تنها از تحویل پیکر کشته‌شدگان به خانواده‌های آنها خودداری کرده و در بسیاری موارد آنها را مخفیانه به خاک سپرده است بلکه خانواده‌ها را تحت فشار قرار می‌دهند تا اطلاع‌رسانی نکنند، مراسم یادبود بگیرند و پیگیر اینکه چرا عزیزانشان کشته شده‌اند نشوند!

● شماری از حقوق‌دانان می‌گویند، اگر در گزارش یک ارگان بین‌المللی، حکومت ایران به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم شود- که با توجه به گزارش‌ها و شواهد منابع غربی چنین امری محتمل است- دو پرونده جدید و خطرناک علیه رژیم گشوده خواهد شد که حتا می‌تواند منتهی به دخالت نظامی خارجی شود.

سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید کمیته حقیقت‌یاب حقوق بشر سازمان ملل یک «کمیته سیاسی» است و ایران هیچ‌گونه همکاری با آن نمی‌کند. همزمان رسانه‌های داخلی گزارش دادند «در پی پیشگامی آلمان برای برگزاری نشست ویژه شورای حقوق بشر» در مورد سرکوب اعتراضات، هانس اودو موتسل سفیر آلمان به وزارت خارجه احضار شده است.

ناصر کنعانی دوشنبه ۶ آذر در یک نشست خبری با انتقاد از صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی به علت سرکوب اعتراضات و نقض حقوق بشر گفت: «جمهوری اسلامی داوطلبانه به مسئولیت خود عمل می‌کند و تشکیل چنین کمیته‌ای کمکی به حقوق بشر نخواهد کرد.»

وی همچنین گفت «جمهوری اسلامی در چارچوب مسئولیت‌های ملی خود اقدام به تشکیل کمیته ملی با حضور

در مقابل اما کودک‌کشی جمهوری اسلامی با اعتراضات افراد و سازمان‌ها روبرو شده است. مهتاب کرامتی بازیگر و سفیر حسن نیت یونیسیف با انتشار عکس نوجوانانی که در اعتراضات ۱۴۰۱ کشته شده‌اند، نوشت «من هم در جریان گزارش‌های دلخراش مربوط به کشته و زخمی شدن و همچنین بازداشت تعدادی از کودکان و نوجوانان در اعتراضات و استفاده از کودکان زیر ۱۸ سال برای مقابله با معترضان هستم. تمامی این موارد را با مقام‌های صندوق کودکان سازمان ملل در ایران مطرح کرده‌ام و در این زمینه پیگیرم».

پس از اعتراضات گسترده‌ای که به سکوت عمدی یونیسیف به کودک‌کشی جمهوری اسلامی صورت گرفت، این نهاد گزارشی کلی در اینباره منتشر و نگرانی خود را از گزارش‌های مربوط به کشته شدن، زخمی شدن و بازداشت کودکان در ایران اعلام کرد.

اکنون نخستین واکنش «رسمی» یونیسیف به کودک‌کشی جمهوری اسلامی در قالب یک بیانیه اعلام شده است. در بیانیه این نهاد بین‌المللی که شامگاه یکشنبه ۶ آذر منتشر شد، آمده است که یونیسیف «خواستار پایان دادن به انواع خشونت‌ها و آزارهایی است که طبق گزارش‌ها در جریان ناآرامی‌های عمومی منجر به جان باختن بیش از پنجاه کودک و مجروح شدن شمار بسیاری از آنان شده است».

یونیسیف همچنین حضور مأموران در مدارس برای یافتن و تهدید دانش‌آموزان معترض را محکوم کرد و نوشت که مدارس باید همیشه مکان امنی برای بچه‌ها باشد. این نهاد بین‌المللی مدعی شده که مکاتبات خود را با

## خودکشی یک نوجوان متهم به «عمامه‌پرانی» و افزایش آمار کودکان جانباخته در اعتراضات؛ واکنش دیرهنگام یونیسیف!

محکومیت شدید سرکوب و کشتار مردم و قتل کودکان و دانش‌آموزان بی‌گناه، خواهان توقف فوری کودک‌کشی توسط حکومت شده است.

با گذشت بیش از دو ماه و نیم از آغاز خیزش ملی علیه جمهوری اسلامی که با جان باختن مهسا امینی دختر ۲۲ ساله در پی ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شده، جمهوری اسلامی در کمال بی‌رحمی کودکان و نوجوانان را همچنان در خیابان هدف گلوله قرار می‌دهد و با ضربات باتوم آنها را به

● شمار جانباختگان خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تا چهارم آذرماه به ۴۵۰ تن رسیده که از این تعداد ۶۳ تن کودک هستند.

● ماهک هاشمی پنجشنبه سه آذر از سوی مأموران در شیراز مورد حمله قرار می‌گیرد و بر اثر ضربات باتوم کشته می‌شود.  
● رضا کاظمی نوجوان ۱۶ ساله ساکن کامیاران که هفته گذشته مورد اصابت گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفته بود روز یکشنبه ششم آذر پس از شش روز بستری بودن در بیمارستان جان باخت.

آمار افراد زیر ۱۸ سال که در جریان ۱۰ هفته اعتراضات پیوسته علیه جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف ایران جان باختند به بیش از ۶۰ تن رسیده است. یونیسیف صندوق کودکان سازمان ملل متحد پس از سکوتی عجیب و طولانی در نهایت با انتشار بیانیه‌ای، خشونت علیه کودکان در جریان سرکوب اعتراضات مردم ایران را محکوم کرد.

بر اساس آخرین آمار که روز گذشته از سوی ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران (هرانا) منتشر شده شمار جانباختگان خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تا چهارم آذرماه به ۴۵۰ تن رسیده که از این تعداد ۶۳ تن کودک هستند.

این آمار متعلق به افراد زیر ۱۸ سال است که از کودکانی چون کیان پیرفلک ۱۰ ساله تا نوجوانانی چون نیکا شاکرمی و سارینا اسماعیل‌زاده ۱۶ ساله را شامل می‌شود. این کودکان در جریان اعتراضات در خیابان هدف گلوله مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفتند یا هنگام بازداشت یا پس از آن در بازداشتگاه، به دلیل ضرب و جرح توسط مأموران و با ضربات باتوم جان باختند.

ماهک (ماده) هاشمی دختر ۱۶ ساله ساکن شیراز یکی از تازه‌ترین قربانیان ضربات باتوم سرکوبگران جمهوری اسلامی است. کانون حقوق بشر ایران گزارش داده که ماهک هاشمی پنجشنبه سه آذر از سوی مأموران مورد حمله قرار می‌گیرد و بر اثر ضربات باتوم جان می‌دهد.

بر اساس این گزارش پیکر او بعد از گرفتن پول زیاد تحویل خانواده می‌شود و آنها تحت فشار هستند که درباره او اطلاع‌رسانی نکنند. یک شاهد عینی که پیکر ماهک را دیده می‌گوید یک طرف سر او ضربه خورده بود و نصف صورت او کاملاً کبود بود؛ بعد از اینکه به سختی پیکر او را به خانواده دادند، او را شبیه در زادگاهش در بندر کنگان بوشهر به خاک سپردند و مراسم سوم و هفت او توامان روز یکشنبه برگزار شده است. رضا کاظمی نوجوان ۱۶ ساله ساکن کامیاران نیز روز یکشنبه ششم آذر پس از شش روز بستری بودن در بیمارستان جان باخت. رضا کاظمی در اعتراضات روز ۳۰ آبان در حاشیه کامیاران هدف گلوله جنگی مأموران جمهوری اسلامی قرار گرفته بود. پیشتر تصاویری از این نوجوان در دقایقی پس از اصابت گلوله و غرق در خون کنار خیابان منتشر شده بود.

در این میان، خبر خودکشی شماری از نوجوانان پس از آزادی از بازداشت نیز منتشر شده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعلام کرد که عرشیا امامقلی‌زاده علمداری نوجوان ۱۶ ساله که به اتهام عمامه‌پرانی در جلفا بازداشت شده و ۱۰ روز در زندان بود، تنها دو روز بعد از آزادی با قید وثیقه خودکشی کرد و جان باخت. بلافاصله بعد از این اتفاق خانواده تحت فشار قرار گرفت که به هیچ وجه این موضوع در رسانه‌ها بازتاب پیدا نکند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران همچنین گفته که مراسم خاکسپاری این نوجوان زیر فشارهای شدید امنیتی و با حضور تعداد بسیار اندکی از اعضای درجه یک خانواده برگزار شده است. شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با



جمهوری اسلامی درباره کودک‌کشی از زمان اولین مورد قتل کودکان در اعتراضات، آغاز کرده بود. به گفته این نهاد، جمهوری اسلامی از جمله حکومت‌هایی است که کنوانسیون حقوق کودک را پذیرفته و ملزم به رعایت آن است!

در این بیانیه همچنین به جمعیت کودکان ایران اشاره شده و آمده که ایران داری امتیاز برخورداری از جمعیت جوانی از کودکان و نوجوانان است که منبع بزرگی برای کشور در حال حاضر و آینده هستند؛ نیازها، آرزوها و رفاه آنها در هر شرایطی باید در اولویت باشد.

یونیسیف از مقامات جمهوری اسلامی خواسته حق همه بچه‌ها برای اجتماع مسالمت‌آمیز را به رسمیت بشناسد. این نهاد در پایان بیانیه خود یادآور شده است که با همکاری همه نهادهای سازمان ملل اطمینان کسب خواهد کرد تا به حمایت و حفاظت از حقوق نوجوانان در ایران ادامه دهد.

قتل می‌رساند.  
در این میان، سکوت یونیسیف و دفتر این سازمان در تهران با انتقادهای زیادی روبرو شد. دفتر یونیسیف در ایران مدعی است که نهادی «غیرسیاسی» و «بی‌طرف» است و بر پایه همین ادعا تا کنون موضعی در قبال پدیده «کودک‌کشی» جمهوری اسلامی نگرفته است. مضحک‌تر آنکه این سازمان مدعی است رسالتش «حمایت از حقوق، جان و آینده کودکان» است اما ظاهراً در برابر جان و حیات کودکان ایرانی «بی‌طرف» است!

به نظر می‌رسد ساختار رانتی و شبکه‌های مافیایی فعال در ایران که در میان سازمان‌های غیردولتی وابسته به حکومت هم رخنه کرده‌اند، توانسته‌اند روابطی را در دفتر یونیسیف در ایران ایجاد کنند که همچنان در برابر جنایت جمهوری اسلامی در «کودک‌کشی» سکوت کند!

## افزایش فشار بر روزنامه‌نگار در ایران؛ آزار جنسی یک دانشجو در بازداشت



اعتراضات گسترده جنبش دانشجویی در همراهی با انقلاب ملی همچنان ادامه دارد

© Salamkayyeha/picture alliance

بودند با قرار وثیقه بطور موقت تا برگزاری دادگاه آزاد شدند و شماری همچنان پلاتکلیف هستند.

خبرگزاری کار ایران (ایلنا) نیز در گزارشی از افزایش فشار بر روزنامه‌نگاران این خبرگزاری خبر داده و نوشته که «تعدادی از خبرنگاران این رسانه در استان‌ها و شهرستان‌ها به نهادهای امنیتی فراخوانده شده و از آنها تعهداتی در خصوص نحوه انتشار اخبار اتخاذ شده است.»

در روزهای گذشته رضا اسدآبادی خبرنگار حوزه کارگری از سوی مأموران اطلاعات سپاه (ساس) در خانه‌اش دستگیر شد. همچنین مصطفی جعفری سرپرست دفتر استانی خبرگزاری ایلنا در قزوین و مدیر مسئول وبسایت خبری «تیر قزوین» از شغل خبرنگاری ممنوع شده و برای ۶ ماه هم ممنوع‌الخروج شده است.

خبرگزاری هرانا در این رابطه نوشت که مصطفی جعفری پیش از این به اتهام «نشر اکاذیب» به دو سال حبس تعزیری و دو سال محرومیت از فعالیت‌های رسانه‌ای و سلب اشتغال در حرفه خبرنگاری محروم شده بود.

سمیه مسرور سرپرست خبرگزاری ایلنا در اصفهان و همچنین حمید ابراهیمی دبیر سرویس ورزشی ایلنا از جمله دیگر روزنامه‌نگاران این خبرگزاری هستند که طی روزهای گذشته بازداشت شدند.

هفته گذشته نیز روزنامه جهان صنعت به دلیل انتشار گزارشی درباره کیان پیرفلک کودک ۱۰ ساله‌ای که ۲۵ آبان در شهر ایذه و با شلیک مأموران جمهوری اسلامی جانباخت، توقیف شد.

هیئت نظارت بر مطبوعات در ایران در توضیح علت توقیف روزنامه جهان صنعت نوشت: «روزنامه جهان صنعت به دلیل انتشار یادداشتی در شماره ۲۸ آبان که در آن اتهاماتی به نیروهای انتظامی و حافظان امنیت کشور وارد شده، توقیف و پرونده تخلف جهت رسیدگی به مرجع قضایی ارجاع شد.»

در طول ۹ هفته گذشته شماری از عکاسان خبری نیز بازداشت شده‌اند. انجمن صنفی عکاسان مطبوعاتی ←

راست او به بالای صندلی دیگر می‌کنند به طوری که در حالت آویزان قرار می‌گیرد و توسط یکی از ضابطین زن مورد ضرب و شتم و آزار جنسی قرار می‌گیرد.»

در ادامه آمده که «تعرض ضابط با اعتراض سها مرتضایی روبرو می‌شود که مأمور مذکور پس از اعتراض سها با ضربات مشت، پا و شکم او را مجروح می‌کند. گفتنی است پیش از انتقال مرتضایی به زندان اوین نیز باز هم او را مورد ضرب و شتم شدید قرار می‌دهند.»

این شورا تأکید کرده که به دلیل رعایت اصول اخلاقی اطلاع‌رسانی، از افشای عمومی جزئیات این تعرض آزاردهنده معذور است.

سها مرتضایی پس از افشای آزار جنسی از زندان اوین به زندان قرچک منتقل می‌شود و گفته شده که «مستولان زندان قرچک به علت علائم ضرب و شتم و کبودی‌هایی که بر بدن سها مشهود بوده حاضر به پذیرش او نبودند.»

شماری از دانشجویان بازداشت شده نیز بدون طی شدن مراحل کامل دادرسی به زندان محکوم شدند. از جمله آذین سعیدی‌نسب دانشجوی محیط زیست دانشگاه تهران که در تاریخ ۳۱ شهریور توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده بود، با برگزاری دادگاهی بدون اجازه حضور وکیل، به ۵ سال حبس محکوم شد.

بنیامین مقدسی دانشجوی مهندسی صنایع دانشگاه تهران روز سه‌شنبه اول آذرماه در دادگاهی به قضاوت قاضی علی مظلوم، به ۵ سال حبس تعزیری محکوم شد.

در حکم دیگری، محمد جواهری دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات جوانان دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مجموعاً به ۴ سال و ۷ ماه حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق، منع عضویت در گروه‌ها و دستجات سیاسی و منع خروج از کشور به مدت ۲ سال محکوم شد.

از سوی دیگر طی روزهای گذشته بار دیگر موجی از بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران به راه افتاده و چند روزنامه‌نگار در شهرهای مختلف بازداشت شدند. برخی از روزنامه‌نگارانی که طی دو ماه و نیم گذشته بازداشت شده

● طی روزهای گذشته بار دیگر موجی از بازداشت روزنامه‌نگاران در ایران به راه افتاده و چند روزنامه‌نگار در شهرهای مختلف بازداشت شدند.

● در بیش از ۱۰ هفته اعتراضات پیاپی مردم ایران در خیابان و دانشگاه علیه جمهوری اسلامی شمار قابل توجهی از دانشجویان بازداشت شدند.

● برخی از روزنامه‌نگاران و دانشجویانی که طی دو ماه و نیم گذشته بازداشت شده بودند با قرار وثیقه و بطور موقت تا برگزاری دادگاه آزاد شدند و شماری همچنان پلاتکلیف هستند.

● شماری از دانشجویان بازداشت شده بدون طی شدن مراحل کامل دادرسی به زندان، تحمل شلاق، و ممنوع‌الخروجی محکوم شده‌اند.

از ابتدای خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی تا چهارم آبان ۵۵۶ دانشجو و بیش از ۵۰ روزنامه‌نگار در ایران بازداشت شده‌اند. موج بازداشت‌ها در روزهای گذشته بار دیگر سرعت پیدا کرده و گزارش‌ها از آزار جنسی یک دانشجوی بازداشت‌شده توسط مأموران جمهوری اسلامی و انتقال او به بیمارستان حکایت دارند.

در بیش از ۱۰ هفته اعتراضات پیاپی مردم ایران در خیابان و دانشگاه علیه جمهوری اسلامی شمار قابل توجهی از دانشجویان بازداشت شدند. آخرین آمارهای ارگان فعالان حقوق بشر ایران (هرانا) نشان می‌دهد تا چهارم آذر دست‌کم ۵۵۰ دانشجو در شهرهای مختلف بازداشت شده‌اند.

سها مرتضایی دبیر پیشین شورای صنفی کل دانشگاه تهران هنگام بازداشت توسط مأموران انتظامی و امنیتی زن به بهانه تفتیش بدنی مورد آزار جنسی قرار گرفته است. شورای صنفی دانشجویان کشور با انتشار این خبر در کانال تلگرامی خود نوشت: «مأموران برای انتقال او به زندان از خودرو سانتافه‌ای نقره‌ای رنگ استفاده می‌کنند و اقدام به بستن دست راست او به بالای یک صندلی و بستن پای

## اعتصاب کامیونداران و تانکداران در بیش از ۲۰ شهر ایران

یک راننده کامیون: اعتصاب یعنی این!  
یک مسئول صنفی: کسی اعتصاب نکرده!



اعتصاب کامیونداران در همدان

کُند کرده و اگر اعتصاب تداوم پیدا کند، فعالیت واحدهای صنعتی و کارخانجات که فعالیتشان وابسته به انتقال به موقع مواد اولیه است با اختلال روبرو شده و حتا متوقف خواهد شد.

در این میان، حکومت برای به حاشیه بردن اعتصاب دست به کار شده است. نایب رئیس کانون سراسری انجمن‌های صنفی کارفرمایی کامیونداران می‌گوید علت اعتراض کامیونداران افزایش قیمت سوخت است و مسئولان هیچ راهکاری برای برطرف ساختن مشکل در نظر ندارند و هیچ وعده‌ای هم نداده‌اند، اما شرایط در تمام شهرها و استان‌های کشور آرام است و هیچ کامیونداری دست به اعتصاب زده است!

رئیس کانون انجمن‌های صنفی جایگاهداران تلویحاً اعتصاب را تأیید کرده و می‌گوید طی روزهای گذشته بسیاری از جایگاهداران با کبود سوخت و فرآورده مواجه بودند که منجر به اعتراض کامیونداران به جایگاهدار و اپراتور شده است!

رئیس کانون انجمن‌های صنفی جایگاهداران مجبور شد این نکته را نیز تشریح کند که به خاطر نوع توزیع و پخش گازوئیل در بیشتر ساعات شبانه‌روز اکثر جایگاه‌ها بدون سوخت می‌مانند و تلمبه‌ها خاموش هستند و این منجر به درگیری‌ها و اعتراض شده است. اما روزنامه «همشهری» می‌نویسد در چند نقطه از جمله بندرعباس گروهی با تخریب چند کامیون رانندگان را وادار به اعتصاب کرده‌اند. نایب رئیس اتحادیه فروشندگان ماشین‌آلات سنگین نیز بجای «اعتصابات» از «اعتراضات» استفاده کرده و می‌گوید «مشکلات مالی و بی‌قانونی شرکت‌های باربری و نارضایتی رانندگان کامیون از توزیع ناعادلانه بار مهمترین عامل اعتراضات کامیونداران است.»

● کامیونداران ایران از پنجم آذرماه در حمایت از خیزش سراسری دست به اعتصاب زده‌اند. راننده‌ها در چند پایانه از جمله نسیم‌شهر تهران اسدآباد همدان، شهرضا اصفهان، راوند کاشان و مرند از بارگیری خودداری کردند.

● نایب رئیس کانون سراسری انجمن‌های صنفی کارفرمایی کامیونداران می‌گوید علت اعتراض کامیونداران افزایش قیمت سوخت است اما شرایط در تمام شهرها و استان‌های کشور آرام است و هیچ کامیونداری دست به اعتصاب زده است!

● رئیس کانون انجمن‌های صنفی جایگاهداران تلویحاً اعتصاب را تأیید کرده و می‌گوید کمبود سوخت منجر به اعتراض کامیونداران به جایگاهدار و اپراتور شده و جایگاه‌ها در بیشتر ساعات شبانه‌روز سوخت ندارند که منجر به درگیری‌ها و اعتراض شده است.

● نایب رئیس اتحادیه فروشندگان ماشین‌آلات سنگین بجای «اعتصابات» از «اعتراضات» استفاده کرده و گفته مسئله نارضایتی رانندگان کامیون از توزیع ناعادلانه بار است. کامیونداران و تانکداران ایران از پنجم آذرماه در حمایت از خیزش سراسری دست به اعتصاب زدند و در چند پایانه مرکزی در نسیم‌شهر تهران و اسدآباد همدان دست از بارگیری کشیدند. اعتصاب رانندگان سبب شده تا بارگیری در مجتمع پتروشیمی ماهشهر، ایرانول آبادان، فولاد اهواز، پالایشگاه بندرعباس و پالایشگاه شیراز کُند شود. اینهمه در حالیست که ویدئوهایی نیز از اعتصاب رانندگان در شهرضا اصفهان، راوند کاشان، مرند نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

اعتصاب کامیونداران برای جمهوری اسلامی ضربه سختی به شمار می‌رود زیرا قفل شدن ترابری بین جاده‌ای نبض اقتصادی را که به هر حال نابسامان و آسیب‌دیده است

→ ایران با انتشار اطلاعیه‌ای به شرح آخرین وضعیت عکاسان بازداشت‌شده پرداخته است. این انجمن در راستای مسئولیت صنفی خود، لازم می‌داند که آخرین شرایط همکاران بازداشت‌شده را به اطلاع برساند. متی این اطلاعیه به شرح زیر است:

۱. محمد رضانی عکاس خبرگزاری ایسنا در خواب با قید وثیقه آزاد شده است.

۲. عادل کریمی که ۱۹ مهرماه در منزل یکی از دوستانش بازداشت شده بود، در بازداشتگاه ارومیه بسر می‌برد. قرار بازداشت او تاکنون چند بار تمدید شده است. پرونده او هنوز در اختیار ضابط است و به بازپرس ارجاع داده نشده است.

۳. اولین جلسه دادگاه حسین اسماعیلی صبح روز چهارشنبه ۲ آذر ۱۴۰۱ در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی عموزاد برگزار شده است. هنوز حکمی برای پرونده حسین اسماعیلی صادر نشده است.

۴. آخرین خبر درباره وضعیت یلدا معیری و آریا جعفری در اطلاعیه قبلی انجمن آمده و تغییری نکرده است.»

این انجمن بار دیگر تأکید کرده است مسئولیت خود را پیگیری شرایط همه عکاسان مطبوعاتی بازداشتی، اعم از عضو و غیرعضو می‌داند و همه ظرفیت‌های حقوقی و قانونی خود را برای آزادی این عکاسان به کار می‌بندد.

### حامدی و محمدی همچنان در بلاتکلیفی

سعید پارسایی، همسر الهه محمدی، خبرنگار روزنامه هم‌میهن که از قتل حکومتی مهسا امینی گزارش تهیه کرده بود، از بلاتکلیفی این روزنامه‌نگار اطلاع داد و درباره دیدار روز پنجشنبه‌شان نوشت: «بی‌خبری و بلاتکلیفی و شرایط نامناسب زندان رنجورش کرده بود و چهره‌اش لاغر شده بود». به گفته همسرش الهه محمدی ۱۷ روز را در سلول انفرادی سپری کرده و پس از آن هم ۴۱ روز بی‌دلیل در بازداشت و بلاتکلیفی مانده است. همسر و مادر این خبرنگار با او در اوین دیدار کرده بودند. الناز محمدی، که او نیز خبرنگار است، درباره ملاقات با خواهرش گفته: «قفل دو ماهه بغض مادرم دیروز و بعد از دیدن صورت رنجور الهه شکست.»

همچنین محمدحسین آجرلو، همسر نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار روزنامه «شرق» نوشته است: «همراه مادر و برادر نیلوفر حامدی با او ملاقات کردیم. حال و روحیه‌اش بسیار خوب بود و به دوستانش سلام رساند. پنج روز از پایان ماه دوم بازداشت موقت او گذشته و این قرار تمدید نشده است. ۳۱ روز از آخرین بازجویی و ۲۴ روز از دفاع آخر او در دادسرا می‌گذرد، بدون تغییر در روند پرونده.»

### روح‌الله نخعی در فشافویه

روح‌الله نخعی دیگر روزنامه‌نگاری است که این روزها در فشافویه زندانی است. برادر او در گفتگو با وبسایت امتداد از اتمام بازجویی‌ها خبر داده و گفته است: «روحیه روح‌الله، علیرضا خوشبخت و حمیدرضا امیری مثال‌زدنی بود.»

محمدرضا نخعی، تأکید کرد: «روح‌الله از اواسط هفته گذشته به همراه علیرضا خوشبخت به زندان تهران بزرگ منتقل شد. همواره شاهد بودیم که او بر سر ایران و کیان کشور با احدى شوخی نداشته است. او همیشه از این خطوط قرمز خود دفاع کرده و با هیچ‌کس هم تعارف نداشته است.» او همچنین تأکید کرده است: «با توجه به اتمام بازجویی‌ها و روند رسیدگی به پرونده، انتظار ما صدور کیفرخواست و آزادی برادرم است.» بیش از دو ماه از زمان بازداشت روح‌الله نخعی گذشته است.

# گزارش ویژه؛ در کنار ریزش‌های امنیتی، نسلی که شیوه‌های مبارزه خیابانی را تمرین کرده در نهایت ماشین سرکوب را قفل می‌کند



اعتراضات سراسری در ایران (تهران سپتامبر ۲۰۲۲)

در کنار هم قرار گرفتن تاکتیک و تجربه در خیابان در تقابل با سرکوبگران منتهی به اجرای روش‌هایی بر اساس «خیزش محله‌محور» شده است که در امتداد و موازی با آن «خرابکاری‌های شرافتمندانه» نیز صورت می‌گیرد.

در چنین شرایطی اتاق‌های فکر در نهادهای مختلف نظام در پی بررسی عللی هستند که این چه تنگنایی است که حتی سرکوب و قطع کردن اینترنت هم اعتراضات را خاموش نکرده است! گروهی می‌گویند آنهایی که در اعتراضات میدان‌داری می‌کنند «گیمِر» و بازی‌کنندگان کامپیوتر هستند و بر اساس همین تصور الکن بازی‌های کامپیوتری را ممنوع کرده‌اند! زمامداران نظام شرایط کشور و ناکارآمدی خودشان و سرکوب‌های بی‌امان و وضعیت مردم و خشم و انزجار به ویژه نسل‌های جوان را نادیده گرفته و فکر می‌کنند بازی‌های کامپیوتری روی رفتار و اقدامات آنها تأثیر گذاشته است! کارشناسان حکومتی معتقدند در این بازی‌ها شیوه‌های مبارزه برای آنها شبیه‌سازی شده و بارها با همدیگر تمرین کرده‌اند.

واقعیت این است که حکومت اسلامی در ایران به مرحله‌ای رسیده که دیگر زور و سرکوب هم جواب نمی‌دهد. ریزش‌ها و تلفات در نیروهای مسلح به ویژه واحدهایی که مستقیم در سرکوب مشارکت دارند از آنچه جمهوری اسلامی فکر می‌کند بسیار بیشتر است. منابع غیررسمی می‌گویند تعداد پرونده‌های مربوط به قصور پرسنل و اتهامات امنیتی از جمله تبلیغ علیه نظام و تبانی در رده‌های مختلف زیاد شده است. اعتماد به نیروی‌های میدانی به‌خصوص پرسنل نیروی انتظامی در بین زمامداران نظام کم شده. ظرفیت نیروی‌های بسیج هم برای ادامه کار در صورت تداوم اعتراضات کافی نیست آنهم در حالی که در میان خانواده‌های بسیجی نیز ریزش‌ها بیشتر شده است. ←

مراکز نظامی بلکه حتی شرکت‌های صنعتی و معادن دولتی حفاظت فیزیکی خود را برای مقابله با اقدامات خرابکارانه افزایش دادند و از برخی ارگان‌های نظامی حتا ارتش کمک خواسته‌اند.

● سخنرانی طولانی علی خامنه‌ای در پنجم آذر و تکرار هشدارهای مبنی بر اینکه باید مواظب همه چیز حتی در نیروهای سیاسی و عقیدتی وفادار به رژیم مانند بسیج و دستگاه‌های امنیتی بود، اعتراف ناخواسته به شکست دستگاه سرکوب و همچنین ریزش نیروها حتی در میان بسیجی‌ها و امنیتی‌هاست!

با گذشت ۱۰ هفته از آغاز خیزش سراسری در ایران دستگاه امنیتی نظام با چهار بحران عمده روبروست:

۱) ریزش نیروهای سرکوب شامل همرد، ترک خدمت و قصور در میدان

۲) کمبود نیرو و افزایش تلفات نیروهای سرکوبگر

۳) گسترش خرابکاری و اقدامات ضدامنیتی علیه جمهوری اسلامی به ویژه در تأسیسات استراتژیک

۴) حملات سایبری و تله‌های امنیتی با منشاء خارجی.

حکومت در اعتراضات خیابانی با پدیده‌های جدید یا به بیان دیگر با «تاکتیک‌های متفاوت» از سوی مردم نسبت به اعتراضات در دوره‌های گذشته مواجه شده است. بخشی از این تاکتیک‌ها از ویژگی‌های نسل تازه‌ای از فعالان در خیابان است. فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گویند معترضان بین ۱۵ تا ۲۵ سال سن دارند. در کنار این گروه که به نسل Z زد (Zoomer) مشهورند گروه‌هایی نیز هستند که سابقه چند دوره حضور در اعتراضات سراسری را دارند. ازجمله در خرداد سال ۸۸ و دی‌ماه ۹۶ که فصل تازه‌ای در جنبش براندازان به شمار می‌رود.

● دستگاه امنیتی نظام با چهار بحران عمده روبروست: ۱) ریزش نیروهای سرکوب شامل همرد، ترک خدمت و قصور در میدان، ۲) کمبود نیرو و افزایش تلفات نیروهای سرکوبگر، ۳) گسترش خرابکاری و اقدامات ضدامنیتی علیه جمهوری اسلامی به ویژه در تأسیسات استراتژیک، ۴) حملات سایبری و تله‌های امنیتی با منشاء خارجی.

● حکومت در اعتراضات خیابانی با پدیده‌های جدید یا به بیان دیگر با «تاکتیک‌های متفاوت» از سوی مردم نسبت به اعتراضات در دوره‌های گذشته مواجه شده است. بخشی از این تاکتیک‌ها از ویژگی‌های نسل تازه‌ای از فعالان در خیابان است.

● برخی مقامات می‌گویند آنهایی که در اعتراضات میدان‌داری می‌کنند «گیمِر» و بازی‌کنندگان کامپیوتر هستند و بر اساس همین تصور الکن بازی‌های کامپیوتری را ممنوع کرده‌اند! زمامداران نظام شرایط کشور و ناکارآمدی خودشان و سرکوب‌های بی‌امان و وضعیت مردم و خشم و انزجار به ویژه نسل‌های جوان را نادیده گرفته و فکر می‌کنند بازی‌های کامپیوتری روی رفتار و اقدامات آنها تأثیر گذاشته است!

● منابع غیررسمی می‌گویند تعداد پرونده‌های مربوط به قصور پرسنل و اتهامات امنیتی از جمله تبلیغ علیه نظام و تبانی در رده‌های مختلف زیاد شده است. اعتماد به نیروی‌های میدانی به‌خصوص پرسنل نیروی انتظامی در بین زمامداران نظام کم شده. ظرفیت نیروی‌های بسیج هم برای ادامه کار در صورت تداوم اعتراضات کافی نیست آنهم در حالی که در میان خانواده‌های بسیجی نیز ریزش‌ها بیشتر شده است.

● کیهان لندن مطلع شده سطح خرابکاری‌ها به مرحله‌ای رسیده که نه تنها نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها و

## اقدام وزیر خارجه آلمان برای صدور قطعنامه علیه جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب مردم



تظاهرات در شهرهای غربی ایران

بشر سازمان ملل جهت رد این قطعنامه به شدت در تلاش هستند. حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه گفت که آمریکا، آلمان، فرانسه و انگلیس در امور داخلی ایران دخالت می‌کنند.

خدیجه کریمی نماینده جمهوری اسلامی نیز مانند دیگر مقامات رژیم با خرج کردن از کیسه‌ی «مردم» و «کشور بزرگ ایران» گفته «به رغم مداخله کشورهای غربی کشور بزرگ ایران یکبار دیگر دشمنانش را ناامید کرد و در راهپیمایی میلیون‌ها نفر در حمایت از حکومت آن را دیدیم. این کشورهایی که خود را قهرمان حقوق بشر می‌دانند جان مردم ایران را با تحریم‌ها به خطر انداخته‌اند.» این ادعاها در حالیست که مردم ایران سال‌هاست با از دست دادن جان خود توسط سرکوبگران حکومت، فریاد می‌زنند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و خواهان نابودی و سرنگونی آن هستند.

در این میان، مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران می‌گویند دولت آلمان و آمریکا برای «تداوم حمایت از آشوبگران» هماهنگ عمل می‌کنند. اشاره آنها به صدور قطعنامه در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و فشارهای بین‌المللی و تحریم‌ها به خاطر سرکوب مردم و همچنین ارسال پهپاد به روسیه است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی ادعا کرده صدور این قطعنامه با انگیزه‌های سیاسی صورت گرفته است.

از سوی دیگر، دولت آمریکا چهارشنبه ۲۳ نوامبر سه مقام دیگر جمهوری اسلامی را به دلیل مشارکت در سرکوب معترضان مسالمت‌جو تحریم کرد. وزارت خارجه آمریکا همچنین از «سوء استفاده» حکومت از آمبولانس توسط مأموران جمهوری اسلامی و بازداشت معترضان با آن و انتقال آنها توسط سرکوبگران انتقاد کرده و این شیوه را نشانه ترس رهبران جمهوری اسلامی از شهروندان دانسته است.

در همین ارتباط، وزارت خزانه‌داری آمریکا سرهنگ حسن عسگری از فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندار کنونی سنجند، سرهنگ علیرضا مرادی فرمانده نیروی انتظامی سنجند و سرتیپ محمدتقی اصلو فرمانده قرارگاه نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شمال غرب (قرارگاه حمزه سیدالشهدا) را در فهرست تحریم‌ها قرار داده است.

● آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان با حضور در نشست حقوق بشر سازمان ملل در ژنو که پنجشنبه (۳ آذر) برگزار می‌شود درباره ضرورت تصویب قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی سخنرانی می‌کند.

● در پیش‌نویس قطعنامه‌ای که آلمان ارائه داده خشونت‌ها علیه مردم توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی محکوم شده و از حکومت ایران می‌خواهد به رعایت حقوق بشر به ویژه در مورد زنان پایبند باشد. علاوه بر این قرار است تحقیقات مستقلی درباره رویدادهای ایران آغاز شود.

● مقامات و رسانه‌های حکومتی در ایران می‌گویند دولت آلمان و آمریکا برای «تداوم حمایت از آشوبگران» هماهنگ عمل می‌کنند.

همزمان با دهمین هفته از آغاز خیزش انقلابی در ایران آنالنا بریوک وزیر خارجه آلمان با حضور در نشست اضطراری حقوق بشر سازمان ملل در ژنو درباره وضعیت وخیم حقوق بشر در ایران سخنرانی می‌کند.

محور سخنرانی بریوک ضرورت تصویب قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی به دلیل سرکوب اعتراضات و کشتار مردم است و از رژیم خواسته می‌شود هرچه سریع‌تر سرکوب و خشونت علیه مردم را متوقف کند.

به گزارش اشپیگل ۲۴ نوامبر (۳ آذر) وزیر خارجه آلمان قصد دارد پیش‌نویس قطعنامه‌ای را ارائه دهد که خشونت‌ها علیه مردم توسط نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند و از حکومت ایران می‌خواهد به رعایت حقوق بشر به ویژه در مورد زنان پایبند باشد. علاوه بر این قرار است تحقیقات مستقلی درباره رویدادهای ایران آغاز شود.

منابع آگاه می‌گویند باید شواهدی از سرکوب‌ها جمع‌آوری شود که بعداً بتوانند در مراحل رسیدگی قضایی به پرونده کسانی که علیه مردم دست به خشونت زده‌اند یا عامل آن بوده‌اند استفاده شود.

پیش‌نویس این قطعنامه بعد از ظهر پنجشنبه سوم آذر برابر با ۲۴ نوامبر رأی‌گیری خواهد شد.

دیپلمات‌های جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری این نشست بسیار تلاش کردند اما ناکام ماندند. حالا نیز گفته می‌شود که برای متقاعد کردن کشورهای عضو شورای حقوق

پیش از اینها بین خانواده شهدای جنگ ایران و عراق و اسراء و جانبازان با حکومت شکاف عمیق افتاده بود و در دو ماه گذشته این شکاف به تقابل تبدیل شده است. حکومت اصلی‌ترین پایگاه‌های اجتماعی خود را از دست داده است. به همین دلیل علی‌خامنه‌ای مرتب در سخنرانی‌های طولانی هشدار می‌دهد و عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش نیز خودشان را دلدار می‌دهد و می‌گوید «ریزش‌های غیرمنتظره» امتحان الهی است!

کشته شدن حدود ۷۰ نیروی امنیتی طی دو ماه اعتراضات لطمه سنگینی به سازمان سرکوب جمهوری اسلامی که به هر حال اقلیتی ناچیز در برابر مردم معترض است، وارد آورده. بسیاری از خانواده‌ها که فرزند بسیجی دارند اجازه مشارکت آنها در سرکوب‌ها را نداده‌اند. در همین ارتباط احمدرضا پورخاقان رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی می‌گوید «تا زمانی که بسیج هست به این نظام آسیبی وارد نمی‌شود» اما در عین حال هشدار می‌دهد «نیروهای نفوذی دشمن متأسفانه در نظام نفوذ کرده‌اند و در عرصه‌های مختلف افرادی مسئولیت گرفتند که نصیحت‌های پیر خردمند نظام را نشنیدند.» مقامات نظام نمی‌خواهند قبول و یا اعتراف کنند که کسی «نفوذ» نکرده بلکه خود این نیروها هستند که می‌بایست تصمیم بگیرند در کنار جمهوری اسلامی و در برابر مردم بایستند یا برعکس! بسیاری از آنها طرف مردم را انتخاب می‌کنند.

از سوی دیگر، کیهان لندن مطلع شده که سطح خرابکاری‌ها به مرحله‌ای رسیده که نه تنها نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها و مراکز نظامی بلکه حتی شرکت‌های صنعتی و معادن دولتی حفاظت فیزیکی خود را برای مقابله با اقدامات خرابکارانه افزایش داده‌اند و از برخی ارگان‌های نظامی حتی ارتش کمک خواسته‌اند.

در چنین شرایطی است که علی‌خامنه‌ای پنجم آذرماه در دیدار با شماری از بسیجی‌ها به آنها چنین توصیه کرد: «حفظ آمادگی» و «غافلگیر نشدن!» او مانند تبهکاری که در گوشه‌ای گیر افتاده، خطاب به مسئولان نظام گفته «حواس‌مان جمع باشد... به اطراف کشور، به داخل کشور، به بیرون کشور، به همه‌ی اطراف باید توجه کنید؛ برای ما اطراف کشور هم مهم است!»

خامنه‌ای برای بسیجی‌ها اما یک توصیه ویژه نیز داشت: «مراقب نفوذ دشمن در درون مجموعه‌ی بسیج باشید! این را توجه داشته باشید؛ گاهی یک آدم فاسد، گاهی یک آدم نایاب لباس عوضی می‌پوشد، خودش را در یک مجموعه‌ای جا می‌کند.» آخرین توصیه خامنه‌ای به بسیجی‌ها آیه‌ی ۱۳۹ از سوره آل‌عمران بود: «و لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا...» به این معنی که «اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید!»

این سخنرانی طولانی علی‌خامنه‌ای و تکرار هشدارهایش مبنی بر اینکه باید مواظب همه چیز حتی در نیروهای سیاسی و عقیدتی وفادار به رژیم مانند بسیج و دستگاه‌های امنیتی بود، اعتراف ناخوسته به شکست دستگاه سرکوب و همچنین ریزش نیروها حتی در میان بسیجی‌ها و امنیتی‌هاست!

خامنه‌ای در همین سخنان در جمع بسیجیان این را نیز اعتراف کرد که از درون نظام به او پیشنهاد شده برای پایان یافتن «اغتشاشات» باید با آمریکا مذاکره کند. پیشنهادی که به نظر می‌رسد اصلاح‌طلبان با واسطه به خامنه‌ای ارائه داده‌اند تا خودشان و نظام‌شان را از بحران برهانند. این در حالیست که رهبر جمهوری اسلامی هفته گذشته اطمینان داده بود بساط اغتشاشگران جمع خواهد شد!

## مبادله شهروندان غربی گروگان گرفته شده در ایران با اسرای سپاه پاسداران در اوکراین؟!



رژه نیروهای سپاه در تهران

## هشدار اطلاعاتی به پرسنل نیروی انتظامی در مورد شناسایی منازل آنها و پوشیدن یونیفرم!

● در نامه‌ای که به تازگی درز پیدا کرده اداره عملیات تأمین و پیشگیری فراجا هشدار می‌دهد که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از «اغتشاشگران» در خواست شده ضمن شناسایی منزل کارکنان امنیتی و انتظامی اقدام به سلب آسایش و تخریب منازل آنان نمایند.

● این هشدار و در عین حال رویارویی با مردم معترض البته شامل افرادی می‌شود که در خیابان‌ها به جان مردم می‌افتند. در حالی که فرماندهان رده بالای ارگان‌های نظامی و امنیتی علاوه بر داشتن محافظ، در منازل سازمانی یا خصوصی با انواع و اقسام سیستم‌های حفاظتی و نگهداری زندگی می‌کنند! بدنه‌ی این نهادهای نظامی و انتظامی اما در شرایطی سخت با زندگی سطح پایین روزگار می‌گذرانند و مزایا و امتیاز خاصی ندارند و صرفاً در مواقع بحران سپر بلای نظام و آخوندها می‌شوند. از همین رو مردم نیز در اعتراضات، آنها را به حمایت از خود فرا می‌خوانند و چندین بار پیش آمده که افرادی که حاضر به سرکوب مردم نشده‌اند بجای شعار «بی‌شرف» با عبارت «باشرف باشرف» مورد استقبال معترضان قرار گرفته‌اند.

در حالی که خیزش سراسری مردم ایران در نیمه‌ی سومین ماه خود بسر می‌برد، معاونت عملیات پلیس پیشگیری نیروی انتظامی در مورد پیامدهای «شناسایی منازل نیروهای امنیتی و انتظامی» هشدار اطلاعاتی صادر کرده است. در نامه‌ای که تاریخ صدور آن ۲۸ آبان است و به تازگی درز پیدا کرده اداره عملیات تأمین و پیشگیری فراجا هشدار می‌دهد که در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی از «اغتشاشگران» در خواست شده ضمن شناسایی منزل کارکنان امنیتی و انتظامی اقدام به سلب آسایش و تخریب منازل آنان نمایند.

در این نامه از فرماندهان خواسته شده دستور دهند پرسنل هنگام رفت و آمد به منزل از یونیفرم نظامی استفاده نکنند و خانواده‌های خود به ویژه فرزندان‌شان را توجیه کنند که در فضای عمومی از جمله در مدارس در مورد شغل آنها با افراد دیگر صحبت نکنند.

در هفته‌های اخیر بارها گزارش شد پرسنل نیروی انتظامی و همچنین اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج نه فقط در جریان سرکوب اعتراضات با برخوردهای سخت روبرو شده‌اند بلکه از تعدادی از آنها که به سرکوب

کسانی که در داخل این ساختمان بودند کشته شدند.» او ادامه می‌دهد: «در مورد بعضی دیگر از نیروهای ایرانی که توسط اوکراین اسیر شده‌اند وضعیت متفاوت است. کشورهای اروپایی که شهروندان‌شان در ایران زندانی هستند -درواقع به گروگان گرفته شده‌اند- به زلینسکی پیام دادند ما سلاح بیشتری برای شما ارسال می‌کنیم و در ازای آن با مقامات جمهوری اسلامی مذاکره کنید که شهروندان ما را آزاد کند و شما هم در ازای آن، نیروهای نظامی ایرانی را آزاد کنید. یعنی معامله ایرانی‌های اسیر در اوکراین با شهروندان گروگان گرفته شده اروپایی در ایران در ازای حمایت تسلیحاتی بیشتر اروپا از اوکراین.»

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید اواخر مهرماه در یک کنفرانس به خبرنگاران گفت «ایالات متحده شواهدی در اختیار دارد که نشان می‌دهد ایران نیروهای را به سرزمین‌های تحت اشغال روسیه در اوکراین اعزام کرده تا به روسیه در حملات پهنای کمک کند.»

کربی گفته بود «ارزیابی ما نشان می‌دهد که پرسنل نظامی ایران در کریمه حضور داشتند و به روسیه کمک کردند.»

با اینهمه شمار دقیق نیروهای اعزامی از ایران به روسیه مشخص نیست. حتا برخی منابع گزارش دادند جمهوری اسلامی شبه‌نظامیان لشکر فاطمیون (افغان‌ها) رابه روسیه اعزام می‌کند. پیش از این یک عضو درجه‌دار سپاه پاسداران به کیهان گفته بود که کل نیروهای جمهوری اسلامی در سپاه حدود ۱۸۰ هزار نفرند که تعدادی از آنها به روسیه اعزام شدند. روسیه از حزب‌الله و حشد الشعبی نیرو نخواسته به این دلیل که رمضان قدبروف و چچنی‌ها با نیروهای حزب‌الله و حشد الشعبی اختلاف شدید دارند. این تعداد نیرویی که از سپاه پاسداران در روسیه هستند تا روشن شدن وضعیت اوکراین به کشور برنخواهند گشت. البته تعدادی از آنها در اوکراین کشته شدند. به همین دلیل شاید رژیم ایران دوباره از نیروهای سپاه به روسیه اعزام کند. این در حالیکه جمهوری اسلامی موشک و پهپاد نیز به روسیه ارسال کرده تا در جنگ علیه اوکراین استفاده کند. شماری نیز به اسم «مستشار» به روسیه اعزام شده‌اند. اما شماری هم به عنوان گوشت دم توپ از سراسر ایران جمع‌آوری شده و به جبهه روسیه فرستاده شدند.

● یک مقام آگاه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کیهان لندن می‌گوید در پی شکست و عقب‌نشینی روسیه در شهر خرسون در جنوب اوکراین، شمار زیادی نیروی نظامی اسیر شدند که ۱۸ تن از آنان ایرانی بودند اما نیروهای روسیه به صورت عمدی ساختمانی را که این اسیران در آنها نگهداری می‌شدند هدف شلیک موشک قرار دادند و همگی این افراد کشته شدند.

● «به خاطر فشار جمهوری اسلامی به پوتین برای آزاد کردن نیروهای وابسته به ایران، پوتین با موشک این ساختمان مخفی را منهدم کرد و اسرا اعم از ایرانی و روسی کشته شدند.»

یک مقام آگاه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کیهان لندن گفته است که در پی شکست و عقب‌نشینی روسیه در شهر خرسون در جنوب اوکراین، شمار زیادی نیروی نظامی اسیر شدند که ۱۸ تن از آنان ایرانی بودند اما نیروهای روسیه به صورت عمدی ساختمانی را که این اسیران در آنها نگهداری می‌شدند هدف شلیک موشک قرار دادند و همگی این افراد کشته شدند.

به گفته این مقام مطلع «در پی حملات نیروهای اوکراین که باعث شد روسیه از شهر خرسون عقب‌نشینی کند، شمار زیادی نظامی اسیر شدند از جمله ۱۸ نظامی ایرانی که چهار نفر از آنها از فرماندهان ارشد سپاه بودند. این افراد در یک ساختمان مخفی نگهداری می‌شدند و قرار بود اوکراین در ازای آزاد کردن این اسیران، بر سر وضعیت نیروگاه‌های هسته‌ای اوکراین با روسیه مذاکره و درواقع معامله کند.»

او ادامه می‌دهد: «به خاطر فشار جمهوری اسلامی به پوتین برای معامله و آزاد کردن نیروهای وابسته به ایران، پوتین با موشک این ساختمان مخفی را منهدم کرد و اسرا اعم از ایرانی و روسی کشته شدند.»

این مقام آگاه در سپاه پاسداران توضیح می‌دهد: «به نظر پوتین نمی‌خواست به خاطر آزاد کردن این اسیران بر سر مسئله نیروگاه‌های هسته‌ای با اوکراین مذاکره کند. روس‌ها به مقامات جمهوری اسلامی اعلام کردند که این بازداشتگاه مخفی در شهر کی‌یف که نیروهای ایرانی هم در آن نگهداری می‌شدند بطور غیرعمد توسط موشک‌های ما از بین رفتند و

## فرمانده ارتش جمهوری اسلامی:

# تفکر بسیجی توطئه دشمن را خنثی می‌کند! دستور بازرسی برای رصد و پاکسازی پرسنل ناراضی ارتش!



دیدار فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی با علی خامنه‌ای ۳۰ فروردین ۱۳۹۴

گفته استکبار جهانی «سعی در جدا کردن نوجوانان و جوانان از انقلاب» دارد و تفکر بسیجی راهکاری اثربخش برای خنثی سازی توطئه‌های دشمنان است. بعد از انتشار نامه‌ای در مورد خرابکاری‌های عمدی از جمله آتش‌سوزی در بعضی پادگان‌های ارتش، رونوشت نامه‌ای از معاونت بازرسی و ایمنی آجا در مورد «جلوگیری از انتشار اخبار سوانح ارتش در فضای رسمی و مجازی» منتشر شده است. در این نامه تأکید شده فضای مجازی در زمینه افشای سوانح و رویدادهای ارتش به یک «تهدید» تبدیل شده است.

در این نامه که امضای سرتیپ خلیان منصور ونک معاون بازرسی و ایمنی را دارد به دریافت‌کنندگان نامه دستور داده شده پرسنل اعم از کادر و وظیفه را در زمینه عدم انتشار اخبار ارتش توجیه کنند.

همچنین در این نامه از فرماندهان خواسته شده برای ارتقاء سطح دانش رسانه‌ای کارکنان و خانواده‌های آنها اقدام شود و تلفن‌های همراه هوشمند پرسنل نیز کنترل شود تا اخبار درز پیدا نکند! یکی از بندهای این ابلاغیه مربوط به رصد و پاکسازی پرسنل ناراضی ارتش است!

عبدالرحیم موسوی اواسط مهرماه در یک اظهار نظر گفته بود «ریزش‌های غیرمنتظره» امتحان الهی است! وی در یکی از مراسم صبحگاهی تأکید کرد «مهمترین راهبرد دشمنان برهم زدن امنیت و اخلاق در استقلال و پیشرفت ایران و به دنبال آن هستند که امنیت و امید را از این ملت بگیرند و مقاومت او را در هم بشکنند!»

گفتنی است که از چهار سال پیش در ارتش طرحی به نام «مصباح» برای مقابله با براندازی به اجرا گذاشته شده است. اواسط مرداد ۱۳۹۸ رئیس سازمان عقیدتی-سیاسی ارتش جمهوری اسلامی در جمع کارکنان نیروی دریایی جاسک گفت «دشمن بطور واضح و روشن به دنبال تغییر نظام می‌باشد.»

● در شرایطی که برخی منابع غیررسمی خبر از بازداشت شماری از نیروهای ارتش در ایران و خرابکاری در بعضی پادگان‌ها به خاطر همصدایی با خیزش سراسری می‌دهند، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در پیامی گفته «تفکر بسیجی راهکاری اثربخش برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان است!»

● فرمانده ارتش جمهوری اسلامی با اشاره به «شرایط حساس کنونی نظام» و قرار گرفتن در یک «جنگ ترکیبی تمام‌عیار» گفته استکبار جهانی «سعی در جدا کردن نوجوانان و جوانان از انقلاب» دارد و تفکر بسیجی راهکاری اثربخش برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان است!

● معاونت بازرسی و ایمنی آجا نیز در مورد «جلوگیری از انتشار اخبار سوانح ارتش در فضای رسمی و مجازی» دستورالعمل ابلاغ کرده است.

در شرایطی که برخی منابع غیررسمی خبر از بازداشت شماری از نیروهای ارتش در ایران و خرابکاری در بعضی پادگان‌ها به خاطر همصدایی با خیزش سراسری می‌دهند، فرمانده ارتش جمهوری اسلامی در پیامی گفته «تفکر بسیجی راهکاری اثربخش برای خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان است!»

عبدالرحیم موسوی در این پیام که ۴ آبان به مناسبت هفته بسیج منتشر شد گفته «بسیج شجره طیبه‌ای است که فرهنگ آرمانگرایی و معرفت ملی و دینی را به میدان عمل آورده و با توجه به تهاجم همه‌جانبه دشمنان، بیش از گذشته، وجود این نهاد مقدس و ترویج روحیه و تفکر بسیجی در خنثی‌سازی توطئه دشمنان و بدخواهان نظام، کشور و ملت ایران احساس می‌شود.»

فرمانده ارتش جمهوری اسلامی با اشاره به «شرایط حساس کنونی نظام» و قرار گرفتن در یک «جنگ ترکیبی تمام‌عیار»



همایش پرسنل نیروی انتظامی

➔ و کشتار مردم می‌پردازند در ساعات غیرخدمت انتقام گرفته شده است.

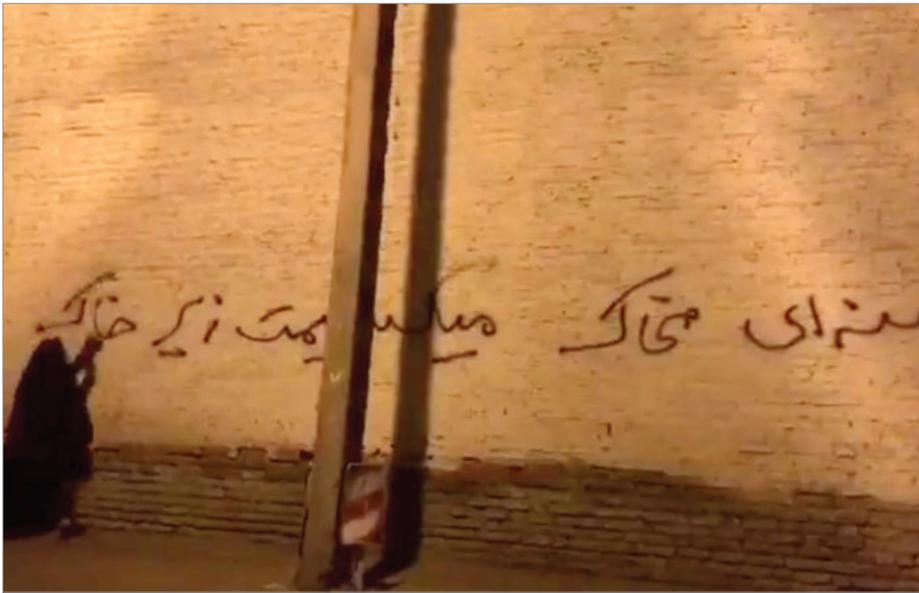
اینکه از نظامی‌ها خواسته شده حین رفت و آمد از پوشیدن لباس نظامی خودداری کنند نشان می‌دهد تا چه اندازه اوضاع برای دستگاه سرکوب رژیم وخیم شده است. این در حالیست که با وجود اینکه نیروی انتظامی محور اصلی سرکوب اعتراضات مردم است اما بخشی از نظام به ویژه سپاهی‌ها از آنها انتقاد دارند و معتقدند وظایف‌شان را به خوبی انجام می‌دهند!

یحیی رحیم‌صوفی مشاور علی خامنه‌ای اخیراً با اشاره «ضعف‌های نیروهای نظامی» گفته «انتظار داریم نیروهای مسلح که بسیج و سپاه بازوان قدرتمند آن هستند، اجازه ندهند این حوادث به طول بیانجامد.» منظور وی این است که بیشتر باید ضرب و جرح کرد و کشت تا «حوادث» به طول بیانجامد!

بارها فعالان سیاسی و چهره‌های مشهور از جمله ورزشکاران و هنرمندان از نیروهای نظامی خواسته‌اند رژیم را در سرکوب مردم همراهی نکنند؛ اسلحه خود را پایین بگذارند و به مردم بپیوندند. در هفته‌های اخیر دست‌کم ۷۰ نفر از نیروهای سرکوبگر کشته و ده‌ها نفر از آنها مجروح یا روی تخت بیمارستان بستری و یا خانه‌نشین شده‌اند. نیروهای امنیتی با وعده اضافه حقوق و پرداخت مزایای اندک و برخی نیز از ترس آینده شغلی‌شان روبروی مردم ایستاده‌اند.

این هشدار و در عین حال رویارویی با مردم معترض البته شامل افرادی می‌شود که در خیابان‌ها به جان مردم می‌افتند. در حالی که فرماندهان رده بالای ارگان‌های نظامی و امنیتی علاوه بر داشتن محافظ، در منازل سازمانی یا خصوصی با انواع و اقسام سیستم‌های حفاظتی و نگهداری زندگی می‌کنند! بدنه‌ی این نهادهای نظامی و انتظامی اما در شرایطی سخت با زندگی سطح پایین روزگار می‌گذرانند و مزایا و امتیاز خاصی ندارند و صرفاً در مواقع بحران سپر بلای نظام و آخوندها می‌شوند. از همین رو مردم نیز در اعتراضات، آنها را به حمایت از خود فرا می‌خوانند و چندین بار پیش آمده که افرادی که حاضر به سرکوب مردم نشده‌اند بجای شعار «بی‌شرف» با عبارت «باشرف باشرف» مورد استقبال معترضان قرار گرفته‌اند.

## دو بال اصلاح طلب و اصولگرا به دنبال نجات نظام در برابر انقلاب ملی ایران؛ مردم: جمهوری اسلامی نمیخوایم! نمیخوایم!



بود... راهکار اولشان آزاد کردن مصطفی تاجزاده از زندان و رفع حصر موسوی و کروبی! آنها ادعا کردند محمد خاتمی ظرفیت جمع کردن اوضاع را دارد و از شمخانی و اژه‌ای خواستند به خاتمی میدان دهند.»

کیهان لندن می‌نویسد که جمهوری اسلامی در تنگنای سرنوشت‌سازی گیر افتاده و روشن است که اصلاح‌طلبان را که سوپاپ‌های اطمینان همیشگی نظام و بال دوم آن هستند به کمک گرفته است. حتا «صبح صادق» نشریه داخلی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز با اشاره به مواضع خاتمی که اخیراً گفته بود «براندازی نه مطلوب است و نه ممکن» این مواضع را مصداق «مرزبندی» با «دشمن و براندازان» برشمرد و خواستار به میدان آمدن خاتمی برای «ایجاد زمینه گفتگو» شده است! اینهمه در حالیکه به نظر می‌رسد تلاش‌های پیدا و پنهان در جمهوری اسلامی برای ایجاد یک ساز و کار جهت «اصلاح نظام حکمرانی» که در فایل صوتی منتشر شده توسط «بلک ریورارد» به آن اشاره شده، وارد مرحله اجرا نیز شده است. این اجرا چه بسا با بازیکنان قدیمی و به همراهی شماری از «زندانیان سیاسی» مدافع اصلاحات با نام «تحول» و «تغییر» به روی صحنه برود.

علی مطهری فعال اصلاح‌طلب و نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی معتقد است که «اگر رهبری ورود کنند و دستوری برای اصلاح بدهند امیدی برای آینده ایجاد می‌شود، ولی اگر ایشان دخالت نکنند معتقدم شورای نگهبان همان رویه خود را ادامه خواهد داد.»

محمدباقر قالیباف هم نیمه آبان‌ماه طی سخنانی گفته بود که «امیدوارم هرچه زودتر امنیت در کشور به صورت کامل تثبیت شود تا تغییرات مشروع و لازم به سمت حکمرانی نو در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی آغاز شود. بر این اساس مرزبندی با خشونت‌طلبی و براندازی شرط ضروری حصول نتیجه و تغییر محسوس در نتیجه اعتراضات است و نظام سیاسی کشور نیز به جهت استواری بر اراده مردم بستر قطعی هر نوع اصلاح و تغییر برای تأمین منافع عمومی است، البته بخشی از این تغییر نیز اصلاح در نظام حکمرانی در چارچوب نظام سیاسی جمهوری اسلامی است که باید به حکمرانی نو منجر شود.»

محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی روز گذشته، سه‌شنبه هشتم آذرماه، در نشست هم‌اندیشی بازرحی ساختارهای فرهنگی کشور گفته که خامنه‌ای «در حوزه فرهنگ، از بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ به عنوان ضرورت»

طی چند روز پایان یافته و به قول مقامات جمهوری اسلامی «جمع» خواهد شد اما مردم با وجود صدها کشته، هزاران زخمی و بیش از ۱۸ هزار بازداشت و انواع سرکوب‌های امنیتی و قطع اینترنت همچنان ایستاده‌اند تا جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و به تاریخ بسپارند.

اصلاح‌طلبان در نخستین هفته‌های خیزش انقلابی، آن را به عنوان ابزاری برای ترمیم پایگاه نابود شده‌ی خود در نظر گرفته و برای سوء استفاده از آن به اظهاراتی در همراهی با مردم پرداختند. عدم استقبال مردم و امتناع آنان نسبت به واکنش‌های اصلاح‌طلبان و تبدیل شدن اعتراضات به انقلاب علیه جمهوری اسلامی سبب شد که اصلاح‌طلبان هم مانند اصولگرایان به فکر راه و چاره برای خروج نظام مورد دفاع‌شان از بحران بیفتند.

پایداری مردم ایران در مسیر انقلاب، به نمایش اختلاف و «بد» و «بدتر» و پلیس «خوب» و «بد» و جنگ‌های زرگری اصلاح‌طلب و اصولگرا پایان داد بطوری که برای نجات نظام اسلامی فاطمه‌رفسنجانی دختر اکبرهاشمی‌رفسنجانی با مجتبی خامنه‌ای فرزند و جانشین احتمالی علی خامنه‌ای دیدار رسمی داشت و هیئتی از اصلاح‌طلبان با علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی و غلامحسین محسنی‌اژه‌ای رئیس قوه قضائیه نشست هم‌اندیشی برگزار کردند. به گزارش کیهان لندن در این نشست بهزاد نبوی، سیدحسین مرعشی، علی شکوری‌راد، فاطمه راعی، علی باقری و محمود صادقی حضور داشتند. برخی منابع غیررسمی می‌گویند حمیدرضا جلائی‌پور هم در این دیدارها حضور داشته است. علی شکوری‌راد سخنگوی «جبهه اصلاحات» هم به تازگی در جلسه شورای مرکزی انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران، با اشاره به دیدار هیئت اصلاح‌طلبان با رئیسی و شمخانی گفته که در این نشست اصلاح‌طلبان حاضر نگرانی خود را از وضعیت موجود به مقامات ابراز کردند.

علی شکوری‌راد اما اعتراف کرده که «مردم تمام دوره‌های اصلاح‌طلبی را پشت سر گذاشته‌اند و از آن نتیجه نگرفتند و حالا دیگر از اصلاح‌طلبان عبور کرده‌اند.»

سخنگوی جبهه اصلاحات افزوده «ما گفتیم که حالا را با سال ۶۰ مقایسه نکنید. اکنون حدود ۷۰-۸۰ درصد مردم معترض و مخالف نظام‌اند.»

یک منبع مطلع درباره این نشست به کیهان لندن گفته بود که «در این جلسه کار اصلاح‌طلبان امتیازگیری از حکومت بود... محور بحث هم کمک به نظام برای عبور از بحران

● ایجاد ساز و کار اصلاح نظام حکمرانی در مرحله جمع‌آوری نظرات و بررسی‌ها قرار دارد و سردار پاسدار محمدباقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی مسئول هماهنگی و جمع‌آوری نظرات در این زمینه شده است!

● اصلاح‌طلبان در نخستین هفته‌های خیزش انقلابی، آن را به عنوان ابزاری برای ترمیم پایگاه نابود شده‌ی خود مورد سوء استفاده قرار دادند و به اظهاراتی در همراهی با مردم پرداختند ولی وقتی اعتراض به انقلاب تبدیل شد مانند اصولگرایان به فکر راه و چاره برای نجات نظام مورد دفاع‌شان افتاده‌اند. آنها با رهبر و دولت و مجلس معیوب می‌خواهند ساختار معیوب نظام را اصلاح کنند!

در سومین ماه از انقلاب ایران، یک فایل صوتی ظاهراً از یک جلسه‌ی امنیتی نظام از دستور علی خامنه‌ای برای «اصلاح نظام حکمرانی» کشور حکایت دارد. همچنین گفته شده سردار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی مسئول جمع‌آوری نظرات و پیشنهاد از سطوح کلان جمهوری اسلامی برای پیشبرد این طرح شده است.

بر اساس فایل صوتی منتشر شده از سوی گروه هکری «بلک ریورارد» از جلسه ظاهراً محرمانه سردار قاسم قریشی جانشین فرمانده بسیج با مسئولان امنیتی جمهوری اسلامی، علی خامنه‌ای دستور داده ساز و کاری برای اصلاح نظام حکمرانی کشور در جمهوری اسلامی ایجاد شود.

در این فایل صوتی مطرح شده که ایجاد این ساز و کار در مرحله جمع‌آوری نظرات و بررسی‌ها قرار دارد و به نظر می‌رسد سردار محمدباقر قالیباف رئیس کنونی مجلس شورای اسلامی و عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مسئول هماهنگی و جمع‌آوری نظرات در این زمینه شده است. اینهمه در حالیکه به بسیاری معتقدند این «فایل»‌ها و خبرها توسط خود نظام و کاملاً هدفمند «درز» داده می‌شود. انقلاب ملی ایران در نیمه سومین ماه خود قرار دارد و مردم در این مدت از هر فرصتی در خیابان و دانشگاه و مدارس و حتی در مراسم خاکسپاری و یادبود جانبختگان، و همچنین با استفاده از ابزار اعتصاب بازار و واحدهای تولیدی برای پیشبرد خیزش انقلابی استفاده کرده‌اند.

جناحین جمهوری اسلامی که سال‌ها پیش خامنه‌ای آنها را «دو بال نظام» نامیده بود، در ابتدا تصور می‌کردند این خیزش مانند اعتراضات سراسری دی ۹۶ و آبان ۹۸ با سرکوب مسلحانه

## «سرهنگ پاسدار داود جعفری» در سوریه کشته شد یا اوکراین؟!



مراسم تشییع جنازه جعفری در مسجد نیروی هوافضای سپاه پاسداران در تهران

عقب‌نشینی روسیه از خرسون کشته شدند. او گفته بود در پی شکست و عقب‌نشینی روسیه از شهر خرسون در جنوب اوکراین، شمار زیادی نیروی نظامی اسیر شدند اما نیروهای روسیه به صورت عمدی ساختمانی را که این اسیران در آنها نگهداری می‌شدند هدف شلیک موشک قرار دادند و همگی این افراد کشته شدند.



بازگرداندن جسد جعفری از سوریه به تهران

این منبع توضیح داده بود «به خاطر فشار جمهوری اسلامی به پوتین برای معامله و آزاد کردن نیروهای وابسته به ایران، پوتین با موشک این ساختمان مخفی را منهدم کرد و اسرا اعم از ایرانی و روسی کشته شدند.» بر اساس اطلاعات این منبع آگاه، اروپایی‌ها به دنبال آن هستند که شماری از اسرای سپاه در اوکراین را با شهروندان خارجی گروگان گرفته شده توسط جمهوری اسلامی مبادله کنند. در مراسم تشییع جنازه داود جعفری فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله حسین سلامی فرمانده کل سپاه، امیرعلی حاجی‌زاده فرمانده نیروی هوافضا و اسماعیل قآنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران حضور داشتند.

● یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید سرهنگ داود جعفری عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که ادعا شد در سوریه در اثر انفجار بمب کنار جاده‌ای حوالی دمشق کشته شده یکی از فرماندهان اعزامی سپاه به اوکراین بود که در کریمه کشته شده است.

● به گفته این منبع مطلع جسد جعفری ابتدا از محل دیگری به دمشق و سپس از آنجا پنجشنبه صبح سوم آذرماه به تهران منتقل گردید. این هواپیما سه چهار ساعت در فرودگاه دمشق معطل بود تا جنازه‌ی این «سرهنگ پاسدار» برسد. همین موضوع احتمال این را که جسد وی از جای دیگری به سوریه منتقل شده تقویت می‌کند.

یک منبع مطلع به کیهان لندن می‌گوید سرهنگ داود جعفری عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که ادعا شد در سوریه بر اثر انفجار بمب کنار جاده‌ای حوالی دمشق کشته شده یکی از فرماندهان اعزامی سپاه به اوکراین بود که در کریمه کشته شده است.

خبرگزاری‌های حکومتی در ایران چهارشنبه دوم آذرماه درباره جعفری گزارش دادند که وی عضو ارشد نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بوده است. نکته قابل توجه این است که این افسر در سال ۱۳۹۴ وقتی درجه‌اش ستوان یکم بود در نیروی دریایی سپاه پاسداران خدمت می‌کرد و یکی از آنهایی بود که بعد از گروگانگیری تفنگداران دریایی آمریکا در خلیج فارس از دست خامنه‌ای نشان «فتح» دریافت کرد.

خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران مدعی شده است که داود جعفری به عنوان «مستشار» در سوریه خدمت می‌کرد و عامل مرگ او «رژیم صهیونیستی» است! اما به گفته‌ی این منبع مطلع جسد جعفری ابتدا از محل دیگری به دمشق و سپس از آنجا پنجشنبه صبح سوم آذرماه به تهران منتقل گردید. این هواپیما سه چهار ساعت در فرودگاه دمشق معطل بود تا جنازه‌ی این «سرهنگ پاسدار» برسد. همین موضوع احتمال این را که جسد وی از جای دیگری به سوریه منتقل شده تقویت می‌کند.

یک منبع آگاه دیگر روز پنجشنبه ۳ آذر به کیهان لندن گفته بود در هفته‌های اخیر دست‌کم ۱۸ نفر از اعضای سپاه پاسداران اعزامی به اوکراین که ایرانی بودند پس از

سرخ گفته و «نه از یک اصلاح و ویرایش و یکی از مهم‌ترین مسائل که در این بازسازی باید جدی گرفته شود و در جریان کوتاهی‌های تاریخی به آن بپردازیم، مسأله بانوان است.»

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در ادامه گفته که «در جلسات مهندسی فکری و جلسات اتاق فکر، اعتراض خود را نسبت به موضوع جدی نگرفتن انتصاب بانوان به عنوان اعضای حقیقی مبنی بر اینکه از ظرفیت این جماعت بانوان فرهیخته انقلاب فرهنگی باید استفاده شود، اعلام کرده‌ام. ما در سازمان تبلیغات اسلامی تصمیم گرفتیم جلساتی را با حضور بانوان صاحب فکر و سخن برگزار کنیم، شاید خروجی این جلسات این باشد که پیشنهادات و نظرات به نهادهای بالادستی عرضه شود و جمع فرهیخته بانوان ضرورت‌های روی زمین مانده در حوزه فرهنگی را از این نهادها مطالبه کنند و در صورت استمرار در نظر است این جلسات از فضای تشریفاتی، زینتی و مباحث بی‌حاصل فاصله بگیرد و خروجی داشته باشد.»

این ادعاهای شعاری و مضحک در حالی مطرح می‌شود که اساس دیدگاه فقه اسلامی که مبنای قانونگذاری و حکمرانی جمهوری اسلامی است هیچ حقوق برابری میان زن و مرد را به رسمیت نمی‌شناسد. جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس با لغو بسیاری از حقوق زنان که پیش از انقلاب تأمین شده بود و همچنین با تحمیل حجاب اجباری آنان را به ابزاری برای نمایش ایدئولوژیک جامعه مسلمان تبدیل کرد. اکنون نیز ممکن است بندهای حجاب اجباری را شل کرده و حتا گشت ارشاد را هم برچینند! اما جمهوری اسلامی از زیر پا گذاشتن حقوق زنان هرگز کوتاه نخواهد آمد!

در این میان، امروز چهارشنبه ۹ آذر ۱۴۰۱ امان‌الله حسین‌پور نماینده مجلس شورای اسلامی از آغاز اصلاح ساختارهای معیوب کشور خبر داد و گفت که مجلس در حال اصلاح ساختارهای معیوب کشور است! این در حالیست که خود ساز و کار مجلس اسلامی و گزینش به اصطلاح نمایندگان از سر تا پا معیوب است! حالا با رهبر و دولت و مجلس معیوب می‌خواهند ساختار معیوب نظام را اصلاح کنند!

امان‌الله حسین‌پور افزوده که گرانی‌های امروز ریشه در ساز و کار نامناسب در کشور دارد و ساختار کشور، ساختار ایرادداری است که باید اصلاح شود!

این نماینده مجلس اسلامی در ادامه به مشکلات ساختاری در حوزه سیاسی و اجتماعی اشاره نکرده و صرفاً به مشکلات معیشتی و بخش از قوانین و تصمیمات اقتصادی که سبب توزیع رانت و فساد شده پرداخته است.

«اصلاحات ساختاری» عبارتی است که در بخشنامه «خط‌مشی‌ها و چارچوب کلان برنامه هفتم توسعه» که دوم آذرماه توسط ابراهیم رئیسی ابلاغ شد هم چند بار به عنوان «راهبردهای الزامی برای دستیابی به هدف پیشرفت اقتصادی توأم با عدالت» مورد استفاده قرار گرفته و بیشتر محور قانونگذاری و سیاست‌گذاری اقتصادی را مورد نظر داشته است. هرچند بسیاری معتقدند که فقر و نابرابری و گرانی از جمله عوامل تحریک‌کننده مردم برای حضور در اعتراضات و پیوستن به خیزش انقلابی هستند اما آنچه مقامات جمهوری اسلامی از اصلاح‌طلب تا اصولگرا حاضر به پذیرش آن نیستند اینست که اساساً ساختار و بنیان فکری نظام جمهوری اسلامی، ویرانی‌آفرین است و هیچ تناسبی با فرهنگ و تاریخ و خواسته‌های مردم ایران ندارد. به همین جهت است که اعتراضات و ناراضی‌ت‌های سال‌های گذشته، با وجود خشن‌ترین سرکوب‌های حکومت، به خیزش انقلابی علیه کل نظام تبدیل شده و مردم فریاد می‌زنند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند!

## «تیم حکومتی» به آمریکا باخت؛ تدارکات جشن نظام در حال سقوط برای «صعود» بهم ریخت!



با این نتیجه از گروه B تیم‌های انگلیس و آمریکا به مرحله بعد مسابقات صعود کردند و نمایندگان جمهوری اسلامی و ولز حذف شدند. گزارش‌های دریافتی از ایران حاکیست در بسیاری از شهرها پس باخت تیم حکومتی مردم شادی کردند آنهم در شرایطی که سرکوبگران بسیجی و نیروی انتظامی آماده شده بودند مثل ساعات پس از مسابقه با تیم ولز ←

در این مسابقه که سه‌شنبه هشتم آذرماه در استادیوم «الثممه» دوحه برگزار شد اگر بازیکنان کیروش حتما مساوی هم می‌کردند می‌توانستند به مرحله بعد صعود کنند اما با ارائه یک بازی تدافعی و ناهماهنگ شکست خوردند و در بجز یکی دو موقعیت هیچ فرصت مهمی برای گل زدن پیدا نکردند. تک‌گل این مسابقه را در دقیقه ۳۸ نیمه دوم کریستین پولیشیچ به ثمر رساند.

● کار بازیکنان کارلوس کیروش در قطر تمام شد! آنهم در شبی که حکومت و حامیانش دل خود را خوش کرده بودند بودند با پیروزی در مقابل تیم آمریکا جشن «صعود» بگیرند و رجز بخوانند! در حالی که مردم اساسا این تیم فوتبال را «غیرملی» دانسته و آن را به کنایه «تیم ملأ» می‌خوانند.

● «پایان رویای صعود با فقر تاکتیکی» تیتز گزارش شبکه «العالم» درباره باخت نماینده جمهوری اسلامی بود آنهم در حالی که برای رژیم مهم‌تر از فوتبال، پیامد تبلیغاتی آن بود. حکومت حساب ویژه روی صعود و قبضه شدن خیابان توسط هوادارانش باز کرده بود که با شکست تیم، ناکام ماند.

● هم در زمان فتح دروازه تیم جمهوری اسلامی توسط آمریکا و هم با تمام شدن مسابقه، مردم در چندین شهر از جمله مهاباد، اهواز، سنج، شیراز، کرج و نقاطی از تهران یا از پنجره‌ها و بر باها فریاد شادی و شعار سر دادند و یا با ماشین و بوق‌زنان به خیابان‌ها آمدند. پیام مردم به جمهوری اسلامی و مأموران امنیتی‌اش روشن است: تیم حکومتی در میان مردم پایگاهی ندارد تا از پیروزی‌اش خوشحال و از باخت‌اش ناراحت شوند!

جام جهانی قطر ۲۰۲۲ برای شاگردان کارلوس کیروش تمام شد! پایان! آنهم در شبی که حکومت و حامیانش دل خود را خوش کرده بودند که پس از بردن در برابر تیم ولز، حالا با پیروزی در مقابل تیم آمریکا، «دشمن»، «شیطان بزرگ»، جشن «صعود» بگیرند و یک شکم سیر بر خون مردم شادی کنند و رجز بخوانند! در حالی که مردم اساسا این تیم فوتبال را «غیرملی» دانسته و آن را به کنایه «تیم ملأ» می‌خوانند.



برخورد علیرضا بیرانوند و کریستین پولیشیچ در صحنه به ثمر رسیدن تک گل تیم آمریکا

## در دوحه کپروش روی دست بازیکنان؛ در زاهدان پیکرهای تیرخورده روی دست مردم؛ تهران دستگیری وریا غفوری...



روزبه چشمی (دقیقه ۹۸) و رامین رضاییان (دقیقه ۱۰۱) موفق به گلزنی شدند

ملی و فرهنگی و نام «مهسا امینی» را که جهانی و به نام رمز انقلاب ملی ایران تبدیل شده دور از چشم مأموران حفاظتی بالا می‌برند و دوربین‌ها آنها را ثبت کرده‌اند.

همزمان با برگزاری این مسابقه در شهرهای سیستان و بلوچستان از جمله زاهدان، سراوان و خاش مردم باز دست به اعتراض زدند. در زاهدان معترضان شعار می‌دادند «گرد و بلوچ برادرند، تشنه خون رهبرند».

در زاهدان نیروهای امنیتی به سمت مردم تیراندازی کردند. تعداد تلفات و زخمی‌های احتمالی هنوز مشخص نیست اما ویدئوهایی زیادی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که نشان می‌دهد مردم شماری از زخمی‌ها را در خیابان به گوشه‌ای می‌کشاند تا در امان باشند و یا به درمانگاه می‌برند. با نتیجه‌ی بازی امروز، بازیکنان کپروش تا قبل از مسابقه انگلیس و آمریکا در رده دوم جدول رقابت‌های گروه B قرار گرفته‌اند. تلخی این پیروزی در این است که بازیکنان «غیرملی» در دوحه با خوشحالی کارلوس کپروش را روی دست بلند کردند در حالی که همزمان در زاهدان پیکر شهروندانی که گلوله خورده‌اند روی دست مردم بود!

پس از پایان مسابقه ایران و ولز مرتضی پورعلی گنجی درباره اینکه چرا در این مسابقه بازیکنان سرود جمهوری اسلامی را خواندند گفت «ما برای این مردم تلاش می‌کنیم تا دل آنها را شاد کنیم!»

بازیکنان تیم ایران که مردم آن را تیم «غیرملی» و تیم «ملا» می‌خوانند، برخلاف نخستین مسابقه در مقابل تیم انگلیس، سرود ضدملی جمهوری اسلامی را خواندند. البته برخی لب می‌زدند و برخی نیز بی‌رغبتی خود را از شرایط در برابر دوربین نشان دادند. اتفاقاً روزنامه «بیلد» آلمان در مورد حواشی این مسابقه به غیرعادی بودن وضعیت و اینکه بازیکنان بدون هیچ انگیزه‌ای به نظر می‌رسند و این احساس خود را نشان نیز داده‌اند اشاره کرده است.

● بازیکنان کارلوس کپروش در دومین مسابقه از دیدارهای گروه B رقابت‌های جام جهانی قطر ۲۰۲۲ با دو گل تیم فوتبال ولز را شکست دادند.

● همزمان با مسابقه فوتبال در دوحه مردم در استان سیستان و بلوچستان دست به اعتراض زدند و مأموران امنیتی به سوی آنها تیراندازی کردند. در زاهدان شعار دادند «گرد و بلوچ برادرند، تشنه خون رهبرند».

بازیکنان کارلوس کپروش در دومین مسابقه از دیدارهای گروه B رقابت‌های جام جهانی قطر ۲۰۲۲ که روز جمعه ۴ آذر برگزار شد با دو گل تیم فوتبال ولز را شکست دادند. روزبه چشمی و رامین رضاییان گل‌های این مسابقه را در وقت‌های تلف شده به ثمر رساندند.

در شرایطی که یک شب پیش از برگزاری این مسابقه وریا غفوری کاپیتان سابق تیم «تاج» (استقلال) و بازیکن فعال تیم فولاد توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) به دلیل حمایت از خیزش انقلابی مردم و حقوق آنان بازداشت شده بود مردم توقع داشتند اینبار بازیکنان در زمین مسابقه واکنشی در حمایت از همبازی سابق‌شان و مردم نشان دهند اما باز هم این اتفاق از سوی تیمی که تا کنون نشان داده‌اند «غیرملی» هستند نیفتاد.

البته منابع غیررسمی مدعی شدند پس از مسابقه این تیم در مقابل تیم انگلیس به دلیل اینکه بازیکنان سرود جمهوری اسلامی را همخوانی نکردند از سوی نهادهای امنیتی زیر فشار قرار گرفتند!

در حاشیه این مسابقه، مأموران قطری در استادیوم بار دیگر ورود پرچم شیروخورشید و پرچم‌ها و تی‌شرت‌هایی را که روی آنها شعار «زن، زندگی، آزادی» و در حمایت از مردم ایران و حقوق آنها نوشته شده، رصد می‌کردند با اینهمه موفق نشدند بطور کامل مانع ورود آنها به ورزشگاه شوند. شمار زیادی از ایرانی‌ها روی سکوها این نشان‌ها و نمادهای

→ خیابان‌ها را قُرق کنند و در کمال بی‌شرمی بر خون مردمی که به دست آنها کشته شده‌اند به جشن و پایکوبی بپردازند اما نقشه‌های نظام در حال سقوط برای «صعود» فوتبالی نقش بر آب شد.

«پایان رویای صعود با فقر تاکتیکی» تیتراژ گزارش شبکه «العالم» درباره باخت نماینده جمهوری اسلامی بود آنهم در حالی که برای رژیم مهم‌تر از فوتبال، پیامد تبلیغاتی آن بود. حکومت حساب ویژه روی صعود و قبضه شدن خیابان توسط هوادارانش باز کرده بود که با شکست تیم، ناکام ماند.

از سوی دیگر، هم در زمان فتح دروازه تیم جمهوری اسلامی توسط آمریکا و هم با تمام شدن مسابقه، مردم در چندین شهر از جمله مهاباد، اهواز، سنندج، شیراز، کرج و نقاطی از تهران یا از پنجره‌ها و بر بام‌ها فریاد شادی و شعار سر دادند و یا با ماشین و بوق‌زنان به خیابان‌ها آمدند. پیام مردم به جمهوری اسلامی و مأموران امنیتی‌اش روشن است: تیم حکومتی در میان مردم پایگاهی ندارد تا از پیروزی‌اش خوشحال و از باخت‌اش ناراحت شوند! در شهرک اکباتان تهران مردم با سوت و شیپورهای استادیومی پیام‌شان را به حکومت رساندند.

در قزوین مردم در واکنش به حذف نماینده جمهوری اسلامی از مسابقات جام جهانی آتش‌بازی به راه انداختند. چند بازیکن از جمله سعید عزت‌اللهی بعد از پایان مسابقه از مردم به خاطر باخت عذرخواهی و ابراز تأسف کردند در حالی که مردم از این باخت خوشحال‌اند! چرا که از بازیکنان تیم انتظار پشتیبانی و حمایت از اعتراضات خود را داشتند و نه اینکه همسو با حکومت سرود جمهوری اسلامی را بخوانند و در مورد بازداشت گسترده معترضان و حتا همبازی‌های سابق خودشان سکوت کنند. این بازیکنان یک فرصت جهانی در اختیار داشتند تا به مردم و دنیا نشان دهند کجا ایستاده‌اند: کنار نظام دینی و ضدبشری جمهوری اسلامی و یا در کنار مردمی که سال‌هاست فریاد می‌زنند این رژیم را نمی‌خواهند! این تیم فوتبال نه تنها فرصت صعود در جام جهانی بلکه فرصت قرار گرفتن در کنار مردم را نیز از دست داد و شکست خورده در دامان جمهوری اسلامی سقوط کرد!

پس از پایان مسابقه بیرون استادیوم شماری از هواداران حکومت با تماشای مخالف جمهوری اسلامی درگیر شدند. آنها که از باخت تیم‌شان عصبی بودند شعار «وطن‌فروش» و «بی‌شرف» سر دادند حال آنکه خود مدافع یک نظام بی‌وطن هستند که مأمورانش با شعار «بی‌شرف بی‌شرف» از سوی مردم استقیال می‌شوند! به گزارش رسانه‌های آلمان جمهوری اسلامی پنج هزار نفر تماشاچی به این مسابقه برده بود تا با فریادهای خود شعارهای مخالفان را که در دو مسابقه قبلی در برابر تیم‌های انگلیس و ولز به گوش می‌رسید خنثی کنند. این خبر نیز گزارش شد که هزاران بلیت مجانی بین اتباع هندی و بنگلادشی پخش شد که با خرج جمهوری اسلامی وارد استادیوم شده بودند.

همچنین حامیان حکومت در شبکه‌های مجازی کارزار بد و بیراه و توهین علیه آنها راه انداخته‌اند که از حذف نماینده جمهوری اسلامی از جام جهانی ابراز شادی می‌کنند. در این میان، جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف سینماهایی را برای تماشای مسابقه اختصاص داده بود و امیدوار بود بتواند با همان اقلیتی که با آن همراهی می‌کنند کارناوال شادی در خیابان‌ها به راه اندازند. رویایی که نقش بر آب شد. جمهوری اسلامی و تیم‌اش از آمریکا شکست خوردند و باعث شادی مردم شدند!

## شلیک به شادی مردم بعد از شکست «تیم حکومتی» در مقابل تیم آمریکا؛ شکست پروژه فاشیستی ملاها و سپاه پاسداران

امپریالیسم جهانی تحمیل شود آنهم از سوی تنها کشوری که اینطور علیه نظم جهانی این امپریالیسم شوریده است.» در چنین فضایی شادی مردم در سراسر کشور برای حکومت و حامیانش بسیار سنگین تمام شد. در انزلی (بندر پهلوی) مأموران سرکوبگر که نتوانستند شادی مردم را تحمل کنند به سمت آنها تیراندازی کردند که طی آن جوانی به نام مهران سماک کشته شد. پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور جمهوری اسلامی بدون اشاره به کارزار ضدحکومتی پس از مسابقه فوتبال صبح چهارشنبه ادعا کرد که شرایط امنیتی آرام است. وی گفت «مراقبت از سوی دستگاه‌های مسئول انجام می‌شود». اما در عین حال هشدار داد «طبیعی است که جریان معاند، تروریست و تجزیه‌طلب خارج از مرزها دنبال این هستند که وضعیت این شهرها را بهم بریزند.» مالک شریعتی نماینده حزب‌اللهی‌های مجلس شورای می‌گوید: «به موازات مسابقات تیم ملی فوتبال ایران،

فوتبال باشد که همه می‌دانند چقدر مردم ایران نیز به آن علاقه دارند. در این میان، شهردای تهران و چند شهر دیگر برنامه‌ریزی کرده بودند تا بعد از پیروزی بر آمریکا برای جشن «صعود» مراسم نورافشانی و آتش‌بازی به راه بیندازند. تعداد زیادی از سینماها در فُرق‌حامیان نظام بود و خیال داشتند بعد از پیروزی که معلوم نیست به چه دلیل فکر می‌کردند قطعی است، از همانجا به خیابان‌ها سرازیر شوند و مثل اتفاقی که بعد از پیروزی مقابل تیم ولز افتاد در خیابان‌ها راه‌بیفتند و برای مردم رجزخوانی کنند. مقامات جمهوری اسلامی که به رسم فاشیست‌ها و نازی‌ها فوتبال را ابزاری برای بسیج حامیان‌شان برای پیشبرد اهداف سیاسی می‌دانند برای جشن صعود که با نتیجه مساوی در مسابقه سه‌شنبه هم به دست می‌آمد و حتا مهمتر از آن پیروزی در مقابل آمریکا تدارکات گسترده‌ای دیده بودند. الکساندر کولین واین در کتاب «فوتبال؛ فاشیسم و نازیسم»

● سردار پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی گفته بود «انشاءالله آمریکایی‌ها فردا صبح می‌گویند له شدیم.» ● تا حدود ساعت سه صبح به وقت ایران مردم در خیابان‌ها کارناوال شادی به راه انداختند و شکست پروژه امنیتی نظام برای لشکرکشی هوادارانش در خیابان را جشن گرفتند و علیه خامنه‌ای شعار سر دادند. ● الکساندر کولین واین در کتاب «فوتبال؛ فاشیسم و نازیسم» می‌نویسد فوتبال ابزاری سیاسی در دست دولتمردان احزاب فاشیست و نازیست است.» ● روزنامه بدنام «کپهان تهران» در سرمقاله خود نوشته بود «چون رقیب ما در این بازی آمریکاست، چشم‌های زیادی در غزه، لبنان، صنعا و بصره و الجزایر و کراچی و هرات و حتی کاراکاس و بوئنوس‌آیرس و عربستان به آن زمین چمن در قطر دوخته شده.» ● شادی مردم در سراسر کشور برای حکومت و حامیانش



شادی مردم پس از شکست تیم فوتبال حکومتی از آمریکا



شادی سرکوبگران و قاتلان مردم پس از پیروزی مقابل تیم ولز

مسابقه‌ای بین وطن‌دوستان و وطن‌پرستان با وطن‌فروشان برگزار شد که وطن‌پرستان قاطعانه پیروز شدند.» پروانه سلشجوری نماینده سابق مجلس اسلامی نزدیک به جریان اصلاح‌طلب در توییتی نوشته شادی بعضی مردم پس از باخت «تیم ملی» نتیجه خودی و غیرخودی‌سازی جامعه است. حکومت مبلغان و تبلیغاتچی‌های خود را برای توجیه و تفسیر موضع‌گیری مردم علیه تیم فوتبال به صف کرده که یکی از آنها وحید یامین‌پور است. وی با بافتن آسمان و ریسمان بهم ادعا کرده «حمله به تیم ملی مقدمه‌سازی روانی برای تجزیه‌طلبی است!» عبدالکریم عابدینی نماینده خامنه‌ای در قزوین با اشاره به شکست تیم فوتبال جمهوری اسلامی مقابل آمریکا چنین سرخودش و هواداران رژیم کلاه گذاشته و گفته «در زمین حقیقی، گل‌های زیادی به آمریکا زده‌ایم، راهپیمایی اربعین گل حقیقی است که ما به آمریکا زده‌ایم!»

می‌نویسد فوتبال ابزاری سیاسی در دست دولتمردان احزاب فاشیست و نازیست است.» سردار پاسدار علی فدوی جانشین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک سخنرانی گفته بود «انشاءالله آمریکایی‌ها فردا صبح می‌گویند له شدیم!» اما نه تنها آمریکایی‌ها له نشدند و به همراه انگلیس جشن صعود گرفتند بلکه تا حدود ساعت سه صبح به وقت ایران مردم در خیابان‌ها کارناوال شادی به راه انداختند و شکست پروژه امنیتی نظام برای لشکرکشی هوادارانش در خیابان را جشن گرفتند و علیه حکومت و علی خامنه‌ای شعار سر دادند. روزنامه بدنام «کپهان تهران» در سرمقاله خود نوشته بود «چون رقیب ما در این بازی آمریکاست، چشم‌های زیادی در غزه، لبنان، صنعا و بصره و الجزایر و کراچی و هرات و حتی کاراکاس و بوئنوس‌آیرس و عربستان به آن زمین چمن در قطر دوخته شده!» این روزنامه منفور ابراز امیدواری کرده بود که «یک شکست بزرگ و سیلی محکم دیگر بر این

سنگین تمام شد. مالک شریعتی نماینده حزب‌اللهی‌های مجلس شورای می‌گوید: «به موازات مسابقات تیم ملی فوتبال ایران، مسابقه‌ای بین وطن‌دوستان و وطن‌پرستان با وطن‌فروشان برگزار شد که وطن‌پرستان قاطعانه پیروز شدند.» ● در انزلی (بندر پهلوی) مأموران سرکوبگر که نتوانستند شادی مردم را تحمل کنند به سمت آنها تیراندازی کردند که طی آن جوانی به نام مهران سماک کشته شد. مردم ایران سحرگاه چهارشنبه ۹ آذر پس از شکست تیم نماینده جمهوری اسلامی از تیم آمریکا در مسابقات جام جهانی فوتبال قطر ۲۰۲۲ به خیابان‌ها آمدند و علیه حکومت شعار دادند و یکی از بزرگترین کارزارهای خیابانی ضدحکومتی طی هفته‌های اخیر را به راه انداختند که پیامی کاملاً روشن و گویا داشت: مردم از شکست جمهوری اسلامی خوشحال می‌شوند و شادی می‌کنند حتی اگر در



اعتراضات شبانه در تهران

## فرمانده سپاه پاسداران در افتتاح پروژه لوله کشی آب:

# برای ما اهمیت ندارد جوانان بعد از شکست تیم فوتبال جشن گرفتند!

افتخاری» نیز استفاده می‌شود. وی همچنین تأکید کرده کلاتری‌ها پناهگاه مردم هستند!

این نکته را ناگفته نباید گذاشت که وقتی سلامی ادعا می‌کند شادی مردم پس از باخت تیم فوتبال جمهوری اسلامی از آمریکا بی‌اهمیت است، دروغ می‌گوید و حقیقت را لاپوشانی می‌کند. شادی مردم پس از باخت تیمی که مردم آن را غیرملی می‌دانند بسیار سنگین تمام شده است. تمام جهان در صدها ویدئویی که منتشر شد دیده‌اند که چطور مردم برعکس گذشته و برعکس همه جهان برای باخت تیم مربوط به کشورشان شادی می‌کنند! اما زمامداران نظام که نمی‌توانند این واقعیت را حاشا کنند، مجبورند بگویند «اهمیتی ندارد!» اگر خوشحالی مردم برای باخت تیم حکومتی بی‌اهمیت بود، سرکوبگران به کارناوال‌های شادی شلیک نمی‌کردند و مردم را نمی‌کشتند! مهران سماک جوان ۲۷ ساله در بندر انزلی به جرم شادی از همین باخت توسط نیروهای امنیتی و با شلیک مستقیم گلوله کشته شد. جوانی که در مدرسه همبازی سعید عزت‌اللهی بازیکن تیم غیرملی در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بود و پس از باخت اشک می‌ریخت!

روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از یک «جامعه‌شناس» که از قرار معلوم اطلاعات و سوادى درباره جامعه و جامعه‌شناسی ندارد نوشته «خوشحالی از باخت ایران ریزتر از آن است که مسئله جامعه‌شناسان باشد!» اما این «خوشحالی» نیز که «ریزتر از آن است که مسئله جامعه‌شناسان باشد» مانند انقلاب ملی ایران جهان را به شگفتی واداشته و مفسران ورزشی را با پدیده‌ای تازه روبرو کرده است که هرگز با آن برخورد نداشته‌اند!

روزنامه بدنام و منفور «کیهان تهران» نیز در گزارشی در همین ارتباط نوشته «بلافاصله پس از اتمام بازی در حالی که بازیکنان تیم ملی اشک می‌ریختند، عده‌ای از وطن‌فروشان به کوچه‌ها و خیابان‌ها آمدند و شروع به پایکوبی و شادی کردند؛ همان‌هایی که عزادار بودند!» تمام اینها نکاتی است که توجه بازیکنان تیم غیرملی را می‌بایست جلب کند: در جایی که نظام کودک‌کش جمهوری اسلامی و رسانه‌های بدنام و منفورشان مدافع آنها هستند، قطعا در سمت درست تاریخ و منافع ایران و ایرانیان ناپستاده‌اند!

در کشور جشن می‌گیرند، اگرچه برای ما اهمیتی ندارد!» وی روز پنجشنبه ۱۰ آذر در جریان یک سخنرانی در شیراز به مناسبت «آبرسانی به چند روستا» با بیان هذیاناتی مانند اینکه دشمنان امنیت را نشانه گرفته و از رفاه مردم ناخشنودند گفته «تا پای جان پای مردم و این نظام و مملکت می‌مانیم... با جوانان فریب‌خورده و دست در دست هم بر روی دشمن ایران اسلامی و این مردم عزیز شمشیر خواهیم کشید!»

فرمانده کل سپاه، همچنین در سخنانی بی‌سر و ته و تعارفات بی‌مایه افزود: «بچه‌های بسیج و سپاه از خود این مردم هستند، ما منت مردم را می‌کشیم و نازشان را می‌خریم و عزیز بودن این مردم، آرزوی ماست؛ اجازه نمی‌دهیم کسی آرامش این مردم را به هم بزند، آرزو می‌کنیم که هرچه درد فرمانده سپاه در تبلیغ پروژه‌های ظاهراً عمرانی که در چند روستا افتتاح شده به روضه‌خوانی پرداخت و گفت «آبرسانی کاری ابوالفضلی است، سقایی و آبرسانی کاری خدايي است و آنقدر عظمت دارد که در این راه، سقاي سپاه امام حسين برای این کار، چنین جانفشانی می‌کند!»

نکته قابل توجه اینکه حسین سلامی در شرایطی سپاه را دلسوز مردم معرفی می‌کند که نیروهای سپاه شامل (یگان‌های صابرین و فاتحین، بسیج و لباس شخصی‌ها) در سرکوب اعتراضات مردم با نیروی انتظامی همکاری دارند و آنها را به قتل می‌رسانند!

همچنین فرمانده کل سپاه از ضرورت تأمین امنیت و آسایش مردم می‌گوید اما منظور او در عمل پلیسی شدن شهرها و محلات و پیگرد و دستگیری و ربودن شهروندان و حتی پیکر جانباختگان است!

حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی نیز می‌گوید برای تأمین امنیت مردم در محله‌ها از ۷۳۷ مؤسسه حفاظتی و مراقبتی با بیش از ۱۰۰ هزار نفر پلیس‌یار (نگهبان مؤسسات انتظام) در بیش از ۱۲ هزار نقطه در سطح کشور بهره‌گیری شده است! البته این افراد که نه نظامی و انتظامی بلکه «شبگرد»‌هایی مشابه دوران قاجار هستند، به همراه «گشت رضویون» مأموریت کمک به مثلاً تأمین امنیت در سطح محلات را دارند.

اشتری گفته برای تأمین امنیت محلات از ظرفیت «پلیس

● فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در هذیاناتی عجیب و تعارفاتی بی‌مایه می‌گوید «دشمنان نمی‌توانند پیشرفت ایران اسلامی را در دنیا ببینند، بذرفتنه را در قلوب جوانان می‌افکنند و حتا در شکست تیم فوتبال ایران به نیابت از این دشمنان در کشور جشن می‌گیرند، اگرچه برای ما اهمیتی ندارد... ما منت مردم را می‌کشیم و نازشان را می‌خریم!»

● فرمانده سپاه در تبلیغ پروژه‌های ظاهراً عمرانی که در چند روستا افتتاح شده به روضه‌خوانی پرداخت و گفت «آبرسانی کاری ابوالفضلی است، سقایی و آبرسانی کاری خدایی است و آنقدر عظمت دارد که در این راه، سقاي سپاه امام حسين برای این کار، چنین جانفشانی می‌کند... عزیز بودن این مردم، آرزوی ماست؛ اجازه نمی‌دهیم کسی آرامش این مردم را به هم بزند، آرزو می‌کنیم که هرچه درد و بلای این مردم است، به ما بخورد.»

● حسین اشتری فرمانده نیروی انتظامی: «برای تأمین امنیت مردم در محله‌ها از ۷۳۷ مؤسسه حفاظتی و مراقبتی با بیش از ۱۰۰ هزار نفر پلیس‌یار (نگهبان مؤسسات انتظام) در بیش از ۱۲ هزار نقطه در سطح کشور بهره‌گیری شده است... کلاتری‌ها پناهگاه مردم هستند!»

● در این میان «خوشحالی» مردم از باخت تیم غیرملی که به نظر «جامعه‌شناس» روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران «ریزتر از آن است که مسئله جامعه‌شناسان باشد» مانند انقلاب ملی ایران جهان را به شگفتی واداشته و مفسران ورزشی را با پدیده‌ای تازه روبرو کرده است که هرگز با آن برخورد نداشته‌اند!

● شادی سراسری مردم از باخت تیم غیرملی و دفاع مقامات و رسانه‌های جمهوری اسلامی از این تیم نکاتی است که توجه بازیکنان را می‌بایست جلب کند: در جایی که نظام کودک‌کش و رسانه‌های بدنام و منفورشان مدافع آنها هستند، قطعا در سمت درست تاریخ و منافع ایران و ایرانیان ناپستاده‌اند!

حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته است «دشمنان که نمی‌توانند پیشرفت ایران اسلامی را در دنیا ببینند، بذرفتنه را در قلوب جوانان می‌افکنند و حتا در شکست تیم فوتبال ایران به نیابت از این دشمنان

# ایستادگی جنبش دانشجویی همگام با انقلاب ملی؛ «شنبه سیاه» در دانشگاه‌های ایران



قرار گرفته است، با دانشجویان برای بازگرداندن فضای امن و آرام به دانشکده همراه شوند.»

دانشجویان دانشگاه «چمران» اهواز نیز در بیانیه‌ای که آغازش با عبارت «از خون طفلان وطن، لاله دمیده» بود اعلام کردند اعتراضات خود را ادامه خواهند داد. آنها در این بیانیه نوشتند که «از یک طرف در ایده ماموران حکومتی در سالروز قیام خونین آبان ۹۸، جان چندین نفر از جمله کیان ۹ ساله را میگیرند و از طرف دیگر در کردستان میدان جنگ به راه می‌اندازند. اما سرکوب‌ها محدود به خیابان‌ها نیست در دانشگاه چمران نیز علی‌رغم منع قانونی ورود نیروهای امنیتی به دانشگاه شاهد آن هستیم که نیروهای امنیتی و لباس شخصی با حضور در دانشگاه چمران، ضرب و شتم و بازداشت دانشجویان در ساعت‌های خلوت دانشگاه و یا یورش به خوابگاه و یا محل سکونت آن‌ها به دنبال ایجاد رعب و وحشت در بین دانشجویان هستند، آمار دقیقی از تعداد بازداشتی‌های دانشگاه که بخصوص در روزهای اخیر افزایش پیدا کرده در دست نیست.»

بیش از ۳۰۰ تن از دانش‌آموختگان دانشگاه علامه طباطبایی با امضای یک نامه جمعی با محکوم کردن سرکوب دانشجویان همزمان با سرکوب گسترده معترضان در اعتراضات اخیر اعلام کرده‌اند تمامی دانشجویان در بند باید هرچه سریع‌تر و بدون قید و شرط آزاد شوند و حملات گسترده به دانشگاه و دانشجویان از جمله روند احکام گسترده کمیته‌های انضباطی متوقف شود.

در بیانیه این فارغ‌التحصیلان علامه آمده: «سرکوب دانشگاه، سرکوب آزادی و برابری خواهی است و شعار «آزادی زندانیان سیاسی» و «زن، زندگی، آزادی» را باید همانند گذشته با صدایی رسا به صحن دانشگاه آورد چرا که دانشجویان «از» و «برای» مردم هستند و پیوند آنهاست که برابری و دموکراسی را محقق خواهد کرد.»

جنبش دانشجویی ایران که در چهار دهه گذشته عمدتاً در پیشبرد برنامه‌های نظام و به ویژه جناح اصلاح‌طلب مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، در سال‌های اخیر در قالبی جدید ظاهر شده است. در اعتراضات سراسری دی ۹۶ دانشجویان دانشگاه تهران بودند که شعار «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» سر دادند.

در طول دو ماه و نیم گذشته نیز جنبش دانشجویی به شکلی متحد در دانشگاه‌های سراسر ایران در حمایت از انقلاب ملی و مردم معترض ظاهر شده و بخش مهمی از پیشبرد روند اعتراضات را با خلاقیت در دست دارد.

دانشجویان چند دانشگاه کشور در تازه‌ترین اقدام اعتراضی اعلام کرده‌اند که در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع ←

دانشگاه ملی (بهشتی)، مدرسه عالی دختران (الزهره)، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه خوارزمی و دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی در اعتراضات امروز دانشجویان شرکت داشتند.

جمعه ۴ آذرماه دانشجویان هفت دانشگاه کشور در بیانیه‌ای مشترک نوشته بودند که «شنبه مورخ ۵ آذر را شنبه سیاه دانشگاه اعلام می‌کنیم. رخت سیاه بر تن کرده و در دانشگاه‌های خود بلندای صدای اعتراض‌مان را در ستایش آزادی و شهیدان راه آزادی، طنین‌انداز خواهیم کرد. ای دانشجو، بر پاخیز! برای زن، زندگی، آزادی.»

جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه ملی (بهشتی)، مدرسه عالی دختران (الزهره)، دانشگاه امیرکبیر، دانشگاه خوارزمی تهران و دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی این بیانیه را امضا کرده‌اند. دانشجویان در چند در دانشگاه دیگر کشور نیز با صدور بیانیه‌هایی اعلام کرده بودند اعتراضات خود را در قالب تحریم کلاس درس و اعتصاب، و تجمع و راهپیمایی در دانشگاه ادامه خواهند داد.

دانشجویان مستقل دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای که به یاد کیان پیرفلک کودک جانباخته در اعتراضات با عبارت «به نام خداوند رنگین کمان» شروع شده بود، نوشتند که «طی چند هفته اخیر دانشجویان را از ورود به خانه دوشمان، منع کردید. چند تن از دانشجویان را مورد ضرب و شتم شدید غیرقانونی و فحاشی قرار داده و حرمت محیط دانشگاه را زیر پا گذاشته‌اید. بر خلاف شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان مصوبه ۹۸، از هیچ عملی جهت ارباب و تهدید دانشجویان از جمله لغو اسکان، ضبط کارت دانشجویی، عکاسی از چهره دانشجویان بدون دلیل قانونی و قطع دسترسی به سامانه‌های دانشجویی و آموزشی، دریغ نکرده‌اید.»

در این بیانیه تأکید شده بود «با توجه به عدم فراهم شدن امکان اعتراض صنفی و مدنی برای دانشجویان که حق قانونی آنان است و نیز تداوم برخورد سلیقه‌ای حراست، حضور افراد ناشناس غیردانشجو و ناامن ساختن محیط دانشکده، بی‌توجهی مسئولین دانشگاه به خواسته‌های دانشجویان و هتک حرمت دانشگاه، برای همدردی و همبستگی با سایر دانشجویان دانشگاه‌های کشور و اعلام حمایت از حرکت آزادی خواهانه‌ی مردم ایران، ما دانشجویان دانشکده‌ی تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران، با استمرار اعتصاب از اساتید و مسئولین دانشکده نیز انتظار داریم برای دفاع از حریم دانشگاه و حرمت دانشجو که طی روزهای گذشته دچار خدشه شده و مورد تعرض افراد غیر مسئول خارج از دانشکده

● جمعه ۴ آذرماه دانشجویان هفت دانشگاه کشور در بیانیه‌ای مشترک نوشته بودند که «شنبه مورخ ۵ آذر را شنبه سیاه دانشگاه اعلام می‌کنیم. رخت سیاه بر تن کرده و در دانشگاه‌های خود بلندای صدای اعتراض‌مان را در ستایش آزادی و شهیدان راه آزادی، طنین‌انداز خواهیم کرد. ای دانشجو، بر پاخیز! برای زن، زندگی، آزادی.»

● دانشجویان معترض شعاریهایی مانند «جوانرود کردستان چشم و چراغ ایران»، «گارد چماق به‌دستان باید بره گورستان»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «هم‌وطنت تیر میخوره، به غیرتت بر بخوره»، «سیستم فاسد نمیخوایم، مهمون قاتل نمیخوایم» و «بهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب» سر دادند.

● دانشجویان دست‌نوشته‌هایی چون «زاهدان، جوانرود، ایذه، خونین تمام ایران»، «از کردستان تا زاهدان، جانم فدای ایران» و «نه تعلیق، نه اخراج، نه زندان، دیگر اثر ندارد» داشتند.

● دانشجویان قصد دارند فردا یکشنبه ششم آذر مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کنند.

دانشجویان در دهه‌ها دانشگاه کشور امروز نیز اعتراضات و اعتصاب خود را پیش برده و با تجمع و راهپیمایی علیه جمهوری اسلامی شعار دادند. جنبش دانشجویی طی دو ماه و نیم گذشته همواره هم‌صدا و همگام با انقلاب ملی ایران علیه جمهوری اسلامی حضور فعال داشته است.

دانشجویان امروز شنبه پنجم آذرماه ۱۴۰۱ در دهه‌ها دانشگاه کشور دست به اعتراضات گسترده‌ای زدند. این اعتراضات در قالب تحسن، تجمع و تظاهرات در محوطه دانشگاه‌ها برگزار شده است.

دانشجویان معترض شعاریهایی مانند «جوانرود کردستان چشم و چراغ ایران»، «هیز تویی هرزه تویی زن آزاده منم»، «گارد چماق به‌دستان باید بره گورستان»، «قسم به خون یاران، ایستاده‌ایم تا پایان»، «هم‌وطنت تیر میخوره، به غیرتت بر بخوره»، «سیستم فاسد نمیخوایم، مهمون قاتل نمیخوایم» و «بهش نگین اعتراض، اسمش شده انقلاب» سر دادند.

دانشجویان همچنین دست‌نوشته‌هایی داشتند که روی آنها جملاتی چون «زاهدان، جوانرود، ایذه، خونین تمام ایران»، «از کردستان تا زاهدان، جانم فدای ایران» و «نه تعلیق، نه اخراج، نه زندان، دیگر اثر ندارد» نوشته شده بود.

دانشجویان دهه‌ها دانشگاه از جمله دانشگاه تهران، دانشگاه «چمران» اهواز، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه علم و صنعت، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه علم و فرهنگ، دانشگاه خوارزمی شعبه کرج، دانشگاه علم و صنعت،

و در شعارهای خود فریاد می‌زنند: بسیجی سپاهی، داعش ما شمایین!

او در حالی که جمهوری اسلامی خود عامل درگیری و جنگ‌افروزیست، تلویحاً اشاره‌ای به احتمال درگیری نظامی و جنگ کرد و هشدار داد: «آمادگی عملی خود را حفظ کنید! نباید غافلگیر شد، یکی از کارهای دشمن این است که کاری را در نقطه‌ای با سر و صدا شروع می‌کند و در نقطه دیگر کار اصلی را انجام می‌دهد، مسئولان کشور به همه اطراف توجه کنند، برای ما منطقه غرب آسیا و شرق مهم است!»



گروهی از بسیجیان در حضور علی خامنه‌ای

هشدار دیگر خامنه‌ای به بسیجی‌ها و آخوندهای حکومت بود. او تأکید کرد: «مراقب نفوذ دشمن در مجموعه بسیج باشید! فرد فاسد می‌تواند در کسوت روحانی و یا بسیجی در بیاید!» این هشدار علی خامنه‌ای البته اعتراف ناخواسته و غیرمستقیم به وجود ناراضی و ریزش در «کسوت روحانی و یا بسیجی» است!

این هشدارها و نگرانی‌های خامنه‌ای در حالیست که وی در سخنرانی پیشین خود گفته بود آنهایی که کف خیابان‌اند حقیرتر از آن هستند که بتوانند به نظام ضربه بزنند! اما مردم بیش از دو ماه است که در خیابان‌های سراسر ایران در شعارهایشان بدترین دشنام‌ها را نثار بسیجی‌ها و پاسداران و رهبران می‌کنند. با اینهمه به نظر می‌رسد علی خامنه‌ای که در جایی نامعلوم نگهداری می‌شود ترجیح می‌دهد خود را در مقام «فرمانده کل قوا» و همچنین «مغز متفکر» نظام ببیند و مرتب به همه از بسیجی و پاسدار تا ارتشی و آخوند و اقتصاددان، رهنمود بدهد! «فرمانده»‌ای که بسیاری از تحلیلگران بیشتر سرنوشت صدام و قذافی را برای وی پیش‌بینی می‌کنند تا منجی رژیم که سی و سه سال بر منبر رهبری آن جا خوش کرده و با سیاست‌های تباه و جنایتکارانه، ملت و مملکت را به بحران‌های سنگین دچار کرده است.

ما، دانشجویان متعهد به آزادی بیان، علی‌رغم آنکه معتقدیم با توجه به نظارت استصوابی شورای نگهبان، افراد حاضر در مجلس، خانه‌ی ملت را به ناحق اشغال کرده‌اند، همچنان پارلمان را خانه‌ی ملت میدانیم و این حق را برای خود محفوظ میداریم که در روز چهارشنبه، به تاریخ ۹/۹/۱۴۰۱، از ساعت ۱۱، در برابر مجلس (ضلع شمالی) تحصن کرده و تا رسیدن به حقوق خود، راه اعتراض و دادخواهی را ادامه دهیم.

لازم به یادآوری است که این تجمع مسالمت‌آمیز بوده و مسئولیت حفظ امنیت آن برعهده‌ی نیروهای انتظامی و امنیتی است.»

## ادعای علی خامنه‌ای علیه مردم: بسیجی‌ها جلوی یک مشت اغتشاشگر مزدور و جاهل ایستادند!

آمریکا باج بدهیم، اما نه فقط یک باج، دائم باج می‌خواهند.» وی در بخش دیگری از سخنانش به آنچه خود جمهوری اسلامی در آن مهارت دارد اشاره کرد و با بیان اینکه «امروز مهمترین شیوه دشمن جعل و دروغ‌پردازی است» افزود: «خبر و تحلیل دروغ می‌دهند، کشته‌سازی می‌کنند، دشمن امروز بر پایه دروغ‌پردازی کار می‌کند و وظیفه بسیجیان جهاد تبیین است!» رهبر جمهوری اسلامی خطاب به بسیجی‌ها و مقامات نظام به تکرار تخیلات و هذیانات خود پرداخت و گفت: «صحنه کارزار دشمنان با جمهوری اسلامی مسئله چند نردانقلاب در داخل کشور نیست اصرار دشمن بر برجام ۲ و برجام ۳ چه بود. برجام ۲ این بود که ایران باید کلاً از منطقه خارج شود. برجام ۳ این بود که ایران متعهد شود هیچ سلاح راهبردی مهمی مثل پهپاد و موشک تولید نکند و اگر آنها حمله کردند با ژ-۳ با آنها مبارزه کنیم و عده‌ای از روی غفلت حرف آنها را تکرار می‌کردند.»

خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنرانی طولانی خود تأکید کرد: «دشمن دنبال این است که بر مغزها تسلط پیدا کند، اگر مغز یک ملت تصرف شود آن ملت سرزمین خود را دو دستی به دشمن تحویل می‌دهد!» اینهمه در حالیست که مردم خود رژیم را «دشمن داخلی» و «اشغالگر» کشور خود می‌دانند

برای محکومیت لباس شخصی‌هایی که آتش خشونت در دانشگاه افروختند. برای استیفای حق بلانمازع اعتراض مسالمت‌آمیز، پیش‌بینی شده در ماده ۹ منشور حقوق دانشجویی و اصل ۲۷ قانون اساسی.

برای تأکید دوباره بر مسالمت‌آمیز بودن اعتراضات دانشجویی و محکومیت سرکوب. برای یاس و سرخوردگی دانشجویان گذشته و آینده‌ی تاریخ جوانان امروز. برای دانشجویان مظلوم دانشگاه‌های کردستان. و برای زن زندگی آزادی.

● رهبر جمهوری اسلامی به بسیجیان گفت عده‌ای در داخل ایران می‌گویند «برای اینکه بتوانید این اغتشاش‌ها را تمام کنید باید مشکلات آن را با آمریکا حل کنید... ایندسته افراد ادعای فهم سیاسی می‌کنند اما تحلیل‌هایشان در روزنامه و فضای مجازی انسان را متأسف می‌کند.»

● وی با اشاره به کابوس همیشگی خود یعنی پهلو‌ها مدعی شد «حتما محمدرضا پهلو‌ی که نوکر آمریکایی‌ها بود از آنها گله می‌کرد منتهی جرأت نمی‌کرد به زبان بیاورد او در جلسات خصوصی به اسدالله علم از آنها گله می‌کرد بس آمریکایی‌ها باج خواهی می‌کردند.»

● «مذاکره با آمریکا مشکل ما را با آمریکا حل نمی‌کند؛ مشکل ما را با آمریکا به چیز حل می‌کند اینکه با آمریکا باج بدهیم، اما نه فقط یک باج، دائم باج می‌خواهند.»

● هشدارها و نگرانی‌های خامنه‌ای در حالیست که وی در سخنرانی پیشین خود گفته بود آنهایی که کف خیابان‌اند حقیرتر از آن هستند که بتوانند به نظام ضربه بزنند! اما مردم بیش از دو ماه است که در خیابان‌های سراسر ایران در شعارهایشان بدترین دشنام‌ها را نثار بسیجی‌ها و پاسداران و رهبران می‌کنند.

رهبر جمهوری اسلامی روز ۵ آذر به مناسبت هفته بسیج در جمع بسیجیان و پاسداران سخنرانی کرد و باز هم مردم معترض و مخالفان حکومت را «یک مشت اغتشاشگر غافل یا جاهل یا مزدور» خواند و در ادعاهای عجیب و غریب گفت، «در قضایای اخیر بسیجی‌های مظلوم خودشان مظلوم واقع شدند تا جلوی ظلم به ملت را بگیرند!»

علی خامنه‌ای در بخشی از سخنرانی طولانی خود بار دیگر به کابوس همیشگی خود یعنی پهلو‌ها و تحریف وقایع و رویدادهای دوران دو پادشاه پهلو‌ی پرداخت و گفت: «آمریکایی‌ها در دوران پهلو‌ی به عنوان کمک آمدند زمان ریاست جمهوری ترومن و اصل چهار ترومن اما یوایش یواش جا پا را محکم کردند و دیگران را کنار زدند و خودشان مسلط شدند بر ایران. همه چیز دست اینها بود. در خاطرات رجال سیاسی دوران پهلو‌ی آمده و می‌بینید حتما محمدرضا پهلو‌ی که نوکر آمریکایی‌ها بود از آنها گله می‌کرد منتهی جرأت نمی‌کرد به زبان بیاورد او در جلسات خصوصی به اسدالله علم از آنها گله می‌کرد بس آمریکایی‌ها باج خواهی می‌کردند.»

وی این مقدمه را گفت تا از قرار معلوم پاسخ آن اصلاح‌طلبان و تحول‌خواهان حکومت را در داخل و خارج بدهد که می‌گویند «برای اینکه بتوانید این اغتشاش‌ها را تمام کنید باید مشکل‌تان را با آمریکا حل کنید!»

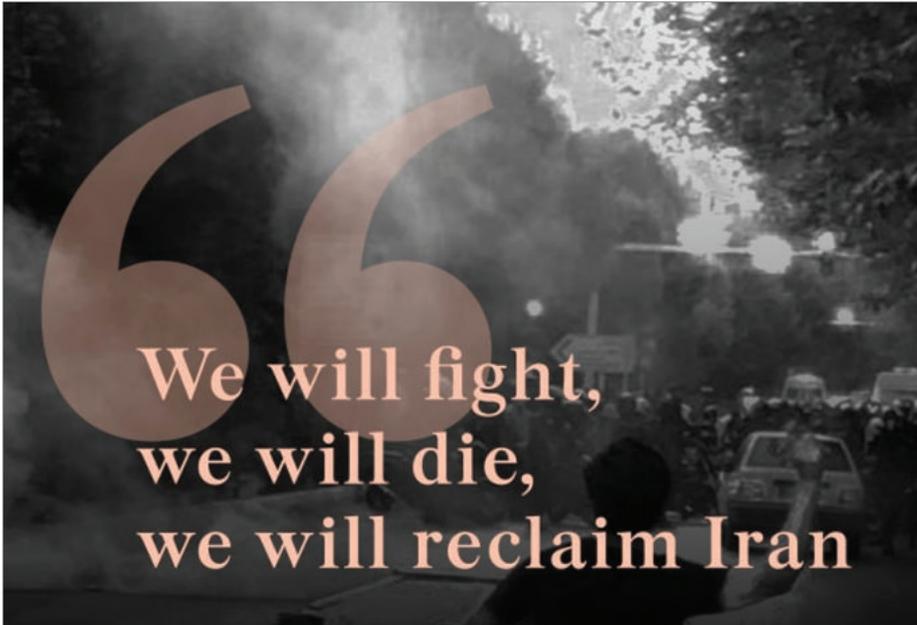
رهبر جمهوری اسلامی ایندسته افراد را عده‌ای دانست که «ادعای فهم سیاسی می‌کنند اما تحلیل‌هایشان در روزنامه و فضای مجازی انسان را متأسف می‌کند.»

وی خطاب به آنهایی که راه چاره برای عبور نظام از بحران را رابطه با آمریکا می‌دانند گفت: «مذاکره مشکل ما را با آمریکا حل نمی‌کند؛ مشکل ما را با آمریکا یک چیز حل می‌کند اینکه با

→ خواهند کرد. در بیانیه‌ای که غروب جمعه ۴ آذر از سوی این دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد آمده که «این تجمع مسالمت‌آمیز بوده و مسئولیت حفظ امنیت آن برعهده‌ی نیروهای انتظامی و امنیتی است.» متن کامل این بیانیه را در ادامه می‌خوانید:

جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور قرار گذاشته‌اند تا روز نهم آذرماه مقابل مجلس شورای اسلامی، تحصن کنند. آن‌ها در بیانیه‌ای که در این مورد صادر کردند، نوشته‌اند: «فراخوان تحصن دانشجویان سراسر کشور مقابل مجلس برای بازپس گرفتن حرمت از دست رفته‌ی دانشگاه. برای احقاق حقوق لگدمال شده‌ی دانشجویان.

## دیدگاه «بنیاد تونی بلر برای دگرگونی جهانی» درباره اعتراضات مردم ایران: کشف حجاب فقط یک نماد برای تغییر رژیم است!



با وجود قطع کردن اینترنت، کشتار و دستگیری‌ها، و مواردی بسیار از گزارش‌های معتبر از آدم‌ربایی، شکنجه، تهدید و ارباب، مردم ایران همچنان به مقاومت و اعتراضات دلیرانه خود در خیابان‌ها ادامه می‌دهند. در آنها هیچ نشانی از خستگی دیده نمی‌شود. من همیشه گفته، و امروز نیز پای این گفته‌ام می‌ایستم، که تنها واقعه‌ی آزادیبخش برای خاورمیانه زمانی اتفاق می‌افتد که مردم ایران سرانجام به آزادی دست پیدا کنند.

برای مردم معمولی در ایران، ارزش‌هایی که برای بسیاری «غربی» محسوب می‌شود، در واقع متعلق به خود آنهاست. این مردم و کشورشان، نباید با جمهوری اسلامی شناخته شده و در یک جایگاه قرار داده شوند. در جایگاه یک ملت بزرگ، که دارای تاریخ و تمدنی غنی و متنوع است، فقط آنها هستند که می‌توانند آینده‌ی خود را تعریف کرده و رقم بزنند.

از این رو، من با قاطعیت بر این باور هستم که امروز به نفع ما در غرب است که برای تحقق معیارهایی که برای ما عادی هستند، با معترضانی که در ایران جان بر کف گرفته‌اند همبستگی عمیق خود را نشان بدهیم. زمان آن فرا رسیده تا ما غربی‌ها، سیاست‌های خود را به طریقی تنظیم کنیم که خط روشنی میان مردم ایران و جمهوری اسلامی ترسیم کند. تلاش‌های ما می‌بایست در خدمت مردم ایران باشد.

تونی بلر رئیس اجرایی بنیاد

### چکیده

اعتراضات ضدحکومتی در سراسر ایران توجه جامعه بین‌المللی را به خود جلب کرده است. در چنین وضعیتی، ایرانیان نشان داده‌اند که مقاومت آنها پایدار است. با این اعتراضات، ایران در حال گذار از فرآیندی است که نشان از ثابت‌قدم بودن نسل‌های کنونی این کشور و در عرفی شدن مردم در برابر حاکمان تمامیت‌خواهی دارد که ۴۳ سال حکومت ملایان اسلامی را در ایران برقرار کرده‌اند.

نمایش گذاشته‌اند. آنها باید بدانند که از حمایت و تحسین میلیون‌ها تن از مردمان جهان برای قدم‌هایی که در راه آزادی برداشته‌اند برخوردارند.

### پیش‌گفتار

در حالی که اعتراضات اخیر ایرانیان به‌واقع هم در مقیاس و هم در دیرپایی، تا حال بی‌سابقه بوده و تمامی اقشار جامعه ایران را با هم متحد ساخته، اما ادامه همان مبارزات ضد حکومتی است که در سال ۲۰۱۷ آغاز شد. بنیاد من، متعهد بوده تا وجود یک دوگانگی ژرف و رو به افزایش میان ملت ایران و رژیم بنیادگرا و اسلامی حاکم بر آنها را در طول ۴۳ سال گذشته به آگاهی جهانیان برساند.

اعتراض‌کنندگان در ایران برای به دست آوردن پایه‌ای‌ترین میزان آزادی‌ها، هر روز با شمار رو به افزایشی جان خود را در معرض خطر قرار می‌دهند. با چنین چشم‌اندازی، بنیاد من با یک مؤسسه پژوهشی به نام «گروه تحلیل و سنجش گرایش‌های شخصی در ایران (GAMAAN)» همکاری کرده که هدف آن تأیید و راست‌آزمایی اهداف اعتراضات جاری در ایران است و اینکه جانفشانی ایرانیان، اهدافی فراتر از اجباری بودن یا نبودن حجاب دارد.

شواهد به دست آمده، بیش از آن است که انتظارش می‌رفت. با اینکه مردم ایران چند دهه تحت یک حکومت اسلامی زندگی کرده‌اند، اما آنها فرآیند گرایش به زندگی عرفی (سکولاریزاسیون) و آزادخواهانه را بیش از هر جامعه‌ی اسلامی دیگری در جهان طی کرده‌اند. نظرسنجی‌های انجام شده در ماه ژوئن ۲۰۲۰ و فوریه ۲۰۲۲ نشان می‌دهند که ایرانیان، جوان یا سالمند، زن یا مرد، شهری یا روستایی، بطور قاطع با تحمیل حجاب اجباری مخالف هستند. همچنین نشان داده شده که ۸۴ درصد از آنانکه مخالف حجاب اجباری هستند، خواهان زندگی تحت یک نظام عرفی (سکولار) هستند؛ آرزمانی که هیچگاه تحت حاکمیت دینی کنونی امکان‌پذیر نیست.

● اعتراضات در مقابل حجاب اجباری چگونه توانست جرقه و ادامه چنین ناآرامی‌های از درون برخاسته را سبب شود؟ پاسخ واقعی به این پرسش در درک عمیق‌تری از این موضوع نهفته است: مخالفت با حجاب اجباری، تبدیل به نمادی از مقاومت در مقابل کل نظام شده است.

● قتل حکومتی مهسا امینی به نمادی از مقاومت، نه فقط برای دستیابی به آرمان‌های زنان و دختران، بلکه مردان جوان، پیر، و تمام ایرانیانی که دهه‌ها با خشونت، فساد و بی‌تفاوتی رژیم تمامیت‌خواه در قبال خواسته‌های آنان مواجه بوده‌اند، تبدیل شده است.

● جوانان تنها کسانی نیستند که با حجاب اجباری مخالف‌اند اما گزارش‌های رسانه‌های شناخته شده بین‌المللی در مورد اعتراضات جاری در ایران نشان می‌دهند که مخالفان حجاب اجباری عمدتاً از میان جنبش «نسل Z» یا دهه هشتادی‌ها هستند. بی‌بی‌سی، تلگراف، واشنگتن پُست، نیویورکر، تایمز مالی و الجزیره، از زمره رسانه‌هایی هستند که این مخالفت‌ها را به جنبش «نسل Z» کاهش داده‌اند. گزارش‌هایی از سوی مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه این اعتراضات گسترده نبوده و تنها محدود به جوانانی با سن متوسط ۱۵ سال است، گزارش‌های رسانه‌های غربی را پذیرفتنی‌تر کرده است. این تمرکز اینطور و افود می‌کند که شکافی در ارزش‌ها میان نسل‌های مختلف وجود دارد و این در حالیکه که قانون حجاب اجباری دربرگیرنده تمام نسل‌هاست. این نگاه ناخواسته اعتراضات سال‌های گذشته را به حساب نمی‌آورد و مخالفت با قانون حجاب اجباری توسط نسل‌های پیشین در ایران را فراموش می‌کند.

● روایت‌ها در غرب همواره میان اعتراضات مبتنی بر دلایل اقتصادی و حجاب اجباری در ایران تفاوت گذاشته و اولی را به روستائیان و طبقه کارگر، و دومی را محدود به شهرنشینان از طبقه متوسط کرده. اما داده‌های ما با این روایت در تضاد است.

● محاسبات غربی‌ها در ارزیابی جامعه ایران بر پایه دانش میدانی و بر اساس اطلاعات و داده‌های واقعی نبوده و برداشت آنها، همچنان بر بستر گسست در جامعه ایران در امتداد خطوط مذهبی استوار بوده است. این می‌تواند توضیحی برای تعلق آنها در پذیرش درجات بالای عرفی‌گرایی در جامعه ایران باشد. از سوی دیگر، این عدم درک از جامعه ایران سبب شده تا دولت‌های غربی درجات عرفی‌گرایی در اعتراضات کنونی ایران و حمایت از پیشروی آن در تمامی استان‌های کشور را اشتباه ارزیابی کنند.

● هنوز روایت‌های غربی ارزش‌های عرفی و آزادخواهانه در مردان ایرانی را نمی‌بیند. نکته مهم در این است که نبایست ترکیب و چیدمان مذکر رژیم اسلامی را با عقاید مردان ایرانی در یک ظرف قرار داد. نظرسنجی ما نشان می‌دهد که مردان ایرانی به همان درجه به عرفی‌گرایی سوق داده شده‌اند که زنان. تنها ۳۱ درصد از زنان، و ۲۴ درصد از مردان خریدار نسخه‌های پیچیده شده مذهبی حکومت هستند: مردان حتی کمتر از زنان!

کسرا اعرابی و جمیما شلی - در طول دو ماه گذشته، ملت ایران شهامت و شجاعت فوق‌العاده‌ای از خود به

➔ در طول دو ماه گذشته، جهان شاهد خشونت‌هایی بوده که حاصل اجتناب‌ناپذیر این پویایی در مردم ایران بوده است. اما جامعه جهانی باید رابطه میان ملت ایران و رژیم حاکم بر آن را بهتر از آنچه تا کنون می‌پنداشته درک کند. این تحلیل اولین محصول از سلسله پژوهش‌هایی است که بنیاد تونی بلر در همکاری با «گروه تحلیل و سنجش گرایش‌های شخصی در ایران (گمان GAMAAN)» ارائه می‌دهد. با ترکیبی از شبکه‌های ارتباطات فردی میدانی، و روش‌های نوآوری شدهی دیجیتال در نظرسنجی، ما دیدگاهی را از آنچه در خیابان‌های ایران می‌گذرد به جامعهی جهانی ارائه می‌دهیم که پیشتر دیده نشده. این پژوهش تازه با شکل یک نظرسنجی از گرایش‌های فکری مردم که دو سال به طول انجامید به ما کمک خواهد کرد تا توضیحی بر مبنای واقعیات برای اعتراضات امروزی مردم در ایران به دست بیاوریم. با رجوع به تحلیل از چند نظرسنجی منتشرنشده از میان اقشار اجتماعی گوناگون که توسط «گمان» در طول چندین ماه و تا شروع اعتراضات کنونی صورت گرفته، ما نقطه نظرات گسترده مردم بر سر توافق یا عدم آن بر سر موضوع حجاب اجباری، گرایش‌های سیاسی و سیاست‌های کشورهای غربی را در یکجا آشکار می‌کنیم. افزون بر این، ما برای اولین بار، نظرسنجی‌های پژوهشی و جدول‌بندی شده توسط «گمان» که به ما کمک می‌کند نقطه نظرات شرکت‌کنندگان در این تحلیل را سنجیده و چشم‌انداز جامع‌تری از نظرات جامعه ایران فرا بگیریم، منتشر می‌شود.

برای شروع این سلسله از پژوهش‌ها در مورد اعتراضات در ایران، تمرکز ما بر روی نمادی خواهد بود که جرقه آن باعث شعله‌ور شدن خشم کنونی شد: حجاب اجباری. بیش از دو ماه از کشته شدن غم‌انگیز دختر ۲۲ ساله، مهسا امینی، به دست «گشت ارشاد» که موجی از ناآرامی‌ها را تقریباً در تمامی استان‌های ایران رقم زد می‌گذرد. مردم هیچ نشانه‌ای از خستگی از خود نشان نمی‌دهند و پژواک شعار «زن، زندگی، آزادی» کماکان در حال گسترش و شنیده شدن است. و این در حالیست که اینترنت قطع یا مختل شده، و کشتن، دستگیری، آدم‌ربایی، شکنجه و هراس‌افکنی از سوی مأموران و نظامیان حکومتی اعمال شده و ادامه دارد.

اما اعتراضات در مقابل حجاب اجباری چگونه توانست جرقه و ادامه چنین ناآرامی‌های از درون برخاسته را سبب شود؟

پاسخ واقعی به این پرسش در درک عمیق‌تری از این موضوع نهفته است: مخالفت با حجاب اجباری، تبدیل به نمادی از مقاومت در مقابل تمامیت رژیم شده است. در مطالعه‌ی حاضر، ما به کنکاش در داده‌هایی خواهیم پرداخت که توضیحی برای این موضوع داشته باشد.

• جوانان تنها گروهی از مردم نیستند که با حجاب اجباری مخالف باشند. نظرسنجی نشان می‌دهد که ۷۸ درصد از شرکت‌کنندگان در آن، بین سنین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۶۸ درصد بین سنین ۳۰ تا ۴۹ سال و ۷۴ درصد بالای سن ۵۰ سال با اعمال حجاب اجباری مخالف هستند.

• مردها از زنان حمایت کرده و مخالف با حجاب اجباری هستند. ارقام به دست آمده در نظرسنجی نشان می‌دهند، ۷۱ درصد از مردان و ۷۴ درصد از زنان با حجاب اجباری مخالف هستند.

• جامعه‌ی ایران به عرفی شدن یا سکولاریسم روی آورده که شامل تمامی شهرها و روستاهای ایران می‌شود. تنها ۲۶ درصد از شهرنشینان ایران پنج بار در روز نماز می‌گزارند و این در حالیست که تنها ۳۳ درصد از روستائیان ایران پیرو این

آیین اسلامی هستند. همچنین تنها ۲۸ درصد از روستائیان و ۲۱ درصد از شهرنشینان به پوشیدن حجاب اعتقاد دارند.

• جنبش اعتراضی ضد حکومتی در ایران در اساس عرفی و سکولار است. در میان ایرانیانی که خواهان تغییر رژیم هستند، ۷۶ درصد نقش مذهب در زندگی را بی‌اهمیت می‌شمارند.

• هدف اعتراضات علیه حجاب اجباری تغییر رژیم است. از میان آنانی که علیه حجاب اجباری هستند، ۸۴ درصد خواهان زندگی در یک نظام عرفی و سکولار هستند. از آنجا که یک نظام سکولار [جدایی دین و دولت/ حکومت] با وجود جمهوری اسلامی امکان‌پذیر نیست، خواست تغییر رژیم در میان مردم برجسته می‌شود.

قتل حکومتی مهسا امینی به نمادی از مقاومت، نه فقط برای دستیابی به آرمان‌های زنان و دختران، بلکه مردان جوان، پیر، و تمام ایرانیانی که دهه‌ها با خشونت، فساد و بی‌تفاوتی رژیم تمامیت‌خواه در قبال خواسته‌های آنان مواجه بوده‌اند، تبدیل شده است. در حالی که دسته دسته از زنان ایرانی با شجاعت تمام از یکسو با خانواده امینی اعلام همبستگی کرده و به اعتراض با حجاب اجباری به خیابان‌ها آمدند، اما از سوی دیگر می‌دانستند که از حمایت اکثریت قاطع مردم ایران نیز برخوردارند.

با وجود این، میزانی از تردید و دودلی را می‌توان در میان نظاره‌گران غربی دید که چگونه به بهترین وجهی اعتراضات در ایران را با نگاهی از دور تعبیر می‌کنند. کژخیالی و حاکمیت تمامیت‌خواه جمهوری اسلامی، فضایی امنیتی را در سطوح بالا در ایران به وجود آورده است؛ فضایی که دولت‌های غربی قادر به نفوذ در آن برای مدت‌های طولانی نبوده‌اند. نتیجه آن بوده که این دولت‌ها نتوانسته‌اند آنطور که باید، با آنچه در زیر پوست جامعه مدنی در ایران جریان دارد ارتباط برقرار سازند. هرگونه تماس با ایران، منحصر به دستگاه حکومتی بوده است. این بیگانگی با آنچه در خیابان‌ها رخ می‌دهد، دیدگاه غربی‌ها از ایرانیان معمولی را مبهم و غیر قابل درک ساخته است. این به دولت‌های غربی محدود نشده و بازتاب آن را در رسانه‌های بین‌المللی نیز می‌توان مشاهده کرد. نتیجه آن شده که دولت‌های غربی، و رسانه‌های متعلق به خطوط فکری جاری و اصلی، قادر به پاسخگویی به برخی از پرسش‌های اساسی در قبال اعتراضات جاری در ایران نبوده‌اند: خواسته‌های مردم ایران چه هستند؟ گسترش این خواسته‌ها در چه حدودی است؟ آیا این اعتراضات در مورد فقط حجاب اجباری است؟ آیا معترضین خواهان اصلاحات هستند یا تغییر رژیم؟ آیا مخالفت در میان ایرانیان به بازگشت تحریم‌ها و خروج ایالات متحده از توافق برجام که در سال ۲۰۱۵ به آن دست پیدا شد مربوط است؟

سردرگمی حول این پرسش‌های کلیدی باعث شده تا بسیاری در جهان غرب اعتراضات کنونی در ایران را ناپیوسته و پراکنده، و پدیده‌ای تازه تعبیر کنند. با وجود این، امروز ما در ایران درست نقطه مقابل آن را مشاهده می‌کنیم. این اعتراضات واقعاً در میزان و پایداری بی‌سابقه است، اما ادامه همان روندی است که در سال ۲۰۱۷ (پاییز ۱۳۹۶) شروع شد. در طول پنج سال گذشته، اعتراضات در خیابان‌های ایران، جوان و پیر، دارا و ندار، شهرنشین و روستایی و در یک کلام، قشرهای گوناگون اجتماعی را به یکدیگر متصل ساخته است. روحیه ضد رژیم در خیابان‌های ایران در طول پنج سال گذشته کاملاً قابل لمس است. این روحیه را می‌توان با شعارهایی که علیه علی خامنه‌ای رهبر ۸۳ ساله و اصولگرای روحانیت اسلامی که ۳۰ سال بر مسند قدرت بوده، سر داده می‌شود در

خیابان‌ها شنید و سنجید.

### چرا جهان غرب غافلگیر شده است؟

در طول ده سال گذشته، برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، سیاست‌گذاری و توجهات رسانه‌ای در غرب را بطور عمده معطوف به خود کرده و بر آنها غالب بوده است. پس از دستیابی به توافق برجام در سال ۲۰۱۵، رهبران غرب منحصراً بر آن شدند تا با تمرکز بر این توافق، آن را حفظ کنند. این اشتغال فکری، با خروج ایالات متحده از این توافق و برگرداندن شدن تحریم‌ها توسط دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸، نیروی فزاینده بیشتری پیدا کرد که سیاست‌گذاران اروپایی را نیز با میزان فزاینده‌ای در بر گرفت. از این جهت، کانون نگاه سیاست‌گذاران غربی و رسانه‌های اصلی آنان به ایران منحصر از درپچه‌ی پس‌کشیدن ترامپ از توافق برجام و بازگشت تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی بوده است. مخالفین در ایران نیز تأثیرناپذیر از این موضوع نبودند.

از سال ۲۰۱۷ به اینسو، زمانی که موج تازه‌ای از جنبش ضد حکومتی در خیابان‌های ایران آغاز شد، جهان غرب با سیلی از واغندهای غلط و نادرست از این اعتراضات مواجه بوده است. دست‌اندرکاران مشخص در رسانه‌های غربی، اینطور وانمود می‌کردند که موج مخالفت‌های مردمی با حاکمیت جمهوری اسلامی، با محرومیت‌های اقتصادی منتج از پس‌کشیدن ترامپ از توافق هسته‌ای و بازگشت تحریم‌های اقتصادی ارتباط داشته است. نمونه‌های دیگر از درک و تحلیل نادرست از آنچه در خیابان‌های ایران اتفاق می‌افتاد و موضع را برای رهبران غربی پیچیده‌تر می‌کرد، آن بود که «مردم ایران خواهان تغییر رژیم نبوده، بلکه صرفاً به دنبال اصلاحات هستند». برخی خواسته‌های معترضین ایرانی از جمله مخالفت با حجاب اجباری نیز مردود انگاشته می‌شد چرا که این خواسته‌ها به بخش مشخصی از جامعه که خواسته‌های «رادیکال» مطرح می‌کرد نسبت داده می‌شد. این روایت‌های غالب از اعتراضات در ایران، کانون اصلی سیاست‌گذاری غربی‌ها را تشکیل می‌داد و نه واقعیت‌هایی که در زیر پوست جامعه ایران جاری و در حال تحول بود. گستردگی جهان غرب از مردم ایران با فقدان اطلاعات و داده‌های دقیق از آنچه در خیابان‌های ایران می‌گذشت تشدید می‌شد که دستیابی محدود به این اطلاعات و ناتوانی برای برقراری تماس با آنچه در زیر پوست جامعه‌ی ایران جاریست، از زمره دلایل آن به شمار می‌روند. شناخت درست از دلایل مخالفت ایرانیان با رژیم حاکم، با داده‌های حاصل از نظرسنجی‌های تحریف شده و کج و معوج نیز مخدوش کننده بودند. دریافت داده‌های غیر قابل اطمینان و گمراه کننده از نتایج نظرسنجی‌ها در رژیم‌های تمامیت‌خواه بسیار معمول و بدیهی است؛ چرا که روش‌های متداول برای انجام آنها، مانند مصاحبه‌های رو در رو یا تلفنی، به ویژه در رابطه با ایران، که با هرگونه مخالفت یا انتقادی از حکومت می‌تواند با امنیت و ایمنی مصاحبه شونده ارتباط پیدا کند، منجر به دستگیری، زندانی شدن و یا آزار و اذیت آنها شده و در نتیجه، پاسخ‌های غیرواقعی به ثبت رسانده می‌شود. پرواضح است که با خدمت گرفتن چنین روش‌هایی، مصاحبه شونده یا پاسخ‌های صادقانه نخواهد داد، و یا حاضر به شرکت در نظرسنجی نخواهد شد. نتیجه این خواهد بود که طرفداران رژیم با نظرات تحمیلی و غیرواقعی از مخالفان همراه خواهد بود.

برای نمونه، مؤسسه نظرسنجی «گالوپ» در سال ۲۰۲۱ گزارشی ارائه داد که طبق آن، ۷۲ درصد از ایرانیان پس از انتخاب سیدابراهیم رئیسی، یکی از اصولگرایان اسلامی،



از دستیابی او به مقام ریاست جمهوری راضی بودند. اما طبق آمار منتشر شده در مورد نتایج انتخابات سال ۲۰۲۱ با تأیید دولتی، که می‌دانیم مبالغه‌آمیز هم بودند، تنها ۴۸ درصد از ایرانیان پای صندوق‌های رأی رفته و ۷۲ درصد از آنها به رئیسی رأی دادند. این یعنی نظرسنجی انجام شده توسط «گالوپ» یا فقط نمونه‌برداری خود را از ۴۸ درصدی که در انتخابات شرکت کردند به دست آورده، یا شرکت کنندگان در آن از ترس عواقب و بلاهایی که می‌توانست بر سرشان بیاید حقیقت یا مخالفت خود را بازتاب ندادند. در اکتبر ۲۰۲۱، بنیاد «کوئینسی برای کشورداری مسئولیت‌پذیر» ادعا کرد که طبق یک نظرسنجی، «کمابیش هیچ شواهدی از نارضایتی‌های گسترده مردمی از رژیم حاکم که دال بر سقوط، یا نزدیک به فروپاشی جمهوری اسلامی باشد، در دست نیست». این ادعا با اعتراضات مردمی که از سال ۲۰۱۷ علیه جمهوری اسلامی آغاز شد و ما شاهد آن بوده‌ایم در تضاد است و شامل چندین ماه پیش از انجام نظرسنجی این مؤسسه می‌شود.

روشن است که ما با کمبود اطلاعات دقیق در مورد مردمی که در خیابان‌ها هستند مواجه هستیم. نظرسنجی‌های متداول و تحلیل از آنها، آگاهی کافی از رابطه میان جمهوری اسلامی و اجتماع ایران به دست نمی‌دهند. این عدم آگاهی، تأثیرات خود را در اعمال سیاست از سوی جامعه بین‌المللی به دست آورده که دامن اعتراضات کنونی را نیز در بر می‌گیرد. به منظور ترمیم این کمبود، بنیاد تونی بلر به انجام یکسری مطالعات تحلیلی در مورد روحیه واقعی نهفته در اعتراضات در ایران، با همکاری «گمان» اقدام کرده است.

#### رابطه بنیاد تونی بلر با «مؤسسه گمان»

این سلسله از مطالعات بر پایه نظرسنجی‌های طراحی شده ویژه، و متناسب با فضای حاکم بر جامعه ایران توسط «گروه تحلیل و سنجش گرایش‌های شخصی در ایران (گمان GAMAAN)» بین ژوئن ۲۰۲۰ و فوریه ۲۰۲۲ ارائه می‌شود. به منظور تولید داده‌های قابل اطمینان و عاری از خودسانسوری، ابراز تعصبات شخصی، و سوگیری‌های مطلوب اجتماعی، «گمان» از شیوه‌ای بروز شده و نوآورانه، با استفاده از ابزار دیجیتال و روش‌های متفاوت در دستیابی به نقطه نظرات ایرانیان، بهره برده و بجای استفاده از روش مصاحبه‌های رو در رو یا تلفنی، از ابزار رمزگذاری اینترنتی که هویت کاربران را آشکار نمی‌کند استفاده کرده و حجم بزرگ و گوناگونی از نمونه‌های ثبت شده را به کار گرفته تا داده‌های به دست آمده معرف دقیق روحیات و عقاید جامعه ایران باشد. استفاده از این شیوه، به جامعه ایران فرصت می‌دهد تا به پرسش‌ها بر سر موضوعات حساس، بدون ترس از شناسایی و گرفتار شدن در دست عوامل رژیم، و با ایمنی خاطر، پاسخ دهند. در نظرسنجی انجام شده در ژوئن ۲۰۲۰، «گمان» پرسش‌هایی در رابطه با مذهب را با ۳۹۹۸۱ تن شرکت‌کننده مطرح کرد. همچنین در فوریه ۲۰۲۲، این گروه نظر ۱۶۸۵۰ تن را در پرسش‌هایی مربوط به نظام سیاسی در میان شرکت‌کنندگان مطرح کرد. جزئیات بیشتری در مورد نمونه‌هایی از این نظرسنجی‌ها در فصل پایانی این گزارش آورده شده است.

افزون بر نظرسنجی‌های «گمان»، بنیاد تونی بلر شبکه‌ای ارتباطی برای تماس با ایرانیان را به منظور جمع‌آوری اطلاعات از خیابان‌ها در ایران تشکیل داده است. در طول پنج سال گذشته، این بنیاد قادر بوده تا روند اعتراضات، شامل خیزش ملی کنونی را از طریق شبکه‌های خود تحلیل و پیش‌بینی کند. گزارش کنونی ترکیبی است از اطلاعات جمع‌آوری شده توسط شبکه‌های میدانی که بخشی از تحلیل ما را شامل

می‌شود، همراه با داده‌هایی که در دو نظرسنجی توسط «گمان» در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۲ انجام شد. گزارش‌های بیشتری در این زمینه در سال ۲۰۲۳ ارائه خواهد شد. با ارائه داده‌های جمع‌آوری شده توسط نظرسنجی «گمان» از ۲ سال پیش تا حال، ما امیدواریم تا سیاست‌گذاران غربی درک بهتری از رویدادهای جاری در ایران پیدا کنند و آنها را صرفاً تصادفی یا لحظه‌ای به شمار نیاورند. این داده‌های تازه، و داده‌هایی که در آینده ارائه خواهند شد، به سیاست‌گذاران کمک خواهد کرد تا اعتقادات راسخ خود را دوباره به دست آورده و با رسیدن به یک اتفاق نظر همگانی بر پایه اعتماد به نفس برای تنظیم سیاست‌های خود که به سود مردم ایران باشد قدم بردارند.

#### مخالفت با حجاب اجباری دلالت بر چه امری دارد؟

زنان در صف مقدم اعتراضات کنونی علیه جمهوری اسلامی قرار دارند. این هیچ جای تعجب ندارد؛ چرا که زنان همواره هدف اصلی رژیم مذهبی در برنامه‌های اسلامی کردن جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ بوده‌اند. اسلام‌گراها که از آزادی‌های داده شده به زنان در دوران پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی ناراضی بودند، به فرصتی دست پیدا کردند تا نقش زنان در یک جامعه اسلامی را از نو «تنظیم» کنند. کانون اصلی این تفکر حول محور مطیع بودن زنان به یک سرپرست مرد، و اجابت به انجام وظایف خود در مقام همسر یا مادر در خانه بنا نهاده شده است. شهروند درجه دو بودن زنان در قوانین مدنی جمهوری اسلامی نیز به صراحت گنجانده شده است. از دیگر قوانین جاری در مورد زنان، کسب رضایت از «سرپرست مرد» برای مسافرت به خارج، یا تقاضا برای پاسپورت است؛ زنی که از همسرش جدا شده باشد حق سرپرستی از فرزندان خود را ندارد؛ گواه یک زن در دادگاه به ارزش نیمی از گواه یک مرد است؛ زنان از آواز خواندن و رقصیدن منع هستند؛ زنان حق رفتن به استادیوم فوتبال برای تماشای مسابقات را ندارند. اما شاید چشمگیرترین نماد شهروند درجه دو بودن زنان در ایران، بر سر داشتن حجاب اجباری است.

مخالفت با حجاب اجباری تاریخ طولانی در ایران دارد. تنها چند هفته پس از انقلاب اسلامی، در روز ۸ مارس ۱۹۷۹، صدهزار تن از زنان ایران علیه نسخه پیچیده شده حجاب اجباری برای زنان توسط ولی فقیه پیشین، روح‌الله خمینی، اعتراض کردند. این اعتراض اما از دهه گذشته با به چالش کشیدن آشکار این نسخه‌ی تبعیض‌آمیز پیچیده شده در حق آنان، به سطوح بالاتری ارتقاء پیدا کرده است. از سال ۲۰۱۴ این جنبش اعتراضی درهم‌آمیختگی بیشتری از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنتی، با نام «آزادی یواشکی» که توسط مسیح علی‌نژاد فعال حقوق زنان به راه انداخته شد، پیدا کرد. کارزارهای «آزادی یواشکی»، «چهارشنبه‌های سفید» و «دوربین من سلاح من است»، زنان در ایران را از یکسو به بارگذاری اینترنتی فیلم‌هایی از خود که در حال برداشتن حجاب در اماکن عمومی هستند، و از سوی دیگر ضبط رفتارهای خشونت‌بار گشت ارشاد با زنان، تشویق می‌کردند. این کارزارها نه تنها به ابزاری برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی، بلکه برای افشای سیاست‌های تبعیض جنسیتی رژیم در سطح جهان تبدیل شدند.

با گذشت زمان، این تلاش‌های گروهی نهال جنبش زیرزمینی زنان را بارورتر کرد. این جنبش دیری نپایید که در خیابان‌ها و بطور علنی زنان شروع به برداشتن حجاب در خیابان‌ها کردند که تبدیل به امواج مخالفت با جمهوری اسلامی از سال ۲۰۱۷ تا به امروز شد. از این نقطه، برداشتن حجاب به نمادی از مخالفت با کل جمهوری اسلامی تبدیل

شد. زنان ایران در نتیجه، با مخالفت با حجاب اجباری، که هر روز پررنگ‌تر و برجسته‌تر می‌شود، پیشاهنگ اعتراضات علیه رژیم شدند.

به دلیل بدحجابی، زنان در ایران ممکن است به ۱۵ سال حبس در زندان، گرفتار حکم شلاق و دادن جریمه نقدی محکوم شوند. فیلم‌های ویدئویی در اینترنت نشان می‌دهند که گشت ارشاد با چه درجات سهمگینی از اعمال خشونت، با زنانی که چند تار موی آنها دیده می‌شود رفتار می‌کنند. طنز تلخ اما در آن است، که با وجود هر چه بیشتر آشکار شدن مخالفت با حجاب اجباری، تحلیلگران شناخته شده در غرب ارتباط حجاب اجباری با زندگی روزانه و به همان میزان، درجه مخالفت با آن در ایران و شدت اعمال آن از سوی رژیم را دست‌کم گرفته و حتا تقلیل داده‌اند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، هدی کاتبی، یک نویسنده آمریکایی ایرانی‌تبار، که کارهایش در «بی‌بی‌سی»، «نیویورک تایمز» و مجله «وگ» بازتاب داشته، با معرفی گشت ارشاد به عنوان «پلیس مُد» و نیرویی که زنان «بدحجاب» را مورد هدف قرار می‌دهد، اهمیت و مفهوم اعمال حجاب اجباری را به هیچ گرفت. همچنین، در سال ۲۰۱۸، باربارا اسلاوین مدیرعامل بنیاد «ابتکار برای آینده ایران» (Future of Iran Initiative) زیرمجموعه‌ای از اندیشکده آمریکایی «شورای آتلانتیک» (Atlantic Council)، اظهار کرده بود که این روزها، حجاب اجباری در ایران به «نشانی از مُد» تبدیل شده و دیگر «حالت کمتری از خفگی» برای زنان ایرانی ایجاد می‌کند. به همین ترتیب، آزاده معاونی در مقاله‌ای که در سال ۲۰۱۶ در «نیویورک تایمز» به چاپ رساند، و در آن هنگام مدیرعامل برنامه‌ریزی در بنیاد «جنسیت و ستیز» (Gender and Conflict) از زیرمجموعه‌های اندیشکده «گروه بحران» (Crisis Group) بود، ادعا کرده بود که «بیشتر زنان ایرانی تحت هر قانونی، استفاده از روسری را با رضایت خود انتخاب کرده‌اند».

به هر روی، همانطور که اعتراضات در ایران آشکار می‌کند، ایستادگی در برابر حجاب اجباری هیچگاه تا این اندازه پویا و رایج نبوده است. این پژوهش تازه توسط بنیاد تونی بلر، همراه با نظرسنجی «گمان» برای اولین بار دامنه و گستره اجتماعی مخالفت با حجاب اجباری در میان ملت ایران را بازتاب می‌دهد.

جوانان تنها کسانی نیستند که با حجاب اجباری مخالف‌اند اما گزارش‌های رسانه‌های شناخته شده بین‌المللی در مورد اعتراضات جاری در ایران نشان می‌دهند که مخالفان حجاب اجباری عمدتاً از میان جنبش «نسل Z» یا «زومرها» [Zoomers] که اشاره به کاربران ابزار ارتباط تصویری «زوم» از طریق اینترنت است، یا به عبارتی دیگر، دهه هشتادی‌ها هستند. تصاویری از زنان جوان ایرانی در حال برداشتن روسری خود، پوشش خبری از این اعتراضات را مزین می‌کند. بی‌بی‌سی، تلگراف، واشنگتن پُست، نیویورکر، تایمز مالی و الجزیره، از زمره رسانه‌هایی هستند که این مخالفت‌ها را به جنبش «نسل Z» کاهش داده‌اند. گزارش‌هایی از سوی مقامات جمهوری اسلامی مبنی بر اینکه این اعتراضات گسترده نبوده و تنها محدود به جوانانی با سن متوسط ۱۵ سال است، گزارش‌های رسانه‌های غربی را پذیرفتنی‌تر کرده است. تمرکز نامتناسب بر «نسل Z» یا دهه هشتادی‌ها اینطور وانمود می‌کند که شکافی در ارزش‌ها میان نسل‌های مختلف وجود دارد. و این در حالیست که قانون حجاب اجباری دربرگیرنده تمام نسل‌هاست. این نگاه ناخواسته اعتراضات سال‌های گذشته را به حساب نمی‌آورد و مخالفت با قانون حجاب اجباری توسط نسل‌های پیشین در ایران را فراموش می‌کند.

حفظ قدرت روبرو گشته است. در طول ۳۰ سال گذشته، ما شاهد روند این فراگشت بوده‌ایم: در سال ۱۳۷۸ / ۱۹۹۹ اعتراضات دانشجویی در سه شهر رخ داد و ۷ تن کشته برجای گذاشت؛ در سال ۲۰۰۹ / ۱۳۸۸ اعتراضات در ۱۰ شهر ایران به وقوع پیوست، که ۱۰۰ شهروند در خلال آنها کشته شدند؛ ۱۰ سال بعد، در نوامبر ۲۰۱۹ / آبان ۱۳۹۸ ما شاهد اعتراضات در بیش از ۱۰۰ شهر ایران بودیم که ۱۵۰۰ شهروند طی آن در طول چند روز توسط رژیم به قتل رسیدند. با اهمیت‌تر آنکه، از سال ۲۰۱۷ / ۱۳۹۶ الگوی اعتراضات بطور چشمگیری روند ضد رژیم یافته که بیانگر سوق داده شدن جامعه ایران به سوی عرفی شدن بوده است. در حالی که شدت یافتن مخالفت با حجاب اجباری نشان‌دهنده وجود دوگانگی بین حکومت و جامعه است، اما در عین حال مردم در حال پس زدن تمام سیاست‌های اعمال شده اسلامی رژیم در طول اعتراضات بوده‌اند. در حالی که جمهوری اسلامی تلاش در پیشبرد سیاست اسلامگرا کردن جامعه را دارد، اکثریت جمعیت ایران هر چه بیشتر از مذهب رویگردان می‌شوند. اما روند سکولاریزه شدن جامعه ایران هنوز توجه جامعه جهانی را به خود جلب نکرده است. این نکته می‌تواند توضیحی بر این باشد که چرا سیاستمداران غربی و رسانه‌های بین‌المللی با اعتراضات جاری و طرح خواست‌های عرفی توسط مردم، و با خواست آزادی آنها از قید یک حکومت دینی غافلگیر شده‌اند. از سوی دیگر، میزان بالایی از تردید در مورد عرفی شدن جامعه ایران در غرب وجود داشته است. عدم و یا پایین بودن میزان دسترسی جهانیان به اطلاعات درست از ماهیت تمامیت‌خواهی جمهوری اسلامی، سبب گشته تا سیاست‌گذاران و رسانه‌های غربی تکیه بر اطلاعات نادرست و نظرسنجی‌های کج و معوج داشته و درک درستی از میزان مذهبی بودن مردم ایران نداشته باشند.

رسانه‌های شاخص غربی شامل اسکای نیوز و وال استریت ژورنال همواره از ایران به عنوان «کشوری عمیقاً محافظه‌کار» با «فرهنگی محافظه‌کار» یاد کرده‌اند. اینگونه طبقه‌بندی تنها به رسانه‌ها محدود نمی‌شود. برای نمونه، سیاستمداران زن اروپایی، راضی بوده‌اند تا به ایران سفر کرده و حجاب اجباری بر سر کنند و آن را با «احترام به فرهنگ ایرانی» توجیه کنند. این درک بیگانه با جامعه ایرانی، با داده‌های نادرست گرفته شده از نظرسنجی‌های معمول با روش‌های کهنه‌شده، که باعث می‌شود تا ایرانیان پاسخ‌های صادقانه به آنها ندهند، تشدید شده است. روش‌های معمول و کهنه شده در نظرسنجی‌ها توسط بیشتر بنگاه‌های نظرسنجی، که شامل مصاحبه‌های رو در رو یا تلفنی می‌شود، در نظام‌های شدیداً تمامیت‌خواه کارکرد ندارد؛ به ویژه در جایی که پرسش در مورد مباحث حساس، مانند باور به اسلام و موافقت با قوانین شرعی باشد. هر باور صادقانه‌ای در قبال اینگونه پرسش‌ها، بخوان مخالفت، در کشوری مانند ایران می‌تواند به تشبیه سختی منتهی شود. در نتیجه، اینگونه نظرسنجی‌ها به دلیل دریافت پاسخ‌های نادرست، گمراه‌کننده هستند. همین امر در مورد نظرسنجی‌هایی که برخی در آنها شرکت نمی‌کنند و تنها عده‌ای موافق با رژیم در آن شرکت می‌کنند صادق است؛ چرا که چنین نظرسنجی‌هایی نمی‌توانند گسترده باشند. برای نمونه، در سال ۲۰۲۰، بنیاد «سنجش ارزش‌های جهان» (World Values Survey) گزارش کرده بود که ۹۶/۶ درصد ایرانیان، باورمند به دین اسلام هستند و در سال ۲۰۱۳، مرکز تحقیقات پیو (Pew Research Centre) اعلام کرد که ۸۳ درصد از ایرانیان با اعمال قوانین شرعی موافق هستند. روش‌های برگرفته شده در نظرسنجی‌های معمول و عرفی، این برداشت را به دست می‌دهند که اکثریت

شهرنشینان از طبقه متوسط نسبت داده‌اند. اما داده‌های ما با این روایت در تضاد است.

داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که در میان ایرانیان با سطوح تحصیلی و سواد در حد دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی، گرایش مخالفت با حجاب کمابیش در یک سطح است. ۷۰ درصد در میان سطوح زبردانگاهی، و ۸۰ درصد در سطوح دانشگاهی با حجاب اجباری مخالف هستند. درست بودن این داده‌ها در اعتراضات کنونی دیده می‌شود؛ ما شاهد سوزاندن حجاب، هم در مناطق حاشیه‌ای تهران بزرگ که بافت آن از طبقه متوسط بوده، مانند شهرک غرب، و هم در مناطق جنوبی آن مانند نازی‌آباد، که بافت آن بیشتر از میان طبقه کارگر تشکیل شده هستیم. مردها از زنان حمایت کرده و در مخالفت با حجاب اجباری در کنار آنان ایستاده‌اند. تصاویر زنان و دخترانی که در اماکن عمومی حجاب از سر برمی‌دارند، به نماد مخالفت با رژیم در ایران تبدیل شده و در اعتراضات کنونی ادامه دارد. در حالی که زنان از سال ۲۰۱۷ در پیشاپیش این اعتراضات در ایران قرار داشته‌اند، اما شناخت این نکته که جنبش مخالفت با حجاب اجباری تنها محدود به زنان نمی‌شود نیز اهمیت دارد. در واقع، داده‌های ما نشان می‌دهند که نسبت مردان (۷۱ درصد) با زنان (۷۴ درصد) در مخالفت با اعمال حجاب بسیار نزدیک به یکدیگر هستند. اکثریت قریب به اتفاق مردان ایرانی از حق زن در انتخاب پوشش حمایت می‌کنند. داده‌های ما نیز این دیدگاه پیشرو توسط مردان ایرانی را تأیید کرده و نشان می‌دهد که آنان نیز نسخه پیچیده شده زن‌ستیزی توسط ملایان را خریدار نیستند. مردان ایرانی همراه با زنان به خیابان‌ها آمده‌اند. آنها هم حتماً موهای خود را در این اعتراضات علیه اعمال حجاب اجباری قیچی می‌کنند. حجاب اجباری تنها به حقوق زنان محدود نمی‌شود چرا که نماد یکی از پایه‌های کلیدی حاکمیت تمامیت‌خواهانه در سراسر ایران است.

در نهایت، باور ضدیت با حجاب اجباری، در کانون اعتراضات کنونی در ایران قرار دارد و چنانکه نظرسنجی «گمان» نشان می‌دهد، سراسر جامعه ایران را در بر می‌گیرد. در حالی که تنها ۱۳ درصد از زنان و ۱۷ درصد از مردان از اعمال حجاب اجباری پشتیبانی می‌کنند، اما رژیم حاکم همچنان بر طبل خشونت برای اعمال اجباری آن می‌کوبد. این نشان از ژرف‌تر شدن شکاف میان حکومت و جامعه ایران دارد. بر چنین بستری، خامنه‌ای هرچه بیشتر به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روی آورده تا برای حفظ نظام اقدام کرده و نظم اصولگرایی اسلامی را در جامعه ایران اعمال کند. با وجود این، نبرد ارزش‌ها میان جمهوری اسلامی و جامعه ایران، به حجاب اجباری محدود نمی‌شود. مخالفت با حجاب اجباری، نشان از عرفی و سکولار شدن توده‌ی مردم و رها شدن جامعه ایران از اسارت دینی دارد که گواه آن با شکل رستاخیز کنونی به پهنای ایران در خیابان‌ها دیده می‌شود.

چگونه فرآیند عرفی‌گرایی در حال ایجاد شکاف گسترده‌تر میان حکومت و جامعه است  
از اوایل دهه ۱۹۹۰ جامعه ایران در حال تجربه فرآیند تدریجی عرفی‌گرایی و رها شدن بوده است. با وجود زندگی تحت یک حاکمیت دینی، اهمیت مذهب اما برای مردم ایران در حال کاهش بوده است. امروز شکاف میان جمعیت سکولار و آزاداندیش با رژیم اسلامی تندرو به درجات بی‌سابقه‌ای رسیده است. مخالفت با رژیم، منجر به کشیده شدن مردم به خیابان‌ها گشته، تا جایی که روند اعتراضات ضدحکومتی در دامنه و تکرار آن در حال گسترش بوده، و متقابلاً با سرکوب وحشیانه رژیم برای

→ در حالی که جوانان، از هر دو نسل، دهه هشتادی‌ها و دهه هفتادی‌ها، و حتی یک نسل پیشتر، در صفوف مبارزه علیه رژیم در خیابان‌ها هستند، و با برداشتن حجاب از سر، نمادی مشترک را به نمایش می‌گذارند، اما مبارزات آنان بدون حمایت از سوی نسل‌های پیشتر از آنها نیست. نظرسنجی «گمان» آشکار می‌کند که گروه‌های سنی گوناگون در ایران در مخالفت با حجاب اجباری همقدم هستند. در نمایشی از یک همبستگی بی‌سابقه، ۷۸ درصد از ایرانیان بین سنین ۲۰ تا ۲۹ سال، ۶۸ درصد بین سنین ۳۰ تا ۴۹ سال، و ۷۴ درصد بالای سن ۵۰ سال، با اعمال حجاب اجباری مخالف هستند. فیلم‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی از زنان با سنین متفاوت، که در حمایت از جنبش اعتراضی ضد حکومتی حجاب از سر برمی‌دارند، اعتبار و درست بودن داده‌های ما را تأیید می‌کند.

### در نظرسنجی «گمان» از شرکت‌کنندگان پرسیده شد آیا حجاب در اماکن عمومی باید اجباری باشد؟



گرایش‌های فکری مخالف با حجاب اجباری، در میان تمامی طبقات اجتماعی و در سراسر مناطق جغرافیایی ایران وجود دارد. در سال ۲۰۱۷ زمانی که جنبش ضد حجاب اجباری به نمادی از مخالفت با رژیم تبدیل شد، مفسران برجسته غربی ادعا کردند که این جنبش محدود به طبقه متوسط ساکن در شهرهای بزرگ ایران است. چنین تفسیری، ادامه دیدگاهی کلیشه‌ای از جامعه ایران است که باور دارد روستائیان و طبقه کارگر ایران محافظه‌کار بوده در نتیجه از رژیم و سیاست‌های آن حمایت می‌کنند. برای نمونه، در گزارشی که در سال ۲۰۱۸ توسط «دویچه وله» منتشر شد، کامیل احمدی پژوهشگر بریتانیایی ایرانی‌تبار ابراز کرده بود: «حجاب در شهرهای کوچک و روستاها مسئله‌ساز نبوده و تنها به زنان امروزی در شهرهای بزرگ محدود می‌شود.»

با وجود ابراز چنین دیدگاهی کلیشه‌ای، داده‌های ما همبستگی ساکنین شهرها و روستاهای ایران در مخالفت با حجاب اجباری را آشکار می‌کند. در میان ایرانیانی که در شهرها زندگی می‌کنند، ۷۴ درصد با حجاب اجباری مخالف هستند و در میان روستائیان، این آمار ۶۶ درصد است. اعتراضات کنونی در ایران، گواه معتبر بودن این آمار است چرا که این اعتراضات در هر دو مناطق روستایی و شهری دیده می‌شود. این گرایش مشترک، در میان طبقات گوناگون اجتماعی در ایران نیز دیده می‌شود. به این نکته مهم نیز می‌بایست اشاره شود که سطح تحصیلات نیز، اغلب معرف پایگاه طبقاتی اجتماعی در ایران محسوب می‌شود. در این مورد نیز، اندیشمندان در غرب کژفهمی مشابهی را در مورد رابطه حجاب اجباری با میزان تحصیلات در ایران از خود نشان می‌دهند. برای نمونه، در مقاله‌ای که توسط طاهره هادیان- جازی در «شورای آتلانتیک» انتشار پیدا کرد، او ادعا می‌کند: «اعتراضات در مورد حجاب در ایران، پدیده‌ای متعلق به طبقه متوسط است.»

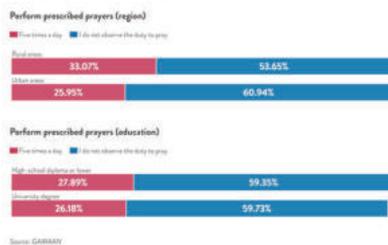
چنین دیدگاه‌هایی یکبار دیگر در حال اشاعه در اعتراضات کنونی هستند. در اکتبر ۲۰۲۲، «تایمز مالی» گزارش کرد که این حس و شور، توسط اعتراض‌کنندگانی دامن زده می‌شود که از طبقات متوسط شهرنشین، متمول و تحصیلکرده هستند. روایت‌ها در غرب همواره میان اعتراضات مبتنی بر دلایل اقتصادی و حجاب اجباری در ایران تفاوت‌گذاری کرده و اولی را به روستائیان و طبقه کارگر، و دومی را محدود به

دبیرستانی یا کمتر تحصیل کرده‌اند، رقمی بسیار نزدیک، یعنی ۲۳ درصد است.

کاهش باورمندان مذهبی در ایران، با شمار پایین نمازخوانان نیز آشکار می‌شود. تنها ۲۶ درصد از ایرانیان در مناطق شهری، و ۳۳ درصد در مناطق روستایی به اجرای این نسخه پیچیده شده اسلامی باورمند هستند. اصولاً حمایت از هر نسخه پیچیده شده توسط جمهوری اسلامی، چه در میان شهرنشینان ایرانی چه روستایی، در حال افول است. همچنین ۲۶ درصد از ایرانیان با درجه تحصیلی لیسانس پنج بار در روز نماز می‌گزاردند، در حالی که این رقم در مورد کسانی که سطح تحصیلات آنها تا دیپلم دبیرستانی است، ۲۸ درصد است. این آمار آشکار می‌کند که فرآیند عرفی‌گرایی جامعه ایران در هر دو مناطق روستایی و شهری رو به پیشرفت دارد.

### در نظرسنجی «گمان» از شرکت کنندگان از مناطق گوناگون با داشتن سطوح متفاوت تحصیلی پرسیده شد به وظیفه نماز خواندن وفادار هستند یا نه؟

Figure 4 - Respondents from different regions and with different education levels were asked how often they performed prescribed prayers



داده‌های ما با روند اعتراضات جاری که از سال ۲۰۱۷ / ۱۳۹۶ آغاز شد همخوانی دارد؛ همان زمانی که اولین شعله‌های اعتراضات ضد حکومتی در مناطق روستایی ایران با پیشگامی کشاورزان و کارگران آن مناطق شعله‌ور شد. این اعتراضات، طبق معمول، به نارضایتی‌های اقتصادی نسبت داده شد و بعد فرآیند عرفی و آزادخواهانه آن از نظرها دور ماند. شوق آزادیخواهی بیشتر از سوی مفسران و تحلیلگران منحصراً به طبقه متوسط ارتباط داده شده تا به اقشار روستایی و یا تهیدست!

در حالی که پرواضح است، کارگران و زحمتکشان زیر بار فشار از نابسامانی‌های اقتصادی کمر خم کرده‌اند، اما داده‌های ما نشان می‌دهند که حمایت بی‌سابقه‌ای از ارزش‌های عرفی در میان طبقات کارگر ایران نیز در حال رشد بوده است. این می‌تواند بخشی از توضیح در مورد پیدایش رو به افزایش شعارها و دیوارنویسی‌های ضد حکومت از سال ۲۰۱۷ به اینسو باشد که خواهان فروپاشی نظام بوده و نه صرفاً محدود به خواست‌های اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی.

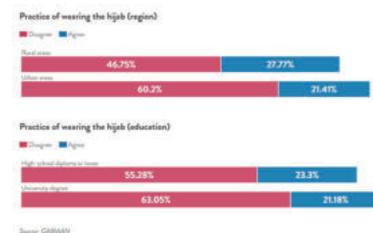
محاسبات غربی‌ها در ارزیابی جامعه ایران بر پایه دانش میدانی و بر اساس اطلاعات و داده‌های واقعی نبوده و برداشت آنها، همچنان بر بستر گسست در جامعه ایران در امتداد خطوط مذهبی استوار بوده است. این می‌تواند توضیحی برای تعلل آنها در پذیرش درجات بالای عرفی‌گرایی در جامعه ایران باشد. از سوی دیگر، این عدم درک از جامعه ایران سبب شده تا دولت‌های غربی درجات عرفی‌گرایی در اعتراضات کنونی ایران و حمایت از پیشروی آن در تمامی استان‌های کشور را اشتباه ارزیابی کنند. نظرسنجی‌های به انجام رسیده توسط «گمان» همراه با شاهدان میدانی و تحلیل‌های بنیاد ما، قادر به دادن پاسخ برای آن هستند.

در مقایسه با گذشته، امروز مردان و با همان

روستایی، و طبقات اجتماعی اتفاق افتاده است. روایت‌های متداول در غرب این شبهه را به دست می‌دهند که مناطق روستایی ایران بطور محافظه‌کارانه‌ای مذهبی بوده و بنابراین، از آنجا که از نسخه‌پیچی‌های رژیم حمایت می‌کنند، پس از زمره پایگاه‌های آن به شمار می‌روند. همین روایت در مورد کم‌سوادان و شهروندانی که از درجات پایینی از تحصیلات برخوردارند و در کل از آنها به عنوان هواداران جمهوری اسلامی یاد شده و یا به عبارت دیگر، «مستضعفان» خوانده می‌شوند، تکرار می‌شود. در واقع، انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، اغلب از سوی رهبران مذهبی در ایران، انقلاب «مستضعفان» خوانده می‌شد چرا که آرمان‌های طبقه کارگر و روستائیان را برای زندگی با ارزش‌های اسلامی محقق کرد. این نظریه که روستائیان و ایرانیان کمتر تحصیل‌کرده عمیقاً مذهبی بوده، در حالی که شهرنشینان و ایرانیان تحصیل‌کرده مذهبی نیستند، اساس درک دوقطبی بودن جامعه ایران توسط آنها بوده و دائماً بر آن تأکید می‌شود. این درک بطور عام در غرب، با نحوه لباس پوشیدن زنان به تصویر کشیده می‌شود. برای نمونه، پوشیدن چادر سیاه، که محافظه‌کارترین نوع پوشش اجباری اسلامی در ایران محسوب می‌شود، به شکل کلیشه‌ای به پوشش عادی زنان در مناطق روستایی نسبت داده می‌شود. در سال ۲۰۱۵ روزنامه «تلگراف» گزارشی منتشر کرد که در آن آمده بود: «در مناطق روستایی ایران که از لحاظ مذهبی محافظه‌کار هستند، پوشیدن چادر عمومیت داشته و امری عادی است». برای نمونه، در سمیناری که در دانشگاه جانز هاپکینز تحت عنوان «بازاندیشی در مورد ایران» برگزار شد، تارا کنگرلو یک گزارشگر مسائل و امور جهانی، ادعا کرده بود که «هرچه بیشتر به مناطق روستایی نزدیکتر می‌شوید، مردم مذهبی بیشتری را خواهید یافت». در جای دیگری، کنگرلو قید کرده بود: «مناطق شهری مدرن جامعه ایران، با داشتن ساکنان تحصیل‌کرده، مذهبی نیستند».

### در نظرسنجی «گمان» از شرکت کنندگان از مناطق گوناگون با داشتن سطوح متفاوت تحصیلی پرسیده شد به پوشش حجاب باور دارند یا نه؟

Figure 3 - Respondents from different regions and with different education levels were asked if they believed in the practice of wearing the hijab



نظرسنجی اما نشان می‌دهد که موج فرآیند عرفی‌گرایی در ابعاد توده‌ای، در میان تمام طبقات اجتماعی، و در مناطق روستایی و شهری در ایران رخ داده است. تا جایی که به مذهبی بودن مربوط می‌شود، تفاوتی چشمگیر میان ایرانیان روستایی و شهری وجود ندارد. در هر دو مناطق، مخالفت با حجاب اجباری در ابعادی مطرح است که اکثریت مردم را در بر می‌گیرد. پیروی از رعایت حجاب در مناطق روستایی ایران ۲۸ درصد، و در مناطق شهری ۲۱ درصد است؛ اختلاف تنها ۷ درصد میان دو منطقه. همچنین، نظرسنجی «گمان» آشکار می‌کند که نقش مذهب در زندگی ایرانیان با درجات متفاوت تحصیلی نیز بی‌اهمیت شمرده می‌شود. باورمندی به رعایت حجاب در میان ایرانیان تحصیل‌کرده با درجه لیسانس ۲۱ درصد، و در میان آنهایی که تا حد دیپلم

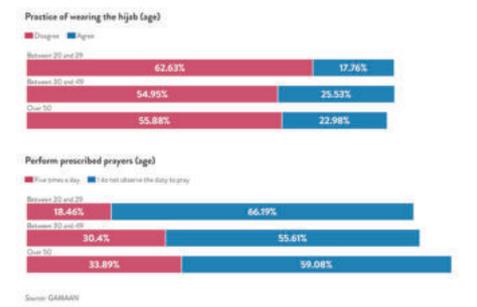
→ قریب به اتفاق ایرانیان مذهبی هستند. اما این ادعا با اطلاعات میدانی که بنیاد ما در عمل از ایران به دست آورده در تضاد است چرا که بنیاد ما تحلیل عرفی شدن و وقوع اعتراضات در خیابان‌های ایران را از سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ پیش‌بینی می‌کرد.

برای سنجش رویکرد جامعه ایران به سوی عرفی شدن، به ویژه در گستره‌های متفاوت جغرافیایی، نظرسنجی ما از ایرانیان پرسیده بود که آنها تا چه اندازه به احکام دین اسلام پایبند هستند. پرسش‌های مشخصی نیز در ارتباط با رعایت حجاب و نماز خواندن پنج بار در روز مطرح شدند. در حالی که برخی ادعا می‌کنند که موج عرفی‌گرایی در ایران مشخصاً در بین گروه اجتماعی ویژه‌ای به حرکت درآمده، اما داده‌های ما ثابت می‌کند که اهمیت مذهب در تمام پهنای ایران بطور فزاینده رو به کاهش بوده است.

اگرچه جوانان نیروی محرکه جامعه ایران به سوی عرفی‌گرایی هستند، اما نسل‌های پیش از آنها نیز در حال غیرمذهبی شدن هستند. با وجود کم اهمیت شدن نقش مذهب در ایران، جهان غرب اما، هنوز طبق کلیشه‌های شرق‌شناسان، جامعه این کشور را ذاتاً مذهبی قلمداد می‌کند. در سال ۲۰۲۰، کانال خبرسانی «فرانس ۲۴» جامعه ایران را ازهم‌گسیخته و ناهمگون خواند. این خبرگزاری بین‌المللی، نسل‌های سالمند و پا به سن گذاشته را مذهبی، و نسل‌های جوان را دگراندیش و مخالف قوانین و مقررات سختگیرانه حکومت دانست، که سودای دگرگونی و آرزوی داشتن روابط بهتری با غرب را در سر می‌پروراند.

با وجود این، داده‌ها به ما نشان می‌دهند که اندیشه‌های مذهبی در تمامی گروه‌های سنی در ایران رو به افول است. اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان، دیگر پنج بار در روز نماز نمی‌گزاردند، یا باور به پوشش حجاب ندارند. این داده‌ها آشکار می‌کنند که باور به داشتن حجاب، تنها در اقلیت کوچکی متداول بوده و از این جهت نمی‌توان آن را بخشی از بافت فرهنگی ایران دانست. تنها ۱۷ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی، بین سنین ۲۰ تا ۲۹، و ۲۶ درصد بین سنین ۳۰ تا ۴۹، و ۲۳ درصد بالای سن ۵۰ سال باورمند به پوشش حجاب هستند. بازتاب این روند را می‌توان در مورد اصل نماز گزاردن نیز در پهنای جامعه ایران مشاهده کرد. تنها ۱۸ درصد از شرکت کنندگان در نظرسنجی بین سنین ۲۰ تا ۲۹، ۳۰ درصد بین سنین ۳۰ تا ۴۹، و ۳۴ درصد بالای سن ۵۰ سال، پنج بار در روز نماز می‌گزاردند. برخلاف نظری که معتقد به وجود ازهم‌گسیختگی و ناهمگونی در جامعه ایران است، کاهش این وظایف مذهبی در میان تمامی نسل‌های ایران اتفاق افتاده است. این شامل نسل‌هایی می‌شود که در انقلاب سال ۱۹۷۹ شرکت داشتند. ۵۹ درصد از شرکت کنندگان، بالای سن ۵۰ سال، که شامل نسل انقلاب می‌شود، پنج بار در روز نماز نمی‌گزاردند.

### در نظرسنجی «گمان» از سنین مختلف پرسیده شد آیا به داشتن حجاب و گزاردن نماز باور دارند یا نه؟



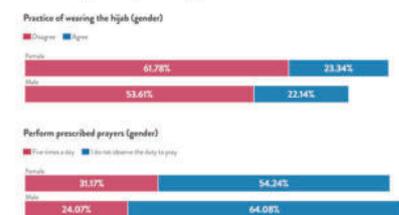
چرخش به این‌جهانی شدن در تمام مناطق شهری و

نسبت زنان ایران، اهمیت کمتری برای مذهب قائل هستند. بر اساس زمینه‌های فراهم شده در اعتراضات کنونی، رسانه‌های غربی تصویری از زنان ایرانی ارائه می‌دهند که کلیشه‌های «فرهنگ محافظه‌کارانه ایران» و «تبعیض اجتماعی» به مثابه «فرهنگ جامعه» را به چالش کشیده‌اند. با اینهمه هنوز روایت‌های غربی ارزش‌های عرفی و آزادیخواهانه در مردان ایرانی را نمی‌بیند. نکته مهم در این است که نایست ترکیب و چیدمان مذکر رژیم اسلامی را با عقاید مردان ایرانی در یک ظرف قرار داد. نظرسنجی ما نشان می‌دهد که مردان ایرانی به همان درجه به عرفی‌گرایی سوق داده شده‌اند که زنان.

داده‌های ما نشان می‌دهند که مردان و زنان ایرانی به یک میزان از گرایش‌ها و ارزش‌های محافظه‌کارانه مذهبی اسلامی رویگردان شده‌اند. در یک تراز بسیار نزدیک بهم، تنها ۲۳ درصد از زنان، و ۲۲ درصد از مردان باور به رعایت حجاب دارند. به همین منوال، اکثریت قریب به اتفاق مردان و زنان ایرانی تمایلی به نماز خواندن ندارند؛ تنها ۳۱ درصد از زنان، و ۲۴ درصد از مردان خریدار نسخه‌های پیچیده شده مذهبی حکومت هستند؛ مردان کمتر از زنان! مردان و زنان ایرانی در فرایند عرفی‌گرایی دوشادوش یکدیگر به پیش می‌روند. این نه تنها عدم تمکین به دستورات دینی از سوی مردم ایران در مقیاسی گسترده را آشکار می‌سازد، بلکه حاکی از آن است که تنها اقلیتی از جامعه ایران وفادار به دین اسلام هستند. در واقع، ایرانیان اغلب خود را «مسلمان‌زاده» می‌نامند. تمامیت‌خواهی رژیم با نام اسلام، و اعمال خشن احکام اسلامی، نه تنها مخالفت با رژیم را موجب شده، بلکه باعث آن شده تا مردم از دین‌گریزان شده و هرچه بیشتر در فرایند عرفی‌گرایی حرکت کنند.

### در نظرسنجی «گمان» از زنان و مردان پرسیده شد، به حجاب هستند باور دارند و نماز می‌خوانند یا نه؟

Figure 5 – Women and men were asked whether they believed in the practice of wearing the hijab and how often they performed prescribed prayers



داده‌های نظرسنجی «گمان» با آنچه ما امروز در صحنه اعتراضات در ایران مشاهده می‌کنیم تطبیق دارد. امروز، جامعه ایران بایستگی و اهمیت بیشتری برای ارزش‌های فرهنگی پیش‌اسلامی و جشن‌های و آیین‌های عرفی ایرانی مانند شب یلدا، روز کوروش بزرگ و روز عَشا که شناخت بین‌المللی نیز از آنها وجود دارد، قائل است. با اینکه رژیم بارها تلاش کرده تا با مانع‌تراشی در برابر برگزاری اینگونه مراسم، فرهنگ ایرانی را از همه لحاظ به سوی اسلام‌گرایی بکشاند، اما هر بار بر شمار ایرانیانی که فعالانه در این جشن‌های عرفی حضور پیدا می‌کنند اضافه می‌شود. این موضوع، در طول ۴۰ سال گذشته به روشنی آشکار بوده. تلاش‌های رژیم برای جایگزینی نوروز باستانی، و سال نو ایرانی با سال نو اسلامی، همواره با شکست کامل مواجه بوده است. نوروز که به پیش از ظهور اسلام در ایران بازمی‌گردد، بیش از هر مراسم ایرانی دیگری جشن گرفته می‌شود. سیاست‌گذاران بین‌المللی، نایست شکاف فرهنگی

میان جمهوری اسلامی و مردم ایران را به مثابه یکی از نیروهای محرکه اعتراضات در خیابان‌های ایران دست‌کم گرفته و از نظر دور بردارند.

کاهش اهمیت مذهب در میان تمامی اقشار ایران گسترده و آشکار است. با وجود این، سیاست‌گذاران غربی و رسانه‌های بین‌المللی، هنوز با رویکردی شرق‌شناسانه به جامعه ایران نگاه می‌کنند. ادامه به تصویر کشیدن ایران به عنوان یک کشور مذهبی و محافظه‌کار، باعث شده تا غرب دامنه خواست‌ها و ارزش‌های آزادیخواهانه مردم ایران، و به همان میزان ماهیت مخالفت‌های مردمی از سال ۲۰۱۷ / ۱۳۹۶ به اینسو را نادرست محک بزند. نظرسنجی ما به روشنی نشان می‌دهد که ارزش‌ها و به کار بستن احکام اسلامی توسط بخش چشمگیری از جامعه ایران دیگر رواج ندارد. همین نکته، پیشرفت فرآیند عرفی شدن و سکولاریزاسیون جامعه ایران را تأیید می‌کند.

این واقعیت که اعتراض‌کنندگان ایرانی در خیابان‌ها زندگی با داشتن یک حکومت مذهبی را پس زده و خواهان سرنگونی آن هستند، گواه از پیشرفت بی‌سابقه فرایند عرفی‌گرایی در جامعه ایران دارد. ایرانیانی که خواهان تغییر رژیم هستند، قریب به اتفاق غیرمذهبی و عرفی‌گرا هستند. نظرسنجی ما نشان می‌دهد که ۷۵ درصد ایرانیانی که خواهان تغییر رژیم هستند، پدیده دین در زندگی خود را بی‌اهمیت می‌شمارند. این تأیید می‌کند که انگیزه‌های اعتراضات ضدحکومتی ایرانی‌ها از پنج سال گذشته تا کنون، کانونی از عرفی‌گرایی در خود داشته است. قوانین شرعی، هسته مرکزی و وجودی رژیم مذهبی را تشکیل می‌دهد. این همان دلیلی است که ایرانیان خواستار اصلاحات در این رژیم نبوده، بلکه به دنبال عبور از تمامیت آن هستند.

اما سیاست‌گذاران غربی و رسانه‌های بین‌المللی هنوز کانون توجه خود را بر روی خواسته‌های ضد حجاب اجباری توسط اعتراض‌کنندگان نگه داشته و به این می‌اندیشند که ایرانیان خواستار اصلاحات در قانون حجاب اجباری هستند. نکته‌ای که به آن توجه نمی‌شود آنست که حجاب اجباری معنایی بیش از یک تکه پارچه بر سر زنان در جمهوری اسلامی دارد. حجاب، یکی از ستون‌های اصلی رژیم و آشکارترین تجلی نهاد و مکتب اسلام‌گرایی، و برای موجودیت آن، یک امر کلیدی به شمار می‌رود. خود رژیم این را می‌داند. در سال ۲۰۱۵، در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی، که به اصطلاح یک اصلاح‌طلب شمرده می‌شود، آیت‌الله مکارم شیرازی، یکی از مقامات بلندپایه رژیم اظهار کرد: «با از بین رفتن حجاب، نظام اسلامی هم نابود می‌شود». هم رژیم مذهبی، و هم مردم ایران حجاب اجباری را یکی از ارکان اصلی جمهوری اسلامی می‌دانند. دقیقاً به همین خاطر است که مخالفت با حجاب اجباری در اعتراضات کنونی، معنی دیگری جز خواست سرنگونی رژیم توسط مردم را ندارد.

### چرا مخالفت با حجاب اجباری نمادی برای سرنگونی رژیم است؟

نه تنها مخالفت با حجاب اجباری نمادی از خواست مردم ایران برای تغییر رژیم است، بلکه خواست سکولاریسم و آزادیخواهی آنان نیز در شعار اصلی اعتراض‌کنندگان تبلور یافته است: «زن، زندگی، آزادی». این سه عنصر دقیقاً همان چیزی هستند که رژیم تلاش داشته در طول ۴۳ سال گذشته آنها را پایمال کند. مردم ایران واقف شده‌اند که خواست‌های خود را در جمهوری اسلامی و بر بستر مذهبی و مسلک رژیم حاکم نمی‌توانند تحقق ببخشند. تمام موجودیت جمهوری اسلامی بر پایه اصل ولایت

فقیه، و اعمال و گسترش قوانین شرعی بنا شده است. بر پایه چنین اصلی که توسط خمینی پدید آمد و در قانون اساسی جای گرفت، به ولی فقیه اختیار قانونی داده شده تا اقتدار مطلقه‌ی خود را به «نماینده‌ی خدا بر روی زمین» و به نیابت از امام دوازدهم شیعیان، که به باور پیروان آن از ۱۱۷۵ سال پیش غیب شده اعمال کند. طبق این قاعده، وظیفه جمهوری اسلامی آنست تا مقدمات بازگشت و ظهور امام دوازدهم را با اسلامی کردن جامعه و گسترش مرزهای اسلام از طریق صدور انقلاب اسلامی به تمامی جهان مهیا کند. حذف هرگونه آرمان و پسند غیراسلامی، شامل عرفی‌گرایی و آزادیخواهی، در هسته مرکزی موجودیت و عزم رژیم قرار دارد. پر واضح است که رژیم جمهوری اسلامی نه تنها مخالف سکولاریسم بلکه عملاً با آن دشمنی داشته و رهبران روحانی رژیم خود را در برابر خدا موظف به نابودی آن می‌دانند.

به این ترتیب خواست‌های عرفی اعتراض‌کنندگان هیچگاه با وجود جمهوری اسلامی به تحقق نخواهد پیوست و این واقعیت در اعتراضات جاری ضد حکومتی به روشنی آشکار است. در حالی که برخی مفسران غربی بر این باور بوده‌اند که تغییر در قانون حجاب اجباری ممکن است اعتراض‌کنندگان را تسکین داده و آرام کند، اما آنچه نظرسنجی «گمان» نشان می‌دهد آنست که این خیزش کنونی در مقابله با حجاب اجباری توسط ملت ایران، سرآغاز مرحله تازه‌ای از تاریخ مبارزات مردم ایران برای به دست آوردن آزادی است و ما صرفاً شاهد نوک کوه یخ هستیم. خواست‌های عرفی آنان تنها برای برپیده شدن حجاب اجباری نیست؛ آنها تمامیت و کل نظام جمهوری اسلامی را به چالش کشیده‌اند. مخالفان حجاب اجباری خواهان تغییر رژیم با یک سامانه حکومتی عرفی هستند. نظرسنجی «گمان» نشان می‌دهد که ۸۴ درصد از آنها یکی که مخالف حجاب اجباری هستند، خواهان زندگی در یک حکومت عرفی هستند و از آنجا که تحت حاکمیت جمهوری اسلامی چنین امری غیرممکن است، سرنگونی آن را تنها راه برای رسیدن به اهداف عرفی خود می‌بینند. پس مخالفت با حجاب اجباری، با سرنگونی رژیم رابطه مستقیم دارد. روند تازه‌ای از مخالفت با رژیم که از سال ۲۰۱۷ / دی‌ماه ۱۳۹۶ با برداشتن حجاب از سر زنان آغاز شد، مظهر تأییدی است بر این واقعیت. آنچه ما امروز شاهد آن هستیم، ادامه آن روند، اما با ابعادی بسیار گسترده‌تر است. تمام شواهد نشان از آن دارند که این روند با ابعادی رو به افزایش ادامه خواهد داشت.

اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان با اعمال حجاب اجباری مخالف هستند. اهمیت دین در جامعه ایران رو به کاهش است؛ چرا که پوشش حجاب و نماز خواندن رو به کاهش گذاشته است. با وجود این، جمهوری اسلامی به طرز خشونت‌باری خواهان ادامه سیاست‌های خود در مقابل جمعیتی عرفی‌گرا و آزادیخواه است. شکاف رو به افزایش میان حکومت و اجتماع در حال رخ دادن در خیابان‌های ایران است؛ جایی که خواست‌های ملت ایران به عنوان آنتی‌تز نظام جمهوری اسلامی عمل می‌کند. اما تغییر حکومت در متن ایران به چه مفهوم است؟ چرا تغییر رژیم بجای اصلاحات؟ اعتراض‌کنندگان با تغییر رژیم خواستار به دست آوردن چه هستند؟ حمایت از اعتراض‌کنندگان در پهنای ایران تا چه اندازه است؟ و مردم سالاری عرفی تا چه میزان در این کشور طرفدار دارد؟

\*منبع: بنیاد تونی بلر برای دگرگونی جهانی  
\*نویسندگان: کسرا اعرابی و چیمبا شلی  
\*ترجمه و تنظیم: داریوش افشار



عکس هفته | مهران سماک ۲۷ ساله به جرم شادی به خاطر باخت تیم غیرملی به تیم آمریکا در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۲ قطر  
با شلیک مستقیم نیروهای جمهوری اسلامی در بندر انزلی کشته شد